

پرتوی از وحی

(نور من الوحي)

جلد اول

ترجمه:

گروه علمی فرهنگی مجموعه موحدین

عنوان کتاب:

پرتوی از وحی (جلد اول)

عنوان اصلی:

نور من الوحي

ترجمه:

گروه علمی فرهنگی مجموعه موحدین

موضوع:

قرآن - علوم قرآنی و تحقیقات و مطالب قرآنی

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

شهریور (سنبله) ۱۳۹۶ ه.ش - ذوالحجه ۱۴۳۸ ه.ق

منبع:

کتابخانه قلم www.qalamlib.com



این کتاب از سایت کتابخانه قلم دانلود شده است.

www.qalamlib.com

book@qalamlib.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.qalamlib.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

محتوای این کتاب لزوماً بیانگر دیدگاه سایت کتابخانه قلم نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه نویسنده آن است.

پرتوی از وحی

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا أَلَكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾﴾ [الشورى: ٥٢].

«و این گونه بر تو (ای پیامبر) روحی (= قرآن کریم) را به فرمان خودوحی کردیم، تو (پیش از این) نمی دانستی کتاب و ایمان چیست، ولی ما آن را نوری قرار دادیم، با آن هر کس از بندگان مان را که بخواهیم، هدایت می کنیم، و مسلماً تو (ای پیامبر) به راه راست هدایت می کنی.»

﴿وَاللَّجُمِ إِذَا هَوَىٰ ﴿١﴾ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ﴿٢﴾ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٣﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴿٤﴾﴾ [النجم: ١-٤].

«سوگند به ستاره چون فرود افتد، (که) یار شما (= محمد ﷺ) گمراه نشده و راه را گم نکرده است، و از روی هوای نفس سخن نمی گوید. این نیست جز آنچه به او وحی می شود (و بجز وحی چیزی نمی گوید)».

﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّآ أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٣٢﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾﴾ [التوبة: ٣٢-٣٣].

«(آن ها) می خواهند نور الله را با دهان خود خاموش کنند، و الله ابا می کند، مگر اینکه نورش را کامل (و تمام) کند، اگر چه کافران کراهت داشته باشند. او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین ها غالب گرداند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند».

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا، سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ، يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ، وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ، إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَعَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَالرَّحْمَةُ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ». (صحیح مسلم).

«کسی که راهی بپیماید تا دانشی بیاموزد، خداوند راه بهشت را بر وی آسان می‌گرداند، هرگاه گروهی در یکی از خانه‌های خدا گرد هم آیند و کتاب خدا (قرآن) را تلاوت کنند و به درس و مذاکره آن پردازند، آرامش روحی بر آنان نازل می‌شود، رحمت الهی آنان را فرا می‌گیرد، فرشتگان پیرامون آنان حلقه می‌زنند و خداوند در ملاء اعلی از آنان یاد می‌کند».

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مقدمه	۱
بدون تردید، قرآن، کلام الله آفریدگار سبحان است، همو که ما و همه چیز را آفرید	۴
الله کتابش را از فزونی و کمی حفظ می کند تا مایه هدایت مردم باشد	۶
الله کتابش را مایه هدایت کسانی که خواهان هدایت هستند قرار داده است و	
افراد مغرور و ستیزه جو از این امر بی بهره هستند.....	۶
کلمات قرآن معانی واضحی دارند؛ زیرا کتابی هدایت کننده است که هر کس آن را	
بخواند می فهمد.....	۹
الله جل في علاه از مخلوقاتش می خواهد که با شناختی واقعی و بر اساس علم	
صحیح او را بشناسند.....	۱۰
الله رسولان را فرستاد و آنان را با معجزات دلالت کننده بر راستگویی شان	
پشتیبانی کرد.....	۱۲
قرآن دلیلی درخشان تا برپایی قیامت است که بر راستگویی محمد ﷺ دلالت	
می کند	۱۷
علم صحیح از وحی گرفته می شود و همان چیزی است که الله یا رسولش ﷺ	
فرموده اند.....	۱۹
الله سبحانه در قرآن کریم، خودش را چگونه توصیف می فرماید؟	۲۲
پیروان باطل آنچه را خدا برای بندگانش می خواهد نمی پسندند. بلکه دوست دارند	
که ریاست شان باقی بماند و مردم از آنان پیروی کنند و آنان را به عنوان	
واسطه های رسیدن به الله و آمرزش و بهشت او قرار دهند	۲۵
الله مردگان را زنده می کند و کسانی را که در قبرها هستند برمی انگیزاند	۳۱

- او تعالی به عدالت و نیکوکاری و خوش اخلاقی فرمان می‌دهد و از هر امر ناپسندی نهی می‌کند..... ۴۳
- الله به تنهایی مالک سود و زیان است ۵۵
- شفاعت، بخششی است که الله به هریک از مخلوقاتش که بخواهد عطا می‌فرماید و این امر، ذره‌ای از ملک الله نمی‌کاهد ۶۰
- سرانجام مشرکان ۶۴
- وسیله مشروع برای دستیابی به خشنودی الله و رسیدن به بهشت ۶۵
- الله ما را آفرید تا او را بپرستیم و زندگی دنیا تا زمان مرگ را فصل عمل و آزمایش و پس از مرگ را، زمان حسابرسی و جزا قرار داد ۶۸
- الله سبحانه بیان فرموده که فقط آفریدگار، سزاوار عبادت است ۷۱
- عبادت الله با اعمال قلبی و اعمال جوارح محقق می‌شود ۷۲
- معنای لا إله إلا الله ۷۳
- پاسخ به مشرکان ۷۸
- شروط پذیرش عمل ۸۱
- محمد ﷺ برترین پیامبر و هدایتش برترین هدایت است ۸۴
- محمد ﷺ مانند قومش انسانی است که الله با رسالت او را برگزید و به او عزت بخشید ۹۵
- مؤمنان واقعی الله، از محمد ﷺ پیروی می‌کنند و در همان راهی که پیامبر و اصحاب نخستین او از مهاجران و انصار رفتند و به خاطر آن جهاد کردند، حرکت می‌کنند ۱۰۲
- الله همسران پیامبر را نیز عزت بخشید ۱۰۹
- منافقان، بیش از دیگران در قرآن توصیف شده‌اند ۱۱۲
- مساجد، خانه‌های الله هستند و الله به بهترین نحو آنها را در کتاب خویش توصیف فرموده است ۱۲۵
- الله سبحانه فرمود که کافران با وجود اختلاف مذاهبشان، ضد پیروان ایمان و حقیقت، متحد هستند ۱۳۲
- اسباب رفع بلا و تسلط دشمنان ۱۳۴

- اسلام، دین مهرورزی و صلح و عدالت و دعوت به نیکی است..... ۱۴۲
- کسی که حق برایش آشکار شود، چه کاری باید انجام دهد؟..... ۱۴۶
- مؤمنان در دعوت به سوی الله و امر به معروف و نهی از منکر به یکدیگر یاری می‌رسانند و هنگام اختلاف، با یکدیگر دشمنی نمی‌کنند؛ زیرا با هم دوست هستند..... ۱۴۸
- جامعه مؤمن، جامعه‌ای پاک است؛ زیرا مؤمنان زنا نمی‌کنند..... ۱۵۷
- الله به جای زنا، نکاح را که از آن بهتر است برای مؤمنان برگزید..... ۱۵۸
- مؤمن می‌داند که حکم الله، بهترین حکم است..... ۱۶۲
- حجابی که الله زنان مؤمن را بدان فرمان داده است، چیست؟..... ۱۶۵
- برخی از منافقان برای گمراهی مسلمانان، به صراحت به زنا فرامی‌خوانند و عنوان دیگری برایش قرار می‌دهند..... ۱۶۹
- صفت پیمان محکمی که باعث حلال شدن زن برای شوهرش می‌شود..... ۱۷۰
- نماز، دومین رکن اسلام..... ۱۷۳
- رکن سوم: زکات..... ۱۸۲
- رکن چهارم: روزه..... ۱۸۸
- رکن پنجم: حج..... ۱۹۰
- ذکر الله، دل را آرام و استوار می‌سازد، غم و اندوه را از سینه می‌زداید، و مؤمن چنان احساس امنیت می‌کند که دیگر نمی‌ترسد و الله او را از نیرنگ مردم محافظت می‌کند..... ۱۹۶
- برخی اذکار وارده در قرآن کریم..... ۱۹۹
- بعضی دعا‌های قرآنی..... ۲۰۱
- احادیث پیامبر که دین الله را توضیح می‌دهند، تا زمانی که دین باقی است، باقی هستند..... ۲۰۹
- احادیث صحیح رسول الله را که تبیین‌کننده دین الله هستند چگونه بشناسیم؟..... ۲۱۱

مقدمه

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده وبعد:

الله متعال ما را آفرید تا او را عبادت کنیم و قرآن را به عنوان آخرین کتاب خویش بر آخرین رسولش محمد ﷺ نازل فرمود و آن را مایهٔ هدایت مردم قرار داد که مردم را به سوی آفریدگارشان هدایت می‌کند...

الله سبحانه موضوعات زیر را در قرآن بیان فرموده است: اسماء و صفات و افعال الله متعال، قصص و اخباری که خدا برای مردم تشریح و حکایت فرموده، ادله و براهینی را که هیچ‌گونه شکی باقی نمی‌گذارد که قرآن کلام خداست و کلام هیچ‌یک از مخلوقاتش نیست و هیچ‌کس نمی‌تواند تغییری در آن ایجاد کند یا چیزی بر آن افزوده یا چیزی از آن کم کند؛ زیرا خداوند حفاظت قرآن را بر عهده گرفته است تا نوری باشد که مخلوقات را به سوی آفریدگارشان هدایت می‌کند...

الله متعال قرآن را بر بنده و رسولش محمد ﷺ نازل فرمود و او را برگزید تا احکام قرآن را بیان کند و الگوی اخلاقی و عبادی مؤمنان باشد...

از این رو، تمام زندگی‌نامهٔ رسول الله، آموزشگاهی برای مؤمنان است. اصحاب پیامبر در شنیدن احادیث ایشان و رساندن آن به کسانی که نشنیده بودند بسیار کوشش کردند تا اینکه به صورت ناب و پاکیزه به دست ما رسید. این احادیث [سنت رسول الله] شامل موارد زیر است: بزرگداشت و ستایش الله متعال و یگانگی او در عبادت، بیان چگونگی طاعت و عبادت پیامبر، مبانی اخلاقی مؤمنان و سبک زندگی آنان آنگونه که آفریدگارشان می‌خواهد، همچنین خبر دادن پیامبر از رخدادهای تاریخی آینده که به صورت کامل به وقوع پیوست، چنانکه این اخبار را دلیلی بر صدق نبوتش و صدق روایانی که احادیثش را نقل کردند توصیف کرد، همچنین توصیف دقیق زمان قبل از برپایی قیامت و رخدادهای متصل پس از آن، یعنی حشر و عرضه و نگهداشته شدن در برابر الله متعال برای حسابرسی، سپس درآمدن جهنمیان به جهنم و بهشتیان به بهشت.

کتاب حاضر، با قرآن آغاز می‌کند و به جنت که از الله تقاضا داریم ما را از ساکنان آن قرار دهد پایان می‌یابد. با ارائه آیات کریمه قرآن کریم در مورد ارکان بزرگ و مهم اسلام و حلال و حرام که در این مورد بیان شده است شروع کردم و در ادامه، بخشی از سیره پیامبر ﷺ و شرح و توضیح آن را بیان کرده‌ام.

این کتاب، پرتوی از نور آیات قرآن و احادیث صحیح رسول الله ﷺ و اقوال مورد اعتماد اصحاب پیامبر و تابعان آنان است. کوشیدم تا حدیث ضعیفی یا شبیه آن، در کتاب نباشد، با این امید که به صواب نزدیک‌تر باشد و مقبول‌تر واقع گردد. مخاطب هدف کتاب، ائمه مساجد و جویندگان دانش هستند. چنانکه امام مسجد پس از نمازهای فرض، بخشی از آن را برای نمازگزاران بخواند، و جوینده دانش، روزانه یک یا دو صفحه از آن را حفظ کند تا الله با آیات قرآن و احادیث پیامبر ﷺ که در کتاب موجود است به او نفع برساند و بدین وسیله، به سوی الله فراخواند. الله متعال می‌فرماید: ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ [المجادلة: ۱۱]. «الله مقام (و درجات) کسانی را از شما که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم داده شده‌اند بالا می‌برد».

از جبیر بن مطعم رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «نَضَرَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ مَقَالَتِي، فَبَلَّغَهَا» رواه ابن ماجه. «خداوند شاد گرداند بنده‌ای را که سخنان مرا بشنود و به دیگران برساند».

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ۖ وَسُبْحٰنَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [یوسف: ۱۰۸]. «ای پیامبر! بگو: این راه من است، من با بصیرت (کامل) به سوی الله دعوت می‌کنم، و کسانی که از من پیروی کردند (نیز چنین می‌کند) و الله پاک و منزّه است، و من از مشرکان نیستم».

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [فصلت: ۳۳]. «و چه کسی خوش‌گفتارتر است از کسی که به سوی الله دعوت کند، و کار شایسته انجام دهد، و گوید: «بی‌شک من از مسلمانان هستم؟!».

قرآن کریم
پیام آفریدگارمان به ما

بدون تردید، قرآن، کلام الله آفریدگار سبحان است، همو که ما و همه چیز را آفرید

معرفی قرآن از جانب الله متعال:

الله متعال می فرماید: ﴿الْم ۱﴾ ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۲﴾ [البقرة: ۱-۲]. «الف لام میم. این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیزگاران است».

﴿لَا رَيْبَ فِيهِ﴾: بدون تردید از جانب الله نازل شده است.

﴿أَمْ يَقُولُونَ أَفْتَرَلَهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۳﴾﴾ فَأَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنَّ لَّآ إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ ﴿۱۴﴾﴾ [هود: ۱۳-۱۴]. «آیا می گویند: «این (قرآن) را از خود بافته (و به الله نسبت داده) است» بگو: «اگر راست می گویند، شما هم ده سوره‌ی به هم بافته مانند آن بیاورید، و غیر از الله هر که می توانید (به یاری) بطلبید». پس اگر آن‌ها دعوت شما را نپذیرفتند، بدانید که (قرآن) فقط به علم الله نازل شده است، و اینکه هیچ معبودی (به حق) جز او نیست، پس آیا شما مسلمان می شوید؟!».

﴿أَمْ يَقُولُونَ أَفْتَرَلَهُ﴾: می گویند محمد این قرآن را از جانب خودش به دروغ بست سپس به ناحق ادعا کرد که از نزد الله فرو فرستاده شده است. بخش‌های قرآن یکدیگر را تأیید و تکمیل می کنند و هیچ تناقض و اختلافی در آن وجود ندارد:

الله متعال می فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْعَانَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿۸۲﴾﴾ [النساء: ۸۲]. «آیا در قرآن نمی اندیشند؟ که اگر از سوی غیر الله بود، قطعاً اختلاف بسیار در آن می یافتند».

امکان ندارد که محمد ﷺ آیات قرآن را از جانب خودش و بدون وحی گفته باشد؛ زیرا حقایقی را بازگو می فرماید که در عصر حاضر از نظر علمی کشف شده‌اند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأْتَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ﴾ [الأنعام: ۱۲۵]. «پس هر کس را که الله بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (قبول) اسلام می‌گشاید، و هر کس را که بخواهد گمراه کند، سینه‌اش را چنان تنگ می‌کند که گویا به آسمان بالا می‌رود».

علم جدید کشف کرده که هر چه در آسمان صعود کنیم، اکسیژن کم می‌شود و در فضا هیچ گازی وجود ندارد.

﴿وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ﴾ [الأنبياء: ۳۱]. «و در زمین، کوه‌ها (ی استوار) قرار دادیم، که (مبادا) آن‌ها را بلرزاند».

﴿وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا﴾ [النبا: ۷]. «و کوه‌ها را میخ‌های (آن قرار ندادیم؟!))».

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ﴾ [۱۳] ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ﴾ [۱۴] ﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ [۱۵] [المؤمنون: ۱۲-۱۴]. «و به راستی انسان را از چکیده‌ای از گل آفریدیم. سپس او را از نطفه‌ای در قرار گاهی استوار (= رحم) قرار دادیم. سپس نطفه را (به صورت) علقه (= خون بسته) گردانیدیم، آنگاه علقه را (به صورت) مضغه (= پاره گوشتی) در آوردیم، آنگاه مضغه را (به صورت) استخوان‌هایی گردانیدیم، پس بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم، سپس آن را آفرینشی دیگر بخشیدیم، پس (پر برکت و) بزرگوار است، الله که بهترین آفرینندگان است».

﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ [الذاریات: ۴۷]. «و (ما) آسمان را با قوت و قدرت عظیم) بنا کردیم و بی‌گمان (بر و سعت پهناوری آن) تواناییم».

قرآن کریم تأثیر بسیار زیبا و شیرینی بر دل‌ها دارد که هنگام شنیدن آن شاداب و آرام می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ [الرعد: ۲۸]. «آگاه باشید! (تنها) با یاد الله دل‌ها آرام می‌گیرند».

الله کتابش را از فزونی و کمی حفظ می‌کند تا مایه هدایت مردم

باشد

﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ [فصلت: ۴۲].
 «که هیچ گونه باطلی نه از پیش روی آن و نه از پشت سر آن، به او راه نیابد، از سوی حکیم ستوده نازل شده است».

قرآن، نور الله در زمین است، مردم را با آن به صراط مستقیم که سعادت دنیا و آخرت‌شان در آن است هدایت می‌کند. کافران و مشرکان هرگز نمی‌توانند نور الله را خاموش یا مخفی کرده و مردم را از این نور و این سعادت محروم کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ [الصف: ۸-۹]. «آنها می‌خواهند نور الله را با دهان خود خاموش کنند، ولی الله کامل‌کننده نور خویش است هرچند کافران خوش نداشته باشند. او کسی است که رسول الله را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند».

الله کتابش را مایه هدایت کسانی که خواهان هدایت هستند

قرار داده است و افراد مغرور و ستیزه‌جو از این امر بی‌بهره

هستند

قرآن، هدایت الله برای کسانی است که می‌خواهند هدایت شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۲].
 «این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیزگاران است».

کسانی که به بیماری تکبر در برابر حقیقت و تحقیر پیروانش و خشنودی به آنچه در کودکی بر اساس آن رشد یافته و با آن مانوس شده‌اند یا خشنودی به باورها و اعمال نیاکان و مردم سرزمینشان و ترجیح افعال آنان بر هدایت رسولان، مبتلا باشند، الله آنان را در تاریکی‌ها رها می‌کند به گونه‌ای که حق را نمی‌بینند و به‌سوی آن هدایت نمی‌شوند،

بلکه الله بر گمراهی و بیماری دل‌هایشان می‌افزاید. این کیفر متناسب با جرم آنان است؛ زیرا سزاوار هدایت نیستند:

الله متعال می‌فرماید:

﴿بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ﴾ [الانبیاء: ۲۴]. «بلکه بیشتر آن‌ها حق

را نمی‌دانند، لذا آن‌ها (از آن) روی گردانند».

﴿وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ﴾ [الزخرف: ۲۳-۲۴]. «و این‌گونه در هیچ (شهر و) قریهٔ پیش از تو هشدار دهنده نفرستادیم، مگر اینکه متنعمانش گفتند: «ما نیاکان خود را بر آیینی یافتیم، و بی‌گمان ما به (اعمال و) آثار آن‌ها اقتداء می‌کنیم». (پیامبرشان) گفت: «آیا اگر برای شما چیزی هدایت‌کننده‌تر از آنچه که نیاکان‌تان را بر آن یافتید، آورده باشم؟! (بازهم به آن‌ها اقتداء می‌کنید؟! گفتند: (آری،) ما به آنچه که شما به آن فرستاده شده‌اید، کافریم».

﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ [البقرة: ۱۰]. «در دل‌های آنان بیماری است و الله بر بیماری آنان افزوده، و بخاطر دروغ‌هایی

که می‌گفتند، برایشان عذاب دردناکی است».

الله خالق و سبحان از مخلوقاتش می‌خواهد که در وجود خود و جهان هستی

پیرامون‌شان بیاندیشند تا به‌سوی حق هدایت شوند:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ [آل عمران: ۱۹۰-۱۹۱]. «به

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [آل عمران: ۱۹۱-۱۹۰]. «به راستی در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (آشکاری) برای خردمندان است. کسانی که الله را در حال ایستاده و نشسته، و بر پهلوئی خویش (آرمیده) یاد می‌کنند، و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند، (و می‌گویند): پروردگارا این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای، منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش (دوزخ) نگه دار».

﴿وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ [الذاریات: ۲۱-۲۳]. «و (نیز) در

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ﴾ [الذاریات: ۲۱-۲۳]. «و (نیز) در

وجود خودتان، آیا نمی‌بینید؟ و رزق (و روزی) شما، و آنچه به شما وعده داده می‌شود در آسمان است. پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن (وعده‌ها) حق است، همان گونه که شما (با یکدیگر) سخن می‌گویید».

قرآن مردم را به سوی شناخت آفریدگارشان هدایت می‌کند تا او را دوست و بزرگ بدارند و غیر او را نپرستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَأَمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿۸۳﴾ [المائدة: ۸۳].
«و چون آیاتی را که بر پیامبر نازل شده بشنوند، چشم‌های آن‌ها را می‌بینی که اشک ریزان می‌شود، بخاطر حقیقتی که دریافته‌اند، و می‌گویند: «پروردگار! ایمان آوردیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس».

﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾ [فاطر: ۲۸]. «جز این نیست که از میان بندگان الله دانایان از او می‌ترسند، بی‌تردید الله پیروزمند آمرزنده است».
مؤمنان به خوبی می‌دانند که هدایت فقط از جانب الله است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا﴾ [الكهف: ۱۷]. «هر کس را هدایت کند، پس او هدایت یافته (واقعی) است، و هر که را گمراه کند، سرپرست و راهنمایی هرگز برای او نخواهی یافت».
بنابراین، هدایت را از الله درخواست می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي لِأَقْرَبٍ مِنْ هَذَا رَشَدًا﴾ [الكهف: ۲۴].
«و بگو: امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشن‌تر از این هدایت کند».
و پیوسته این تقاضا را دارند:

﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿۶﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿۷﴾﴾ [الفاتحة: ۶-۷]. «ما را به راه راست هدایت کن. راه کسانی که بر آنان نعمت دادی؛ نه خشم گرفتگان بر آنها؛ و نه گمراهان».

علم صحیح و عمل به آن را از خداوند خواستارند.
زیرا هر کس حقیقت را بداند اما به آن عمل نکند، از جمله کسانی است که خدا بر آنان خشم گرفته است.

و هر کس حق را نشناسد از گمراهان است.

همیشه می‌کوشند تا این هدایت و پایداری بر آن را به دست آورند؛ زیرا هرکس چنین حالتی داشته باشد، الله هدایت و توفیق را نصیب او می‌گرداند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [العنکبوت: ۶۹]. «و کسانی که در راه ما (کوشش و) جهاد کنند؛ قطعاً به راه‌های خویش هدایت شان می‌کنیم، و یقیناً الله با نیکوکاران است».

کلمات قرآن معانی واضحی دارند؛ زیرا کتابی هدایت‌کننده است که

هرکس آن را بخواند می‌فهمد

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۱۹۲-۱۹۵]. «و همانا این قلبک لیتکون من المُنذِرِينَ ﴿۱۹۱﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ﴿۱۹۰﴾ [الشعراء: ۱۹۲-۱۹۵]. «و همانا این (قرآن) نازل شده (از جانب) پروردگار جهانیان است. روح الامین (= جبرئیل) آن را فرود آورده است. بر قلب تو، تا از هشدار دهندگان باشی. (آن را) به زبان عربی روشن (نازل کرد)».

هیچ کس نمی‌تواند کلمات قرآن را که دارای معانی کامل و واضحی هستند تغییر دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَوَسَّاتُ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [الأنعام: ۱۱۵]. «و کلام پروردگار تو با صدق و عدل به انجام رسید، هیچ کس نمی‌تواند کلمات او را دگرگون سازد، و او شنوای داناست».

کلمات قرآن دارای معانی واضحی هستند؛ زیرا کتاب هدایت است و هرکس آن را بخواند می‌فهمد؛ از این رو، وقتی الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ﴾ می‌فهمیم خدا کوه را بالا برد. زیرا جبل همان کوه است که عرب که قرآن به زبانشان نازل شد معنای کوه را از جبل درمی‌یابند و نمی‌گوییم جبل به معنای رود یا قدرت یا مردی قوی است.

یا وقتی الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ﴾ چنین می‌فهمیم که الله بنی‌اسرائیل را با رودخانه آزمود. زیرا نهر همان رودخانه است که مردم آن را می‌شناسند نه تأویلاتی مانند کرم یا عطاء؛ زیرا تمام این موارد، نسبت‌دادن سخن به خدا بدون علم است.

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۰]. «آیا بر الله چیزی می‌گویید که نمی‌دانید؟! بگو: بی‌گمان کسانی که به الله دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌شوند». بنابراین، حق نداریم هیچ یک از کلمات قرآن را از معنای مشخص و شناخته‌شده‌اش برگردانیم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ﴾ [البقرة: ۱۴۰]. «بگو: شما داناترید یا خدا؟!».

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي ءَامِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [فصلت: ۴۰]. «بی‌گمان کسانی که در آیات ما کجروی می‌کنند، بر ما پوشیده نیستند، آیا کسی که در آتش انداخته شود بهتر است، یا کسی که روز قیامت ایمن (و بدون وحشت) بیاید؟! هر چه می‌خواهید بکنید، مسلماً او به آنچه انجام می‌دهید بیناست». تحریف معانی کلمات الله از صفات برخی یهودیان است که کلمات را از محل و معانی‌شان برمی‌گردانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ﴾ [النساء: ۴۶]. «برخی از یهود، کلمات (خدا) را از جای خود تحریف می‌کنند».

الله جل فی علاه از مخلوقاتش می‌خواهد که با شناختی واقعی و بر اساس علم صحیح او را بشناسند

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [البقرة: ۱۱۱]. «بگو: اگر راستگویید دلیل خود را بیاورید!». ﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ﴾ [الكهف: ۲۹]. «ای پیامبر! بگو: (این قرآن) حق است از سوی پروردگارتان».

﴿سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾ [الصافات: ۱۸۰-۱۸۲]. «پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت، از آنچه

(مشرکان) توصیف می‌کنند. و سلام بر رسولان. و سپاس و ستایش مخصوص الله است که پروردگار جهانیان است».

الله نیرومند و بزرگ، از هر نقص یا عیبی که بدون علم به او نسبت می‌دهند پاک است؛ زیرا تمام صفات نیکو مخصوص الله است که پروردگار جهانیان است و رسولان با آنچه که پروردگارشان به آنان وحی کرد، این صفات را آوردند. گمراهان گمراه‌کننده بدون هیچ دانش و هدایتی از جانب الله و هیچ کتاب روشنگری از جانب او، در مورد الله به مجادله می‌پردازند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ ۝ ثَانِي عَظِيمٍ ۝ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ ۝﴾ [الحج: ۸-۹]. «از مردم کسی است که بدون هیچ دانش و هیچ هدایت و کتاب روشنی بخشی در باره الله مجادله می‌کند. (تکبر کنان) پهلو (و گردن) خود را می‌پیچد، تا (مردم را) از راه الله گمراه سازد، برای او در دنیا رسوایی است، و روز قیامت آتش سوزان را به او می‌چشانیم».

الله رسولان را برای هدایت مردم فرستاد و پیام‌هایش را به سوی آنان نازل فرمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ ۚ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ۝ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا ۝ رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝﴾ [النساء: ۱۶۳-۱۶۵]. «همانا ما به تو وحی فرستادیم همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم و (نیز) به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (= نوادگان دوازده گانه) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی فرستادیم و به داود زبور دادیم. و پیامبرانی (مبعوث کردیم) که سر گذشت آن‌ها را پیش از این تو بیان کرده‌ایم، و پیامبرانی که سر گذشت آن‌ها را بیان نکردیم، و الله (بدون واسطه) با موسی سخن گفت. پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از (آمدن) این پیامبران برای مردم بر الله حجتی نباشد و الله پیروزمند حکیم است».

الله رسولان را فرستاد و آنان را با معجزات دلالت‌کننده

بر راستگویی شان پشتیبانی کرد

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ﴾ [الحديد: ۲۵]. «به راستی که پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم».

ابراهیم علیه السلام برای خدا به انزوا رفت و از تقرب به غیر الله با دوستی و بزرگداشت و عبادتی که قومش مرتکب می‌شدند و به سبب این کارها یکدیگر را دوست داشتند، اعلام بیزاری نمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿۳۱﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿۳۲﴾﴾ [الزخرف: ۲۶-۲۷]. «و (به یاد آور) هنگامی را که ابراهیم به پدرش و قومش گفت: «بی‌گمان من از آنچه می‌پرستید، بیزارم، مگر آن کسی که مرا آفریده، و او به زودی هدایت‌م خواهد کرد».

﴿وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَأُكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ ﴿۳۵﴾﴾ [العنكبوت: ۲۵]. «و (ابراهیم) گفت: «شما غیر از الله بت‌هایی را برای خود برگزیده‌اید که مابۀ دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد، سپس روز قیامت برخی از شما برخی (دیگر) را انکار می‌کند، و برخی از شما برخی (دیگر) را لعنت می‌کند، و جایگاه شما آتش است، و هیچ یآوری برای شما نخواهد بود».

﴿وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿۳۶﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿۳۷﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْزِلُ لَهَا عَلَكِفِينَ ﴿۳۸﴾ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُم إِذْ تَدْعُونَ ﴿۳۹﴾ أَوْ يَنْفَعُونَكُم أَوْ يَضُرُّونَ ﴿۴۰﴾ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿۴۱﴾ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿۴۲﴾ أَنْتُمْ وَعَابَاؤُكُمْ أَتَقْدَمُونَ ﴿۴۳﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۴﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿۴۵﴾ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿۴۶﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿۴۷﴾ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿۴۸﴾ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿۴۹﴾﴾ [الشعراء: ۶۹-۸۲]. «و خبر ابراهیم را بر آن‌ها بخوان. هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می‌پرستید؟!». گفتند: «بت‌هایی را می‌پرستیم، و پیوسته برای (عبادت) آن‌ها معتکف هستیم. (ابراهیم) گفت: «آیا هنگامی که

آن‌ها را می‌خوانید (صدای) شما را می‌شنوند؟! یا سود و زیانی به شما می‌رسانند؟!». گفتند: «(نه) بلکه ما نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کردند». (ابراهیم) گفت: «آیا دیدید چیزهایی را که پیوسته عبادت می‌کردید، شما و نیاکان پیشین شما. پس همه آن‌ها دشمن من هستند، جز پروردگار جهانیان. (همان) کسی که مرا آفرید، پس او مرا هدایت می‌کند. و کسی که او به من غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید. و هنگامی که بیمار شوم پس او مرا شفا می‌دهد. و کسی که مرا می‌میراند؛ سپس زنده می‌کند. و کسی که امیدوارم گناهم را در روز جزا برایم ببخشد».

قوم ابراهیم، آتش بزرگی برافروختند و او را در آن انداختند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْنَا يَنَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ ﴿۱۶﴾﴾ [الانبیاء: ۶۹]. (سر انجام آن‌ها او را به آتش انداختند، ولی ما) گفتیم: «ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش».

در نتیجه، ابراهیم با حفاظت و نگهداری، الله از آتش به سلامت بیرون آمد. ساحرانِ فرعون، ریسمان‌ها و چوب‌دستی‌هایشان را انداختند و در نظر مردم به صورت مارهایی که به سرعت می‌خزند درآمدند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثَلَاثٌ مُّجَدَّبَاتٌ ﴿۴۵﴾﴾ [الشعراء: ۴۵-۴۸]. «پس موسی عصایش را افکند، ناگهان آنچه را به دروغ بر ساخته بودند، بلعید. پس ساحران سجده‌کنان (به زمین) افتادند. گفتند: «ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم. پروردگار موسی و هارون».

وقتی ساحران در برابر الله به سجده افتادند، فرعون به خشم آمد و آنان را به تنه‌های درخت خرما به دار آویخت تا عبرتی باشد برای هر کس که در برابر اراده او مخالفت کند:

الله سخن فرعون را اینگونه بازگو می‌فرماید: ﴿قَالَ ءَأَمْنَتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ اَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا تُقِطَعْنَ أَيِّدِكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ مِّنْ خَلْفٍ وَلَا صَلْبَتِكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْعَىٰ ﴿۷۱﴾﴾ [طه: ۷۱]. «(فرعون) گفت: آیا پیش از آن که به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟! بی‌تردید او بزرگ شماس است که به شما سحر آموخته است، پس یقیناً دستان‌تان و پاهای‌تان را بر خلاف یکدیگر قطع می‌کنم، و شما را بر تنه‌های نخل به دار می‌آویزم، و بی‌شک خواهید دانست که عذاب (و شکنجه) کدامیک از ما سخت‌تر است و پایدارتر است!».

الله در برابر موسی علیه السلام و مؤمنان همراهش آنگاه که فرعون و لشکریانش به آنان رسیدند و قصد داشتند آنان را به قتل برسانند، دریا را شکافت تا از طریق خشکی از آن عبور کنند و چون فرعون و همراهیانش به دنبال آنان رفتند، الله دریا را بر آنان بست و آنان را غرق کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾ وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾﴾ [الشعراء: ۶۳-۶۸]. «پس به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن» آنگاه (دریا) شکافته شد، پس هر بخشی (از آن) همچون کوه عظیمی شد. و دیگران (= فرعون و فرعونیان) را (نیز) به آنجا نزدیک ساختیم. و موسی و همراهانش را همگی نجات دادیم. سپس دیگران را غرق کردیم. بی‌گمان در این (ماجرای) نشانه (روشن) است، ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آوردند. و بی‌تردید پرورگارتو پیروزمند مهربان است».

الله فرعون را غرق کرد و جسدش را باقی گذارد تا پند و عبرتی برای مردم باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَجَوْرَنَا بِنِيِّ إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرْقُ قَالَ ءَأَمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَأَمَنْتُ بِهِء بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩٠﴾ ءَأَلْتَنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٩١﴾ فَالْيَوْمَ نُنَجِّكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ ءَايَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ ءَايَاتِنَا لَغَفُلُونَ ﴿٩٢﴾﴾ [یونس: ۹۰-۹۲]. «و (سر انجام ما) بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم، پس فرعون و سپاهیانش از روی ستم و تعدی، در پی آن‌ها رفتند، چون (فرعون) هنگام غرق شدنش فرا رسید، گفت: «ایمان آوردم، که هیچ معبودی (به حق) نیست؛ جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، و من از مسلمانان هستم». (به او گفته شد: حالا؟ در حالی که قبلاً نافرمانی کردی و از مفسدان بودی! پس امروز بدنت را (از دریا) نجات می‌دهیم، تا عبرتی برای کسانی که بعد از تو می‌آیند باشی، و بی‌گمان بسیاری از مردم از آیات ما غافلند».

معجزه عیسی علیه السلام:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ الطَّيْرَ فَانفُخْ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَتَّبِعُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي

بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾ [آل عمران: ۴۹]. «و (او را به عنوان) پیامبری به سوی بنی اسرائیل (می فرستد که او به آنان می گوید): «من از سوی پروردگارتان برایتان نشانه‌ای آورده‌ام، من از گِل برای شما (چیزی) به شکل پرنده می‌سازم، آنگاه در آن می‌دمم، پس به فرمان الله پرنده‌ای می‌شود. و به فرمان الله کور مادر زاد و مبتلایان به برص (پسی) را بهبودی می‌بخشم، و مردگان را زنده می‌کنم، و از آنچه می‌خورید و در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید؛ به شما خبر می‌دهم، مسلماً در این‌ها، نشانه‌ای برای شماست اگر ایمان داشته باشید».

الله صالح عليه السلام را با معجزه‌ای پشتیبانی کرد که بر راستگویی‌اش دلالت دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ ﴿٧٣﴾ [الأعراف: ۷۳]. «و (سوی قوم) تمود، برادرشان صالح را (فرستادیم) گفت: «ای قوم من! الله را بپرستید، که جز او معبودی (راستین) برای شما نیست. همانا دلیل روشنی از (سوی) پروردگارتان برای شما آمده است، این ماده شتر الله، برای شما معجزه‌ای است».

الله، معجزه محمد صلى الله عليه وآله، خاتم رسولان را قرآن کریم قرار داد تا تمام مردم تا آخرین روز دنیا آن را ببینند، هر چند او را با معجزات دیگری مانند شکافتن ماه که معاصرانش این معجزات را دیدند حمایت کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ﴿٢١﴾ وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿٢٢﴾ [القمر: ۲۱-۲۲]. «قیامت نزدیک شد و ماه بشکافت. و اگر (کافران) معجزه ببینند، روی بگردانند و گویند: «(این) جادویی قوی است».

﴿أَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾ [العنكبوت: ۵۱]. «آیا برای آن‌ها کافی نیست که همانا ما (این) کتاب (قرآن) را بر تو نازل کردیم که (پیوسته) بر آن‌ها تلاوت می‌شود؟! بی‌گمان در این (قرآن) رحمت و پندی است برای کسانی که ایمان می‌آورند».

الله در کتاب گرانبهایش و در آیات زیادی، راستگویی خاتم رسولانش که به سوی او هدایت می‌کنند و ابلاغ‌کننده آخرین پیام‌هایش را بیان فرموده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٣٤﴾ [الطور: ۳۳-۳۴]. «آیا می‌گویند: «(محمد) آن (= قرآن) را بافته (و به الله

نسبت داده) است؟» (خیر، چنین نیست) بلکه ایمان نمی‌آورند. پس اگر راست گویند باید سخنی مانند آن بیاورند».

﴿أَمْ يَقُولُونَ أَفَتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَاءُ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُجِئُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتٍ لَّيْلَةٍ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [الشوری: ۲۴]. «آیا می‌گویند:» (پیامبر) بر الله دروغ بسته است؟!» پس اگر الله بخواهد بر قلب تو مهر می‌زند، و الله باطل را محو می‌کند، و حق را با سخنان خویش محقق (و پا برج) می‌سازد، بی‌گمان او به راز سینه‌ها آگاه است».

﴿وَلَقَدْ نَعَلْنَا عَرَبًا لَئِيمًا يَتَّبِعُونَ آيَاتِنَا يُعَلِّمُهُمُ بَشَرًا لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَبِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ﴾ [النحل: ۱۰۳]. «و به راستی (ما) می‌دانیم که آن‌ها می‌گویند:» (همانا بشری (این آیات را) به او آموزش می‌دهد» در حالی که زبان کسی که این‌ها به او نسبت می‌دهند عجمی (= غیر عربی) است، و این (قرآن به) زبان عربی آشکار است».

با این وجود، هنوز هم برخی از گمراهان مردم را به پیروی از اشخاصی که آنان را هدایت‌گر و طرق متصل به خشنودی الله می‌نامند فرامی‌خوانند، اما نمی‌توانند دلیلی بر راستگویی خویش بیاورند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [البقرة: ۱۱۱]. بگو: «اگر راستگویید دلیل خود را بیاورید!».

الله رسولان را فرستاد و کتاب‌ها را بر آنان نازل فرمود، هر گاه مردم راه را گم کردند الله رسولی را به‌سویشان فرستاد که آنان را با کتابی که تصدیق‌کننده و مکمل ماقبلش بود هدایت کند تا اینکه رسالت الهی با قرآن کریم کامل شد و تا زمانی که الله زمین و آنچه بر روی آن است را به ارث ببرد باقی است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى﴾ [ص: ۱۸] صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ﴿[الأعلى: ۱۸-۱۹]. «به راستی این (فحوا) در صحیفه‌های پیشین (نیز) بود. صحیفه‌های ابراهیم و موسی».

﴿وَعَاتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا﴾ [النساء: ۱۶۳]. «و به داود زبور دادیم».

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ﴾ [المائدة: ۴۴]. «ما تورات را نازل کردیم که در آن هدایت و نور است».

﴿وَوَقَّيْنَا عَلَىٰ عَائِشَتِهِم بَعْيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ﴾ [المائدة: ۴۶]. «و در پی آن‌ها (= پیامبران پیشین) عیسی پسر

مریم را فرستادیم که تصدیق کننده‌ی توراتی بود که پیش از او فرستاده شده بود، و انجیل را که در آن هدایت و نور بود به او دادیم».

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ﴾ [المائدة: ۴۸]. «و (این) کتاب (= قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم در حالی که تصدیق کننده‌ی کتاب‌های که پیش از آن است و بر آن‌ها شاهد و نگاهبان است، پس به آنچه الله نازل کرده است در میان آن‌ها حکم کن و از هوی و هوس‌های آنان به جای آنچه از حق که به تو رسیده است، پیروی نکن (و از احکام الهی روی مگردان)».

قرآن آخرین کتابی است که الله آن را بر رسولش فرستاد و آن را حاکم و ناسخ کتاب‌های پیشین قرار داد؛ پس هر آنچه از کتاب‌های پیشین که مخالف قرآن نباشد بدان عمل می‌شود و آنچه مخالف قرآن باشد ترک می‌شود. زیرا قرآن حاکم است و حق، آن چیزی است که قرآن آورده است و هر کس از قرآن پیروی نکند از هوای نفس خویش پیروی کرده است.

قرآن دلیلی درخشان تا برپایی قیامت است که بر

راستگویی محمد ﷺ دلالت می‌کند

و از جانب الله محافظت می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُو لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹]. «همانا ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما نگهبان آن هستیم».

الله این کتاب جاویدان را با صفات کمال و بزرگی توصیف فرموده است که هیچ کس نمی‌تواند مانند آن را بیاورد و هیچ کس قادر نخواهد بود کلماتش را جابجا کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ ﴿۱۱﴾ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿۱۲﴾﴾ [البروج: ۲۱-۲۲]. «بلکه این قرآن مجید است. که در لوح محفوظ (نگاشته شده) است».

﴿إِنَّهُو لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿۷۷﴾ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿۷۸﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿۷۹﴾﴾ [الواقعة: ۷۷-۷۹]. «همانا این (کتاب) قرآنی کریم (و گرامی قدر) است. در کتاب پوشیده (= لوح محفوظ) است. که جز پاکان (= فرشتگان) به آن دست نمی‌زنند».

الله ﷻ رسولش ﷺ را فرستاد تا قرآنی را که به او وحی کرده بود برای مردم تلاوت کند: **اللّٰهُ مَتَعَالَىٰ أُولَٰئِكَ ۚ كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِيٰ أُمَّةٍ قَدَ خَلَتْ مِن قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ۚ** [الرعد: ۳۰]. «(ای پیامبر!) این گونه تو را در (میان) امتی فرستادیم که پیش از آن‌ها امت‌های (دیگر، بودند و) رفتند، تا آنچه را به تو وحی کردیم بر آن‌ها بخوانی».

الله سبحانه بندگان‌ش را به تلاوت کتاب خویش و عمل به مضامین آن تشویق فرموده و در برابر آن، پاداش بزرگی را وعده داده است:

الله متعال می‌فرماید: **﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ ۖ لِيُؤْتِيَهُمُ أَجْرَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾** [فاطر: ۲۹-۳۰]. «بی‌گمان کسانی که کلام الله را تلاوت می‌کنند و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم؛ پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی (پر سود) که هرگز زیان (و کساد) ندارد؛ امید دارند. تا (الله) پاداش آن‌ها را به تمامی بدهد و از فضل خود بر آن‌ها بیفزاید، بی‌گمان او آمرزنده سپاسگزار است».

الله هر کس را که به کتابش جسارت کند و در انتساب آن به گوینده‌اش سبحانه و تعالی تردید کند، تهدید فرموده است:

الله متعال می‌فرماید: **﴿إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ۖ فَقَتَلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۖ ثُمَّ قَاتَلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۖ ثُمَّ نَبَّأَ ۖ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ۖ ثُمَّ أَدْبَرَ ۖ وَأَسْتَكْبَرَ ۖ فَفَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ۖ إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ۖ سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ۖ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ۖ لَا تُبْقَىٰ وَلَا تَذَرُ ۖ لَوَاحِئُهُ لِّلْبَشَرِ ۖ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ۖ﴾** [المدثر: ۱۸-۳۰]. «زیرا که او (برای مبارزه با قرآن) اندیشید، و اندازه (و محاسبه) کرد. پس مرگ بر او باد! چگونه اندازه (و محاسبه) کرد؟! باز (هم)، مرگ بر او باد! چگونه اندازه (و محاسبه) کرد؟! سپس نگاهی افکند. آنگاه چهره درهم کشید و روی ترش کرد. سپس (به حق) پشت نمود و تکبر ورزید. آنگاه گفت: «این (قرآن) چیزی جز جادویی که (از دیگران) آموخته شده، نیست. و این (چیزی) جز گفتار بشر نیست». به زودی او را به سقر (جهنم) درخواهم آورد. و تو چه دانی «سقر» چیست؟! (آتش سوزانی که) نه (چیزی را) باقی می‌گذارد و نه (چیزی را) رها می‌کند. پوست را (دگرگون کرده و) می‌سوزاند. بر آن (آتش) نوزده (فرشته) گمارده شده است».

در این قرآن عظیم امر به اطاعت پیامبر و پیروی از هدایت ایشان در آیات زیادی تکرار شده است؛ زیرا هدایت و سیره پیامبر تا زمانی که قرآن باقی باشد پایدار است و آخرین هدایت‌گری است که الله به آنان وحی فرمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿۵۲﴾ [الشوری: ۵۲]. «و این‌گونه بر تو (ای پیامبر) روحی (= قرآن کریم) را به فرمان خود وحی کردیم، تو (پیش از این) نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست، ولی ما آن را نوری قرار دادیم، با آن هر کس از بندگانمان را که بخواهیم، هدایت می‌کنیم، و مسلماً تو (ای پیامبر) به راه راست هدایت می‌کنی».

هر کس ادعا کند که هدایتی غیر از هدایت قرآن و غیر از هدایت محمد ﷺ که قرآن بر او نازل شد دارد، گمراه و گمراه‌کننده‌ای است که می‌خواهد نور الله را با دهانش خاموش کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿۸﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿۹﴾ [الصف: ۸-۹]. «آن‌ها می‌خواهند نور الله را با دهان خود خاموش کنند، ولی الله کامل‌کننده نور خویش است هرچند کافران خوش نداشته باشند. (۸) او کسی است که رسول الله را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند».

علم صحیح از وحی گرفته می‌شود و همان چیزی است که الله یا

رسولش ﷺ فرموده‌اند

کسی که علم را از وحی که الله بر رسولش نازل فرمود بگیرد، الله درجات بالا و پاداش بزرگی به او می‌دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ﴿۱۱﴾ [المجادلة: ۱۱]. «الله مقام (و درجات) کسانی را از شما که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم داده شده‌اند بالا می‌برد».

﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۹﴾ [الزمر: ۹]. «بگو: آیا کسانی که می‌دانند، و کسانی که نمی‌دانند یکسان هستند؟!».

علمی که از جانب الله آمده است، ترس و خشیت او تعالی را در دل به جا می‌گذارد: الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ [فاطر: ۲۸]. «جز این نیست که از میان بندگان الله دانایان از او می‌ترسند».

ستمکارتر از آن کس وجود ندارد که ادعای این علم را می‌کند تا مردم را گمراه سازد یا به دروغ و فریب مردم ادعا می‌کند که بر او وحی یا الهام می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرَجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ [الأنعام: ۹۳]. «و چه کسی ستمکار تر است از کسی که دروغی به الله ببندد، یا بگوید: «به من وحی شده است». در حالی که به او وحی نشده است، و کسی که بگوید: «من (نیز) همانند آنچه الله نازل کرده است، نازل می‌کنم!» و (شگفت زده می‌شوی) اگر ببینی هنگامی که (این) ستمکاران در سكرات مرگ فرو رفته‌اند، و فرشتگان (قبض روح) دست‌ها را گشوده (و به آنان می‌گویند): «جان‌هایتان را بیرون آورید! امروز عذاب خفت‌باری در برابر آنچه ناحق بر الله می‌گفتید، و نسبت به آیات او تکبر و ورزیدید، خواهید دید».

الله سبحانه ما را از پیروی از گام‌های شیطان بر حذر داشته است؛ زیرا شیطان به بدی و زشتی فرمان می‌دهد و نیز الله مردم را بر حذر فرموده از اینکه آنچه را نمی‌دانند به الله نسبت دهند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ [البقرة: ۱۶۸-۱۶۹]. «و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، چرا که او دشمن آشکار شماست. (او) شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد و اینکه به الله نسبت دهید آنچه را که نمی‌دانید».

چگونه از روی علم در مورد الله سخن بگوییم؟

همان چیزی را بگو که فرشتگان به پروردگارشان گفتند: ﴿سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ [البقرة: ۳۲]. «(فرشتگان) گفتند: منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم، تو دانای حکیمی».

یعنی همان چیزی را برای الله ثابت بدان که الله در مورد خود آن را ثابت کرده است پس آن را نفی نکن.

و نفی کن آن چه را الله آن را از خود نفی فرموده پس تو آن را ثابت ندان.
و آنچه را خدا در مورد خود بیان نفرموده است، آن را از جانب الله نگو.
بدین ترتیب، از روی علم در مورد الله سخن گفته‌ای.

الله سبحانه در مورد خویش می‌فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾
[الشوری: ۱۱]. «هیچ چیز همانند او نیست، و او شنوای بیناست».

پس بگو: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾. هیچ یک از مخلوقات الله، با او شبیه نیست.
و بگو: ﴿اللَّهُ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾. الله سبحانه می‌شنود و می‌بیند.
الله شنیدن و دیدن را برای خودش ثابت کرد، پس من هم شنیدن و دیدن را برای
او ثابت می‌دانم.

و مانند فرشتگان می‌گویم: ﴿سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾ [البقرة: ۳۲].
«منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم».

الله ﷻ می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ [النمل: ۶۵].
«بگو: در آسمان‌ها و زمین جز الله هیچ کس غیب نمی‌داند».
پس بگو: هیچ کس جز الله غیب نمی‌داند.

الله علم غیب را از همه غیر از خودش نفی فرمود. از این رو، من هم علم غیب را از
همه جز الله نفی می‌کنم.

و همانند فرشتگان می‌گویم: ﴿سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾ «منزهی تو! ما
چیزی جز آنچه به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم».

الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ «و او شنوای بیناست». اما چگونگی
شنیدن و دیدن خویش را هرگز بیان نفرموده است. آنچه را الله در مورد خودش نفرموده و
نسبت به آن علم نداری نگو.

ثابت است که الله سخنان بندگان را که به صورت دسته‌جمعی در یک مکان یا به
صورت جداگانه و به زبان‌های مختلف و درخواست‌های گوناگون او را می‌خوانند
می‌شنود و درخواست هریک را در دنیا یا در آخرت به او عطا می‌فرماید.

به این دلیل که چگونگی شنیدن الله را نمی‌دانی، نگو چگونه می‌شنود و شنیدن را
از او نفی نکن؛ بلکه فقط ایمان داشته باش که الله شنواست؛ زیرا این صفت را در قرآن
برای خودش بیان فرموده و نیز می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ

أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ﴿البقرة: ۱۸۶﴾. «و چون بندگانم، از تو درباره من بپرسند، بگو: به راستی که من نزدیکم، دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند؛ اجابت می‌کنم.»
و نیز گمان مبر که صفات الله شبیه صفات مخلوقاتش است، زیرا الله، همانگونه که در مورد خود می‌فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].
«هیچ چیز همانند او نیست، و او شنوای بیناست.» خالق همانند مخلوق نیست: ﴿أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۱۷]. «آیا کسی که می‌آفریند، مانند کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا پند نمی‌گیرید؟!».

و بدان که صفات الله کامل و بدون نقص و همیشگی و پیوسته است:

﴿سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾ [الصفات: ۱۸۰]. «پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت، از آنچه (مشرکان) توصیف می‌کنند.»
صفات خالق مانند صفات مخلوق نیست؛ زیرا صفات مخلوق ناقص و مؤقتی است.

الله سبحانه در قرآن کریم، خودش را چگونه توصیف می‌فرماید؟

الله سبحانه می‌فرماید: ﴿اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ [الزمر: ۶۲].
«الله آفریدگار همه چیز است، و او بر همه چیز نگهبان است.»
پس خالق فقط الله است و غیر او مخلوق هستند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ لَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ [الإخلاص: ۱-۴]. «(ای پیامبر) بگو: او الله یکتا و یگانه است. الله بی‌نیاز است (و همه نیازمند او هستند). نه (فرزندی) زاده و نه زاده شده است. و هیچ کس همانند و همتای او نبوده و نیست.»
بنابراین، الله همان اله و معبود بر حق و یگانه‌ای است که هیچ شریک و شبیه و همانندی ندارد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَةَ وَبَاطِنَةً ۖ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ﴾ [لقمان: ۲۰]. «آیا ندیدید که الله آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را

که در زمین است؛ مسخر شما کرده است، و نعمت‌های خود را آشکار و پنهان (بطور فراوان) بر شما ارزانی داشته است؟! و از مردم کسی هست که بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری دربارهٔ الله مجادله می‌کند».

الله مواد را آفرید و برای هریک از آنها خصوصیات متمایزی قرار داد تا انسان از آنها استفاده کند؛ به عنوان نمونه، از چوب برای روشن کردن آتش و ساختن کشتی برای حرکت در دریا استفاده می‌شود، یا انسان از آهن برای ساختن ظروفی مانند دیگ برای پختن غذا و سلاح برای حمایت از خود و یاری دین الله استفاده می‌کند:

الله متعال می‌فرماید:

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ﴾ [یس: ۸۰].
 «(همان) کسی که از درخت سبز برای شما آتش پدید آورد، پس آنگاه شما از آن (آتش) می‌افروزید».

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ﴾ [الشوری: ۳۲]. «واز نشانه‌های او کشتی‌هایی است که همچون کوه در دریا روانند».

﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [الحديد: ۲۵]. «و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی سخت و منفعی برای مردم است. و تا الله معلوم بدارد چه کسی به نادیده او و پیامبرانش را یاری می‌کند، بی‌گمان الله توانای پیروزمند است».

الله دل‌های بندگانش را چنان آفریده که به صورت طبیعی او را دوست دارند و به‌سوی او پناه می‌برند. مؤمنان در هر زمانی خدا را می‌خوانند و به‌سوی او پناه می‌برند؛ اما کافران و مشرکان فقط در سختی و اندوه شدید الله را می‌شناسند. فقط در چنین حالتی دل‌های آنان به‌سوی خدا به تنهایی متوجه می‌شود و آنچه را شریک می‌آوردند فراموش می‌کنند، اما وقتی که الله آنان را نجات می‌دهد، به شرک و کفر خویش باز می‌گردند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ﴾ [لقمان: ۳۲]. «و هنگامی که (در دریا) موجی همچون سایه‌بان آن‌ها را بپوشاند، الله را با اخلاص می‌خوانند، پس چون آن‌ها را (با آوردن) به خشکی نجات داد، آنگاه بعضی از آنان راه اعتدال را پیش

می‌گیرند. (و بر ایمان و عهد خود می‌مانند، در حالی که بعضی دیگر راه کفر را پیش می‌گیرند) و آیات ما را هیچ کس جز پیمان‌شکنان ناسپاس؛ انکار نمی‌کند».

همراهیان نوح عليه السلام در کشتی، اجداد ما انسان‌ها بودند. الله سبحانه نعمت خویش را بر ما بیان می‌کند که وقتی آب تمام کنار و گوشه‌های زمین را فراگرفت، ما را در کشتی سوار کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ﴾ [الحاقه: ۱۱].
«همانا هنگامی که آب طغیان کرد، شما را در کشتی سوار کردیم».

الله مردم را از یک مرد و زن و پدرشان را از خاک آفرید و فرمان داد که هیچ کس بر دیگری برتری نجوید و هیچ کس بر دیگر تجاوز نکند، اما پیروان باطل چنین چیزی نمی‌خواهند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [الحجرات: ۱۳].
«ای مردم! بی‌شک ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست، بی‌گمان الله دانای آگاه است».

﴿هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَىٰ﴾ [النجم: ۳۲]. «و او نسبت به شما داناتر است، هنگامی که شما را از زمین پدید آورد، و هنگامی که شما در شکم مادران‌تان بصورت جنین‌هایی بودید، پس خودتان را نستائید (و پاک نشمارید) او به کسانی که پرهیزکاری نمودند داناتر است».

پیروان باطل آنچه را خدا برای بندگانش می‌خواهد نمی‌پسندند. بلکه دوست دارند که ریاست‌شان باقی بماند و مردم از آنان پیروی کنند و آنان را به عنوان واسطه‌های رسیدن به الله و آمرزش و بهشت او قرار دهند

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ ﴿۱۲﴾ وَآثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ آثْقَالِهِمْ وَلَيَسَّ عَلَيْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَمًا كَأَنُورًا يَفْتَرُونَ ﴿۱۳﴾﴾ [العنكبوت: ۱۲-۱۳]. «و کسانی که کافر شدند به کسانی که ایمان آوردند؛ گفتند: «از راه ما پیروی کنید، و البته ما (بار) گناهان‌تان را بر می‌داریم». و آن‌ها هرگز چیزی از گناهان ایشان را بر نخواهند داشت، بی‌گمان آن‌ها دروغ‌گو هستند. و البته بارهای سنگین (گناهان) خویش را بر می‌دارند، و (همچنین) بارهای دیگری را با بارهای سنگین خود بر می‌دارند، و روز قیامت یقیناً از آنچه افترا می‌بستند پرسیده خواهند شد».

عظمت و بزرگی فقط برای الله است. او مالک بزرگ است و تمام هستی در ملکیت اوست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿۲۵۵﴾﴾ [البقرة: ۲۵۵]. «الله (معبود بر حق است) هیچ معبودی بحق جز او نیست، زنده (و جهان هستی را) نگه دار و مدبر است، نه چرت او را فرا گیرد و نه خواب، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست کیست که در نزد او جز به فرمان او شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد احاطه نمی‌یابد، کرسی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته، و نگاهداری آن دو (زمین و آسمان) بر او گران و دشوار نیاید، و او بلند مرتبه و بزرگ است».

الله سبحانه و تعالی اسماء نیکوتر و صفات برتری دارد:

الله متعال می فرماید: ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلِيمٌ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ ﴿۲۲﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۲۳﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۲۴﴾ [الحشر: ۲۲-۲۴]. «او الله است که جز او معبودی (راستین) نیست، دانای غیب و آشکار است، او بخشنده مهربان است. او الله است که جز او معبودی (راستین) نیست، پادشاه، نهایت پاک، منزّه (و سالم از هر عیب)، ایمنی دهنده، نگهبان پیروزمند، جبار (جبران کننده) و شایسته عظمت و بزرگی است. الله پاک و منزّه است از آنچه (برای او) شریک می آورند. او الله است، خالق، نوآفرین، نقشبند (بی نظیر) برای او نام‌های نیک است، آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح او می گویند، و او پیروزمند حکیم است.»

تمام جهان هستی از آن الله است و هر گونه که بخواهد آن را اداره می کند. خلق و امر از آن اوست:

الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُعْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ ﴿۵۴﴾ [الأعراف: ۵۴]. «ای مردم) بی گمان پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر عرش مستقر شد، شب را به روز می پوشاند که شتابان در پی آن می رود، و خورشید و ماه و ستاره گان (را آفرید) که مسخر فرمان او هستند، آگاه باشید که آفرینش و فرمانروایی از آن او است، پر برکت (و به غایت بزرگ) است الله که پروردگار جهانیان است.»

نه خوابی او را فرومی گیرد و نه خستگی ای. او تعالی قدرتمند و بر هر چیزی تواناست:

الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۰]. «چرا که الله بر هر چیز توانا است.»

﴿إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ﴾ ﴿۴۰﴾ [النحل: ۴۰]. «فرمان ما به هر چیز که چون اراده اش کنیم، فقط این است که به او گوییم: «موجود باش» پس (بلا فاصله) موجود می شود.»

الله سبحانه برای بندگانش کافی است و از آنان حمایت می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾ [الزمر: ۳۶]. «آیا الله برای بنده‌اش کافی نیست؟!».

مؤمنی که به خدا توکل می‌کند و بسیار ذکر الله را به زبان می‌آورد، هیچ‌کس، نه ساحر و نه شیطان و نه دیگران بر او مسلط نمی‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ [۹۸]. «از (شر) شیطان رانده شده، به الله پناه ببر. بی‌گمان او بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند؛ (هیچ) تسلطی ندارد».

﴿إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ [النساء: ۷۶]. «قطعاً نیرنگ (و نقشه) شیطان ضعیف است».

﴿إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدَ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى﴾ [طه: ۶۹]. «بی‌شک آنچه ساخته‌اند، تنها مکر ساحر است، و ساحر هر جا رود رستگار (و موفق) نخواهد شد».

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ﴾ [الذی یرتک حین تقوم] ﴿وَتَقَلِّبْكَ فِي السَّجِدِينَ﴾ [۱۱۲]. «و بر الله پیروزمند مهربان توکل کن. (همان) کسی که تو را به هنگامی که (برای عبادت) بر می‌خیزی می‌بیند. و (نیز) حرکت (و نشست و برخاست) تو را میان سجده‌کنندگان (می‌بیند). همانا او شنوای داناست».

مؤمن نزد ساحران نمی‌رود. کسی که به سحر تمایل پیدا کند آنگونه که مشتری کالا را می‌خواهد و نزد ساحران رفته و آنان را تصدیق کند، بهره‌ای در آخرت ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ﴾ [البقرة: ۱۰۲]. «و قطعاً می‌دانستند که هرکس خریدار آن باشد، در آخرت بهره نخواهد داشت».

مؤمن سحر را فرامی‌گیرد و به دیگران نمی‌آموزاند؛ زیرا ساحر در دنیا و آخرت رستگار نخواهد شد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَٰ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ﴾ [البقرة: ۱۰۲]. «و از آنچه شیاطین در (عهد) فرمانروایی سلیمان (بر مردم) می‌خواندند پیروی کردند، و درحالی‌که

سلیمان (هرگز دست به سحر نیالود) و کافر نشد، و لیکن شیاطین کفر ورزیدند، به مردم سحر آموختند».

﴿وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ﴾ [البقرة: ۱۰۲]. «و (آن دو فرشته) به هیچ کس چیزی یاد نمی‌دادند، مگر اینکه (از پیش به او) می‌گفتند: «ما وسیله آزمایشیم، پس کافر نشو».

از جمله مواردی که الله در مورد خودش فرموده این است که علیم و خبیر است و علم او سبحانه و تعالی حد و مرزی ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَلْحَلُّو الْعَلِيمُ﴾ [الحجر: ۸۶]. «بی‌گمان پروردگار تو، همان آفریننده‌ی داناست».

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ [الأنعام: ۵۹]. «و کلیدهای غیب نزد اوست؛ و جز او کسی آن‌ها را نمی‌داند، آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند، و هیچ برگی (از درختی) نمی‌افتد؛ مگر اینکه آن را می‌داند، و نه هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و نه هیچ تر و خشکی (و جود دارد) مگر اینکه در کتابی آشکار (= لوح محفوظ ثبت) است».

نیز فرموده که غنی و بی‌نیاز است و هر چه غیر اوست به او نیازمند هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ [فاطر: ۱۵]. «ای مردم! شما (همگی) به الله نیازمندید، و (تنها) الله است که بی‌نیاز ستوده است».

رزق و روزی به دست او سبحانه است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾ [هود: ۶]. «و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست؛ مگر اینکه روزی اش بر (عهده‌ی) الله است».

مرگ همه چیز را فرامی‌گیرد مگر الله را:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ﴾ [الفرقان: ۵۸]. «و برزنده‌ که هرگز نمی‌میرد؛ توکل کن».

الله سبحانه و تعالی زنده می گرداند و می میراند:

الله متعال می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ﴾ [غافر: ۶۸]. «او کسی است که زنده می کند و می میراند».

زندگی مؤمن مانند زندگی فاسق نیست؛ چنانکه مرگ مؤمن با مرگ فاسق متفاوت است؛ زیرا اعمال مختلفی دارند و به همین دلیل، جزای آنان متفاوت است:

الله متعال می فرماید: ﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ﴾ ﴿۱۸﴾ أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۹﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ﴾ [السجدة: ۱۸-۲۰]. «آیا کسی که مؤمن است همچون کسی است که فاسق است؟! (نه) هرگز برابر نیستند. اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پس برای آن‌ها باغ‌های بهشت جاویدان خواهد بود، (این به عنوان) محل پذیرایی (از آن‌ها) است؛ به پاداش آنچه که انجام می‌دادند. و اما کسانی که فاسق شدند، پس جایگاه‌شان آتش (جهنم) است».

﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ أُجْرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ ﴿۲۱﴾ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِيُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ ﴿۲۲﴾ [الجماعه: ۲۱-۲۲]. «آیا کسانی که مرتکب بدی‌ها شدند، گمان کردند که (ما) آن‌ها را همچون کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، که زندگی‌شان و مرگ‌شان یکسان باشد؟! چه بد داوری می‌کنند! و الله آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است، و تا هرکس را در برابر آنچه که انجام داده است پاداش دهد، و به آن‌ها ستمی نخواهد شد».

مؤمنان در هنگام مرگ توسط فرشتگان مورد بشارت قرار می‌گیرند:

الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ ﴿۳۰﴾ نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ [فصلت: ۳۰-۳۱]. «بی‌گمان کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آن‌ها نازل می‌شوند (و می‌گویند): «نترسید، و اندوهگین نباشید، و بشارت باد، به بهشتی که شما وعده داده می‌شدید. ما در زندگی دنیا و (نیز) در آخرت دوستان (و یاران) شما هستیم».

اما ستمکاران در سختی‌ها و ناراحتی‌های مرگ، توسط فرشتگان شکنجه می‌شوند: **اللّٰهُ مُتَعَالٍ** می‌فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوٓآءِ اَيْدِيهِمْ اَخْرَجُوٓآ اَنْفُسَكُمْ يَوْمَ تَجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلٰى اللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ [الأنعام: ۹۳]. «و (شگفت‌زده می‌شوی) اگر ببینی هنگامی که (این) ستمکاران در سكرات مرگ فرو رفته‌اند، و فرشتگان (قبض روح) دست‌ها را گشوده (و به آنان می‌گویند): «جان‌هایتان را بیرون آورید! امروز عذاب خفت‌باری در برابر آنچه ناحق بر الله می‌گفتید، و نسبت به آیات او تكبر ورزیدید، خواهید دید».

پس از اینکه مؤمنان از دنیا رفتند، درهای آسمان به روی ارواح آنان گشوده می‌شود، اما گردن‌کشان تکذیب‌کننده از این نعمت محروم هستند:

اللّٰهُ مُتَعَالٍ می‌فرماید: ﴿اِنَّ الَّذِيْنَ كَذَبُوٓآ بِآيَاتِنَا وَاَسْتَكْبَرُوٓا عَنْهَا لَا تُفْتَحُ لَهُمْ اَبْوَابُ السَّمٰوٰتِ وَلَا يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ حَتّٰى يَلْبِغَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ﴾ [الأعراف: ۴۰]. «بی‌گمان کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و در برابر آن (گردن‌کشی و) تکبر ورزیدند، درهای آسمان (هرگز) برای‌شان گشوده نمی‌شود، و به بهشت داخل نخواهند شد، مگر این که شتر از سوراخ سوزن درآید».

مؤمنان تا برپایی قیامت در قبرهایشان در نعمت به سر می‌برند، اما متکبران ستیزه‌جو تا برپایی قیامت عذاب و شکنجه می‌شوند:

اللّٰهُ مُتَعَالٍ می‌فرماید: ﴿وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ۝ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ اَدْخِلُوٓآ آلَ فِرْعَوْنَ اَشَدَّ الْعَذَابِ ۝﴾ [غافر: ۴۵-۴۶]. «و بدترین عذاب آل فرعون را در میان گرفت. (آن عذاب) آتش (دوزخ است) که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند. و روزی که قیامت بر پا می‌شود (گفته می‌شود): «آل فرعون را در سخت‌ترین عذاب وارد کنید».

عذاب و نعمت‌های قبر از جمله امور غیبی است که فقط الله نسبت به آن علم دارد. از دیگر صفاتی که الله خویش را با آن توصیف فرموده این است که:

الله مردگان را زنده می‌کند و کسانی را که در قبرها هستند

برمی‌انگیزاند

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَعَيْرٍ مُّخَلَّقَةٍ لِّئُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْثَبَتْ مِنَ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ﴿٧﴾﴾ [الحج: ٥-٧]. «ای مردم! اگر از بر انگیزته شدن در شک هستید، پس (به این نکته دقت کنید): همانا ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از مضغه (= پاره گوشتی) شکل یافته و شکل نیافته، تا (قدرت و حکمت خود را) برای شما آشکار سازیم، و هر چه را که بخواهیم تا زمانی معین در رحم (مادران) نگه می‌داریم، آنگاه شما را به صورت طفل بیرون می‌آوریم، سپس تا به حد رشد (و بلوغ) خود برسید، و از شما کسی هست که می‌میرد، و از شما کسی هست که (آنقدر عمر می‌کند که) به نهایت فرتوتی (و پیری) باز برده می‌شود، تا آنکه پس از (آن همه) علم و دانش، چیزی نداند، و (به مثال دیگر توجه کنید): زمین را خشکیده می‌بینی، پس هنگامی که آب (باران) بر آن فرو فرستیم، به حرکت در آید، و رشد کند، و از هر نوع گیاه زیبا (و خرم) برویاند. این به خاطر آن است که (بدانید) الله حق است، و آنکه او مردگان را زنده می‌کند، و آن که او بر هر چیز تواناست. و آنکه قیامت آمدنی است، شکی در آن نیست، و آنکه الله (همه) کسانی که در گورها هستند، برمی‌انگیزد».

الله سبحانه خبر می‌دهد که او در روزی که هیچ شک و تردیدی در آن نیست مردم را گرد می‌آورد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ [الجنات: ٢٦]. «(ای پیامبر) بگو: الله شما را زنده می‌کند، سپس شما را می‌میراند، باز شما را در روز قیامت - که تردیدی در آن نیست - جمع می‌کند».

آنگاه برای عرضه در برابر پروردگار سبحانه و حسابرسی بر تمام اعمال کوچک و بزرگی که در دنیا انجام داده‌اند نگه داشته می‌شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ ۗ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ۗ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۗ وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ۗ وَالْمَلِكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَّةٌ ۗ يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ۗ﴾ [الحاقة: ۱۳-۱۸]. «پس هنگامی که یک بار در «صور» دمیده شود. و زمین و کوه‌ها از جا کنده شود، پس یکباره درهم کوبیده (و متلاشی) شوند. پس در آن روز واقعه (عظیم) قیامت به وقوع می‌پیوندد. و آسمان شکافته می‌شود، پس در آن روز سست می‌گردد (و فرو می‌ریزد). و فرشتگان بر کناره‌های آن (= آسمان) قرار می‌گیرند، و آن روز هشت (فرشته) عرش پروردگارت را بر فرازشان حمل می‌کنند. در آن روز شما (همگی برای حسابرسی، به پیشگاه الله) عرضه می‌شوید، و هیچ چیز از (کارهای) شما پنهان نخواهد ماند».

سپس نامه‌های اعمال‌شان به دست آنان داده می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا ۗ أَقْرَأَ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ۗ﴾ [الإسراء: ۱۳-۱۴]. «و روز قیامت کتابی برای او بیرون می‌آوریم که آن را سرگشوده می‌بینید (که همانا نامه‌ی اعمالش است). (و به او می‌فرماییم): کتابت را بخوان، کافی است که امروز خود حساب‌گر خویش باشی». پس از آن، در بهشت پر از نعمت، مورد احترام قرار می‌گیرند یا از نعمت محروم شده و در آتش جهنم شکنجه و عذاب می‌شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۗ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۗ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ۗ﴾ [المطففين: ۲۲-۲۴]. «همانا نیکوکاران در نعمت (های بهشت) هستند. بر تخت‌ها (تکیه زده و) می‌نگرند. خرمی و نشاط نعمت را در چهره‌هایشان (می‌بینی) (و می‌شناسی)».

﴿وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ۗ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ ۗ وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بِاسِرَةٍ ۗ تَطْنُ أَنْ يَفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ۗ﴾ [القيامة: ۲۲-۲۵]. «آن روز چهره‌هایی تازه (و شاداب) است. به سوی پروردگارش می‌نگرد. و در آن روز چهره‌هایی عبوس (و درهم کشیده) است. یقین دارد که آسیبی کمرشکن به او می‌رسد».

﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمِئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾﴾ [المطففين: ۱۵-۱۶].
 «هرگز چنین نیست (که آن‌ها می‌پندارند) بی‌گمان آن‌ها در آن روز از (دیدار) پروردگارشان
 یقیناً محجوب و محرومند. سپس (بعد از حساب) مسلماً وارد دوزخ می‌شوند».

الله مؤمنان را که در دنیا کار نیک انجام دادند مورد احترام قرار می‌دهد و وارد
 بهشت زیبا و نیکو می‌شوند. الله افزون بر بهشت پر نعمتی که در آن قرار دارند و بهتر
 از آن را برایشان عطا می‌فرماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ﴾ [یونس: ۲۶]. «برای کسانی که
 نیکی کردند، پاداش نیک (= بهشت) است و افزون بر آن (= رؤیت باری تعالی است)».
 «حسنی»، همان جنت است و «زیادة»، نعمتی بهتر از نعمت‌های جنت است، یعنی
 رؤیت الله متعال در جنت است.

مؤمنان ایمان و عمل را که صفات پرهیزکاران است به نمایش می‌گذارند و از این
 طریق، هدایت و رستگار می‌شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الْم ﴿١﴾ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ
 يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ
 إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ
 هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾﴾ [البقرة: ۱-۵]. «الف. لام. میم. این کتابی است که هیچ شکی در آن
 نیست و مایه هدایت پرهیزگاران است. آن کسانی که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را بر پا
 می‌دارند و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند. و آنان که به آنچه بر تو نازل شده و آنچه
 (بر پیامبران) پیش از تو نازل شده، ایمان می‌آورند، و به روز رستاخیز یقین دارند. آنان بر
 هدایت از جانب پروردگارشانند و آنان رستگاراند».

نخستین صفت پرهیزکاران که الله آن را در کتابش بیان می‌کند، ایمان به غیب است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الْم ﴿١﴾ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ
 يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ [البقرة: ۱-۳]. «الف. لام. میم. این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست
 و مایه هدایت پرهیزگاران است. آن کسانی که به غیب ایمان».

و اولین غیبی که الله به ما فرمان داده به آن ایمان بیاوریم، ایمان به الله، سپس
 ایمان به فرشتگان او سبحانه و تعالی است. به همین ترتیب، به ما فرمان داده که به جنت

و جهنم و سایر امور غیبی که هرگز آنها را ندیده‌ایم ایمان بیاوریم؛ زیرا الله در کتاب خویش و رسولش ﷺ ما را از این امور آگاه کرده‌اند و ما می‌گوییم: ﴿سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا﴾:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [البقرة: ۲۸۵]. «پیامبر به آنچه از (سوی) پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است، و مؤمنان (نیز) همه به الله و فرشتگان او و کتاب‌هایش و پیامبرانش ایمان آورده‌اند. (و گفتند): «میان هیچ یک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم» و گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آموزش تو را (خواهانیم) و بازگشت به سوی توست».

موسی عليه السلام درخواست کرد که پروردگارش را ببیند، اما الله سبحانه به او فرمود که هرگز نمی‌تواند الله را در دنیا ببیند؛ زیرا دنیا توان و گنجایش این امر را ندارد، بگونه‌ای که وقتی پروردگار جل و علا خویشان را بر کوه تجلی نمود، کوه متلاشی شد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَن نَرِيكَ وَلَٰكِنِ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأعراف: ۱۴۳]. «و هنگامی که موسی به میعاد ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا! خودت را به من نشان بده، تا به تو بنگرم» فرمود: «(در دنیا) هرگز مرا نخواهی دید، و لیکن به کوه بنگر، پس اگر در جایش ثابت ماند، تو (نیز) مرا خواهی دید». پس چون پروردگارش بر (آن) کوه تجلی کرد، آن را متلاشی (و هموار) ساخت، و موسی بیهوش افتاد، پس هنگامی که به هوش آمد، عرض کرد: تو پاک و منزهی، من به سوی تو بازگشتم (و توبه کردم) و من نخستین مؤمنانم».

موسی چون چیزی را از الله درخواست کرده بود که در دنیا سزاوارش نبود توبه کرد. اما قومش لجبازی کردند و به غیب کفر ورزیدند و ایمان خویش را معلق کردند به اینکه موسی الله را در دنیا به آنان نشان دهد؛ از این رو، عذاب دردآوری آنان را فراگرفت:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾ [البقرة: ۵۵]. «و (به یاد آورید) هنگامی را که

گفتید: «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم، مگر اینکه الله را آشکارا ببینیم». پس صاعقه شما را گرفت، در حالی که می‌نگریستید».

اما در آخرت، الله مؤمنان را به بهشت درمی‌آورد و آنان بهشت را می‌بینند و کافران را به جهنم درمی‌آورد و آنان جهنم را می‌بینند؛ اما کافران را از رؤیت خویش محروم می‌گرداند و با این نعمت، بندگان پرهیزکارش را گرامی می‌دارد. رؤیت الله، نعمت اصلی و فراتر از تمام نعمت‌هایی است که بهشتیان از آن بهره‌مند می‌گردند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلْقَوَةٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۲۲۳].

«و از الله بترسید، و بدانید که شما او را ملاقات خواهید کرد، و به مؤمنان بشارت ده».

﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ﴾ ﴿۱۵﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿۱۶﴾ [المطففين: ۱۵-۱۶].

«هرگز چنین نیست (که آن‌ها می‌پندارند) بی‌گمان آن‌ها در آن روز از (دیدار) پروردگارش یقیناً محجوب و محرومند. سپس (بعد از حساب) مسلماً وارد دوزخ می‌شوند».

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ﴾ ﴿۲۲﴾ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿۲۳﴾ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ

التَّعِيمِ ﴿۲۴﴾ [المطففين: ۲۲-۲۴]. «همانا نیکوکاران در نعمت (های بهشت) هستند. برتخت‌ها

(تکیه زده و) می‌نگرند. خرمی و نشاط نعمت را در چهره‌هایشان (می‌بینی و) می‌شناسی».

﴿وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ﴾ ﴿۲۲﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ ﴿۲۳﴾ وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بِآبِرَةٍ﴾ ﴿۲۴﴾ تَنْظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا

فَاقِرَةٌ ﴿۲۵﴾ [القيامة: ۲۲-۲۵]. «آن روز چهره‌هایی تازه (و شاداب) است. به سوی پروردگارش

می‌نگرد. و در آن روز چهره‌هایی عبوس (و درهم کشیده) است. یقین دارد که آسیبی کمرشکن به او می‌رسد».

از جمله موارد دیگری که خدا در مورد خویش فرموده این است که:

بندگان مؤمن، پرهیزکار، شکیبا، نیکوکار خویش و پیرو رسولش ﷺ را دوست دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ [آل عمران: ۳۱].

«بگو: «اگر الله را دوست می‌دارید، پس از من پیروی کنید، تا الله شما را دوست بدارد».

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: ۴]. «همانا الله پرهیزگاران را دوست دارد».

﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۶]. «و الله شکیبایان را دوست دارد».

﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۴]. «و الله نیکوکاران را دوست می‌دارد».

مؤمنان الله را دوست دارند. دلیل محبت آنان به الله، فرمانبرداری از او و رسولش است و هر کس که ادعا می‌کند الله را دوست دارد، اما از او فرمانبرداری نکرده و از رسولش پیروی نمی‌کند، یا ادعای ایمان دارد ولی اعمال صالح انجام نمی‌دهد، دروغ گو است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٤٨﴾﴾ [النور: ٤٧-٤٨]. «و (منافقان) می‌گویند: «به الله و به پیامبر (او) ایمان آوردیم، و اطاعت کردیم» سپس گروهی از آن‌ها بعد از این (ادعا) روی گردان می‌شوند، و اینان (در حقیقت) مؤمن نیستند. و هنگامی که به سوی الله و پیامبرش فراخوانده شوند تا در میان‌شان داوری کند، ناگهان گروهی از آن‌ها اعراض می‌کنند».

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾﴾ [النور: ٥١]. «سخن مؤمنان هنگامی که به سوی الله و پیامبرش خوانده شوند تا میان آن‌ها داوری کند، فقط این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم» و اینان همان رستگارانند».

الله در کتاب گرانبهایش هر جا که فرموده: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ بدون استثناء، در کنار آن ﴿وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ را آورده است؛ زیرا عمل صالح، بر ایمان حقیقی صحه می‌گذارد. الله صفات مؤمنان راستین را در کتابش بیان فرموده است؛ از جمله اینکه آنان ایمان و عمل را با هم دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾﴾ [الأنفال: ٢-٤]. «مؤمنان تنها کسانی هستند که چون نام الله برده شود، دل‌های شان ترسان گردد، و چون آیات او بر آن‌ها خوانده شود، ایمان‌شان افزون گردد، و بر پروردگارشان توکل می‌کنند. کسانی که نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. اینان، مؤمنان حقیقی هستند، برای آنان درجاتی پیاپی (عالی) نزد پروردگارشان است، و (همچنین) آمرزش، و روزی فراوان و نیکو (در بهشت) است».

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحجرات: ۱۵]. «مؤمنان (حقیقی) تنها کسانی‌اند که به الله و پیامبرش ایمان آورده‌اند، سپس (در این باره) شک (و تردید) نکرده‌اند، و با اموال خود و جان‌های خود در راه الله جهاد کرده‌اند، اینانند که راستگویانند».

صفات بندگان نیکوکار الله:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّادِقِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۷]. «نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به الله و روز قیامت و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران، ایمان آورده باشد، و مال (خود) را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و گدایان و در (راه آزادی) بردگان بدهد، و نماز را بر پای دارد و زکات را بدهد، و وفاکنندگان به پیمان‌شان چون پیمان بندند و (کسانی که) در فقر و سختی و زیان و بیماری و به هنگام نبرد؛ شکیبایند. این‌ها کسانی هستند که راست گفتند، و آن‌ها پرهیزگارانند».

صفت دیگری که الله سبحانه و تعالی خویشتن را با آن ستوده، این است که: نسبت به بندگانش لطیف و مهربان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ﴾ [الشوری: ۱۹]. «الله نسبت به بندگانش لطیف (و مهربان) است».

﴿وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ [البقرة: ۲۰۷]. «و الله نسبت به بندگان مهربان است».

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ [البقرة: ۱۸۵]. «الله برای شما آسانی می‌خواهد، و برای شما دشواری نمی‌خواهد».

الله سبحانه و تعالی در مورد خویش می‌فرماید: مهربان‌ترین مهربانان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَاللَّهُ خَيْرٌ حَفِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ﴾ [يوسف: ۶۴]. «پس الله بهترین نگهبان است، و او مهربان‌ترین مهربانان است».

دین الله سبحانه آسانی و سهولت و عزت و سعادت است:

الله متعال می فرماید: ﴿مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ [الحج: ۷۸]. «و در دین برای شما هیچ سختی (و تنگنایی) قرار نداد».

﴿طه ۱﴾ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴿۲﴾ [طه: ۱-۲]. «طه. (ای پیامبر! ما) قرآن را بر تو نازل نکردیم که به مشقت افتی».

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۹]. «و سست نشوید و اندوهگین نگردید، و شما برتر هستید؛ اگر مؤمن باشید».

الله سرپرست و یاور بندگان مؤمن خویش است:

الله متعال می فرماید: ﴿وَاللَّهُ وَكِئٌ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۶۸]. «و الله یاور و ولی مؤمنان است».

سرپرستی الله نسبت به یوسف علیه السلام:

برادران یوسف، او را در چاه افکندند:

الله متعال می فرماید: ﴿فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [یوسف: ۱۵]. «پس چون او را با خود بردند، و تصمیم گرفتند که او را در قعر چاه قرار دهند، و (تصمیم خود را عملی نمودند) به او وحی کردیم که قطعاً آن‌ها را از این کارشان آگاه خواهی کرد، در حالی که آن‌ها نمی دانند».

سپس عزیز مصر شد:

الله متعال می فرماید: ﴿قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ وَإِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [یوسف: ۷۸]. «گفتند: ای عزیز! همانا او پدر پیری دارد، (که از دوری او سخت ناراحت می شود) لذا یکی از ما را به جای او بگیر، بی گمان ما تو را از نیکو کاران می بینیم».

در ادامه، یوسف برادرانش را از کارشان آگاه کرد بدون اینکه آنان بدانند:

الله متعال می فرماید: ﴿قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ﴾ [یوسف: ۸۹]. ﴿قَالُوا أَيْئَاتُكَ يَا يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [یوسف: ۸۹-۹۰]. «(یوسف) گفت: «آیا دانستید با یوسف چه کردید، هنگامی که نادان بودید؟!». (برادران) گفتند: «آیا به راستی تو

همان یوسفی؟!». (یوسف) گفت: «(آری) من یوسفم، و این برادر من است، یقیناً الله بر ما منت گذاشت، همانا هر کس پرهیزگاری کند و صبر نماید، بی گمان الله پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند».

سرپرستی الله نسبت به موسی علیه السلام:

فرعون فرزندان بنی اسرائیل را ذبح می کرد:

الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ﴾ [القصص: ۴]. «بی گمان فرعون در زمین برتری جست و اهل آن را گروه گروه کرد، گروهی از آن ها را به ضعف و ناتوانی می کشاند، پسران شان را سر می برید».

موسی در منزل فرعون:

الله متعال می فرماید: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ [القصص: ۷-۸]. «و به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر بده، پس هنگامی که بر او ترسیدی، او را به دریای (نیل) بینداز، و نترس، و اندوهگین مشو، یقیناً ما او را به تو باز می گردانیم و او را از پیامبران قرار می دهیم». پس (هنگامی که مادر موسی او را به دریا افکند) خاندان فرعون او را (از آب) بر گرفتند».

﴿وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ﴾ [القصص: ۹]. «و (آسیه) همسر فرعون گفت: «(این کودک) نور چشم من و توست! او را نکشید».

مادر موسی خواهرش را فرستاد تا اخبار موسی را دنبال کند:

الله متعال می فرماید: ﴿وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [القصص: ۱۱-۱۲]. «و (مادر موسی) به خواهر او گفت: «به دنبالش برو» پس (خواهرش) او را از دور دید، در حالی که آن ها بی خبر بودند. و (پستان) همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم، آنگاه (خواهرش) گفت: «آیا شما را به خانواده ای راهنمایی کنم که او را برایتان نگه دارند در حالی که آن ها خیر خواه او باشند؟!».

خواهر موسی راست گفت؛ چون در شهر، برای موسی خانواده ای دلسوزتر از مادر و

خانواده اش یافت نمی شد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [القصص: ۱۳]. «پس او را به مادرش باز گردانیدیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد، و تا بداند که وعده‌الله حق است، و لیکن بیشتر آن‌ها نمی‌دانند».

الله سبحانه و تعالی در مورد خویشتن می‌فرماید که او سبحانه در آسمان و بالای سر بندگانش است؛ با این وجود، چنان به آنان نزدیک است که خواسته‌هایشان را برآورده می‌سازد و بندگان مؤمن خویش را حفاظت می‌فرماید و بندگان نافرمان را مجازات می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَمْ أَمِنْتُمْ مَّن فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۗ فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ﴾ [الملك: ۱۷]. «یا خود را از کسی که در آسمان است، در امان می‌دانید، که تند بادی همراه با سنگریزه بر شما فرستد؟ پس بزودی خواهید دانست که هشدار من چگونه است!».

﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ﴾ [المعارج: ۴]. «فرشتگان و روح (جبرئیل) به سوی او عروج می‌کنند».

﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً﴾ [الأنعام: ۶۱]. «و او بر بندگانش چیره است و نگهبانانی (از فرشتگان) بر شما می‌فرستد».

مومنان کارهای نیک انجام می‌دهند؛ زیرا می‌دانند که الله با علم به آنان در کنارشان است، به آنان نزدیک است و سخنانشان را می‌شنود و آنان را می‌بیند:

الله خطاب به موسی و هارون فرمود: ﴿إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى﴾ [طه: ۴۶]. (نترسید!) «بی‌شک من با شما هستم، می‌شنوم و می‌بینم».

در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا آدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [المجادلة: ۷]. «هیچ نجوایی میان سه نفر نباشد مگر آن که او چهارمین آن‌ها است، و پنج نفری نیست مگر آن که او ششمین آن‌ها است، و نه کمتر از آن و نه بیشتر، مگر آن که هرکجا باشند او همراه آن‌ها است، سپس روز قیامت آن‌ها را به آنچه کرده‌اند باخبر می‌سازد، بی‌گمان الله به همه چیز داناست».

الله هرگز به بندگانش فرمان نداده که غیر او را بخوانند، بلکه کسانی را که او را نمی‌خوانند و به درگاه او تضرع و زاری نمی‌کنند، عذاب می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: ۶۰]. «و پروردگار شما فرمود: «مرا بخوانید، تا (دعای) شما را اجابت کنم همانا کسانی که از عبادت من سرکشی می‌کنند، به زودی با خواری به جهنم وارد می‌شوند».

الله سبحانه در مورد خویش می‌فرماید که او سبحانه، حق است و آنچه که به جز او به فریاد خوانده می‌شوند، باطل است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾ [الحج: ۶۲]. «این بخاطر آن است که الله حق است، و آنچه جز او می‌خوانند باطل است، و به راستی که الله بلند مرتبه‌ی بزرگ است». ایمان به الله جز با کفر به طاغوت کامل نمی‌شود و طاغوت عبارت است از هر دین یا معبودی به جز الله:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۵۶]. «به راستی که راه راست (و هدایت) از راه انحراف (و گمراهی) روشن شده است. پس هر کس به طاغوت (شیطان و بت و انسان‌های گمراه و طغیانگر) کفر ورزد و به الله ایمان آورد، پس به راستی که به دستگیره محکمی چنگ زده است، که آن را گسستن نیست، و الله شنوای داناست».

الله سبحانه خبر می‌دهد که بندگانی را دوست دارد که در ظاهر و باطن «یعنی بدن و لباس و قلب و اعضای آنان» پاکیزه باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ [البقرة: ۲۲۲]. «به راستی که الله توبه‌کنندگان را دوست می‌دارد و (نیز) پاکان را دوست می‌دارد». الله سبحانه در مورد خویشتن می‌فرماید:

او سبحانه مهربان‌ترین مهربانان و بخشنده‌ترین بخشنندگان است. گناهان توبه‌کنندگان را می‌بخشد و بدی‌هایشان را به نیکی تبدیل می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [الزمر: ۵۳]. «ای پیامبر، از جانب من) بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف (و ستم) کرده‌اید! از رحمت الله نا امید نشوید، همانا الله همه گناهان را می‌بخشد، یقیناً او بسیار آمرزنده مهربان است».

هرکس که در حال نافرمانی بمیرد و توبه نکرده باشد، تحت اراده و مشیئت الله است که اگر بخواهد او را عذاب می‌دهد و اگر بخواهد او را می‌آمرزد، اما کسی که در حال شرک‌ورزیدن به الله بمیرد، الله جنت را بر او حرام کرده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ [النساء: ۴۸]. «بی‌گمان الله این را که به او شرک آورده شود، نمی‌بخشد، و غیر از آن را برای هر کس بخواهد می‌بخشد».

﴿إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ [المائدة: ۷۲]. «همانا هر کس به الله شرک آورد، الله بهشت را بر او حرام کرده است، و جایگاه او دوزخ است، و ستمکاران را یاوری نیست».

الله سبحانه در مورد خویشتن می‌فرماید که او از مؤمنان خشنود شده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿۷﴾ جَزَأُوهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنِ حِشْيُ رَبِّهِ ﴿۸﴾﴾ [البينة: ۷-۸]. «همانا کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آن‌ها بهترین آفریدگان هستند. پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان باغ‌های (بهشت) جاویدان است که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، همیشه در آن خواهند ماند، الله از آن‌ها خشنود است، و آن‌ها (نیز) از او خشنودند، و این (مقام و پاداش) برای کسی است که از پروردگارش بترسد».

الله سبحانه خویشتن را اینگونه معرفی می‌فرماید که نسبت به هرکس که بنده مؤمنی را از روی عمد بکشد، خشمگین می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَن يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَأُوهُ جَهَنَّمَ خَلِيدًا فِيهَا وَعَظِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ﴾ [النساء: ۹۳]. «و هر کس مؤمنی را از روی عمد به قتل برساند، کیفرش دوزخ است، که در آن جاودانه می‌ماند، و الله بر او غضب می‌کند، و او را از رحمتش دور می‌سازد».

الله سبحانه در مورد خویشتن می فرماید که:

او تعالی به عدالت و نیکوکاری و خوش اخلاقی فرمان می دهد و از هر امر ناپسندی نهی می کند

الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۹۰]. «به راستی الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد، و از فحشا و منکر و ستم نهی می کند، و شما را پند می دهد؛ شاید متذکر شوید».

الله سبحانه امر می فرماید که به پدر و مادر نیکی کنید:

الله متعال می فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾﴾ [الإسراء: ۲۳-۲۴]. «و پروردگارت (چنین) مقرر داشته است که: جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید، هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن ها نزد تو به سن پیری رسند، (حتی) به آن ها (کلمه‌ی) اف (= کمترین کلمه رنج آور) نگو، و بر (سر) آن ها فریاد زن، و با نیکی (و بزرگووارانه) با آن ها سخن بگو. و از روی مهربانی بال فروتنی (و خاکساری) برای آن ها فرود آور، و بگو: «پروردگارا! به آنان رحمت آور، همان گونه که مرا در کودکی پرورش دادند».

﴿وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ عَاوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ﴾ [یوسف: ۶۹]. «و چون (برادران) بر یوسف وارد شدند، برادرش (بنیامین) را نزد خود جای داد».

﴿وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ﴾ [یوسف: ۱۰۰]. «و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند».

عرش، تخت بلند پادشاه است که بر آن می نشیند و با نردبانی به نام کرسی بر آن بالا می رود. این امر، احترام یوسف علیه السلام به پدر و مادرش را می رساند.

به فضیلت تربیت قرآنی، پدر و مادرها رستگار می شوند.

الله سبحانه نسبت به صلهٔ رحم «برقراری رابطهٔ خویشاوندی» و نیکی به خویشاوندان فرمان می دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۱۵]. «از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: «هر مالی که انفاق کردید، پس برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است. و هر کار نیکی که انجام دهید، بدرستی که الله به آن آگاه است».

الله فرمان می‌دهد که به مردم نیکی کنیم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ [البقرة: ۸۳]. «و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بی‌نویان نیکی کنید، و به مردم (سخن) نیک بگویید».

﴿وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۵]. «و نیکی کنید که الله نیکوکاران را دوست می‌دارد».

الله از بندگانش می‌خواهد که محبت و رابطه سالم میان آنان برقرار باشد و شیطان خلاف این امر را می‌خواهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ [المائدة: ۹۱]. «همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد الله و از نماز باز دارد؛ پس آیا شما خودداری خواهید کرد؟!».

الله به فرزندان آدم عزت بخشید و مقامشان را بالا برد و مؤمنان آنان را پاکیزه نمود و آنان را با بعثت محمد ﷺ گرامی داشت:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۰]. «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آن‌ها را در خشکی و دریا (بر مرکبها) حمل کردیم، و از انواع (روزی‌های) پاکیزه به آن‌ها روزی دادیم، و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که آفریده‌ایم؛ چنانکه باید برتری بخشیدیم».

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ [الجمعة: ۲]. «او کسی است که در میان ناخواندگان رسولی از

خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند، و آن‌ها را پاک (و تزکیه) می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت (سنت) می‌آموزد».

الله بندگانش را به اخلاق نیکو فرمان می‌دهد:

پیامبر گرامی را اینگونه توصیف می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [القلم: ۴].
«و یقیناً تو (ای محمد) بر اخلاق و خوی بسیار عظیم و والایی هستی».

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۲۸]. «یقیناً پیامبری از (میان) خودتان به سوی‌تان آمد که رنج‌های شما بر او دشوار (و گران) است، و بر (هدایت) شما سخت اصرار دارد، و (نسبت) به مؤمنان روؤف (و) مهربان است».

به بندگانش فرمان می‌دهد که از پیامبر پیروی کنند و او را الگوی خویش قرار دهند: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [الأحزاب: ۲۱]. «یقیناً برای شما در زندگی رسول الله سرمشق نیکویی است».

پیامبران، خوش‌اخلاق‌ترین مردم هستند و الله برخی صفات آنان را بیان فرمود تا از آنان پیروی کنیم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ فَبِهَدْيِهِمْ أَقْتَدِهِ﴾ [الأنعام: ۹۰].
«آن‌ها کسانی هستند که الله هدایت‌شان کرده است؛ پس به روش آنان اقتدا کن».

ابراهیم عليه السلام، بخشنده و بردبار بود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ صَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ﴾ [الذاریات: ۲۴].
«(ای پیامبر) آیا خبر مهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟!».

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُّنتَبِّهُ﴾ [هود: ۷۵]. «بی‌گمان ابراهیم، برد بار، لابه‌گر بازگشت‌کننده (به سوی الله) بود».

بنابراین، مؤمن اگر ثروتمند باشد، بخشنده است و اگر فقیر باشد گمان می‌کنی که ثروتمند است؛ زیرا در گدایی از مردم خویشتنداری می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَجْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْقَافًا﴾ [البقرة: ۲۷۳]. «از شدت خویشتن‌داری؛ افراد ناگاه آن‌ها را بی‌نیاز می‌پندارد، آن‌ها را از چهره‌هایشان می‌شناسی، با اصرار (چیزی) از مردم نمی‌خواهند».

إسماعیل علیه السلام درست وعده بود و افراد خانواده اش را بر انجام کارهای خیر دستور می داد:

الله متعال می فرماید: ﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ وَكَانَ صَادِقًا لُّوْعَدٍ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ۝ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ ۝﴾ [مریم: ۵۴-۵۵]. «و در (این) کتاب اسماعیل را یاد کن، بی گمان او راست وعده، و فرستاده ای پیامبر بود. و (او همواره) خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد».

أیوب علیه السلام صبور و شکیبیا بود:

الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نَّعَمَ الْعَبْدُ إِنَّهٗٓ أَوَّابٌ﴾ [ص: ۴۴]. «بی گمان ما او را شکیبیا یافتیم، چه بنده خوبی، که بسیار رجوع کننده بود».

یوسف علیه السلام پاکدامن، بزرگوار، بخشنده و نیکوکار نسبت به پدر و مادرش بود:

الله متعال می فرماید: ﴿قَالَ رَبِّ اللَّيْسُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ﴾ [یوسف: ۳۳]. (یوسف) گفت: «پروردگارا! زندان نزد من از آنچه (اینها) مرا به سوی آن می خوانند، محبوب تر است».

﴿قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ ءَاثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِن كُنَّا لَخٰطِئِينَ ۝﴾ قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَیْكُمْ الْيَوْمَ يَٰعِفْرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِمِينَ ۝﴾ [یوسف: ۹۱-۹۲]. «(برادران) گفتند: «به الله سوگند، یقیناً الله تو را بر ما برتری داده، و حقاً ما خطا کار بودیم». (یوسف) گفت: «امروز هیچ سرزنشی بر شما نیست، الله شما را می آمرزد، و او مهربان ترین مهربانان است».

هود علیه السلام بردبار و صبور بود:

الله متعال می فرماید: ﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرُّكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكٰذِبِينَ ۝﴾ قَالَ يَاقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعٰلَمِينَ ۝﴾ [الأعراف: ۶۶-۶۷]. «(اشراف (و بزرگان) قوم او که کافر بودند گفتند: «بی گمان ما تو را در سفاهت (و نادانی) می بینیم، و ما مسلماً تو را از دروغ گوین می پنداریم». گفت: «ای قوم من! هیچ گونه سفاهت (و نادانی) در من نیست، بلکه من فرستاده ای از (جانب) پروردگار جهانیان هستم».

الله سبحانه نصیحت های لقمان به پسرش را بیان می فرماید:

﴿يَبْتَىٰ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ [لقمان: ۱۳]. «ای پسرک من! به الله شرک نیاور، بی گمان شرک، ستم بزرگی است».

﴿يَبْتَىٰ إِنَّهَا إِنْ تَكِ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ حَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾ [لقمان: ۱۶]. «ای پسرک من! اگر (عمل نیک یا بد) به اندازه سنگینی دانه خردل باشد، آنگاه در درون تخته سنگی یا در آسمان ها یا در زمین باشد، الله آن را (در روز قیامت برای حساب) می آورد، بی گمان الله باریک بین آگاه است».

﴿يَبْتَىٰ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ [لقمان: ۱۷-۱۹]. «ای پسرک من! نماز را بر پا دار، و امر به معروف کن و نهی از منکر کن، و بر هر آنچه به تو برسد صبر کن، بی تردید این از کارهای سترگ است. و با بی اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه در زمین راه مرو، بی گمان الله هیچ متکبر خودستای را دوست ندارد. و در راه رفتنت اعتدال را رعایت کن، و از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد نزن) زیرا زشت ترین صداها؛ صدای خران است».

الله به بندگانش توصیه می کند که لغزش ها را ببخشند:

الله متعال می فرماید: ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [المائدة: ۱۳]. «پس از آن ها درگذر و روی بگردان، بی گمان الله نیکو کاران را دوست می دارد».

الله فرمان می دهد که بدی با کار نیک پاسخ داده شود:

الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ [لقمان: ۳۴]. «و (هرگز) نیکی و بدی یکسان نیست، همیشه به نیکوترین شیوه پاسخ ده، پس ناگاه (می بینی) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوست صمیمی است. و (اما) جز کسانی که شکیباً باشند آن را نپذیرند، و جز دارنده بهره بزرگ (از ایمان و اخلاق) آن را نپذیرد. و هرگاه وسوسه (باز دارنده) از سوی شیطان تو را باز گرداند، پس به الله پناه ببر، یقیناً اوست که شنوای داناست».

الله به بندگان مومنش امر می‌کند که با بخشندگی و بزرگواری با مردم رفتار کنند و آنان را به امور دشوار مکلف نسازند تا مبادا متنفر شوند و اینکه به هر سخن یا کار زیبایی امر کنند و از جاهلان روی گردانند و با آنان به نرمی برخورد کنند و در جوار آنان قرار نگیرند تا اینکه آزاری از جاهلان به آنان نرسد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿حُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ [الأعراف: ۱۹۹]. «(ای پیامبر!) گذشت را پیشه کن، و به نیکی فرمان ده، و از نادانان روی بگردان».

الله به ما دستور داد تا از جاهلان روی بگردانیم. پس هرکس با بدن و قلبش از آنان کناره‌گیری کند، سالم می‌ماند و به آسایش می‌رسد. بیشترین آزاری که از جانب جاهلان به مردم می‌رسد، به سبب اندیشیدن در مورد سخنان جاهلان و یادآوری چند مرتبه این سخنان است. اما هرکس که با قلبش از آنان روی بگرداند و در سلامتی قلبش بکوشد، به طور قطع، رستگار خواهد شد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰]. «و (نیز) کسانی که بعد از آنها (بعد از مهاجران و انصار) آمدند، می‌گویند: «پروردگارا! ما را و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌های ما کینه‌ای نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا! بی‌گمان تو رؤوف و مهربانی».

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾ [۸۸] إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ [الشعراء: ۸۸-۸۹]. «روزی که مال و فرزندان سودی نبخشد. مگر کسی که با قلب سلیم (خالی از شرک و کفر و نفاق) به پیشگاه الله بیاید».

مؤمن به الله و روز آخرت، دلی نرم و مهربان دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيُطْعَمُونَ عَلَىٰ حَبِّءِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ [۸] إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا﴾ [۹] إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا﴾ [الإنسان: ۸-۱۰]. «و غذا را با این که (نیاز و) دوست دارند به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌بخشند. (و می‌گویند:) «ما فقط به خاطر الله به شما غذا می‌دهیم، نه

از شما پاداشی می‌خواهیم و نه سپاسی. همانا ما از پروردگاران می‌ترسیم، روزی که عبوس و سخت و دشوار است».

اما کسی که به الله و روز آخرت ایمان ندارد، سنگ‌دل است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ۚ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ۙ وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ۗ﴾ [الماعون: ۱-۳]. «ای پیامبر! آیا کسی که روز جزا را تکذیب می‌کند دیده‌ای؟! پس او (همان) کسی که یتیم را (با خشونت از خود) می‌راند. و (دیگران را) به اطعام بی‌نوا (و مسکین) ترغیب و تشویق نمی‌کند».

در سایه حکومت کافران، مؤمنان مورد ستم واقع می‌شوند و قوی به ضعیف ظلم روا می‌دارد و مرد بر زن تجاوز می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّنَّ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يَذَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ۗ﴾ [القصص: ۴]. «بی‌گمان فرعون در زمین برتری جست و اهل آن را گروه گروه کرد، گروهی از آن‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسران‌شان را سر می‌برید و زنان‌شان را (برای خدمت) زنده نگه می‌داشت، بی‌تردید او از مفسدان بود».

﴿وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [البقرة: ۲۵۴]. «و کافران خود ستمکارانند».

اما اگر مؤمنان حکومت کنند، به کافران مهربانی می‌کنند و میان آنان با عدالت داوری می‌کنند و زن را به این دلیل که انسان است و الله و رسولش نسبت به آن توصیه کرده‌اند، گرامی می‌دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾ [النساء: ۵۸]. «و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا﴾ [النساء: ۱۹]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان به اکراه ارث برید».

در جاهلیت پیش از اسلام، رسم بود که هر گاه خویشاوند نزدیک مرد وفات می‌کرد، همسرش را به ارث می‌برد.

﴿وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ﴾: «و آنان را زیر فشار قرار ندهید، تا برخی از آنچه را که به آنان داده‌اید؛ پس بگیرید». و اگر تمایلی به همسرانتان ندارید، آنان

را از ازدواج با دیگران منع نکنید تا بدین وسیله قسمتی از مهریه‌ای را که به آنان پرداخت کرده‌اید بازستانید.

﴿إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَدْحَةٍ مُمَيَّنَةٍ﴾: «مگر اینکه آن‌ها مرتکب عمل زشت آشکاری شوند». اما اگر دچار گناه آشکاری شدند، می‌توانید آنان را تحت فشار قرار دهید و قسمتی از مهریه را از آنان بگیرید.

﴿وَعَايَرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُنَّ شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾: «و با آن‌ها بطور شایسته رفتار کنید، و اگر از آنان (خوش‌تان نیامد و) کراهت داشتید، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید، و الله در آن خیر بسیار قرار می‌دهد». در برابر همسرانتان رفتار نیکویی داشته باشید، حتی اگر آنان را نمی‌پسندید؛ زیرا شما نمی‌دانید که خیر از کجا به شما می‌رسد و چه بسا فرزندان صالحی از آنان به شما روزی داده شود.

الله سبحانه و بندگان را به راستگویی امر و از دروغ‌گویی نهی می‌فرماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۹]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله بترسید، و با راستگویان باشید».

﴿وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ [المرسلات: ۱۵]. «در آن روز (قیامت) وای بر تکذیب‌کنندگان!».

الله از اخلاق بد «تکبر، راه‌رفتن مغرورانه، مسخره‌کردن دیگران، بدگمانی، غیبت و...» نهی می‌فرماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا﴾ [النساء: ۳۶]. «بی‌گمان الله کسی را که متکبر و فخر فروش است؛ دوست نمی‌دارد».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّغَبِ﴾ [الحجرات: ۱۱]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! گروهی (از مردان) گروه دیگر را مسخره نکند، شاید آنان (= مسخره شدگان) از این‌ها بهتر باشند، و نه زنانی، زنان دیگر را، شاید آنان (= مسخره شدگان) از این‌ها بهتر باشند، و از یکدیگر عیبجویی نکنید، و یکدیگر را با القاب زشت نخوانید».

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَجْتَبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا﴾ [الحجرات: ۱۲]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان (های بد) بپرهیزید، بی‌شک بعضی از گمان (ها) گناه است، و (در امور دیگران) تجسس (و کنجکاو) نکنید، و بعضی از شما بعضی دیگر را غیبت نکند».

غرور، سبب رانده‌شدن ابلیس از رحمت الله بود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ﴾ [الأعراف: ۱۲-۱۳]. «(الله) فرمود: وقتی که تو را فرمان دادم، چه چیز مانع سجده کردنت شد؟! (ابلیس) گفت: «من از او بهترم، مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل (آفریده‌ای)». فرمود: از آن (بهشت) فرود آی، که حق تو نیست که در آن تکبر ورزی، پس بیرون رو، بی‌شک تو از خوارشدگانی».

اما آدم غرور و تکبر نورزید. وی از روی غفلت و وسوسهٔ شیطان به سوی گناه لغزید، اما به محض اینکه متوجه شد، پشیمان گشت و رجوع کرد؛ از این رو، تا زمان مشخصی از بهشت دور شد؛ سرنوشت فرزندان آدم نیز به همین ترتیب خواهد بود به شرط آنکه از هدایت الله و آنچه رسولانش را با آن فرستاد پیروی کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الأعراف: ۲۳-۲۴]. «(آن دو) گفتند: پروردگارا! ما به خود ستم کردیم، و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم نکنی، مسلماً از زیان‌کاران خواهیم بود. (الله) فرمود: فرود آیید، در حالی که بعضی از شما نسبت به بعضی دیگر دشمن خواهید بود، و برای شما در زمین تا مدت معینی قرارگاه و بهرمندی خواهد بود».

﴿قَالَ أَهْبِطْ مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُم لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾ [طه: ۱۲۳]. فرمود: «(شما دو تن با ابلیس) همگی از آن (بهشت) فرود آیید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود، پس اگر از (سوی) من هدایتی برای شما بیاید، هر کس از هدایت من پیروی کند، پس نه گمراه می‌شود و نه به رنج افتد (و بدبخت شود)».

الله نهی فرموده که در جمع سه نفری، دو نفر با هم درگوشی صحبت کنند؛ زیرا این کار سبب ناراحتی نفر سوم می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا التَّجَوُّىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ [المجادلة: ۱۰]. «جز این نیست که نجوا از (سوی) شیطان است، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند اندوهگین سازد».

الله سبحانه به اصلاح و بهبود روابط میان مردم فرمان می‌دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ﴾ [الحجرات: ۱۰]. «یقیناً مؤمنان برادرند، پس میان برادران تان صلح (و آشتی) بر قرار کنید».

هر نعمتی که به بنده می‌رسد، از جانب الله سبحانه است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا بِكُمْ مِّن نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ [النحل: ۵۳]. «آنچه از نعمت دارید، پس (همه) از (جانب) الله است».

زیرا الله سبحانه بسیار بخشنده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ ۙ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثًا وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾ [الشوری: ۴۹-۵۰]. «فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن الله است، هر چه را بخواهد می‌آفریند، به هر کس بخواهد دختر می‌بخشد، و به هر کس بخواهد پسر می‌بخشد. یا پسر و دختر - هر دو - با هم می‌دهد، و هر کس را که بخواهد عقیم می‌گرداند، بی‌گمان او دانای قادر است».

الله متعال از حسادت نهی فرمود و توضیح داد که حسادت عبارت است از اعتراض بر نعمت الله به بندگانش:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا ءَاتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ﴾ [النساء: ۵۴]. «آیا به مردم (= پیامبر و یارانش) بر آنچه الله از فضل خویش به آنان عطا کرده حسد می‌ورزند؟».

دل‌های مؤمنان، سالم و بدون کینه و حسد است و از الله می‌خواهند که ذره‌ای کینه و حسد در دل‌های‌شان قرار ندهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰]. «و (نیز) کسانی که بعد از آن‌ها (بعد از مهاجران و انصار) آمدند،

می‌گویند: «پروردگارا! ما را و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌هایمان کینه‌ای نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا! بی‌گمان تو رؤوف و مهربانی».

دعای ابراهیم علیه السلام:

﴿وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴿۸۷﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿۸۸﴾ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ

سَلِيمٍ ﴿۸۹﴾﴾ [الشعراء: ۸۷-۸۹]. «و در روزی که (همه مردم) برانگیخته می‌شوند، مرا رسوا (و شرم‌منده) مکن. روزی که مال و فرزندان سودی نبخشند. مگر کسی که با قلب سلیم (خالی از شرک و کفر و نفاق) به پیشگاه الله بیاید».

الله سبحانه ایمان بندگانش را با خیر و شر کم و زیاد می‌آزماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿۳۵﴾﴾ [الانبیاء: ۳۵]. «و

شما را به بدی و نیکی (کاملاً) آزمایش می‌کنیم، و به سوی ما باز گردانده می‌شوید».

﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّالِحِينَ ﴿۱۴۶﴾﴾ [آل عمران: ۱۴۶]. «و الله شکیبایان را دوست دارد».

﴿وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ ﴿۱۳﴾﴾ [سبأ: ۱۳]. «و اندکی از بندگان من سپاسگزارند».

مؤمن چون می‌داند که هر آزار و درد و هر نیکی‌ای که به او می‌رسد، فقط از جانب

الله و تقدیرش است؛ شکیبایی به خرج می‌دهد و آرام می‌گیرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ﴿۲۰﴾ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ﴿۲۱﴾﴾ [الفرقان: ۲۰]. «و ما بعضی از شما را وسیله آزمایش بعضی دیگر قرار داده‌ایم، آیا صبر

می‌کنید؟! و پروردگار تو بیناست».

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ

عَلِيمٌ ﴿۱۱﴾﴾ [التغابن: ۱۱]. «هیچ مصیبتی (به انسان) نمی‌رسد، مگر به حکم (و فرمان) الله و

هرکس به الله ایمان آورد (الله) قلبش را هدایت می‌کند، و الله به همه چیز داناست».

مؤمن از طریق صبر و شکیبایی به همراهی و دوستی الله که در راه رسیدن به این

دو، هر تلخی‌ای، شیرین می‌شود، دست می‌یابد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿۴۶﴾﴾ [الأنفال: ۴۶]. «و صبر کنید،

بی‌گمان الله با صابران است».

﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿۱۴۶﴾﴾ [آل عمران: ۱۴۶]. «و الله شکیبایان را دوست دارد».

هر گاه مصیبتی به مؤمن برسد، می‌داند که به سبب گناهانش بوده است؛ از این رو،

به سوی الله رجوع می کند و از او آمرزش می طلبد و به درگاه او تعالی توبه می کند:

الله متعال می فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشوری: ۳۰]. «و هر مصیبتی که به شما رسد، به خاطر کارهایی است که انجام داده اید، و (الله) از بسیاری (گناهان) در می گذرد.»
با یاری خواستن از الله و شکیبایی در برابر رنج و اندوهها، کمک و یاری الله به دست می آید:

الله متعال می فرماید: ﴿وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَنَّهُمْ نَصَرْنَا﴾ [الأنعام: ۳۴]. «و براستی پیامبرانی پیش از تو تکذیب شدند، و در برابر تکذیبها صبر کردند و (در این راه) آزار دیدند؛ تا یاری ما به آنها رسید.»
﴿قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَأَصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [الأعراف: ۱۲۸]. «موسی به قومش گفت: «از الله یاری بجوید، و صبر (و استقامت) پیشه کنید، همانا زمین از آن الله است، به هرکس از بندگانش که بخواهد آن را به میراث می دهد (و می بخشد) و عاقبت (نیک) از آن پرهیزگاران است.»
الله سبحانه در مورد خویشتن می فرماید:

به هرکس که از او طلب یاری کند، یاری می رساند و هر گاه گرفتاری او را به فریاد بخواند، پاسخ مثبت می دهد:

الله متعال می فرماید: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ﴾ [الأنفال: ۹]. «(بیاد آورید) هنگامی که از پروردگارتان (فریاد و) یاری می خواستید، پس او (خواستۀ) شما را پذیرفت.»

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾ [النمل: ۶۲]. «(آیا این بتها بهتر اند) یا کسی که (دعای) مضطر (= درمانده) را اجابت می کند؛ چون او را بخواند، و گرفتاری را بر طرف می سازد.»

مشرکان زمان پیامبر محمد ﷺ می دانستند که پروردگار آفریننده، فقط الله است، اما همراه او دیگران را نیز برای طلب نفع و دفع ضرر می خواندند:

الله متعال می فرماید: ﴿وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أفرعَيْتُمْ مَّا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ أَوْ أَرَادَنِي

بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكٌ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿۳۸﴾ [الزمر: ۳۸].
 «و اگر از آن‌ها (= مشرکان) بپرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟» مسلماً
 گویند: «الله» بگو: «آیا دیدید آنچه را که به جای الله می‌خوانید، اگر الله زبانی برای من
 بخوهد، آیا آن‌ها (= معبودان) خواهند توانست زیان او را بر طرف کنند؟! و یا اگر رحمتی
 برای من بخوهد، آیا آن‌ها خواهند توانست رحمت او را باز دارند؟!». بگو: «الله مرا کافی
 است، و (همه) توکل کنندگان بر او توکل می‌کنند».

الله به تنهایی مالک سود و زیان است

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۰۵﴾ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۰۶﴾ وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ﴾ [یونس: ۱۰۵-۱۰۷]. «و هرگز از مشرکان
 مباش! و به جای الله، چیزی را که نه سودی به تو می‌رساند و نه زیانی به تو می‌رساند؛
 نخوان، پس اگر چنین کنی، بی‌گمان از ستمکاران خواهی بود. و اگر الله زیانی به تو برساند،
 پس جز او هیچ کس نتواند آن را بر طرف کند، و اگر اراده‌ی خیری برای تو کند، پس هیچ
 کس فضل او را باز نتواند داشت، به هرکس از بندگانش که بخوهد می‌رساند و او آمرزنده‌ی
 مهربان است».

پیامبران که برترین مردم و داناترین آنان نسبت به الله هستند، مالک هیچ سود و زیانی
 برای خویش نیستند و سود و زیان را فقط از تنها مالک آن - الله ﷻ - می‌خواهند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿۶۹﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿۷۰﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا عَافِيَةً ﴿۷۱﴾ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿۷۲﴾ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿۷۳﴾ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿۷۴﴾ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿۷۵﴾ أَنْتُمْ وَعِبَادُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿۷۶﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۷۷﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿۷۸﴾ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿۷۹﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿۸۰﴾﴾ [الشعراء: ۶۹-۸۰]. «و خبر ابراهیم را بر آن‌ها بخوان. هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می‌پرستید؟!». گفتند: «بت‌هایی را می‌پرستیم، و پیوسته برای (عبادت) آن‌ها معتکف هستیم. (ابراهیم) گفت: «آیا هنگامی که آن‌ها را می‌خوانید (صدای) شما را می‌شنوند؟! یا

سود و زبانی به شما می‌رسانند؟!». گفتند: «(نه) بلکه ما نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کردند». (ابراهیم) گفت: «آیا دیدید چیزهایی را که پیوسته عبادت می‌کردید، شما و نیاکان پیشین شما. پس همه آن‌ها دشمن من هستند، جز پروردگار جهانیان. (همان کسی که مرا آفرید، پس او مرا هدایت می‌کند. و کسی که او به من غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید. و هنگامی که بیمار شوم پس او مرا شفا می‌دهد».

﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَلَيْسَ لِي مَسْئِيَ الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ﴿۸۳﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَفَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرِّ وَعَاتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَالَمِينَ ﴿۸۴﴾﴾ [الأنبياء: ۸۳-۸۴]. «و (ای پیامبر!) ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را ندا داد: «رنج و بیماری به من رسیده است، و تو مهربان‌ترین مهربانانی». پس (ما) دعای او را اجابت کردیم، و رنج و ناراحتی که داشت بر طرف ساختیم، و خانواده‌اش و (نیز) همانندشان را با آن‌ها به او بازگرداندیم، (تا) رحمتی از جانب ما، و پندی برای عبادت کنندگان باشد».

الله سبحانه خبر داده کسانی مانند عیسی عليه السلام یا سایر افراد صالح که به جای او خوانده می‌شوند، بندگان و بردگان او عليه السلام هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ﴾ [الأعراف: ۱۹۴]. «بی‌گمان آن‌هایی را که غیر از الله می‌خوانید، بندگان همانند شما هستند». و با اعمال صالح به سوی الله نزدیکی می‌جویند و به رحمت او امیدوار و از عذابش ترسان هستند و مالک هیچ زیان یا سودی برای خودشان نیستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ أَدْعُوا الَّذِينَ رَعِمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿۵۶﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿۵۷﴾﴾ [الإسراء: ۵۶-۵۷]. «(ای پیامبر!) بگو: «کسانی را که به جای او (معبود خود) می‌پندارید؛ بخوانید، پس آن‌ها نه می‌توانند بلا (و مشکلی) را از شما دور سازند، و نه تغییر دهند. کسانی را که (کافران) آنان را می‌خوانند، خودشان به سوی پروردگارشان وسیله‌ی (تقرب) می‌جویند، که کدام یک از آن‌ها نزدیک‌ترند، و به رحمت او امیدوارند و از عذابش می‌ترسند، بی‌گمان عذاب پروردگارت همواره ترسناک است».

الله سبحانه خبر داده کسانی مانند عیسی علیه السلام یا سایر پیامبران و افراد صالح که به جای او خوانده می‌شوند، الله را به تنهایی که هیچ شریکی ندارد می‌پرستند و مردم را فقط به عبادت الله که هیچ شریکی ندارد فرمان می‌دهند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمَّيَّ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالِ سُبْحَانَكَ﴾ [المائدة: ۱۱۶]. «و (بیاد بیاور) که الله می‌فرماید: «ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را به عنوان دو معبود به جای الله انتخاب کنید؟» (عیسی) گوید: «تو منزهی!».

﴿مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَّا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ﴾ [المائدة: ۱۱۷]. «من چیزی جز آنچه مرا به آن فرمان دادی به آن‌ها نگفتم (به آن‌ها گفتم): الله را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شماست».

الله سبحانه، پادشاه و مالک همه چیز است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [آل عمران: ۲۶]. «بگو: «بارالها! ای دارنده پادشاهی و (هستی) به هر کس که خواهی، پادشاهی (و فرمانروایی) می‌بخشی، و از هر کس خواهی پادشاهی (و فرمانروایی) را می‌گیری، و هر کس را خواهی عزت می‌دهی، و هر که را خواهی خوار می‌کنی، همه خوبی‌ها به دست توست، بی‌شک تو بر هر چیز توانایی».

الله، پادشاهی است که هر چیزی در برابر او فروتن و متواضع است. هرکس در برابر الله فروتن باشد، عبادت‌گزار اوست و الله هرکس را که از عبادتش سرکشی کند، عذاب می‌دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ ﴿۷۱﴾ لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا ﴿۷۲﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿۷۳﴾ [النساء: ۱۷۱-۱۷۳]. «الله تنها معبود یگانه است و از این‌که فرزندی داشته باشد پاک (و منزه) است، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست و الله

برای کارسازی کافی است. مسیح هرگز ابا ندارد که بنده‌ی الله باشد، و نه فرشتگان مقرب (ابا دارند) و هر کس از بنده‌ی او سر باز زند و تکبر کند، بزودی همه‌ی آن‌ها را (در قیامت) نزد خود محشور خواهد کرد. اما آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پادشاهایشان را بطور کامل خواهد داد، و از فضل خویش بر آن‌ها خواهد افزود، و اما آنان که ابا کردند و تکبر ورزیدند، آنان را به غذایی دردناک عذاب می‌کند، و برای خود غیر از خدا، دوست و یآوری نخواهند یافت».

در دنیا، پادشاهان در قلمرو پادشاهی‌ای که الله برایشان خواسته و عطا فرموده است، تصرف می‌کنند، اما در روز آخرت - روزی که بندگان بر اساس اعمالی که در دنیا انجام دادند مورد جزا قرار می‌گیرند - پادشاهی و تصرف کامل، فقط برای الله است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۲﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۳﴾ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿۴﴾ [الفاتحة: ۱-۴]. «به نام الله بخشنده‌ی مهربان. ستایش مخصوص الله است که پروردگار جهانیان است. بخشنده‌ی مهربان است. مالک روز جزا است.»

﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿۱۷﴾ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿۱۸﴾ يَوْمَ لَا تَمَلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ﴿۱۹﴾﴾ [الانفطار: ۱۷-۱۹]. «و تو چه می‌دانی که روز جزا چیست؟! باز تو چه می‌دانی که روز جزا چیست؟! روزی که هیچ کس قادر به انجام کاری برای دیگری نیست، و در آن روز حکم (و فرمان) از آن الله است».

الله جل فی علاه، همان پادشاه ﷻ است، اما نه همانند پادشاهان دنیا و تخت پادشاهی او سبحانه نیز مانند تخت پادشاهان دنیا نیست:

الله، سخن هدهد به سلیمان را اینگونه بازگو می‌فرماید: ﴿إِنِّي وَجَدْتُ أَمْرًا تَمَلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿۲۳﴾ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿۲۴﴾ أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿۲۵﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۲۶﴾﴾ [النمل: ۲۳-۲۶]. «من زنی را یافتم که بر آن‌ها فرمانروایی می‌کند، و (به او) از هرگونه نعمتی داده شده است، و تخت عظیمی دارد. او و قومش را دیدم که به جای الله برای خورشید سجده می‌کنند، و شیطان اعمال آن‌ها را در نظرشان آراسته پس آن‌ها را از راه (الله) باز داشته است، از این رو آن‌ها هدایت نمی‌شوند».

چرا برای الله سجده نمی‌کنند که آنچه را در آسمان‌ها و زمین پنهان است بیرون می‌آورد، و

آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌کنید (همه را) می‌داند. الله که جز او معبودی نیست، پروردگار عرش عظیم است.»

﴿فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ﴾ [المؤمنون: ۱۱۶].
 «پس بلند مرتبه (و برتر) است الله که فرمانروای حق است، هیچ معبودی (به حق) جز او نیست، پروردگار عرش کریم است.»

الله، فرشتگان گرامی و گرامی‌داشته‌شده‌ای دارد که شب و روز (پیوسته) مشغول تسبیح او هستند و از این کار متوقف و خسته نمی‌شوند؛ زیرا الله را بسیار دوست می‌دارند و برای طاعت او بسیار مشتاقند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿۲۶﴾ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿۲۷﴾﴾ [الانبیاء: ۲۶-۲۷]. «و گفتند: ((الله) رحمان فرزندی برگزیده است» او منزّه است، بلکه آنان (= فرشتگان) بندگان گرامی (او) هستند، (هرگز) در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند، و به فرمان او کار می‌کنند.»

﴿وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿۱۹﴾ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿۲۰﴾﴾ [الانبیاء: ۱۹-۲۰]. «و آنان که نزد او هستند، (هیچ‌گاه) از عبادتش سرکشی نمی‌کنند، و (هرگز) خسته نمی‌شوند. شب و روز تسبیح می‌گویند، سستی نمی‌ورزند.»

الله لشکریانی دارد که جز او سبحانه کسی آنها را نمی‌داند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [الفتح: ۴]. «و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آن الله است.»

﴿وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ﴾ [المدثر: ۳۱]. «و (شمار) لشکریان پروردگارت را جز او (کسی) نمی‌داند.»

هیچ‌کس ذره‌ای از ملک الله را مالک نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهَا مِن شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِّن ظَهِيرٍ ﴿۲۲﴾ وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ﴾ [سبا: ۲۲-۲۳]. «ای پیامبر! بگو: «کسانی را که غیر از الله (معبود خود) می‌پندارید، (به فریاد) بخوانید، (آنها) هم‌وزن ذره در آسمان‌ها و در زمین مالک نیستند، و در (آفرینش و تدبیر) آن دو هیچ شرکتی ندارند، و او (= الله) از میان

آن‌ها یاور و پشتیبانی ندارد. و شفاعت نزد او سود نبخشد؛ مگر برای کسی که (او خود) برایش اجازت داده باشد، تا زمانی که اضطراب (و نگرانی) از دل‌های شان بر طرف شود، گویند: «پروردگارتان چه گفت؟» گویند: «حق را (فرمود)، و او بالا و بلند مرتبه بزرگ است».

شفاعت، بخششی است که الله به هریک از مخلوقاتش که بخواید عطا می‌فرماید و این امر، ذره‌ای از ملک الله نمی‌کاهد

پس شفاعت‌کنندگان فقط به اذن او شفاعت می‌کنند و فقط برای کسی از مخلوقات الله می‌توانند شفاعت کنند که او سبحانه و تعالی بخواید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ﴾ [سبأ: ۲۳]. «و شفاعت نزد او سود نبخشد؛ مگر برای کسی که (او خود) برایش اجازت داده باشد».

﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى﴾ [الأنبياء: ۲۸]. «و آن‌ها جز برای کسی که (الله از او خشنود باشد و) بیسندد، شفاعت نمی‌کنند».

بنابراین، شفاعت از آن الله است که به هرکس بخواید آن را نزدیک می‌کند و از هرکس که بخواید آن را دور می‌گرداند. هیچ شفيعی پیدا نمی‌شود که بدون اذن الله شفاعت کند یا شفاعت کسی را بکند که خدا از او راضی نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [الزمر: ۴۴]. بگو: «تمام شفاعت از آن الله است، فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست، سپس (همگی) به سوی او باز گردانده می‌شوید».

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَتُونَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَبْتِعُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [یونس: ۱۸]. «و غیر از الله چیزهای را می‌پرستند که نه به آن‌ها زیانی می‌رساند و نه سودشان می‌بخشد، و می‌گویند: «این‌ها (=بت‌ها) شفيعان ما نزد الله هستند» بگو: «آیا الله را به چیزی که در آسمان‌ها و در زمین نمی‌داند، خیر می‌دهید؟!» منزه است او، و از آنچه با او شریک می‌سازند برتر است».

اگر الله از کسی که برایش شفاعت می‌شود راضی نباشد، شفاعت هرگز سودی برایش نمی‌رساند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِينَ ﴿۴۲﴾ وَلَمْ نَكُ نُنْطَعِمُ الْمَسْكِينِ ﴿۴۱﴾ وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَاطِبِينَ ﴿۴۰﴾ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿۳۹﴾ حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ ﴿۴۷﴾ فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّفَاعِينَ ﴿۴۸﴾﴾ [المدثر: ۴۳-۴۸]. «گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم. و بی‌نوا (یان) را طعام نمی‌دادیم. و پیوسته همراه یاه‌گویان (و اهل باطل) هم‌صدا می‌شدیم. و همواره روز جزا را تکذیب می‌کردیم. تا زمانی که مرگ به سراغمان آمد. پس شفاعت شفاعت‌کنندگان به آن‌ها سودی نمی‌بخشد».

الله سبحانه، مالک کامل است؛ اما با این وجود، برخی مردم، برخی صالحان را فرامی‌خوانند و پیرامون قبرهایشان طواف می‌کنند با این گمان که این شفیعان مالک چیزی هستند، در حالی که مالک هیچ چیزی نیستند و صدایشان را نمی‌شنوند و چیزی در مورد عبادتشان نمی‌دانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطِيرٍ ﴿۳۷﴾ إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بَشْرِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ﴿۳۶﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿۳۵﴾﴾ [فاطر: ۱۳-۱۵]. «این است الله پروردگار شما، فرمانروایی از آن اوست، و کسانی را که به جای او می‌خوانید (هم‌وزن) پوست نازک هسته خرما مالک نیستند. اگر آن‌ها را بخوانید (صدای) خواندن شما را نمی‌شنوند، و (به فرض) اگر بشنوند به شما پاسخ نمی‌دهند، و روز قیامت شرک شما را انکار می‌کنند، و هیچ‌کس مانند (الله) آگاه خبردارت نمی‌کند. ای مردم! شما (همگی) به الله نیازمندید، و (تنها) الله است که بی‌نیاز ستوده است».

الله در روز قیامت این مردم را با کسانی که آنان را به جای خدا می‌خواندند یکجا می‌آورد تا مشخص شود چه کسی در دنیا نمی‌دانسته است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ﴾ [یونس: ۲۸]. «(و به یاد آورید) روزی که همه‌ی آن‌ها را گرد آوریم، سپس به کسانی که شرک آوردند گویم: «شما و معبودهای‌تان در مکان خود تان بمانید».

آنگاه به آنان می‌گویند:

﴿مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ ﴿۲۸﴾﴾ فَكْفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغْفِيلِينَ ﴿۲۹﴾﴾ [یونس: ۲۸-۲۹]. «شما و معبودهای‌تان در مکان خود تان بمانید» پس آن‌ها را از یکدیگر جدا می‌کنیم، و

معبودهای شان (به آن‌ها) می‌گویند: «شما ما را عبادت نمی‌کردید. پس، بس است که الله میان ما و شما گواه باشد، که ما یقیناً از عبادت شما بی‌خبر بودیم».

به همین ترتیب، الله تمام کسانی را که فرشتگان را به امید شفاعت می‌خوانند همراه فرشتگان یکجا گرد می‌آورد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَكَةِ أَهْوُلَايَ أَيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾﴾ [سبأ: ۴۰-۴۱]. «و (به یاد آور) روزی را که (الله) همه آنان را بر می‌انگیزد، سپس به فرشتگان می‌گوید: «آیا این‌ها شما را پرستش می‌کردند؟!». (فرشتگان) گویند: «تو منزهی! (تنها) تو ولی (و کار ساز) ما هستی، نه آن‌ها، (آنان هرگز ما را پرستش نمی‌کردند) بلکه جن (و شیاطین) را پرستش می‌کردند، بیشترشان به آن‌ها ایمان داشتند».

گمراه‌تر از آن کسی که غیر الله را می‌خواند وجود ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَفِلُونَ ﴿٥﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٦﴾﴾ [الأحقاف: ۵-۶]. «و چه کسی گمراه‌تر است از آن که (معبودی) غیر از الله را می‌خواند که تا روز قیامت (هم دعای) او را اجابت نکند، و آن‌ها (= معبودان باطل) از خواندن (و دعای) ایشان (کاملاً) بی‌خبرند؟! و هنگامی که مردم (در قیامت) گرد آورده شوند، آن‌ها (معبودان باطل) دشمنان‌شان خواهند بود، و عبادت‌شان را انکار می‌کنند».

چگونه با آنان دشمنی نکنند در حالی که آنان را در ارتکاب بزرگ‌ترین گناه که همان شرک است بکار گرفتند.

الله سبحانه بیان می‌فرماید که دعا، عبادت است و باید فقط برای الله باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿٦٠﴾﴾ [غافر: ۶۰]. «و پروردگار شما فرمود: «مرا بخوانید، تا (دعای) شما را اجابت کنم همانا کسانی که از عبادت من سرکشی می‌کنند، به زودی با خواری به جهنم وارد می‌شوند».

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾﴾ [الجن: ۱۸]. «و این که مساجد از آن الله است، پس کسی را با الله نخوانید».

﴿وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا﴾ ﴿۱۸﴾ فَلَمَّا أَعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُوَ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ﴿مريم: ۴۸-۴۹﴾.
 «و از شما و آنچه به جای الله می‌خوانید، کناره‌گیری می‌کنم، و پروردگارم را می‌خوانم، امید است که در خواندن پروردگارم محروم نباشم». پس چون از آن‌ها و آنچه به جای الله می‌پرستیدند کناره‌گیری کرد، اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم، و هر یک (از آنان) را پیامبر گردانیدیم».

هم دعا عبادت است و هم طواف؛ پس هم دعا و هم طواف فقط باید برای الله انجام شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ [الزمر: ۲]. «پس الله را پرستش کن و دین را برای او خالص گردان».

الله هرگز به بندگانش فرمان نداده که دیگران را بخوانند تا آنان را نزد او شفاعت کنند، بلکه فرمان داده تا مستقیم و بدون واسطه او را بخوانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ ﴿البقرة: ۱۸۶﴾. «و چون بندگانم، از تو درباره من بپرسند، بگو: به راستی که من نزدیکم، دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند؛ اجابت می‌کنم. پس (آنان) باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، باشد که راه‌یابند».

در آیه فوق بیندیش؛ زیرا تنها آیه‌ای است که سؤال از پیامبر در آن ذکر شده و پاسخ پروردگار مستقیم و بدون لفظ ﴿قُلْ﴾ (بگو) آمده است تا نزدیکی الله به بندگان و اینکه میان او تعالی و بندگان هیچ واسطه‌ای وجود ندارد را بیان کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۱۹]. «از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند بگو: «در آن دو، گناهی بزرگ است».

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ﴾ [البقرة: ۱۸۹]. «درباره هلال‌های (ماه) از تو سؤال می‌کنند، بگو آن‌ها بیان اوقات برای مردم و (تعیین وقت) حج است».

﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ﴾ [البقرة: ۲۱۵]. «از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: «هر مالی که انفاق کردید، پس برای پدر و مادر و نزدیکان».

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۱۷]. «از تو درباره جنگ کردن در ماه حرام، می پرسند. بگو: «جنگ در آن (گناهی) بزرگ است».

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ﴾ [البقرة: ۲۲۰]. «و از تو درباره یتیمان می پرسند، بگو: «اصلاح کردن (کار) آنان بهتراست».

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي﴾ [الأعراف: ۱۸۷]. «(ای پیامبر) در باره قیامت از تو سوال می کنند، کی واقع می شود؟ بگو: «مسلماً علم آن فقط نزد پروردگار من است».

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ [الأنفال: ۱]. «از تو در باره انفال (= غنایم) سوال می کنند، بگو: «انفال از آن الله و پیامبر است».

سرانجام مشرکان

در روز قیامت، الله بلندمرتبه، چنان بر مشرکان ندا می زند که دل ها را می لرزاند: الله متعال می فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾ [الفصص: ۶۲]. «و روزی که (الله) آنان را ندا دهد، آنگاه فرماید: «کجا هستید، شریکانی که برای من می پنداشتید؟!».

﴿وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ﴾ [الشعراء: ۹۲-۹۴]. «و به آن ها گفته می شود: «کجا هستند آنچه که به جای الله پرستش می کردید؟! (۹۲) آیا آن ها شما را یاری می کنند، یا (خود) انتقام می گیرند؟! (۹۳) پس آن ها و گمراهان (به رو) در آن افکنده می شوند».

کسانی که همراه خدا دیگران را می خوانند و از عبادت الله به تنهایی سرکشی می کنند، الله آنان را با عذاب تهدید کرده است:

الله متعال می فرماید: ﴿ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ﴾ [البقرة: ۲۲۵]. «از آن ها گفته می شود: «کجا هستید آنچه که به جای الله پرستش می کردید؟! (۹۲) آیا آن ها شما را یاری می کنند، یا (خود) انتقام می گیرند؟! (۹۳) پس آن ها و گمراهان (به رو) در آن افکنده می شوند».

کسانی که همراه خدا دیگران را می خوانند و از عبادت الله به تنهایی سرکشی می کنند، الله آنان را با عذاب تهدید کرده است:

الله متعال می فرماید: ﴿ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ﴾ [البقرة: ۲۲۵]. «از آن ها گفته می شود: «کجا هستید آنچه که به جای الله پرستش می کردید؟! (۹۲) آیا آن ها شما را یاری می کنند، یا (خود) انتقام می گیرند؟! (۹۳) پس آن ها و گمراهان (به رو) در آن افکنده می شوند».

کسانی که همراه خدا دیگران را می خوانند و از عبادت الله به تنهایی سرکشی می کنند، الله آنان را با عذاب تهدید کرده است:

الله متعال می فرماید: ﴿ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ﴾ [البقرة: ۲۲۵]. «از آن ها گفته می شود: «کجا هستید آنچه که به جای الله پرستش می کردید؟! (۹۲) آیا آن ها شما را یاری می کنند، یا (خود) انتقام می گیرند؟! (۹۳) پس آن ها و گمراهان (به رو) در آن افکنده می شوند».

می‌کردید؛) گویند: «از (نظر) ما ناپدید شدند، بلکه ما هرگز پیش از این چیزی را نمی‌خواندیم». این‌گونه الله کافران را گمراه می‌کند. این بدان (سبب) است که به ناحق در زمین شادمان می‌شدید، و به آنکه می‌نازیدید. از درهای جهنم وارد شوید، جاودانه در آن بمانید، پس جایگاه متکبران چه بد است».

وقتی که آیات روشن پروردگار نزد مؤمن بیاید، خالصانه به الله روی می‌آورد و آنچه را به جای خدا پرستش می‌شود رها می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٥﴾ قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾﴾ [غافر: ۶۵-۶۶]. «او زنده است، هیچ معبودی (به حق) جز او نیست، پس در حالی که دین خود را خالص گردانیده او را بخوانید، حمد و ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است. (ای پیامبر) بگو: «همانا من نهی شده‌ام از اینکه کسانی را پرستش کنم که شما بجای الله می‌خوانید، چون نشانه‌های روشن از جانب پروردگارم برای من آمده است، و مأمور شده‌ام که برای پروردگار جهانیان تسلیم باشم».

وسيلة مشروع برای دستیابی به خشنودی الله و رسیدن به بهشت

مؤمن برای رسیدن به الله و کسب خشنودی‌اش و ورود به بهشت او، به هیچ یک از مخلوقات الله متوسل نمی‌شود، بلکه فقط وسیله مشروع را جستجو می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾﴾ [المائدة: ۳۵]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید، و به سوی او تقرب جوید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید».

وسيلة نزدیکی به الله و بهشت او، تمام اعمال صالح است. الله سبحانه جهاد در راه خویش را از جمله اعمال صالح بیان فرموده است؛ زیرا در جهاد، قلب با الله صادق است به این دلیل که احتمال مرگ در آن بسیار و ذکر الله و عمل جوارح زیاد است.

الله متعال می‌فرماید: ﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۳۲]. «به خاطر آنچه که می‌کردید به بهشت وارد شوید».

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٥﴾ آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ ﴿١٦﴾ كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿١٨﴾ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿١٩﴾﴾ [الذاريات: ۱۵-۱۹]. «(در روز قیامت) مسلماً پرهیزگاران در باغ‌ها و چشمه‌سارها (ی بهشت) هستند. آنچه پروردگارشان به آن‌ها عطا فرموده، دریافت کرده‌اند، بی‌گمان آن‌ها پیش از این (در دنیا) نیکوکار بودند. آن‌ها بخش اندکی از شب را می‌خوابیدند (و به نماز و نیایش مشغول بودند). و در سحر گاهان آمرزش طلب می‌کردند. و در اموال‌شان برای سائل و (تنگدست) محروم (بهره و) حقی بود».

ایمان به الله و یگانه‌دانستن او در عبادت و اعمال صالح، وسیلهٔ ورود به بهشت است. اما سبب دخول جهنم، انکار و گناهان هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤١﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِينَ ﴿٤٢﴾ وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ ﴿٤٣﴾ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٤﴾ وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٤٥﴾ حَتَّىٰ أَتْنَا الْيَقِينَ ﴿٤٦﴾﴾ [المدثر: ۴۲-۴۷]. «چه چیز شما را به «سقر» (دوزخ) درآورد؟ گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم. و بی‌نوا (یان) را طعام نمی‌دادیم. و پیوسته همراه یاوه‌گویان (و اهل باطل) هم‌صدا می‌شدیم. (۴۵) و همواره روز جزا را تکذیب می‌کردیم. (۴۶) تا زمانی که مرگ به سراغ‌مان آمد».

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ ﴿١٦٠﴾ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٦١﴾﴾ [المرسلات: ۴۸-۴۹]. «و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: (نماز بگزارید و) رکوع کنید، (نماز نمی‌گذارند و) رکوع نمی‌کنند. در آن روز (قیامت) وای بر تکذیب‌کنندگان!». مؤمن در دعای خویش به اسامی یا مقام پیامبران و صالحان متوسل نمی‌شود، بلکه الله سبحانه را فقط با أسماء نیکوتر و صفات برترش می‌خواند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۰]. «و برای خدا، نام‌های نیک است، پس به آن (نام‌ها) او را بخوانید».

بنابراین بگو: «یا رحمن ارحمینی یا رزاق ارزقنی. رب أسألك بأسمائك الحسنی وصفاتك العلی أن تدخلنی الجنة وتجیرنی من النار». (ای رحمان به من رحم کن، ای رزاق به من رزق و روزی عطا بفرما. پروردگارا به أسماء نیکوترت و صفات برترت درخواست دارم که مرا به بهشت وارد کنی و از آتش جهنم محافظت بفرمایی).

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ [آل عمران: ۳۸]. «پروردگارا! از طرف خود فرزند پاکیزه‌ای به من عطا کن، به درستی تو شنونده دعایی».

به همین ترتیب، دعا‌های پیامبران علیهم السلام، اظهار نیاز به سوی الله به اسماء نیکوتر و صفات برتر او بوده است نه به سوی بندگان.

یونس عَلَيْهِ السَّلَامُ که داناترین فرد به الله بود، در اندوه شدید از طریق بزرگترین و دوست داشتنی‌ترین امر نزد الله، به او تعالی متوسل شد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الانبیاء: ۸۷]. «پس (وقتی که در شکم ماهی فرو رفت) در تاریکی‌ها ندا داد که: «پروردگارا! هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی‌گمان من از ستمکاران بودم».

الله سبحانه در مورد خویشتن می‌فرماید که فقط او شایسته پرستیده‌شدن است و انسان‌ها و جنیان را فقط برای پرستش خویش آفرید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ [طه: ۱۴]. «یقیناً من «الله» هستم، هیچ معبودی (به حق) جز من نیست، پس مرا پرستش کن، و نماز را برای یاد من بر پا دار».

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶]. «و من جن و انس را نیافریده‌ام مگر برای اینکه مرا عبادت کنند».

هرکس دیگران را همراه الله بخواند، الله او را به خاطر کار منکرش مورد محاسبه قرار خواهد داد، در حالی که هیچ دلیلی از جانب پروردگارش نه در کتاب الله و نه سنت رسولش ندارد؛ بنابراین چنین شخصی هرگز رستگار نخواهد شد و هرگز نجات نخواهد یافت؛ زیرا الله در کتاب خویش آشکارا فرموده که راضی نمی‌شود دیگران همراه او به فریاد خوانده شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۷]. «و هر کس که با الله معبود دیگری را بخواند، مسلماً هیچ دلیلی بر (حقانیت) آن نخواهد داشت، جز این نیست که حسابش نزد پروردگارش خواهد بود، یقیناً کافران رستگار نمی‌شوند».

الله ما را آفرید تا او را بپرستیم و زندگی دنیا تا زمان مرگ را فصل عمل و آزمایش و پس از مرگ را، زمان حسابرسی و جزا قرار داد

الله متعال می‌فرماید: ﴿تَبَرَّكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱﴾ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيٰوةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ﴿۲﴾﴾ [الملک: ۱-۲]. «پر برکت و بزرگواری است کسی که فرمانروایی جهان هستی به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست. (همان کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکو کارتر است، و او پیروزمند بخشنده است».

الله سبحانه بیان می‌فرماید که شیطان دشمنی است که پیروانش را فرامی‌خواند تا از ساکنان آتش سوزان جهنم باشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنَ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿۶﴾﴾ [فاطر: ۶]. «مسلم شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بگیرید، او فقط پیروانش را دعوت می‌کند تا (همه) از اهل آتش سوزان (جهنم) باشند».

الله سبحانه در هریک از ما، نفسی قرار داد که هم پذیرنده خیر است و هم پذیرنده شر:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿۷﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿۸﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا ﴿۹﴾ وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا ﴿۱۰﴾﴾ [الشمس: ۷-۱۰]. «و سوگند به جان (انسان) و آنکه آن را (آفرید و) نیکو گردانید. سپس بدی‌ها و پرهیزگاری‌هایش را (به او) الهام کرد. محققاً هرکس که نفس خود را تزکیه (و پاک) کرد، رستگار شد. و یقیناً هرکس که آن را (با گناه) آلوده ساخت، نا امید (و زیانکار) شد».

﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي ﴿۱۰۱﴾﴾ [یوسف: ۵۳]. «بی‌شک نفس (اماره، انسان) پیوسته به بدی فرمان می‌دهد، مگر آنچه را پروردگام رحم کند».

راه را برای ما مشخص فرمود و انتخاب راه خیر یا راه شر را به خودمان واگذار کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَلْمَسَتْ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿۲﴾﴾ [الإنسان: ۲-۳]. «به راستی ما انسان را از نطفه‌ی مختلطی آفریدیم، او را می‌آزماییم، پس او را شنوای بی‌نا قرار دادیم. همانا ما راه را به او نشان دادیم خواه سپاس‌گزار باشد یا ناسپاس».

﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ [الحجر: ۹۹]. «و پروردگارت را عبادت کن تا هنگامی که یقین (= مرگ) به سراغت آید».

منظور همان مرگ است که به طور قطع هر نفسی را دربر می‌گیرد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ [آل عمران: ۱۸۵]. «هر کس چشنده (طعم) مرگ است».

﴿أَيُّمَّا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ﴾ [النساء: ۷۸]. «هر کجا باشید، مرگ شما را در می‌یابد».

بنابراین، زندگی دنیا، زمان عمل است. مؤمن با غنیمت‌شمردن این فرصت، تا زمان مرگ پروردگارش را عبادت می‌کند. اما زندگی از دیدگاه کافر و منافق، فرصت لهو و لعب است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ﴾ [لعن] أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ﴾ [المؤمنون: ۹۹-۱۰۰]. (کافران پیوسته به راه و روش خود ادامه می‌دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنها فرا رسد، گوید: «پروردگارا! مرا (به دنیا) باز گردان. باشد که در آنچه (در دنیا) ترک (و کوتاهی) کرده‌ام، کار شایسته انجام دهم».

الله سبحانه، در مورد کافران می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ أَخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا﴾ [الأعراف: ۵۱]. «آنان که دین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند، و زندگی دنیا آن‌ها را فریفت».

انسان به سبب ایمان به الله و تقوای او با انجام اعمال صالح و ترک گناهان و منکرات، یکی از دوستان الله می‌شود و مورد محبت الله قرار می‌گیرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [الذین] ءَامِنُونَ وَكَانُوا يُتَّقُونَ﴾ [یونس: ۶۲-۶۳]. «آگاه باشید! همانا دوستان الله، نه ترسی بر آن‌هاست، و نه آن‌ها غمگین می‌شوند. (همان) کسانی که ایمان آوردند، و پرهیزگاری می‌کردند».

هر گاه بنده در زمره دوستان الله درآمد، مؤمنان باید او را به خاطر محبت الله دوست داشته باشند نه اینکه او را مانند الله دوست داشته باشند یا مانند الله او را بخوانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُؤْبَهُهُمْ كَحِبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۶۵]. «و از مردم کسانی هستند غیر از الله

همتایانی را انتخاب می‌کنند، و آن‌ها را مانند دوست داشتن الله دوست می‌دارند، و کسانی که ایمان آورد هاند الله را بیشتر دوست می‌دارند».

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلِكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [الأعراف: ۱۹۴]. «بی‌گمان آن‌هایی را که غیر از الله می‌خوانید، بندگانیه همچون شما هستند، پس آن‌ها را بخوانید، اگر راست می‌گویید (و آن‌ها الله هستند)، پس باید (دعای) شما را اجابت کنند!».

محبت و بزرگداشت و عبادتی را که مشرکان برای اولیاء روا می‌دارند، باید فقط به الله اختصاص دهند که شایسته تمام این امور است؛ زیرا الله صفاتی دارد که در معبودان کفار وجود ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [الشوری: ۹]. «آیا آن‌ها جز او دوستانی (برای خود) بر گزیده‌اند؟ در حالی که الله فقط کارساز (و دوست حقیقی) است، و اوست که مردگان را زنده می‌کند، و اوست که بر هر چیزی تواناست».

﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا﴾ [الفرقان: ۳]. «و (مشرکان) به جای او معبودانی (برای خود) بر گزیدند که چیزی نمی‌آفرینند، و خودشان مخلوقند، و مالک زیان و سود خود نیستند، و (نیز) مالک مرگ و حیات و برانگیختن نیستند».

الله تمام آنچه را که مردم به جای الله آنها را دوست دارند و شفیعان یا اولیاء می‌نامند نفی کرده و نیاز مردم به آفریدگارشان را ثابت کرده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ [فاطر: ۱۵]. «ای مردم! شما (همگی) به الله نیازمندید، و (تنها) الله است که بی‌نیاز ستوده است».

بنابراین تمام مردم، چه صالح و چه فاسق، نیازمند الله هستند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾ [السجدة: ۴]. «الله کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفرید، سپس بر عرش قرار گرفت، شما را جز او هیچ کار ساز و شفיעی نیست، آیا پند نمی‌گیرید؟!».

الله سبحانه بیان فرموده که فقط آفریدگار، سزاوار عبادت است

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۲۱]. «ای مردم، پروردگار خود را پرستش کنید، آن کسی که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزگار شوید».

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ [فصلت: ۳۷]. «و از نشانه‌های او، شب و روز، و خورشید و ماه است، برای خورشید و برای ماه سجده نکنید، و برای الله که آن‌ها را آفریده است، سجده کنید، اگر تنها او را می‌پرستید».

الله همان ذاتی است که ما و نیاکان ما را آفرید و گوش و چشم و دل برایمان فرار داد؛ از این‌رو، باید با دل‌ها و اعضای خویش از او شکرگزاری کنیم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [النحل: ۷۸]. «و الله شما را از شکم مادران‌تان بیرون آورد، در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید، و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها پدید آورد، شاید سپاس گزارید».

شکرگزاری از الله با عبادت او به تنهایی و بدون عبادت دیگران، توسط قلب‌ها و جوارح ما محقق می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾ [سبأ: ۱۳]. «ای آل داوود! سپاس (این همه نعمت را) به جا آوردید، و اندکی از بندگان من سپاسگزارند».

﴿لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [بل: ۱۶]. «بَلِ اللَّهِ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ [الزمر: ۶۵-۶۶]. «و به راستی که به تو و به کسانی که پیش از تو بودند، وحی شد که اگر شرک آوری، یقیناً اعمال (تباه و) نابود می‌شود، و از زبان کاران خواهی بود. بلکه تنها الله را پرستش کن، و از شکر گزاران باش».

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [شاکرًا لِأَنْعُمِهِ﴾ [النحل: ۱۲۰-۱۲۱]. «به راستی ابراهیم (به تنهایی) امتی بود، فرمانبردار الله، حنیف (= خالی از انحراف) بود و (هرگز) از مشرکان نبود. شکر گزار نعمت‌های الله بود».

عبادت الله با اعمال قلبی و اعمال جوارح محقق می‌شود

عبادت الله با اعمال قلبی و اعمال جوارح، سبب محبت و خشنودی الله و ورود به بهشت او تعالی و نجات از عذابش است:

۱- عبادت کردن الله با قلب، عبارت است از اینکه قلب از محبت و بزرگداشت و شکوه پروردگار سرشار شود و مؤمن آنگونه که از خدا می‌ترسد از هیچ‌کس نترسد و هیچ‌کس را همانند الله دوست نداشته باشد، به الله امیدوار باشد، در برابر او فروتنی کند، بر او توکل نماید، به‌سوی او بازگردد و قلب خویش را دل‌بسته او تعالی کند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۶۵]. «و از مردم کسانی هستند غیر از الله همتیانی را انتخاب می‌کنند، و آن‌ها را مانند دوست داشتن الله دوست می‌دارند، و کسانی که ایمان آورد هاند الله را بیشتر دوست می‌دارند».

﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ [۱۷۳] ﴿فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّسْهُمُ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ [۱۷۴] ﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۷۳-۱۷۵]. «کسانی که مردم به آنان گفتند: «مردم (= مشرکان مکه) برای (جنگ با) شما گرد آمده‌اند، پس از آن‌ها بترسید». (این سخن) بر ایمان‌شان افزوده و گفتند: «الله ما را بس است، و بهترین حامی است». پس به نعمت و فضل الله (از میدان جنگ) بازگشتند، هیچ آسیبی به آنان نرسید، و خشنودی الله را پیروی کردند، و الله دارای فضل و بخشش بزرگی است. (در حقیقت) این شیطان است که دوستانش را می‌ترساند، پس اگر ایمان دارید از آن‌ها نترسید، و از من بترسید».

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾ [الزمر: ۳۶]. «آیا الله برای بنده‌اش کافی نیست؟!». ﴿إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَشِيعِينَ﴾ [الأنبياء: ۹۰]. «بی‌گمان آن‌ها همواره در کارهای خیر می‌شتافتند، و در حال بیم و امید ما را می‌خواندند، و پیوسته برای ما (خاشع و) فروتن بودند».

﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: ۲۳]. «و بر الله توکل کنید؛ اگر ایمان دارید».

﴿وَأَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ﴾ [الزمر: ۵۴]. «و به سوی پروردگارتان باز گردید و در برابر او تسلیم شوید».

۲- عبادت الله با جوارح، مانند اینکه ذکر الله را به جا آوریم، کتابش را تلاوت کنیم، فقط او را بخوانیم، فقط از او طلب یاری کنیم، برای او نماز بگزاریم و روزه بگیریم، پیرامون خانه گرامی او طواف کنیم، و برای بزرگداشت او و با اسم او تبارک و تعالی قربانی کنیم:

الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ ۖ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرِ﴾ [الکوثر: ۱-۲]. «(ای پیامبر) به راستی که ما به تو کوثر عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن».

نماز و قربانی از جمله عبادات جوارح هستند که فقط برای الله انجام می شوند.

معنای لا إله إلا الله

الله سبحانه و تعالی، همان معبود ماست که او را می پرستیم و همو پروردگار و آفریدگار ماست.

«لا إله إلا الله» یعنی معبود بر حقی جز الله نیست.

إله همان معبودی است که عبادت می شود، نه به معنای پروردگار یا خالق.

﴿إِلَهَةٌ﴾ به معنای معبودهایی است که به جای الله پرستیده می شوند، نه به معنای پروردگاران یا آفریدگاران.

بنابراین کسی که می گوید: لا إله إلا الله و غیر الله را می پرستد؛ یعنی غیر الله را همراه الله می خواند یا برای غیر الله همراه الله قربانی می کند، معنای لا إله إلا الله را نمی داند:

الله متعال می فرماید: ﴿وَجَوْرْنَا بِنْتِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُمُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَمُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿۱۳۸﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا هُم فِيهِ وَبِطُلُّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۹﴾ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا﴾ [الأعراف: ۱۳۸-۱۴۰]. «وما بنی اسرائیل را از دریا گذراندم، آنگاه بر گروهی گذشتند که

اطراف بت‌های خود با تواضع و فروتنی گرد آمده بودند. گفتند: «ای موسی! برای ما (نیز) معبودی قرار ده، همان‌گونه که آن‌ها معبودهایی دارند». (موسی) گفت: «حقاً، شما گروهی نادان و جاهل هستید (و عظمت الله را نمی‌دانید). بی‌گمان این‌ها عاقبت کارشان نابودی است و آنچه انجام می‌دادند (نیز) باطل است». (سپس) گفت: «آیا غیر از الله، معبودی برای شما بجویم؟! در حالی که او شما را بر جهانیان (= مردم عصرتان) برتری داد». قوم موسی از او خواستند که معبودی برایشان قرار دهد تا او را عبادت کنند؛ چنانکه گروهی که بنی‌اسرائیل به آنان رسیدند، معبودهایی داشتند که آنان را می‌پرستیدند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ عَازِرَ اتَّخِذْ أَصْنَامًا ءَالِهَةً إِنِّي أَرَأَيْتَكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۷۴﴾ [الأنعام: ۷۴]. «و (بیاد آور) هنگامی را که ابراهیم به پدرش آزر گفت: «آیا بت‌ها را به پرستش می‌گیری؟! من تو و قوم تو را در گمراهی آشکار می‌بینم». هدهد سلیمان وقتی قومی را دید که به جای الله، خورشید را می‌پرستیدند، کارشان را نپسندید و گفت چرا الله را نمی‌پرستند که فقط او سزاوار عبادت است و معبود بر حقی جز او نیست:

الله به نقل از هدهد می‌فرماید: ﴿أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿۲۵﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۲۶﴾ [النمل: ۲۵-۲۶]. «چرا برای الله سجده نمی‌کنند که آنچه را در آسمان‌ها و زمین پنهان است بیرون می‌آورد، و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌کنید (همه را) می‌داند. الله که جز او معبودی نیست، پروردگار عرش عظیم است».

فرعون خودش را معبودی قرار داد تا مردم او را بپرستند و از موسی خواست که او را بپرستد یا زندانی خواهد شد:

الله سخن فرعون را اینگونه بازگو می‌فرماید: ﴿قَالَ لَئِنِ اتَّخَذَتِ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ ﴿۲۹﴾ [الشعراء: ۲۹]. (فرعون) گفت: «اگر معبودی جز من برگزینی، البته تو را از زندانیان قرار خواهم داد».

تمام رسولان الله به قومشان خبر دادند که معبود بر حقی جز الله نیست، پس او را بپرستید و غیر او را رها کنید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾

[الأنبياء: ۲۵]. «و (ما) پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که: معبودی جز من نیست، پس تنها مرا عبادت کنید».

نوح علیه السلام پیام مذکور را اینگونه به قومش بیان کرد:

﴿لَا تَدْرُونَ إِلَهَتَكُمْ وَلَا تَدْرُونَ وِدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا﴾ [نوح: ۲۳].

«معبودان خود را رها نکنید. و (بخصوص) «ود» و «سواع» و «یغوث» و «یعوق» و «نسر» را رها نکنید».

ود، سواع، یعوق، یغوث و نسر، مردان صالحی بودند و قوم نوح آنان را می پرستیدند تا آنان را به خدا نزدیک کنند.

الله نمی پذیرد که غیر او در عبادت با او شریک شود. الله فقط دین خالص را می پذیرد:

الله متعال می فرماید: ﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ ^۱ **أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ**

[الزمر: ۲-۳]. «پس الله را پرستش کن و دین را برای او خالص گردان. آگاه باشید که دین خالص از آن الله است».

هود به قومش گفت:

الله متعال می فرماید: ﴿وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ

إِلَهٍ غَيْرُهُ﴾ [الأعراف: ۶۵]. «و (به) (سوی قوم) عاد، برادرشان هود را (فرستادیم) گفت: «ای قوم من! الله را پرستش کنید که جز او معبودی (راستین) برای شما نیست».

﴿قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَدْرَ مَا كَانِ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَآتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ

مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [الأعراف: ۷۰]. گفتند: «آیا به (نزد) ما آمده‌ای که تنها الله را عبادت کنیم، و آنچه را نیاکانمان می پرستیدند، رها کنیم؟! پس اگر از راستگویان هستی، آنچه را (از عذاب الهی) به ما وعده می دهی، بیاور».

وقتی محمد صلی الله علیه و آله این پیام را به قومش ابلاغ کرد، آنان چنین پاسخ دادند:

﴿أَجْعَلُ الْأَلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ﴾ [ص: ۵]. «آیا (همه) معبودان را

یک معبود قرار داده است؟ بی گمان این چیزی عجیبی است».

تمام معبودهایی که به جای الله عبادت می شوند، فقط در زمین مورد پرستش و

عبادت قرار می گیرند، اما الله صلی الله علیه و آله تنها معبودی است که در آسمان و زمین عبادت می شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُهُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ﴾ [الزخرف: ۸۴]. «و او کسی است که در آسمان معبود است، و در زمین (نیز) معبود است، و او حکیم داناست».

نصاری می‌گویند همراه الله، معبودان دیگری هستند؛ الله بسیار بلندمرتبه‌تر است از آنچه آنان می‌گویند و معبود بر حقی جز الله به تنهایی وجود ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُهُ وَاحِدٌ﴾ [المائدة: ۷۳]. «آن‌ها که گفتند: «الله سومین (اقنوم) ثلثه است» به یقین کافر شدند، معبودی (به حق) جز معبود یگانه نیست».

﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ لِيَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمَّيَ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ [المائدة: ۱۱۶]. «و (بیاد بیاور) که الله می‌فرماید: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را به عنوان دو معبود به جای الله انتخاب کنیدی؟».

عیسی گفت: ﴿سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ﴾ [المائدة: ۱۱۶]. «(عیسی) گوید: «تو منزهی! من حق ندارم آنچه را که شایسته من نیست بگویم!».

﴿مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ﴾ [المائدة: ۱۱۷]. «من چیزی جز آنچه مرا به آن فرمان دادی به آن‌ها نگفتم (به آن‌ها گفتم: الله را پرستید که پروردگار من و پروردگار شماست».

الله به بندگانش فرمان داده که دو معبود را برای عبادت برنگزینند، بلکه واجب است دل‌ها و اعضا فقط به سوی الله روی آورند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ أُثْنَيْنِ ۖ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُهُ وَاحِدٌ فَأَيُّيَ فَاَرْهَبُونَ﴾ [النحل: ۵۱]. «و الله فرمود: دو معبود را نگیرید، فقط او معبود یگانه است، پس (تنها) از من بترسید».

حتی عبادات قلبی مانند بیم و رغبت و محبت هم باید فقط برای الله انجام شود. پسران یعقوب عليه السلام، آن چیزی را می‌پرستند که پدرشان ابراهیم عليه السلام و پسرانش می‌پرستیدند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا

وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۳﴾ [البقرة: ۱۳۳]. «آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟ آنگاه که به فرزندان خود گفت: «پس از من چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: معبود تو، و معبود پدرانت؛ ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، الله یکتا را، می‌پرستیم، و ما تسلیم او هستیم».

آنان می‌دانستند که فقط الله، معبود پدرشان و پدران او تا ابراهیم است. ابراهیم کسی است که اینگونه به درگاه پروردگارش دست به دعا برداشت:

﴿وَأَجِبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾ [ابراهیم: ۳۵]. «و مرا و فرزندانم را از آنکه بت‌ها را پرستش کنیم دور بدار».

او کسی است که معبودان باطل را که به جای الله پرستش می‌شدند درهم شکست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿۸۵﴾ أَفَكَاةَ إِلَهَاتٍ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿۸۶﴾﴾ [الصافات: ۸۵-۸۶]. «چون به پدر و قومش گفت: «چه چیزی را می‌پرستید؟! آیا به جای الله، معبودهای دروغین می‌خواهید؟!».

﴿فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهِمُ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿۹۱﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ﴿۹۲﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ﴿۹۳﴾﴾ [الصافات: ۹۱-۹۳]. «آنگاه پنهانی نزد معبودان‌شان رفت و گفت: «آیا (چیزی) نمی‌خورید؟ شما را چه شده است که سخن نمی‌گویید». پس به سوی آنان روی آورد (و) ضربه محکم (با دست راست) بر آن‌ها زد (و) بجز بت همه بت‌ها را درهم شکست».

لا إله إلا الله همان کلمه حقی است که الله به پیامبرانش فرمان داد اهل کتاب و سایر مشرکان را به سوی آن فراخوانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا لَهُو الْقَفْصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُو الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۶۲﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿۶۳﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا ﴿۶۴﴾﴾ [آل عمران: ۶۲-۶۴]. «حقا که این همان داستان حق و واقعی (مسیح) است، و معبودی جز الله نیست، و بی‌گمان الله است که توانمند حکیم است. پس اگر روی گردانند (بدان که) الله به (حال) تباهاکاران آگاه است. بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز الله را نپرستیم، و چیزی را شریک او نسازیم».

مشرکان در برابر کلمه توحید تکبر ورزیدند و نسبت به معبودان خویش تعصب به خرج دادند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿۳۳﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿۳۴﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿۳۵﴾ وَيَقُولُونَ آيَاتُنَا لَنَّارِكُوا ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ ﴿۳۶﴾﴾ [الصافات: ۳۳-۳۶]. «پس مسلماً در آن روز همه آن‌ها (= پیروان و سردمداران) در عذاب شریک خواهند بود. بی‌شک ما با مجرمان این گونه رفتار می‌کنیم! آن‌ها (در دنیا چنان) بودند که چون به آن‌ها گفته می‌شد: «معبودی (به حق) جز الله نیست» سر کشی (و تکبر) می‌کردند. و می‌گفتند: «آیا ما معبودان مان را به خاطر (سخن) شاعری دیوانه رها کنیم؟!».

پاسخ به مشرکان

مشرکان می‌دانند که پروردگار آفریدگار یکی است، اما همراه او، دیگران را برای جلب منفعت یا دفع ضرر می‌پرستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۲۲﴾ ءَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً إِن يُرِدِنِ الرَّحْمَنُ بَصِيرًا لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ ﴿۲۳﴾﴾ [یس: ۲۲-۲۳]. «و چه شده است مرا که پرستش نکنم کسی را که مرا آفریده است، (همه) به سوی او باز گردانده می‌شوید؟ آیا غیر از او معبودهایی را بر گزینم که اگر (الله) رحمان بخواهد به من زیانی برساند، شفاعت آن‌ها چیزی را از من دفع نمی‌کند (و کمترین فایده برایم ندارد) و مرا نجات نخواهند داد؟!».

اجتماع قلب بر معبود واحد، سبب آرامش و امنیت قلب در دنیا و آخرت می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَكِّسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۲۹﴾﴾ [الزمر: ۲۹]. «الله مردی (مملوک) را مثل زده که در (بردگی) او شریکانی است که پیوسته با هم اختلاف (و مشاجره) دارند، و مردی (مملوک) که تنها تسلیم یک شخص است، آیا (این دو) در وصف یکسانند؟! حمد و ستایش مخصوص الله است، بلکه بیشتر آن‌ها نمی‌دانند».

﴿وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ﴾ [التغابن: ۱۱]. «و هرکس به الله ایمان آورد (الله) قلبش را هدایت می کند».

به این ترتیب، قلب هنگام وقوع مصیبت، بی قرار نمی شود.

مشرکان بدون علم، دیگران را همراه الله می پرستند. آنان در این مورد هیچ کتابی ندارند که الله آن را فرستاده باشد تا دلیل و حجت شان باشد و بر صحت عمل آنان و شریک قرار دادن دیگران همراه الله در صفات برتر و مقام الهی توسط آنان، دلالت کند:

الله متعال می فرماید: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ﴾ [الحج: ۷۱]. «و (آنها) به جای الله چیزی را می پرستند که (او) هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده است، و چیزی را که علم به آن ندارند، و برای ستمگران هیچ یآوری نیست».

مشرکان از رؤسا و بزرگان شان پیروی می کنند و از تمام اوامر آنان حتی در همانند قرار دادن غیر خدا به خدا در صفات و طاعت و عبادت، فرمانبرداری می کنند؛ بدین ترتیب گمراه می شوند و زمانی که پشیمانی سودی ندارد پشیمان می شوند:

الله متعال می فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ﴾ [۳۱] قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ﴾ [۳۲] وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَن نَّكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُؤُنَا آندَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَعْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [سبا: ۳۱-۳۳]. «(ای پیامبر!) اگر ببینی (در روز قیامت) هنگامی که ستمکاران در پیشگاه پروردگارشان (برای حسابرسی) نگه داشته شده اند، (از حال آنها به شگفت می آیی) برخی از آنها سخن برخی دیگر را پاسخ می دهند (و هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می اندازد) کسانی که به استضعاف کشیده شده اند، به کسانی که استکبار (و سرکشی) نمودند، گویند: «اگر شما نبودید ما قطعاً مؤمن بودیم». کسانی که سرکشی (و تکبر) کردند (= مستکبران) به کسانی که به استضعاف کشیده شده اند، (= مستضعفان) گویند: «آیا ما شما را از هدایت باز داشتیم بعد از آن که به سراغ شما آمد؟! (هرگز نه) بلکه شما خود مجرم بودید». و مستضعفان به مستکبران گویند: «بلکه، مکر و حيلة شب و روز شما (سبب شد که از هدایت بازمانیم) هنگامی که به ما

دستور می‌دادید که به الله کافر شویم و برای او همتیانی قرار دهیم». و هنگامی که عذاب (الهی) را ببینند، پشیمانی (خود) را (در دل) پنهان دارند، و ما غل‌ها در گردن‌های کسانی که کافر شدند؛ بگذاریم، آیا جز آنچه عمل می‌کردند، به آن‌ها جزا داده می‌شود؟!».

﴿يَوْمَ تَقْلَبُ وُجُوهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيِّنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ﴾ ﴿٦٦﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا ﴿٦٧﴾ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿٦٨﴾ [الأحزاب: ٦٦-٦٨]. «روزی که صورت‌هایشان در آتش (جهنم) گردانیده شود (پشیمان می‌شوند و) می‌گویند: «ای کاش الله را اطاعت کرده بودیم، و رسول (الله) را اطاعت کرده بودیم» و گفتند: «پروردگارا! ما از سروران و بزرگان خود اطاعت کردیم، پس ما را از راه به در بردند (و گمراه کردند). پروردگارا! آن‌ها را از عذاب دو چندان ده، و آن‌ها را به لعنتی بزرگ (و سخت) لعنت فرما».

مشرکان از وحی پیروی نمی‌کنند و به همین دلیل، الله به پیامبرش فرمان می‌دهد که از آنان روی بگرداند و اعلام بیزاری کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ ﴿١٦﴾ [الأنعام: ١٠٦]. «از آنچه که از سوی پروردگارت بر تو وحی شده، پیروی کن، هیچ معبودی (بحق) جز او نیست، و از مشرکان روی بگردان». ﴿أَيْنَكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾ [الأنعام: ١٩]. «آیا براستی شما گواهی می‌دهید که با الله معبودهای دیگری هستند؟» بگو: «من گواهی نمی‌دهم» بگو: «همانا او تنها معبود یگانه است، و من از آنچه با او شریک قرار می‌دهید، بیزارم».

«لا إله إلا الله». یعنی هیچ‌کس جز الله سزاوار عبادت نیست.

معنای شهادت لا إله إلا الله این است که هیچ‌کس شایسته عبادت نیست مگر الله، پس ذره‌ای از عبادت را به هیچ‌یک از مخلوقات الله قرار نمی‌دهیم.

معنای شهادت محمدًا رسول الله یعنی الله که واجب است جز او را نپرستیم، محمد ﷺ را فرستاد تا عبادتی را که الله می‌پذیرد و بدان راضی می‌شود توضیح دهد. پس الله را فقط به همان طریقی عبادت می‌کنیم که محمد ﷺ از نزد الله متعال آورده است.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴]. «و (ما این) قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی، آنچه را که به سوی آن‌ها نازل شده است، و باشد که آن‌ها بیندیشند».

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: ۲۱]. «یقیناً برای شما در زندگی رسول الله سرمشق نیکویی است، برای آنان که به الله و روز آخرت امید دارند، و الله را بسیار یاد می‌کنند».

﴿وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا﴾ [النور: ۵۴]. «و اگر از او اطاعت کنید؛ هدایت خواهید شد». هرکس به طریقی که خودش می‌خواهد عبادت کند، نخستین و بزرگ‌ترین رکن اسلام را که شهادت لا إله إلا الله و محمد رسول الله است محقق نگردانده است.

شروط پذیرش عمل

برای پذیرش عمل نزد الله، دو شرط باید موجود باشد:

۱- عمل خالص برای الله باشد.

۲- به روش محمد ﷺ انجام گیرد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الکھف: ۱۱۰]. «پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کار شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نسازد».

عمل صالحی منظور است که در آن به سیره پیامبر محمد ﷺ اقتدا می‌کنیم و فقط به الله ﷻ توجه داریم.

مؤمنان از آنچه که الله نازل فرموده پیروی می‌کنند و کلام او تعالی را می‌خوانند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: ۴۱]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! الله را بسیار یاد کنید».

بنابراین، الله را بسیار یاد می‌کنند.

و این سخن الله تعالی را می‌خوانند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تَجَرَّةً لَّنْ تَبُورَ ﴿۴۹﴾ لِيُؤْفِقَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمُ

مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿۳۰﴾ [فاطر: ۲۹-۳۰]. «بی گمان کسانی که کلام الله را تلاوت می کنند و نماز را بر پا می دارند، و از آنچه روزی شان داده ایم؛ پنهان و آشکار انفاق می کنند، به تجارتی (پر سود) که هرگز زیان (و کساد) ندارد؛ امید دارند. تا (الله) پاداش آن ها را به تمامی بدهد و از فضل خود بر آن ها بیفزاید، بی گمان او آمرزنده سپاسگزار است.»

پس کتاب الله را می خوانند و نماز برپا می دارند و از آنچه خدا به آنان روزی داده انفاق می کنند و به ثواب و فضل الله امیدوارند.

این کلام الله تعالی را می خوانند: ﴿وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ [الحج: ۲۹]. «و (برگرد) خانه های کهن سال (کعبه) طواف کنند.»

در نتیجه به پیروی از آنچه الله نازل فرمود، پیرامون کعبه مبارک طواف می کنند.

این فرموده الله تعالی را می خوانند: ﴿وَأَخْذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ﴾ [البقرة: ۱۲۵]. «و از مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود بگیرید.»

آنگاه از آنچه الله در مورد نماز در این مکان که خود الله آن را مشخص کرد پیروی می کنند.

اما اگر الله آنان را به اقامه نماز در این مکان فرمان نداده بود، هرگز چنین نمی کردند هر چند آبا و اجدادشان این کار را انجام دادند. زیرا عبادتی که الله از بندگانش می پذیرد، همان عبادتی است که آنان را بدان فرمان داده است نه آن عبادتی که نیاکان شان را بر آن یافتند.

الله متعال می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ ﴿۲۳﴾ قُلْ أُولُو حِجَّتِكُمْ بَاهِدْيَ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿۲۴﴾ فَأَتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿۲۵﴾﴾ [الزخرف: ۲۳-۲۵]. «و این گونه در هیچ (شهر و) قریه پیش از تو هشدار دهنده نفرستادیم، مگر اینکه متنعمانش گفتند: «ما نیاکان خود را بر آیینی یافتیم، و بی گمان ما به (اعمال و) آثار آن ها اقتداء می کنیم». (پیامبرشان) گفت: «آیا اگر برای شما چیزی هدایت کننده تر از آنچه که نیاکان تان را بر آن یافتید، آورده باشم؟! (بازهم به آن ها اقتداء می کنید؟! گفتند: «آری،) ما به آنچه که شما به آن فرستاده شده اید، کافریم». بنا براین از آن ها انتقام گرفتیم، پس بنگر سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود!».

کسانی که به اعمال نیاکان و علمای‌شان راضی می‌شوند و برایشان تفاوتی نمی‌کند که نیاکان و علمای‌شان بر حق باشند یا بر باطل، به سبب رویگردانی‌شان؛ از هدایت محروم می‌شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ [الانبیاء: ۲۴].
«بلکه بیشتر آن‌ها حق را نمی‌دانند، لذا آن‌ها (از آن) روی گردانند».

الله رویگردانان از شنیدن حق را به سبب بیماری یا مرگ دل‌هایشان، به مردگان که حواس‌شان به سبب مرگ از بین رفته، تشبیه کرده است؛ بنابراین، سخن کسی که آنان را دعوت می‌دهد و بر آنان ندا می‌زند نمی‌شنوند؛ زیرا زندگان واقعی کسانی هستند که دل‌هایشان زنده است و سخن حق را می‌شنوند و بدان پاسخ می‌هند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الْأُصْمَ الْأَدْعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ﴾ [۸۰-۸۱]. «و بی‌گمان تو نمی‌توانی (سخن را) به (گوش) مردگان بشنوانی، و نمی‌توانی کران را هنگامی که پشت‌کنان روی می‌گردانند؛ سخن (و ندای خود را) بشنوانی. و تو نمی‌توانی کوران را از گمراهی‌شان (باز گردانی و) هدایت کنی، تو تنها می‌توانی (سخن خود را) به کسانی بشنوانی که به آیات ما ایمان دارند؛ پس آن‌ها (در برابر حق) تسلیم شدگان هستند».

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ﴾ [۲۲-۲۳]. «و (هرگز) زندگان و مردگان یکسان نیستند، بی‌گمان الله هر کس را بخواهد می‌شنواند، و تو (ای پیامبر!) نمی‌توانی (سخن را) به در گور خفتگان بشنوانی. تو جز هشدار دهنده‌ای نیستی».

﴿إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ [الأنعام: ۳۶]. «تنها کسانی (دعوت تو را) اجابت می‌کنند که گوش شنوا دارند، و الله مردگان را (در روز قیامت) بر می‌انگیزد، سپس به سوی او باز گردانده می‌شوند».

همانند پیروی از نیاکان، التزام به دوستان و تعصب به شیخ است، بگونه‌ای که دوستی می‌کنند با کسانی که با شیخ آنان دوستی می‌کنند و دشمنی می‌کنند با کسانی که با شیخ دشمنی می‌ورزند، در نتیجه شخص و دوستانش و شیخ آنان یک حزب به شمار می‌روند و

دل مشغولی هریک از آنان این می‌شود که به‌سوی حزب‌شان و پیروی از سخنان شیخ خودشان فرامی‌خوانند هر چند این سخنان، از هدایت و سنت محمد ﷺ دور باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿٥٢﴾ فَتَقَطُّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٥٣﴾﴾ [المؤمنون: ۵۲-۵۳]. «و بی‌گمان این امت شما، امت واحدی است، و من پروردگار شما هستم، پس از من بترسید. پس آن‌ها در میان خود در کار (دین) شان فرقه فرقه و پراکنده شدند، و هر گروه به آنچه نزد خود دارند؛ خوشحالند».

مؤمنان از آنچه که الله بر پیامبرش محمد ﷺ نازل فرموده است پیروی می‌کنند؛ زیرا سیره پیامبر، هدایت‌یافته‌ترین طریق است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنِّي هَدَيْتَنِي رَبِّيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦١﴾﴾ [الأنعام: ۱۶۱]. «بگو: بتحقیق پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است».

﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ﴿الشورى: ٥٢-٥٣﴾﴾. «و مسلماً تو (ای پیامبر) به راه راست هدایت می‌کنی. راه الهی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست».

محمد ﷺ برترین پیامبر و هدایتش برترین هدایت است

پیامبر محمد ﷺ به‌سوی راه الله که مالک تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین وجود دارد است، هدایت می‌کند؛ از این‌رو، هدایتی بزرگ‌تر از این هدایت و پیامبری بزرگ‌تر از این پیامبر وجود ندارد.

الله برترین کتاب را بر پیامبرش محمد ﷺ نازل فرمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ ﴿٤٨﴾﴾ [المائدة: ۴۸]. «و (این) کتاب (= قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم در حالی که تصدیق‌کننده‌ی کتاب‌های که پیش از آن است و بر آن‌ها شاهد و نگاهبان است».

بشارت قرآن در کتاب‌های پیامبران پیشین آمده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ

الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ ﴿[الأعراف: ١٥٦-١٥٧]. «و رحمتهم همه چیز را فرا گرفته است، پس آن را برای کسانی که تقوا پیشه می‌کنند، و زکات می‌دهند، و کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر خواهم داشت. آنان که از (این) رسول (الله)، پیامبر «أمی» (= درس ناخوانده) پیروی می‌کنند، که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است، نوشته می‌یابند».

﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَبْنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ﴾ [الصف: ٦]. «و (یادآور باش) هنگامی که عیسی پسر مریم گفت: ای بنی اسرائیل! بی‌گمان من فرستاده‌ی الله به سوی شما هستم، آنچه از تورات که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و (نیز) مزده‌دهنده به رسولی هستم که بعد از من می‌آید، و نامش «احمد» است».

پیامبران، برترین بندگان الله هستند که بر آنان نعمت بخشیده است، آنان مبلغان الله هستند و سایر نعمت‌بخشیده‌شدگان پیرو آنان هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا ﴿٦٩﴾ ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا ﴿٧٠﴾﴾ [النساء: ٦٩-٧٠]. «و کسی که الله و پیامبر را اطاعت کند (روز قیامت) همنشین کسانی خواهد بود که الله بر آنان انعام نموده‌است، از پیامبران، و صدیقان و شهدا و صالحان، و اینان چه نیکو رفیقانی هستند. این فضل و بخشایش از جانب الله است، و کافی است که او دانا است».

پیامبران هدایت‌یافته‌ترین و برترین مردم هستند و هدایت نور را از جانب پروردگارشان به‌سوی اقوام خویش آوردند. الله سبحانه فرموده که درجات پیامبران را بالا برده و آنان را نیکوکار و صالح معرفی فرموده و اینکه آنان را برای هدایت بندگان‌شان برگزیده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٨٢﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٤﴾ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٥﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ

وَيُؤْنَسُ وَلُوطًا وَكَلَّا فَضَلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٨٦﴾ وَمَنْ عَابَاهُمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ وَإِخْوَانَهُمْ وَأَجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٨٧﴾ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحِطَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٨﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ عَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيُؤْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ ﴿٩٠﴾ [الأنعام: ٨٣-٩٠]. «و این‌ها حجت و دلایل ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم، درجات هر کس را بخواهیم بالا می‌بریم، همانا پروردگار تو، حکیم داناست. و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم، و هر یک را هدایت کردیم، و نوح را (نیز) پیش از آن هدایت نمودیم، و از فرزندان او داوود، و سلیمان، و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (هدایت کردیم) و این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. و (نیز) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را (هدایت نمودیم) همه از صالحان بودند. و اسماعیل و الیسع، و یونس و لوط را (هدایت کردیم) و همه را بر جهانیان برتری داده‌ایم. و (نیز) از پدران‌شان و فرزندان‌شان و برادران‌شان و (برخی را برتری دادیم) و برگزیدیم و به راه راست هدایت نمودیم. این هدایت الله است، که هر کس از بندگانش را بخواهد با آن هدایت می‌کند. و اگر شرک می‌ورزیدند؛ هرآینه آنچه را که انجام داده بودند از (اعمال نیک) آن‌ها نابود می‌شد. آن‌ها کسانی هستند که کتاب و حکمت و نبوت به آنان دادیم، پس اگر این (مشرکان) به آن (آیات قرآن) کفر ورزند، بتحقیق ما گروهی را بر آن می‌گماریم که نسبت به آن کافر نیستند. آن‌ها کسانی هستند که الله هدایت‌شان کرده است؛ پس به روش آنان اقتدا کن».

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا﴾ [مریم: ٥٨]. «اینان کسانی از پیامبران بودند که الله بر آنان انعام کرده بود، از فرزندان آدم و از کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم، و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل (= یعقوب) و از کسانی که آن‌ها را هدایت کردیم و برگزیدیم».

محمد ﷺ، رسول الله است که هدایت را از جانب پروردگارش آورد. او خاتم و برترین پیامبران است و هدایت او نه تنها برای قومش بلکه برای تمام مردم است؛ بنابراین، پس از او هیچ‌کس دیگری هدایت را از جانب الله نمی‌آورد و عمل به هدایت او که آن را از جانب پروردگارش آورده، تا زمانی که الله زمین و هرکس که بر روی آن است را به ارث ببرد، باقی است:

الله متعال همچنين می‌فرماید: ﴿قُلْ يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اِنِّي رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ جَمِيْعًا﴾ [الأعراف: ۱۵۸]. «بگو: «ای مردم! من فرستاده‌ی الله به سوی همه‌ی شما هستم».

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ اَبًا اَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَا كِن رَّسُوْلَ اللّٰهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّنَ﴾ [الأحزاب: ۴۰]. «محمد ﷺ پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست، و لیکن رسول الله و خاتم پیامبران است، و الله به هر چیز آگاه است».

﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿۵۲﴾ صِرَاطِ اللّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ اِلَّا اِلَى اللّٰهِ تَصِيْرُ الْأُمُوْر﴾ [الشوری: ۵۲-۵۳]. «و مسلماً تو (ای پیامبر) به راه راست هدایت می‌کنی. راه الهی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست، آگاه باشید، که (همه) کارها به سوی الله باز می‌گردد».

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرٰى عَلٰى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ قَالَ اُوْحٰى اِلٰىَّ وَلَمْ يُوْحَ اِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ﴾ [الأنعام: ۹۳]. «و چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغی به الله ببندد، یا بگوید: «به من وحی شده است». در حالی که به او وحی نشده است، و کسی که بگوید: «من (نیز) همانند آنچه الله نازل کرده است، نازل می‌کنم!».

رسولان، حامل هدایت ربانی هستند و الله از بندگانش خواهد پرسید که چه پاسخی به رسولان دادند؟ الله از بندگانش در مورد پاسخ آنان به سایر مردم سوال نخواهد کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَسِيْقَ الَّذِينَ كَفَرُوْا اِلٰى جَهَنَّمَ زُمَرًا ۗ حَتّٰى اِذَا جَاءُوْهَا فُتِحَتْ اَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا اَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُوْنَ عَلَيْكُمْ آٰیٰتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُوْنَكُمْ لِقَاءِ يَوْمِكُمْ هٰذَا قَالُوْا بَلٰى وَلٰكِن حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ ﴿۷۱﴾﴾ [الزمر: ۷۱]. «و کسانی که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند، تا وقتی به (کنار) آن (= دوزخ) رسند درهایش گشوده شود، و نگهبانانش به آنان گویند: «آیا پیامبرانی از میان خودتان به سوی شما نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند، و شما را از دیدار امروزتان هشدار دهند؟!» گویند: آری، و لیکن فرمان عذاب (الهی) بر کافران محقق شده است».

وقتی تکذیب‌کنندگان در مورد برانگیخته‌شدن می‌پرسند: ﴿يٰۤا وَيْلٰنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَّرْقَدِنَا﴾ «وای بر ما! چه کسی ما را برانگیخت». اینگونه به آنان پاسخ داده می‌شود:

«هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ» «این همان چیزی است که خداوند رحمان وعده داده بود و فرستادگان خدا راست گفته بودند».

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ ﴿٥١﴾ قَالُوا يَوْمَئِذٍ لَّا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ ﴿٥٢﴾ [یس: ۵۱-۵۲]. «و (چون بار دیگر) در صور دمیده شود، پس ناگهان آن‌ها از قبرها (بیرون آیند) شتابان به سوی پروردگارشان می‌روند. گویند: «وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟!» (به آن‌ها گفته شود:) این همان است که (الله) رحمان وعده داده بود، و پیامبران (الله) راست گفتند».

در این حالت، جهنمیان آرزو می‌کنند که ای کاش از الله و رسولش اطاعت کرده بودند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ﴾ ﴿٦٦﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا﴾ ﴿٦٧﴾ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَتُهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا﴾ ﴿٦٨﴾ [الأحزاب: ۶۶-۶۸]. «روزی که صورت‌هایشان در آتش (جهنم) گردانیده شود (پشیمان می‌شوند و) می‌گویند: «ای کاش الله را اطاعت کرده بودیم، و رسول (الله) را اطاعت کرده بودیم» و گفتند: «پروردگارا! ما از سروران و بزرگان خود اطاعت کردیم، پس ما را از راه به در بردند (و گمراه کردند). پروردگارا! آن‌ها را از عذاب دو چندان ده، و آن‌ها را به لعنتی بزرگ (و سخت) لعنت فرما».

یکی از بخشش‌های الله به بندگان این است که به‌سوی هر امتی، رسولی فرستاد تا آنان را هدایت کند و آنان را در صورت مخالفت با فرمان الله از عذابش بترساند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ [الرعد: ۷]. «و برای هر قومی هدایت‌کننده‌ی است».

﴿وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾ [فاطر: ۲۴]. «و هیچ امتی نیست؛ مگر آن که در (میان) آن هشدار دهنده (آمده و) گذشته است».

﴿رُسُلًا مُّبْتَلِينَ وَمُنذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾ [النساء: ۱۶۵]. «پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از (آمدن) این پیامبران برای مردم بر الله حجتی نباشد».

الله رسولان را یکی پس از دیگری برای هدایت مردم فرستاد؛ زیرا فقط رسولان، حاملان هدایت الله برای مردم هستند و اما سایر هدایت‌گران، مردم را به پیروی از آنچه رسولان آوردند هدایت می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿۱۳﴾ إِذْ أُرْسِلْنَا إِلَيْهِمْ اتَّبَعُوا مَكَادِبَهُمَا فَعَمَزْنَا بِثَالِثٍ ﴿۱۴﴾﴾ [یس: ۱۳-۱۴]. «و (ای پیامبر) برای آن‌ها مثال (و داستان) مردم آن قریه (انطاکیه) را بزن، چون رسولان (ما) بدان جا آمدند. آنگاه که دو نفر (از رسولان) را به سوی آن‌ها فرستادیم، پس آنان را تکذیب کردند، سپس با (فرستادن) سومی (آن دو را) تقویت کردیم».

﴿وَأُرْسِلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يُقْتُلُونَ﴾ [المائدة: ۷۰]. «و رسولانی به سوی آن‌ها فرستادیم، هر گاه که پیامبری چیزی بر خلاف دل خواه آن‌ها می‌آورد، گروهی را تکذیب می‌کردند و گروهی را می‌کشتند».

هر گاه مردم وحیی را که الله بر رسولانش وحی کرده بود فراموش کردند یا در آن افزودند و از آن کم کردند، و الله رسولی را نفرستاد، مردم در زمان فترت و انقطاع رسولان، در گمراهی زندگی کردند. این حالت پیش از بعثت محمد ﷺ رخ داد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۹﴾﴾ [المائدة: ۱۹]. «ای اهل کتاب! پیامبر ما پس از (انقطاع وحی و) فترتی از پیامبران به سوی شما آمد، که حقایق را برایتان بیان کند، تا مبادا (روز قیامت) بگوید: «نه بشارت‌دهنده‌ای به سوی ما آمد و نه بیم‌دهنده‌ای» پس بتحقیق (اینک) پیامبر بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده به سوی شما آمده است. و الله بر همه چیز تواناست».

الله مردمی را عذاب نمی‌کند مگر زمانی که رسولی به‌سوی آنان بفرستد که آنان را به صورت صراط مستقیم الله هدایت کند، سپس آنان هدایت رسول را رها کرده و از غیر او پیروی کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ [الإسراء: ۱۵]. «و ما هرگز عذاب نخواهیم کرد؛ مگر آنکه پیامبری بفرستیم».

﴿إِن كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ عِقَابٌ ﴿۱۴﴾﴾ [ص: ۱۴]. «هر یک (از این‌ها) بودند که پیامبران را تکذیب کردند، پس عقوبت (من) تحقق یافت».

﴿كُلُّ كَذَّبٍ أُلْسِلَ فَحَقَّ وَعِيدٌ﴾ [ق: ۱۴]. «هر یک (از آن‌ها) رسولان (الهی) را تکذیب کردند، پس وعده عذاب (و بیم) من (بر آن‌ها) تحقق یافت».

الله سبحانه بیان می‌فرماید که رسولان را فرستاد تا هیچ‌کس دلیلی برای ندانستن حق نداشته باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ﴿۱۳۳﴾ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا ﴿۱۶۵﴾ رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿۱۶۶﴾﴾ [النساء: ۱۶۳-۱۶۵]. «همانا ما به تو وحی فرستادیم همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم و (نیز) به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (= نوادگان دوازده گانه) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی فرستادیم و به داود زبور دادیم. و پیامبرانی (مبعوث کردیم) که سرگذشت آن‌ها را پیش از این برای تو بیان کرده‌ایم، و پیامبرانی که سرگذشت آن‌ها را بیان نکردیم، و الله (بدون واسطه) با موسی سخن گفت. پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از (آمدن) این پیامبران برای مردم بر الله حجتی نباشد و الله پیروزمند حکیم است».

الله سبحانه در ادامه آیات فوق می‌فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمَنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۱۷۰﴾﴾ [النساء: ۱۷۰].

«ای مردم، بی‌گمان پیامبر (موعود محمد ﷺ) با (آیین) حق از جانب پروردگارتان برای شما آمد، پس به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است، و اگر کافر شوید؛ پس یقیناً (بدانید که) آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن الله است، (و کفر شما به او زیانی نمی‌رساند) و الله دانای حکیم است».

بنابراین هدایت محمد برای جهانیان، تا زمانی که قرآن باقی باشد، باقی است. هرکس به آن کفر ورزد و آن را انکار کند [به خودش زیان رسانده است] زیرا الله از جهانیان بی‌نیاز است.

الله از پیامبرانش بر ایمان به محمد ﷺ و یاری رساندن او در صورتی که در زمان آنان بیاید، پیمان گرفته است و از میان پیامبران، عیسی علیه السلام که در زمان پیامبر در آخر الزمان می آید، مردم را به سوی هدایت محمد ﷺ هدایت خواهد کرد:

الله متعال می فرماید: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِءَ وَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿۸۱﴾ [آل عمران: ۸۱]. «و (به یاد بیاورید) هنگامی را که الله، از پیامبران پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمت دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کند، باید به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید. (آنگاه) فرمود: «آیا اقرار کردید، و بر این امر پیمانم را پذیرفتید؟» گفتند: «اقرار کردیم» فرمود: «پس گواه باشید و من (نیز) با شما از گواهانم».

إِصْرِي: پیمان محکم و قطعی من.

الله یاوران محمد ﷺ را که مؤمنان به او و پیروان هدایتش هستند، رستگاران معرفی می فرماید:

الله متعال می فرماید: (فالذین آمنوا به وعزروه ونصروه واتبعوا النور الذي أنزل معه أولئك هم المفلحون) ﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِءَ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الأعراف: ۱۵۷]. «پس کسانی که به او ایمان آوردند، و او را گرمی داشتند، و او را یاری دادند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنانند که رستگارند».

الله، محمد ﷺ را چراغ روشنگر جهان هستی معرفی می کند:

الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿۴۵﴾ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ ۖ وَسِرَاجًا مُنِيرًا ﴿۴۶﴾ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴿۴۷﴾ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذُنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿۴۸﴾﴾ [الأحزاب: ۴۵-۴۸]. «ای پیامبر! ما تو را گواه، و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم. و دعوت کننده به سوی الله به فرمان او، و چراغی روشنی بخش قرار دادیم. و مؤمنان را بشارت ده که برای آن ها از سوی الله فضل بزرگی است. و از کافران و منافقان اطاعت مکن، و آزارشان را واگذار (و به آنان اعتنای نکن) و بر الله توکل کن، و الله (به عنوان) کارساز (و مدافع) بسنده است».

الله به رسولش فرمان داد که در تبلیغ آنچه الله به او نازل فرمود از کافران و منافقان اطاعت نکند، هر چند در آزار رساندن به او تمام تلاش خود را بکار گیرند. زیرا تبلیغ نکردن بخشی از دین به خاطر ترس از مردم، به منزله تبلیغ نکردن رسالت به شمار می‌رود؛ به عبارتی دیگر، دین الله کامل است و الله نمی‌پذیرد که بخشی از آن رها شود. در مورد دشمنان نیز، الله رسولش را از شرّ آنان محافظت می‌کند و الله برای حفاظت و یاری کافی است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَأْتِيهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ [المائدة: ۶۷]. «ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، (به مردم) برسان، و اگر (این کار) نکنی، رسالت او را نرسانده‌ای، و الله تو را از (شر) مردم حفظ می‌کند».

پیامبر نیز به صورت روشن ابلاغ کرد و با شکیبایی در برابر آزار و اذیت مشرکان، رسالت را به صورت کامل و پاکیزه، چنانکه پروردگارش بدو فرمان داده بود ادا کرد و اینگونه الله نعمت بر بندگانش را به دست او کامل کرد، پس رحمت و سلام پروردگار بر او باد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳]. «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را (بعنوان) دین برای شما برگزیدم».

پروردگار، پیامبر ﷺ را با توصیف بندگی که بالاترین مقام است عزت بخشید. این توصیف در بیان قصه اسراء به سوی مسجد الأقصى و پس از آن معراج به آسمان هفتم بیان شده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا﴾ [الإسراء: ۱]. «پاک و منزّه است کسی که بنده‌اش را شبی از مسجد الحرام به مسجد الأقصى - که گرداگردش را برکت داده‌ایم برد؛ تا برخی از آیات خود را به او بنمایانیم».

پروردگار، پیامبر گرامی اسلام را به بهترین نحو تحسین و توصیف کرده است:

الله سبحانه می‌فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَّ لَخُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [الفلم: ۴]. «و یقیناً تو (ای محمد) بر اخلاق و خوی بسیار عظیم و والایی هستی».

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۲۸]. «یقیناً پیامبری از (میان) خودتان به سوی تان آمد که رنج‌های شما بر او دشوار (و گران) است، و بر (هدایت) شما سخت اصرار دارد، و (نسبت) به مؤمنان روؤف (و) مهربان است».

﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ [الأحزاب: ۴۵-۴۶]. «ای پیامبر! ما تو را گواه، و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم. و دعوت کننده به سوی الله به فرمان او، و چراغی روشنی بخش قرار دادیم».

الله، محمد ﷺ را به سوی تمام مردم فرستاد و او را مایهٔ رحمت جهانیان قرار داد:

الله متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ [الأعراف: ۱۵۸]. «بگو: «ای مردم! من فرستادهٔ الله به سوی همهٔ شما هستم».

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۷]. «و (ای پیامبر!) تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

با تمام این وجود و پس از آنکه بشریت با هدایت محمد ﷺ رستگار و کامیاب شد، برخی دشمنان اسلام به سوی ترک هدایت خاتم پیامبران و پیروی از هدایت دیگران فرامی‌خوانند تا مردم را از صراط مستقیم گمراه سازند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتُرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ﴾ [النساء: ۴۴-۴۵]. «آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب به آن‌ها داده شده‌است، گمراهی را می‌خرند، و می‌خواهند شما (نیز) گمراه شوید؟ و الله به دشمنان شما داناتر است».

منافقان نه به الله ایمان دارند و نه به رسولش و هنگامی که صحابه به آنان گفتند نزد رسول الله بیایید تا برای شما طلب آموزش کند و الله بیان فرمود که گناه هر کس را که رسول برایش طلب آموزش کند، می‌بخشد، از روی غرور و تکبر روی گرداندند:

الله متعال می فرماید:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَعْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّاْ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ۝ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَعْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٦﴾﴾ [المنافقون: ۵-۶]. «و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «بیا بید تا رسول الله برای شما آمرزش بخواهد» سرهای خود را تکان می دهند، و آن‌ها را می بینی که (از سخنان تو) اعراض می کنند و تکبر می ورزند. برای آن‌ها یکسان است که برایشان آمرزش بخواهی یا آمرزش نخواهی، الله هرگز آنان را نمی بخشد، بی گمان الله قوم نافرمان را هدایت نمی کند».

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَأَسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿٦٤﴾﴾ [النساء: ۶۴]. «و اگر آن‌ها هنگامی که بر خویشان ستم می کردند، نزد تو می آمدند، و از الله طلب آمرزش می کردند، بی گمان الله را توبه پذیر مهربان می یافتند».

این ویژگی را الله برای بزرگداشت پیامبرش به او اختصاص داده است. الله به بندگان خویش فرمان می دهد که پیامبرش را بزرگ و محترم بدانند و آنگونه که یکدیگر را صدا می زنند، ایشان را صدا زنند، بلکه بگویند: «یا نبی الله، یا رسول الله»: الله متعال می فرماید: ﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۖ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾﴾ [الأعراف: ۱۵۷]. «پس کسانی که به او ایمان آوردند، و او را گرامی داشتند، و او را یاری دادند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنانند که رستگارند».

عزروه: او را محترم و بزرگ داشتند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٥﴾﴾ [الحجرات: ۴-۵]. «بی گمان کسانی که از پشت حجرها صدایت می زنند، بیشترشان بی خردانند. و اگر آن‌ها صبر می کردند تا که (خود) به سوی آنان بیرون آیی برای آن‌ها بهتر بود، و الله آمرزنده مهربان است».

﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا ﴿٦٣﴾﴾ [النور: ۶۳]. «صدا زدن پیامبر (الله) را در میان خود همچون صدا زدن یکدیگر قرار ندهید».

پروردگار، پیامبر گرامی اسلام را دوست دارد و پیروی از او را سبب محبت خویش و آمرزش گناهان قرار داده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ [آل عمران: ۳۱]. «بگو: «اگر الله را دوست می‌دارید، پس از من پیروی کنید، تا الله شما را دوست بدارد، و گناهان‌تان را برایتان ببامزد».

الله، اطاعت از محمد ﷺ را اطاعت از خویش برمی‌شمرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ [النساء: ۸۰]. «کسی که از پیامبر اطاعت کند در حقیقت الله را اطاعت کرده‌است».

الله سبحانه آیات مذکور را نازل فرمود تا بدانیم پیامبرمان محمد ﷺ، برترین مخلوق و هدایتش، کامل‌ترین هدایت است؛ از این‌رو، او را دوست داریم و جان و فرزندانمان را فدایش می‌کنیم و او را الگوی خویش قرار می‌دهیم و به هدایتش هدایت می‌یابیم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: ۲۱]. «یقیناً برای شما در زندگی رسول الله سرمشق نیکویی است، برای آنان که به الله و روز آخرت امید دارند، و الله را بسیار یاد می‌کنند».

محمد ﷺ مانند قومش انسانی است که الله با رسالت او را برگزید

و به او عزت بخشید

با وجود این تکریم ربانی برای پیامبر و حبیب ما محمد ﷺ، الله به بندگانش فرمود که محمد بشری مانند خودشان است که الله با رسالت به او عزت بخشید تا به عنوان معبودی قرار نگیرد یا به صفات معبود توصیف نشود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ﴾ [فصلت: ۶]. «بگو: من فقط انسانی مانند شما هستم، به من وحی می‌شود که معبود شما معبود یگانه است، پس به او روی آورید و از او طلب آمرزش کنید، و وای بر مشرکان!».

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۸]. «بگو: من مالک سود و زیان خویشتن نیستم، مگر آنچه را الله بخواهد، و اگر غیب می دانستم، خیر (و سود) بسیاری (برای خود) فراهم می ساختم، و هیچ بدی (و زبانی) به من نمی رسید، من (کسی) نیستم، جز بیم دهنده، و بشارت دهنده ای برای گروهی که ایمان دارند».

محمد ﷺ و هیچ یک از سایر بندگان صالح الله، مالک هیچ سود و زبانی برای هیچ کس نیستند. فقط الله مالک سود و زیان است، همان معبودی که سزاوار است به تنهایی فراخوانده شود:

الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [یونس: ۱۰۶-۱۰۷]. «و به جای الله، چیزی را که نه سودی به تو می رساند و نه زبانی به تو می رساند؛ نخوان، پس اگر چنین کنی، بی گمان از ستمکاران خواهی بود. و اگر الله زبانی به تو برساند، پس جز او هیچ کس نتواند آن را بر طرف کند، و اگر اراده ی خیری برای تو کند، پس هیچ کس فضل او را باز نتواند داشت».

﴿يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ﴾ [الانفطار: ۱۹]. «روزی که هیچ کس قادر به انجام کاری برای دیگری نیست، و در آن روز حکم (و فرمان) از آن الله است».

حتی یک آیه هم در قرآن یافت نمی شود که از انسان مؤمن بخواهد به یکی از بندگان الله متوسل شود و او را شفیع خویش نزد الله قرار دهد تا گناهش را ببخشد یا او را به بهشت درآورد.

هیچ آیه ای در قرآن وجود ندارد که به سوی خضوع و فروتنی در برابر غیر الله دعوت دهد.

هیچ آیه ای در قرآن نیست که به وابستگی قلوب بندگان به غیر آفریدگارشان دعوت دهد؛ چنانکه همانند الله دوست داشته شود یا همانند الله تعظیم گردد یا غیر الله خوانده شود تا به سوی الله به او توسل شود.

الله، محمد ﷺ را مبعوث کرد تا مردم را هدایت کند و دین پروردگارش را به آنان بیاموزاند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۵۲﴾ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ﴿[الشوری: ۵۲-۵۳]﴾. «و مسلماً تو (ای پیامبر) به راه راست هدایت می‌کنی. راه الهی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست».

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۵۶﴾﴾ [النور: ۵۶]. «و نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید، و پیامبر (الله) را اطاعت کنید، تا شما مورد رحمت قرار گیرید».

برپایی نماز و پرداخت زکات به گونه‌ای که مورد پذیرش الله قرار گیرد، فقط با اطاعت از رسول و پیروی از سنت او به عنوان تبیین‌کننده وحی الهی، امکان‌پذیر است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ ﴿[النحل: ۴۴]﴾. «و (ما این) قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی، آنچه را که به سوی آن‌ها نازل شده است».

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۸۳﴾﴾ [البقرة: ۱۸۳]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما فرض شده است همان گونه که بر کسی که پیش از شما بودند؛ فرض شده بود، تا پرهیزگار شوید».

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿[آل عمران: ۹۷]﴾. «و برای خدا، حج خانه (کعبه) بر مردم واجب است، (البته) کسانی که توانایی رفتن به سوی آن دارند، و هر کس کفر ورزد، بی‌شک الله از جهانیان بی‌نیاز است».

الله روزه و حج را نیز در صورتی می‌پذیرد که به گونه‌ای انجام شود که پیامبر ﷺ به اصحابش توضیح داد و نسل به نسل در میان مؤمنان منتقل شد.

اگر عبادت طبق سنت نیاکان باشد و موافق سنت محمد ﷺ نباشد، مقبول نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أُولُو كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿[لقمان: ۲۱]﴾. «و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه الله نازل کرده است؛ پیروی کنید» گویند: «(نه) بلکه

ما از چیزی پیروی می‌کنیم که نیاکان خود را بر آن یافتیم». آیا حتی اگر شیطان آنان را به سوی عذاب (آتش) سوزان دعوت کند (باز هم از آن‌ها پیروی می‌کنند؟!)).
 زیرا الله دین را کامل کرد و آن را برای بندگانش پسندید و راضی نمی‌شود کسی چیزی را که محمد ﷺ نیاورده، بر دین بیفزاید.

الله متعال می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳]. «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را (بعنوان) دین برای شما برگزیدم».
 ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [آل عمران: ۸۵]. «و هر کس که دینی غیر از اسلام برگزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد، و او در آخرت از زیانکاران است».

اسلام، همان تسلیم‌شدن و پیروی کردن است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ قَالَ يَبْنَئِي لِي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَأَنْظِرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا بَتِ أَعْلَىٰ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِرِينَ﴾ ﴿۱۳۲﴾ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ﴿۱۳۳﴾ وَنَدَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿۱۳۴﴾ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّعْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۳۵﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَّ الْبَالُغُ الْمُبِينُ ﴿۱۳۶﴾ وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ﴿۱۳۷﴾ [الصافات: ۱۰۲-۱۰۷].
 «پس هنگامی که (فرزندش) با او به (سن) سعی و کوشش رسید گفت: «ای فرزندم! من در خواب دیدم که تو را قربانی می‌کنم، بین، تو چه نظر داری؟!». گفت: «پدرم، به آنچه مأمور شده‌ای، عمل کن، اگر الله بخواهد، مرا از صابران خواهی یافت». پس چون هردو تسلیم شدند، و (ابراهیم) او را به پیشانی (بر زمین) افکند. و او را ندا دادیم: «ای ابراهیم! یقیناً خواب (خویش) را تحقق بخشیدی». بدون شک ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. مسلماً این (خواب) آزمایشی آشکار بود. و او را به ذبح بزرگی فدا دادیم».

اسلام عبارت است از تسلیم‌شدن کامل در برابر الله با پیروی از اوامر و پرهیز از نواهی او و روی آوردن کامل به سوی الله به تنهایی و رویگردانی از شرک و پیروانش، آنگونه که ابراهیم عمل کرد. این است دین پیامبران و نیکوترین دین:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا فِمَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾ [النساء: ۱۲۵]. «و چه کسی نیک‌آیین‌تر است از کسی که روی خود را به

الله سپرد (و مخلصانه تسلیم شد) و نیکو کار (و فرمانبردار) بود و آیین پاک ابراهیم را پیروی کرد؟».

﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۶۸]. «به راستی سزاوارترین مردم به ابراهیم همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند. و (نیز) این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده‌اند، و الله یاور و ولی مؤمنان است».

هرکس با رسول الله مخالفت کند و در صراط مستقیم که پیامبر آن را پیمود و مؤمنان از او پیروی کردند، حرکت نکنند، از مؤمنان نیست و باید از عذاب الله برحذر باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳]. «پس کسانی که با فرمان او مخالفت می‌کنند؛ باید بترسند از این که فتنه ایشان را فرا گیرد، یا عذابی دردناک به آن‌ها برسد!».

﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ ۖ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۱۵]. «و کسی که پس از آنکه هدایت (و راه حق) برایش روشن شد؛ با پیامبر مخالفت کند، و از راهی جز راه مؤمنان پیروی کند، ما او را به آنچه پیروی کرده؛ واگذاریم، و او را به جهنم در افکنیم، و بد جایگاهی است».

﴿وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِي أَخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾ [يونس: ۳۱]. «و آن روزی که ستمکار (از حسرت) دست خود را می‌گزد، می‌گوید: «ای کاش من با رسول (الله) راهی بر گزیده بودم، ای وای بر من، ای کاش فلانی را دوست نمی‌گرفتم. به راستی او مرا از ذکر (= قرآن) گمراه ساخت، بعد از آن که به سوی من آمده بود، و شیطان همواره انسان را تنها (و خوار) می‌گذارد».

هرکس به دعوت محمد ﷺ پاسخ مثبت ندهد، به طور قطع از هوای نفسش پیروی کرده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّكَ يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [القصص: ۵۰]. «پس اگر (این سخن) تو را نپذیرفتند، بدان که آن‌ها فقط از هوس‌های خود پیروی می‌کنند، و گمراه‌تر از آن کس که هوای نفس خویش را بدون (هیچ) هدایتی از

(سوی) الله پیروی می‌کند؛ کیست؟! بی‌گمان الله گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند». راه یکی است و دین یگانه است و هرکس راه و دین الله را رها کند، راه‌های زیادی در برابرش قرار می‌گیرد و سر راه‌های پراکنده سرگردان می‌ماند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَلُّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۵۳﴾ [الأنعام: ۱۵۳]. «و این راه مستقیم من است، پس از آن پیروی کنید و از راه‌های (پراکنده) پیروی نکنید، که شما را از راه الله دور می‌کند، این چیزی است که الله شما را به آن سفارش نموده است، شاید پرهیزگار شوید».

﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿۱۵۹﴾ [الأنعام: ۱۵۹]. «به راستی کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند و دسته دسته شدند، تو را با آنان هیچ گونه کاری نیست، کار آنها تنها با الله است، سپس آنها را از آنچه انجام می‌دادند، آگاه می‌سازد».

﴿وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۳۱﴾ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلِّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿۳۲﴾ [الروم: ۳۱-۳۲]. «و از مشرکان نباشید. از کسانی که دین خود را پاره پاره کردند، و فرقه فرقه شدند، و هر گروهی به آنچه نزد خود دارند؛ خوشحالند».

یکی از اسباب اختلاف و تفرقه، ترک وحی و پیروی از دروغ‌گویی است که ادعا می‌کنند شفیعی هستند که سود و زیان می‌رسانند و مردم را به عبادت خویش فرمان می‌دهند؛ بدین ترتیب، مردم گمراه می‌شوند و اختلاف می‌کنند؛ زیرا به حق که از جانب الله آمده است، چنگ نمی‌زنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ ﴿۲۹﴾ [الکهف: ۲۹]. «ای پیامبر! بگو: (این قرآن) حق است از سوی پروردگارتان».

﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿۱۷﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَٰؤُلَاءِ شَفَعُونَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَنْتَبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۱۸﴾ وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا ﴿۱۹﴾ [یونس: ۱۷-۱۹]. «پس چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که بر الله دروغ می‌بندد، و یا آیات او را تکذیب می‌کند؟! بی‌گمان مجرمان رستگار نخواهند شد. و غیر از الله چیزهای را می‌پرستند که نه به

آن‌ها زبانی می‌رساند و نه سودشان می‌بخشد، و می‌گویند: «این‌ها (=بت‌ها) شفیعان ما نزد الله هستند» بگو: «آیا الله را به چیزی که در آسمان‌ها و در زمین نمی‌داند، خبر می‌دهید؟!» منزه است او، و از آنچه با او شریک می‌سازند برتر است. (در آغاز) مردم جز امت واحدی نبودند، پس اختلاف کردند».

لزوم جماعت مسلمانان، نجات و رحمتی از جانب الله است و اختلاف، سبب ورود در آتش جهنم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا﴾ [آل عمران: ۱۰۳]. «و همگی به ریسمان الله (= قرآن و اسلام) چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت الله را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان (یکدیگر) بودید، پس میان دل‌های شما الفت داد، آنگاه به (فضل) نعمت او برادر (یکدیگر) شدید، و شما بر لبه گودالی از آتش بودید، (او) شما را از آن نجات داد».

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۰۵]. «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از آنکه دلایل روشن برایشان آمد، و اینان برایشان عذاب بزرگی است».

﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ [هود: ۱۱۹]. «مگر کسی که پروردگارت (بر او) رحم کند، و برای همین آن‌ها را آفریده است، و سخن پروردگار تو محقق شد که: مسلماً جهنم را از همه‌ی (عاصیان و مجرمان) جن و انس پر خواهیم کرد».

امت اسلام، امتی واحد است و مسلمانان نباید متفرق و پراکنده شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ [الأنبياء: ۹۲]. «بی‌تردید این است آیین شما که آیینی یگانه است، و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید».

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ [المؤمنون: ۵۲-۵۳]. «و بی‌گمان این امت شما، امت واحدی است، و من پروردگار شما هستم، پس از من بترسید. پس آن‌ها در میان خود در کار (دین) شان فرقه فرقه و پراکنده شدند، و هرگروه به آنچه نزد خود دارند؛ خوشحالند».

وقتی که قوم موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ گوساله را پرستیدند، هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ آنان را نصیحت و اندرز داد اما آنان پاسخ مثبت ندادند. در این حالت، هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ آنان را رها نکرد تا موسی را نسبت به آنچه پس از او رخ داده بود آگاه کند، چون می‌ترسید که برخی در پی او بروند و برخی بمانند و بدین ترتیب، متفرق شده و اختلاف کنند و شاید یکدیگر را بکشند؛ از این رو، از ترس تفرقه و اختلاف، نزدشان باقی ماند و آنان را از عبادت گوساله نهی کرد تا موسی برگردد. موسی پس از بازگشت، از کار قومش خشمگین شد و ریش برادرش هارون را گرفت چون از دستش خشمگین بود که چرا قوم را ترک نکرده و مؤمنان را نزد او نبرده بود، اما وقتی هارون سبب کارش را به او گفت، موسی در برابر او و عذرش سکوت کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ يَهْرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿٩٢﴾ أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿٩٣﴾ قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي ﴿٩٤﴾ إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْفُقْ بِقَوْلِي ﴿٩٥﴾﴾ [طه: ۹۲-۹۴]. «(چون موسی آمد) گفت: ای هارون! چه چیزی تو را باز داشت، هنگامی که آن‌ها را دیدی گمراه شده‌اند. از من پیروی نکردی؟ آیا فرمان مرا عصیان (و سرپیچی) کردی؟! (هارون) گفت: ای پسر مادرم! نه ریش مرا بگیر، و نه (موسی) سرم را، همانا من ترسیدم که بگویی میان بنی اسرائیل تفرقه‌انداختی، و سخن (و سفارش) مرا به کار نیستی».

﴿قَالَ رَبِّ اغْزِرْ لِي وَلَا خِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٥١﴾﴾ [الأعراف: ۱۵۱]. «(موسی) گفت: «پروردگارا! من و برادرم را بیمارز، و ما را در رحمت خویش داخل کن، و تو مهربان‌ترین مهربانان هستی».

مؤمنان واقعی الله، از محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیروی می‌کنند و در همان راهی

که پیامبر و اصحاب نخستین او از مهاجران و انصار رفتند و به

خاطر آن جهاد کردند، حرکت می‌کنند

و به نیکی روش آنان را در پیش می‌گیرند؛ زیرا الله به هرکس که روش مهاجران و انصار را به نیکی در پیش بگیرد، بهشت و خشنودی خویش را وعده داده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيَّتِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأَوْلِيَّتِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [۸۸-۸۹]. «لیکن پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال خود و جان‌های خود (در راه الله) جهاد کردند، نیکی‌ها (همه) از آن آن‌هاست، و آنانند که رستگاراند. الله برای آن‌ها باغ‌هایی (از بهشت) آماده کرده است، که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند، این کامیابی بزرگ است».

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [۱۰۰]. «و پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آن‌ها پیروی کردند، الله از آن‌ها خشنود گشت، و آن‌ها (نیز) از او خشنود شدند، و برای آن‌ها باغ‌هایی (از بهشت) آماده کرده است، که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند، این کامیابی بزرگ است».

مهاجران و انصار، اصحاب و پیروان پیامبر هستند که همراه او ایمان آوردند. مهاجران: کسانی هستند که همراه رسول الله از مکه به مدینه مهاجرت کردند. آنان سرزمین و اموال‌شان را در راه الله و به پیروی از رسولش رها کردند. انصار: مؤمنان مدینه هستند که دل‌ها و خانه‌هایشان را به روی مهاجران گشودند و با مال و جان به یاری‌شان شتافتند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [۸-۹]. «(این اموال فی) برای فقرا مهاجری است که از خانه و اموال‌شان بیرون رانده شدند، از الله فضل و خشنودی می‌طلبند، و الله و پیامبرش را یاری می‌کنند، آن‌ها راستگویانند. و (نیز برای) کسانی که پیش از آنان در دیار خود (مدینه دار الاسلام) جای گرفتند و (نیز) ایمان آورده بودند، کسانی را که به سوی‌شان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل‌های خود از آنچه (به مهاجران) داده شده احساس حسد (و

نیازی) نمی‌کنند، و آن‌ها را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند، و کسانی که از بخل (و حرص) نفس خویش باز داشته شده‌اند، پس آن‌ها راستگارانند.»
 الله از اصحاب پیامبرش خشنود شد و همچنین خشنود شد از کسانی که پس از اصحاب آمدند و از روش آنان به نیکی یاد کردند و یکی از صفات آنان را اینگونه بیان می‌فرماید که از اصحاب پیامبرش خشنود هستند و برایشان دعای خیر می‌کنند و دل‌هایشان عاری از هر گونه کینه‌ای نسبت به مؤمنان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰]. «و (نیز) کسانی که بعد از آن‌ها (بعد از مهاجران و انصار) آمدند، می‌گویند: «پروردگارا! ما را و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌هایمان کینه‌ای نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا! بی‌گمان تو رؤوف و مهربانی.»

الله، اصحاب پیامبرش محمد ﷺ را به بهترین نحو در تورات، سپس انجیل و پس از آن در قرآن توصیف می‌فرماید. آنان را در همراهی مربی و امام‌شان محمد ﷺ توصیف می‌فرماید. بیان می‌فرماید که ایمان و همراهی صحابه با رسول الله و اطاعت آنان از الله و رسولش و یاری او و مهربانی آنان با یکدیگر و سرسختی آنان در برابر کافران، کفار را به خشم می‌آورد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَعَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۲۹]. «محمد ﷺ رسول الله است، و کسانی که با او هستند، بر کافران سخت گیر (و شدید) و در میان خود مهربانند، آن‌ها را در حال رکوع و سجده می‌بینی که از الله فضل و خشنودی می‌طلبند، نشانه (درستکاری) آن‌ها در چهره‌هایشان از اثر سجده (نمایان) است. این توصیف آن‌ها در تورات است، و توصیف آن‌ها در انجیل همانند زراعتی که جوانه بزند، سپس آن را تقویت کرد، تا محکم گردیده، و بر پای خود ایستاده است، و کشاورزان را به شگفتی وامی‌دارد، تا از (دیدن)

آن‌ها کافران را به خشم آورد، الله به کسانی از آن‌ها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند وعدهٔ آمرزش و پاداش عظیمی داده‌است.»

اصحاب پیامبر ﷺ، در برابر کفار سرسخت و نسبت به یکدیگر مهربان هستند.

الله سبحانه می‌فرماید افراد دارای صفات مذکور را دوست دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾ [المائدة: ۵۴]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد (به الله زبانی نمی‌رساند) الله بزودی گروهی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آن‌ها (نیز) او را دوست دارند، (آنان) در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران سرسخت و گردن‌فراز هستند، در راه الله جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نمی‌هراسند.»

الله سبحانه، مهاجران و انصار را مؤمنان راستین معرفی می‌فرماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أَوْلِيَّكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [الأنفال: ۷۴]. «و کسانی که ایمان آوردند، و هجرت نمودند، و در راه الله جهاد کردند، و کسانی که (ایشان را) پناه دادند و یاری نمودند، اینان مؤمنان حقیقی هستند، برای آن‌ها آمرزش و روزی شایسته‌ای خواهد بود.»

با وجود اختلاف خانوادگی و قبیله‌ای میان اصحاب، الله پیامبرش را توسط آنان پشتیبانی و یاری کرد و میان آنان انس و الفت ایجاد نمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾ وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [الأنفال: ۶۲-۶۳]. «اوست که با یاری خود و مؤمنان تو را تأیید (و تقویت) کرد. و بین دل‌های آن‌ها الفت داد، اگر تمام آنچه را که در روی زمین است خرج می‌کردی، نمی‌توانستی بین دل‌های شان الفت دهی، ولی الله در میان آن‌ها الفت داد، همانا او پیروزمند حکیم است.»

الله به پیامبر خویش و اصحاب پیامبرش یاری رساند و آنان را به ایمان توصیف نمود و از آنان خشنود شد؛ پس آنان مقام بسیار والایی دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [آل عمران: ۱۲۳-۱۲۴]. «و بی‌گمان الله شما را در (جنگ) بدر یاری کرد در حالی که شما ناتوان بودید، پس از الله بترسید، باشد که سپاسگزاری نمایید. آنگاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا شما را کافی نیست، که پروردگارتان شما را با سه هزار فرشته که (از آسمان) فرود می‌آیند، یاری کند؟».

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ [الفتح: ۱۸]. «به راستی الله از مؤمنان - هنگامی که زیر درخت با تو بیعت کردند- خشنود شد، پس آنچه که در درون دل‌های شان بود دانست، لذا آرامش را بر آن‌ها نازل کرد و پیروزی (و فتوحی) نزدیک را به آن‌ها پاداش داد».

الله در مورد وضعیت اصحاب قبل از فتح مکه مکرمه می‌فرماید:

﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا﴾ [الفتح: ۲۶]. «پس الله آرامش خود را بر رسولش و بر مؤمنان نازل فرمود، و آن‌ها را به کلمه تقوا ملزم ساخت، و آن‌ها از هر کس سزاوار تر و اهل آن بودند».

و در مورد آنان پس از فتح مکه مکرمه می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ﴾ [الفتح: ۴]. «او کسی است که در دل‌های مؤمنان آرامش نازل کرد، تا ایمانی بر ایمان‌شان بیفزایند». الله سبحانه به اصحابی که قبل از فتح و اصحابی که بعد از فتح ایمان آوردند، بهشت را وعده داده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتَّلَ أَوْلَادَكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَتَّلُوا وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى﴾ [الحديد: ۱۰]. «کسانی از شما که قبل از فتح (مکه) انفاق کردند و (با مشرکان) جنگیدند (با کسانی که پس از فتح انفاق کردند و جنگیدند) یکسان نیستند. آن‌ها مقام (و منزلت) شان و الاثر (و برتر) است از کسانی که بعد از فتح (مکه) انفاق کردند و جنگیدند، و الله به هر یک وعده نیک (= بهشت) داده است».

الله در مورد اصحاب در روز حنین می‌فرماید:

﴿ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا﴾ [التوبة: ۲۶].
 «آنگاه الله آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد، و لشکریانی فرستاد که شما آن‌ها را نمی‌دیدید».

الله به اصحاب پیامبرش اینگونه عزت بخشید که در کتاب خویش آنان را در همراهی پیامبرش ﷺ در آخرین غزوه‌ای که حضور داشت بیان فرمود و بیان کرد که توبه‌شان را پذیرفت و نسبت به آنان بسیار توبه‌پذیر و مهربان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۱۷]. «قطعاً الله رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، آنان که در زمان سختی (و تنگدستی) از او پیروی کردند؛ نمود، بعد از آنکه نزدیک بود، دل‌های گروهی از آن‌ها (از حق) منحرف شود، سپس توبه‌ی آن‌ها را پذیرفت، بی‌گمان او (نسبت) به آن‌ها رؤوف مهربان است».

برخی اصحاب نزد رسول الله آمدند تا برای او و دینش، جانشان را فدا کنند، اما رسول الله به دلیل کمبود مرکب، آنان را برگرداند و بدین سبب، اشک زیادی از چشمان‌شان جاری گشت:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَعَٰيِبُهُمْ تَفِيضٌ مِّنَ الدَّمَٰعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ﴾ [التوبة: ۹۲]. «و نه بر کسانی که وقتی نزد تو آمدند که آن‌ها را (بر مرکبی) سوار کنی، گفتی: «چیزی که شما را بر آن سوار کنم، نمی‌یابم» آن‌ها بازگشتند، در حالی که از اندوه چشمان‌شان اشک ریزان بود، چرا که هیچ چیزی برای انفاق (در راه الله) نیافتند».

برترین صحابه، کسی است که الله او را در کتاب گرامی خویش چنین توصیف فرمود که او همنشین و یاور رسولش است و در راه یاری رسول خدا، از مرگ خویش هراسی ندارد، بلکه گمان مرگ محبوبش، پیامبر، او را اندوهگین می‌سازد تا اینکه پیامبر به او خبر می‌دهد که الله جل فی علاه همراه آن دو است و آنان را محافظت و یاری می‌کند. چه توصیف بسیار شگفت و نیکویی!

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا أَثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْعَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ [التوبة: ۴۰]. «اگر او (= پیامبر) را یاری نکنید، به راستی که الله او را یاری کرد، آنگاه که کافران او را (از مکه) بیرون

کردند، نفر دوم از دو نفری که آن دو در غار بودند، به یار خود (ابوبکر) می‌گفت: اندوهگین مباش، یقیناً الله با ماست».

الله ابوبکر را چنین عزت داد که او را به عنوان اولین مؤمن به پیامبرش برگزید؛ سپس او را به یاری رسول و هجرت با او و همراهی در غار عزت بخشید؛ در ادامه، او را پس از مرگ پیامبر با جانشینی پیامبر در میان امت عزت بخشید، و پس از مرگ، او را با دفن در جوار پیامبر عزت بخشید.

الله عمر را چنین عزت بخشید که او همنشین دوم رسول الله ﷺ بود. الله اسلام را به دست او پیروز گرداند و منتشر کرد تا اینکه به سرزمین‌های شام و عراق و مصر رسید. در دوران عمر، مسلمانان در مسجد الأقصی نماز گزاردند و آتش مجوسیان آتش‌پرست فارس خاموش گشت؛ بدین ترتیب، مردم این سرزمین‌ها با اسلام رستگار شدند و منافقان به خشم آمدند. عمر توسط یک مجوسی به شهادت رسید. الله او را با دفن در جوار پیامبر ﷺ و دوستش عزت بخشید.

الله همانگونه که مردان مومنی را که به پیامبر ایمان آوردند و از او پیروی نمودند تحسین می‌کند، زنان مؤمن را نیز که به پیامبر ایمان آوردند و از سنت ایشان ﷺ پیروی و از دستوراتش اطاعت کردند، تحسین می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وِرْضَوْنَ مِنْ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾﴾ [التوبة: ٧١-٧٢]. «و مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان (و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و نماز را بر پا می‌دارند، و زکات را می‌پردازند، و الله و پیامبرش را اطاعت می‌کنند، اینانند که الله به زودی آن‌ها را مورد رحمت قرار می‌دهد، بی‌گمان الله پیروزمند حکیم است. الله به مردان مؤمن و زنان مؤمن، باغ‌هایی (از بهشت) وعده داده که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند، و (نیز) خانه‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاوید (نصیب شان فرموده) و خشنودی الله (از همه این‌ها) برتر است، این، همان کامیابی بزرگ است».

الله همسران پیامبر را نیز عزت بخشید

الله متعال می‌فرماید: ﴿يُنِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ﴾ [الأحزاب: ۳۲]. «ای زنان پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان (عادی دیگر) نیستید».

الله آنان را اینگونه عزت بخشید که همسران پیامبرش قرار داد و با وصف طیبیات آنان را توصیف فرمود؛ زیرا آنان همسران پاکیزه‌ترین انسان صلوات الله وسلامه علیه هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ﴾ [النور: ۲۶]. «و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاک اند».

و به آنان عزت داد به این نحو که منازل آنان را منازل پیامبر قرار داد که آیات الله و حکمت یعنی همان سنت پیامبر ﷺ که در این منازل خوانده می‌شود را یاد می‌کنند.

این امر، لطف الله به همسران پیامبر و علم کامل وی به آنان است که آنان را به عنوان همسران پیامبرش برگزید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۴]. «و آنچه را در خانه‌هایتان از آیات الله و حکمت (= سنت پیامبر) خوانده می‌شود یاد کنید؛ بی‌گمان الله باریک‌بین آگاه است».

بنابراین آنان باید علم بسیار زیادی را از پیامبر نقل کنند؛ زیرا اهل بیت و نزدیکانش هستند.

با وجود این مقام بزرگی که همسران پیامبر دارند، الله توصیه‌هایی به آنان می‌کند تا آنان را پاکیزه گرداند و آزار و بدی را از آنان دور سازد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ﴾ [الأحزاب: ۵۹]. «ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «چادرهای خود را بر خویش فرو افکنند، (و با آن سر و صورت و سینه‌هایشان را بپوشانند) این مناسب‌تر است تا شناخته شوند؛ پس مورد آزار قرار نگیرند».

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۳]. «و در خانه‌های خود بمانید، و به شیوه جاهلیت نخستین زینت‌های خود را آشکار نکنید، و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید، و الله

و پیامبرش را اطاعت کنید، الله قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و چنانکه باید شما را پاک سازد».

الله همسران پیامبرش را ستایش و تحسین کرد به اینکه دنیا و زینت آن را به خاطر الله و رسولش و سرای آخرت ترک کردند. و اگر زندگی دنیا و زینت آن را می‌خواهند، پیامبر آنان را طلاق خواهد داد و دیگر همسرانش نخواهند بود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلٌّ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٢٨﴾ وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾﴾ [الأحزاب: ۲۸-۲۹].

«ای پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر شما زندگی دنیا و زینت آن می‌خواهید، پس بیاید تا (با هدیه مناسب) شما را بهرمنند سازم، و شما را به طرز نیکویی رها کنم. و اگر شما الله و پیامبرش و سرای آخرت را می‌خواهید، پس (بدانید که) الله برای نیکوکاران تان پاداش عظیمی آماده کرده است».

الله همسران پیامبرش را اینگونه عزت بخشید که آنان را مادران مؤمنان قرار داد:

الله متعال می‌فرماید: (النبی اولى بالمؤمنین من أنفسهم و أزواجه أمهاتهم) ﴿التَّيِّبَةُ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ﴾ [الأحزاب: ۶]. «پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است، و همسران او مادران آن‌ها هستند».

این صفات بسیار زیبا که الله در کتاب خویش در مورد اصحاب و همسران پیامبرش محمد ﷺ بیان فرمود، به سبب دوستی الله و رسولش و از خودگذشتی به خاطر دینش و عبادت زیاد و نقل علمی که در منازل پیامبر خوانده می‌شد است. به طور قطع، فضیلت و بزرگی در این مورد، پس از الله عزوجل، شایسته و سزاوار مربی و معلم آنان محمد ﷺ - برترین معلم و بهترین هدایت‌گر - است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢﴾﴾ [الجمعة: ۲].

«او کسی است که در میان درس ناخواندگان رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند، و آن‌ها را پاک (و تزکیه) می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت (سنت) می‌آموزد، و اگر چه پیش از این در گمراهی آشکار بودند».

با وجود تمام این آیات گرامی قرآن که الله با آنها، اصحاب پیامبرش و همسران او، مادران مومنان، را عزت بخشید، منافقان به آنان آزار و اذیت رساندند و به آبرویشان تعرض کردند؛ زیرا منافقان نه به الله ایمان دارند و نه به رسولش:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾ [النور: ۴۷]. «و (منافقان) می‌گویند: «به الله و به پیامبر (او) ایمان آوردیم، و اطاعت کردیم» سپس گروهی از آن‌ها بعد از این (ادعا) روی گردان می‌شوند، و اینان (در حقیقت) مؤمن نیستند».

منافقان با بهتان بزرگ به همسر رسول الله ﷺ؛ به الله و رسولش آزار می‌رسانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِمًّا﴾ [الأحزاب: ۵۷]. «همانا کسانی که الله و پیامبرش را آزار می‌دهند، الله آن‌ها را در دنیا و آخرت لعنت کرده، و برای آن‌ها عذاب خوار کننده آماده کرده است».

﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ﴾ [النور: ۱۲]. «چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان مؤمن نسبت به خود گمان خیر نبردند، و نگفتند: این تهمتی (بزرگ و) آشکار است».

﴿وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ﴾ [النور: ۱۶]. «چرا هنگامی که آن را شنیدید؛ نگفتید: «ما حق نداریم که آن (سخن) را بر زبان آوریم، (الهی) تو منزهی! این بهتان بزرگی است؟!».

اما مؤمنان می‌گویند: پروردگار ما منزّه است از اینکه همسری ناپاک را برای پیامبرش برگزیند و همسر پیامبر در کتاب الله از اتهام منافقان بری است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [النور: ۲۶]. «و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاک اند. اینان از آنچه (مردم درباره‌شان) می‌گویند، مبرا (و پاک) هستند، برای آن‌ها آمرزش (الهی) و روزی ارزشمندی است».

منافقان با مکر و حيله، مؤمنان را نادان می‌دانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ﴾ [البقرة: ۱۳]. «و هنگامی که به آنان گفته شود: «ایمان بیاورید؛ چنانکه مردم ایمان آورده‌اند» می‌گویند: آیا ایمان بیاوریم چنانکه بی‌خردان ایمان آوردند؟».

منافقان در واقع، در احترام و آبرو و صداقت پیامبر و دینی که آورد طعنه وارد می‌کنند تا اینکه گفته شود اگر او پیامبر بود، چنین همسری نداشت و شوهران دخترانش اینگونه نبودند و اگر اسلام، دین الله بود، اصحاب پیامبرش که به او نزدیک بودند و در دست او پرورش یافتند، آن را رها نمی‌کردند، الله منافقان را نابود کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرَهُمْ قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَلَيْسَ يُوَفِّكُونَ﴾ [المنافقون: ۴].
 «آن‌ها دشمن (واقعی) هستند، پس از آنان بر حذر باش! الله آن‌ها را بکشد، چگونه (از حق) منحرف می‌شوند؟!».

بنابراین، منافقان عذاب بسیار دشواری در آخرت دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۴۵]. «همانا منافقان در پایین‌ترین طبقه (= درکات) آتش (جهنم) هستند، و هرگز یآوری برای آن‌ها نخواهی یافت».

منافقان، بیش از دیگران در قرآن توصیف شده‌اند

الله سبحانه می‌فرماید که مردم در دنیا سه گروه هستند و صفات هر گروه را بیان می‌کند: مؤمنان، کافران و منافقان. منافقان بیش از دیگران در قرآن توصیف شده‌اند تا مؤمن در دام نفاق نیفتد و از منافقان دوری گزیند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرَهُمْ قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَلَيْسَ يُوَفِّكُونَ﴾ [المنافقون: ۴].
 «آن‌ها دشمن (واقعی) هستند، پس از آنان بر حذر باش! الله آن‌ها را بکشد، چگونه (از حق) منحرف می‌شوند؟!».

منافقان نه به کتاب الله - قرآن - ایمان دارند و نه به سنت رسول ﷺ:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ﴾ [النور: ۴۷]. «و (منافقان) می‌گویند: «به الله و به پیامبر (او) ایمان آوردیم».

این سخن را از روی تقیه، به خاطر ترس از مؤمنان به زبان می‌آورند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَّا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ [آل عمران: ۱۶۷]. «به زبان خویش چیزی می‌گویند که در دل‌های شان نیست».

زیرا منافقان از مؤمنان بیشتر می‌ترسند تا الله و از مؤمنان می‌ترسند و از الله هراسی ندارند!!

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ [الحشر: ۱۳]. «(ای مؤمنان) همانا وحشت از شما در دل‌های آن‌ها بیشتر از (ترس‌شان از) الله است، این بدان سبب است که آن‌ها قومی هستند که نمی‌فهمند».

تقیه دین منافقان است و تا زمانی که در میان مؤمنان باشند، هرگز از آنان جدا نمی‌شود؛ زیرا دین آنان، سراسر مکر و نیرنگ و فریب است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۸-۹]. «گروهی از مردم هستند که می‌گویند: به الله و روز رستاخیز ایمان آورده‌ایم، در حالی که ایمان ندارند. آنان (به نظرشان) الله و مؤمنان را فریب می‌دهند، در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند ولی نمی‌فهمند».

﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَءُونَ﴾ [البقرة: ۱۴]. «و هنگامی که افراد با ایمان را ملاقات می‌کنند، می‌گویند: «ما ایمان آورده‌ایم»، و هنگامی که با شیطان‌های خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: «ما با شما ایم، ما فقط (آن‌ها را) مسخره می‌کنیم».

اما تقیه مومن، چنانکه الله فرموده، استثنا است و اصل نیست؛ بعلاوه، در حالت اکراه یا ترس وقوع قتل یا آسیبی صورت می‌گیرد. بنابراین، تقیه، خلاف اصل و غیرمنتظره است نه همیشگی:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقْلَةً﴾ [آل عمران: ۲۸]. «مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان دوست و ولی خود بگیرند، و هر کس چنین کند، با الله هیچ رابطه‌ای ندارند و (عهد و پیمان او با الله گسسته شده است). مگر اینکه (از آزار و اذیت) آن‌ها بترسید (در ظاهر با آنان دوستی کنید)».

﴿مَن كَفَرَ بِاللَّهِ مِن بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَن أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ﴾ [النحل: ۱۰۶]. «کسی که بعد از ایمانش به الله کافر شود (باز خواست می‌شود) مگر کسی که به زور (به کفر) وا داشته شود در حالی که قلبش به ایمان آرام باشد».

﴿وَقَالَ رَجُلٌ مُُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ﴾ [غافر: ۲۸]. «و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت، گفت».

تا فرعون ستمگر او را شکنجه نکند.

الله به مؤمنان دستور می‌دهد که دین و ایمان خویش را اظهار کنند تا تمام مردم آن را بدانند و به سوی آن هدایت شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۶﴾ فَإِن ءَامَنُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنْتُمْ بِهِ ۗ فَقَدِ أَهْتَدُوا وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۳۷﴾﴾ [البقرة: ۱۳۶-۱۳۷]. «بگویند: (ما به الله ایمان آوردیم، و به آنچه بر ما نازل شده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل، و اسحاق و یعقوب و نوادگان یعقوب نازل گردید، و به آنچه که به موسی و عیسی داده شده، و به آنچه که پیامبران (دیگر) از طرف پروردگارشان داده شده است، و در میان هیچ یک از آن‌ها جدایی نمی‌اندازیم و ما تسلیم الله هستیم». پس اگر آن‌ها (نیز) به مانند آنچه شما ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورند، قطعاً هدایت یافته‌اند. و اگر پشت کنند، پس جز این نیست که آنان در ستیزند، پس بزودی الله تو را از (شر) آن‌ها کفایت کند، و او ست شنوای دانا».

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۲۳﴾﴾ [فصلت: ۲۳]. «و چه کسی خوش‌گفتارتر است از کسی که به سوی الله دعوت کند، و کار شایسته انجام دهد، و گوید: «بی‌شک من از مسلمانان هستم؟!». اسباط، پسران دوازده‌گانه پیامبر خدا، یعقوب عليه السلام هستند که الله آنان را پیامبران بنی اسرائیل قرار داد که به هدایت آنان هدایت شوند.

اما منافقان دوست ندارند که مردم هدایت شوند؛ بلکه بزرگ‌ترین خواسته و غم و اندوه آنان این است که چگونه مسلمانان را با نام اسلام گمراه سازند: الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ﴾ [النساء: ۴۴]. «و می‌خواهند شما (نیز) گمراه شوید».

﴿يُرِيدُونَ لِيُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ ۖ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿۸﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۗ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿۹﴾﴾ [الصف: ۸-۹]. «آن‌ها می‌خواهند نور الله را با دهان خود خاموش کنند، ولی الله کامل‌کننده

نور خویش است هر چند کافران خوش نداشته باشند. او کسی است که رسول الله را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همهٔ ادیان غالب گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند». یکی از شیوه‌های گمراه‌سازی منافقان این است که مردم را از عبادت الله به سوی عبادت غیر الله -فرشته‌ای مقرب یا پیامبری مرسل یا مردی صالح و پرهیزکار- برمی‌گردانند و محبت و صفات بزرگداشتی را که فقط سزاوار الله است، به او متوجه می‌سازند و می‌گویند: "ما این کار را به خاطر محبت به الله انجام می‌دهیم و این صفاتی را که بیان می‌کنیم، فقط به قدرت الله است؛" بدین ترتیب، مردم بسیار زیادی را بدون علم گمراه می‌سازند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ﴾ [ابراهیم: ۳۰]. «(آن‌ها) برای الله همتیانی قرار دادند تا (مردم را) از راه او گمراه کنند، بگو: «(چند روزی) بهره‌گیرید، پس یقیناً باز گشت‌تان به سوی آتش (دوزخ) است».

و گرنه در حقیقت، نه هدایت الله را می‌خواهند و نه هدایت رسولش را:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا﴾ [النساء: ۶۱]. «و چون به آن‌ها گفته شود: «به سوی آنچه الله نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید» منافقان را می‌بینی که از تو سخت روی می‌گردانند».

اما مؤمنان از روی تسلیم و فرمانبرداری، کار خویش را به الله و رسولش می‌سپارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۵۱]. «سخن مؤمنان هنگامی که به سوی الله و پیامبرش خوانده شوند تا میان آن‌ها داوری کند، فقط این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم» و اینان همان رستگارانند».

برخی منافقان، در آنچه که مخالف فرمان الله و رسولش است، به صورت پنهانی از یهود فرمان‌برداری می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأُمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ﴾ [محمد: ۲۶]. «این بدان سبب است که آن‌ها

(=منافقان) به کسانی (= یهودیان) که نسبت به آنچه الله نازل کرده (از وحی) کراهت داشتند، گفتند: «ما در پاره‌ از امور از شما پیروی می‌کنیم» و الله پنهان کاری آن‌ها را می‌داند». برخی از دشمنان مؤمنان حق را می‌شناسند، اما آن را از مردم پنهان می‌کنند و باطل خویش را با بخشی از حق درمی‌آمیزند تا مردم را به اشتباه بیندازند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٧١﴾﴾ [آل عمران: ۷۱]. «ای اهل کتاب! چرا حق را به باطل می‌آمیزید. و حق را کتمان می‌کنید در حالی که خودتان می‌دانید».

برخی از آیات قرآن را می‌گیرند و برخی دیگر را رد می‌کنند؛ چنانکه برخی احادیث رسول خدا را می‌گیرند و برخی دیگر را نمی‌پذیرند. از حق، فقط آن بخشی را می‌گیرند که موافق هوای نفس‌شان باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٤٨﴾ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِبِينَ ﴿٤٩﴾ أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحْيِفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ أَوْ بَلُّ أَوْلِيَّكَ هُمْ الظَّالِمُونَ ﴿٥٠﴾﴾ [النور: ۴۸-۵۰]. «و هنگامی که به سوی الله و پیامبرش فراخوانده شوند تا در میان‌شان داوری کند، ناگهان گروهی از آن‌ها اعراض می‌کنند. و اگر حق با آن‌ها باشد، گردن نهاده (با سرعت) به سوی او می‌آیند. آیا در دل‌های شان بیماری است؟ یا تردید و شک دارند؟ یا می‌ترسند که الله و پیامبرش بر آن‌ها ستم کنند؟! (نه) بلکه آن‌ها خودشان ستم‌گرند».

مؤمنان باید از منافقان بر حذر باشند؛ زیرا الله به پیامبرش توصیه فرمود که از کسانی که بخشی از وحی را رها می‌کنند و بخشی از آن را می‌گیرند، بر حذر باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَاحْذَرَهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ﴿٤٩﴾﴾ [المائدة: ۴۹]. «و از آنان بر حذر باش، مبادا تو را از بعضی از چیزهایی که الله بر تو نازل کرده منحرف کنند».

الله دشمنان مؤمنان را که به مؤمنان بهتان می‌زنند و تهمت ناروا به آنان نسبت می‌دهند، تهدید کرده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كَتَبْنَا فَتَدْرِأ حَتَّمَلُوا بُهْتَنَا وَإِنَّمَا مُبِينًا ﴿٥٨﴾﴾ [الأحزاب: ۵۸]. «و کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمن را

پسران شان را می کشیم، و زنان شان را (برای خدمت کاری) زنده نگه می داریم، و بی گمان ما بر آن ها چیره و مسلط هستیم.»

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذُرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ﴾ [غافر: ۲۶]. «و فرعون گفت: بگذارید موسی را بکشم، و او پروردگارش را (برای نجات) بخواند، بی گمان من می ترسم که دین شما را دگرگون کند یا در (این) سرزمین فساد انگیزد.»

دل های منافقان از کینه نسبت به مؤمنان سرشار است:

الله متعال می فرماید: ﴿وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُوا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ﴾ [آل عمران: ۱۱۹]. «و چون با شما ملاقات می کنند می گویند: «ایمان آورده ایم». و هنگامی که تنها می شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می گزند.»

﴿مِنَ الْعِظَاتِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [آل عمران: ۱۱۹].

و بیشترین کینه را نسبت به حاملان دین پیامبر و اصحاب همراهش دارند:

الله متعال می فرماید: ﴿وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ﴾ [الفتح: ۲۹]. «و توصیف آن ها در انجیل همانند زراعتی که جوانه بزند، سپس آن را تقویت کرد، تا محکم گردیده، و بر پای خود ایستاده است، و کشاورزان را به شگفتی وامی دارد، تا از (دیدن) آن ها کافران را به خشم آورد.»

منافقان می کوشند مؤمنان را در مورد حاملان وحی به تردید اندازند تا مانند آنان به وحی کفر ورزند و مانند آنان شوند. منافقان دوست دارند که چنین اتفاقی بیفتد:

الله متعال می فرماید: ﴿فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَرَّكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتْرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۸۸]. «چيست شما را که درباره ی منافقان دو گروه شده اید؟ در حالی که الله بخاطر اعمال شان، آنان را سرنگون (و مردود) کرده است، آیا شما می خواهید کسی را که الله گمراه کرده است، هدایت کنید؟ در حالی که هر کس را الله گمراه کند، برای او راهی نخواهی یافت. آنان آرزو می کنند که شما هم مانند آن ها کافر شوید تا با هم یکسان شوید.»

برخی از منافقان، نسبت به هر کس که بر اساس هدایت کتاب الله و هدایت رسولش به سوی الله دعوت می‌دهد، کینه می‌ورزند؛ چنانکه بسیار و به دروغ، از لغزش‌ها و گناهانشان با دستاویز غیرت دینی پیروی می‌کنند و در مقابل، دعوت‌گران به گمراهی و انحراف را که اسم الله و رسولش را به ندرت در مجالس خویش یاد می‌کنند، تحسین می‌کنند یا در مورد آنان سکوت می‌کنند و عذر و بهانه‌هایی برای توجیه کار آنان می‌تراشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ ﴿البقرة: ۹-۱۰﴾. «آنان (به نظرشان) الله و مؤمنان را فریب می‌دهند، در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند ولی نمی‌فهمند. در دل‌های آنان بیماری است و الله بر بیماری آنان افزوده، و بخاطر دروغ‌هایی که می‌گفتند، برایشان عذاب دردناکی است». منافقان، اهل فریب و نیرنگ هستند و پیوسته در این انتظار هستند که بلاها و مشکلاتی بر مؤمنان وارد آید، در حالی که الله فریب‌کاران را دوست نمی‌دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا﴾ ﴿الذین يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعَكُمْ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ ﴿النساء: ۱۴۰-۱۴۱﴾. «همانا الله همه‌ی منافقان و کافران را در جهنم گرد می‌آورد. کسانی که همواره انتظار می‌کشند (و مراقب شما هستند) اگر فتح و پیروزی از جانب الله نصیب شما گردد، می‌گویند: «مگر ما با شما نبودیم؟» و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، گویند: «مگر ما بر شما چیره نشده‌ایم (و پشتیبان شما نبودیم) و شما را از (آسیب) مؤمنان بازداشتیم؟». پس الله در روز قیامت میان شما داوری می‌کند، و الله هرگز برای کافران راهی به (زیان) مؤمنان قرار نداده‌است». در تظاهر و ریاکاری می‌کوشند و برای سخنان‌شان مخاطب جذب می‌کنند، در حالی که دشمنان اسلام هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ﴾ ﴿المنافقون: ۴﴾. «و هنگامی که آن‌ها را ببینی، جسم (و قیافه) شان تو را به شگفت آورد، و اگر (سخن) گویند به سخنان‌شان گوش فرا می‌دهی».

با تأکید به مؤمنان می‌گویند که از آنان هستند و برای وحدت و اتحاد کلمه می‌کوشند. این سخن را به زبان می‌گویند، اما در هر فرصتی که بیابند، دست‌هایشان مشغول دریدن بدن امت اسلام است، هر چند مدعی وحدت امت هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ﴾ [التوبة: ۵۶].
«و آن‌ها (= منافقان) به الله سوگند یاد می‌کنند که از شما هستند، درحالی‌که از شما نیستند».

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ﴾ [البقرة: ۲۰۴-۲۰۶]. «و از مردم کسی هست که گفتارش در (باره) زندگی دنیا تو را به شگفت می‌اندازد و الله را بر آنچه در دل خود دارد؛ گواه می‌گیرد، و حال آنکه او سرسخت‌ترین دشمنان است. او هنگامی که روی بر می‌گرداند و می‌رود (و یا به ریاستی می‌رسد) در راه فساد در زمین کوشش می‌کند و کشت و نسل را نابود می‌سازد، و الله فساد و (تباهکاری) را دوست نمی‌دارد. و چون به او گفته شود: «از الله بترس» خود بزرگ‌بینی و (تکبر) او را به گناه می‌کشاند. پس (آتش) جهنم او را کافی است و چه بد آرامگاهی است».

دشمنی خویش نسبت به دشمنان مسلمانان را اعلان می‌کنند، اما در باطن با آنان هستند و اسراری با یکدیگر دارند که فقط الله از آنها آگاه است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيْطَانِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ﴾ [البقرة: ۱۴]. «و هنگامی که افراد با ایمان را ملاقات می‌کنند، می‌گویند: «ما ایمان آورده‌ایم»، و هنگامی که با شیطان‌های خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: «ما با شما ایم، ما فقط (آن‌ها را) مسخره می‌کنیم».

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنَطِعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأُمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ﴾ [محمد: ۲۶]. «این بدان سبب است که آن‌ها (=منافقان) به کسانی (=یهودیان) که نسبت به آنچه الله نازل کرده (از وحی) کراهت داشتند، گفتند: «ما در پاره‌ای از امور از شما پیروی می‌کنیم» و الله پنهان‌کاری آن‌ها را می‌داند».

الله در قرآن، به جهاد در برابر منافقان و رسوایی آنان فرمان می‌دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ [الفرقان: ۵۲]. «و بوسیله آن (= قرآن) با آن‌ها جهاد بزرگی بنما».

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ﴾ [التوبة: ۷۳]. «ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنان سخت گیر باش».

هرکس اسلام را اظهار کند علیه او پیکار نمی‌شود و منظور از جهاد با منافقان زمانی است که آنان وارد جنگ شوند.

دشمنان دین، به فریب‌خوردگان خود فرمان می‌دهند که به قرآن گوش فرا ندهند و در آیاتش تدبر نکنند؛ زیرا قرآن مکر و نیرنگ و فریبکاری آنان در برابر مؤمنان را آشکار می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ﴾ [فصلت: ۲۶]. «و کسانی که کافر شدند گفتند: «به این قرآن گوش فرا ندهید، و در (هنگام تلاوت) آن جنجال کنید (و سخنان بی‌هوده بگویید) شاید پیروز گردید».

برخی از منافقان، به مؤمنان نیرنگ می‌زنند و می‌گویند: قرآن را نخوانید و اگر آن را خواندید در آیاتش تدبر نکنید؛ زیرا کتابی بزرگ است که فقط علمای پرمایه آن را می‌فهمند و از علومش بهره می‌گیرند. این سخن را به این دلیل می‌زنند تا ریاست و برتری‌شان بر دیگران باقی بماند. اما آیات قرآن آنان را رسوا ساخت و بیان فرمود که کتابی مبارک است که خیرش فراگیر است و هدایتش برای تمام مردم است. بنابراین، هرکس عقل سلیمی داشته باشد، عالم باشد یا جاهل، اگر خواهان هدایت باشد، از قرآن پند می‌گیرد و با آن هدایت می‌شود. زیرا الله کتابش را برای تمام بندگان خویش فرستاد تا در آن بیندیشند و معانی آن را بفهمند و از آن پیروی کنند و به هدایتش هدایت شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [ص: ۲۹]. «کتابی است پر برکت، که آن را بر تو نازل کردیم، تا در آیاتش تدبر کنند، و خردمندان پند گیرند».

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۵]. «و این (قرآن) کتابی است پر برکت، که ما نازل کردیم، از آن پیروی کنید، و پرهیزگار باشید، تا مورد رحمت قرار گیرید».

الله سبحانه بیان فرمود که بر دل‌های برخی مردم مهر و قفل‌هایی است که آنان را از بهره‌بردن از آیات واضح و روشن قرآن بازمی‌دارد؛ بنابراین باید قلب خویش را درمان

کنند تا محبت و احترام و وابستگی به خدا را بپذیرد و در قلبشان چیزی مخالف محبت و احترام و وابستگی به خدا وجود نداشته باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ [محمد: ۲۴].
«آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل‌هاست؟!».

به علما وحی نمی‌شود، بلکه آنان علم را پس از تدبّر در قرآن و احادیث صحیح رسول الله می‌گیرند و آنچه را نمی‌دانند از داناتر از خویش می‌پرسند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۴۳]. «پس (ای مردم) اگر نمی‌دانید از (آگاهان) اهل کتاب بپرسید».

علمای پُرمايه به تمام قرآن ایمان دارند. اگر مراد برخی از آیات را نفهمیدند، آن را انکار نمی‌کنند؛ زیرا آیات قرآن یکدیگر را توضیح می‌دهند و هیچ تعارضی بین آنها وجود ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّا بِهِء كُلُّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [آل عمران: ۷]. «او کسی است که کتاب (قرآن) را بر تو نازل کرد. بخشی از آن، آیات محکم (صریح و روشن) است، که آن‌ها اساس کتاب است. و (بخش) دیگر «متشابهات» است (آن آیه‌ای که در نگاه اول معانی و احتمالات مختلفی دارد و قابل تأویل است، ولی با رجوع به آیات محکم، تفسیر و معنای آن‌ها روشن می‌گردد). اما کسانی که در دل‌هایشان کژی و انحراف است، برای فتنه‌جویی (و گمراه کردن مردم) و بخاطر تأویل آن (به دل‌خواه خود) از متشابه آن پیروی می‌کنند. و در حالی که تأویل آن جز الله نمی‌داند، و راسخان در علم می‌گویند: «ما به همه آن (چه محکم و چه متشابه) ایمان آوردیم، همه از طرف پروردگار ماست» و جز خردمندان متذکر نمی‌شوند».

الله کسانی را که قرآن را بخش‌بخش می‌کنند و به بخشی از آن ایمان می‌آورند و به بخش دیگر آن کفر می‌ورزند تهدید کرده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ﴾ [الحجر: ۹۱-۹۳]. «(همان) کسانی که قرآن را تقسیم (و

بخش، بخش) کردند. پس سوگند به پروردگارت، قطعاً (در قیامت) از همه آن‌ها سوال خواهیم کرد. از آنچه می‌کردند».

هرکس از علما یا بزرگان در آنچه که مخالف کتاب الله یا سیره رسولش است، پیروی کند، در روز قیامت علما و بزرگان هیچ نفعی به او نخواهند رساند و بهانه ضعیف بودن یا تابع بودن از او پذیرفته نخواهد شد؛ زیرا رسول ﷺ، هدایت را از جانب الله آورد و این تابع، آن را رها کرد و از غیر هدایت الله پیروی کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدُونَ عَنَا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ ﴿٤٧﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ﴿٤٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِحِزَّتِهِ جَهَنَّمَ أَدْعُوا رَبَّكُمْ يُحَقِّقْ عَنَا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ﴿٤٩﴾ قَالُوا أَوْ لَمْ تَكُ تَأْتِيكُمُ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فَأَدْعُوا وَمَا دُعَاؤُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٥٠﴾ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴿٥١﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذرتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٥٢﴾﴾ [غافر: ۴۷-۵۲]. «و چون در آتش (جهنم) با همدیگر مجادله (و کشمکش) می‌کنند، پس ناتوانان به کسانی که تکبر ورزیدند، می‌گویند: «بی‌شک ما (در دنیا) پیرو شما بودیم، پس آیا شما (امروز) می‌توانید بخشی از آتش را که نصیب ما شده از ما دور کنید؟!»، کسانی که تکبر ورزیدند، گویند: «بی‌گمان ما همگی در آن (آتش) هستیم، همانا الله در میان بندگان داوری کرده است». و کسانی که در آتش‌اند به نگهبانان جهنم می‌گویند: «از پروردگارتان بخواهید تا یک روز عذاب را از ما بکاهد». (آن‌ها) می‌گویند: «آیا پیامبران شما با دلایل روشن نزد شما نیامدند؟!»، گویند: «آری» (نگهبانان) گویند: «پس (خودتان) دعا کنید، و دعای کافران جز در تباهی نیست». یقیناً ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان (برای گواهی) بر خیزند، یاری می‌کنیم. روزی که عذر خواهی ستمکاران سودی ندهد، و لعنت (الله) برای آنان است، و (نیز) سرای بد (= جهنم) برای آن‌هاست».

منافقان، خواهان فتنه‌انگیزی میان مؤمنان هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمْعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾ [التوبة: ۴۷]. «و به سرعت در میان شما فتنه‌انگیزی می‌کردند، و در میان شما

افرادی (ضعیف‌الایمان) هستند که به (سخنان) آن‌ها گوش فرا می‌دهند، و الله، (نسبت) به ستمکاران داناست.»

منافقان همراه مؤمنان در مساجدشان نماز می‌خوانند تا مؤمنان، آنان را ببینند و فریبشان را بخورند؛ و گر نه هرگز محبت نماز و تمایل به ادای آن در دل‌هایشان وجود ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَأَوْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [النساء: ۱۴۲]. «و چون به نماز برخیزند؛ با سستی و کاهلی بر می‌خیزند، در چشم مردم خود نمایی می‌کنند و (در نمازشان) الله را جز اندکی یاد نمی‌کنند.»

اما در جنگی که سبب ایجاد جراحت و قتل است حضور نمی‌یابند و پیامبر ﷺ و اصحابش را در مقابل خطرهای تنها می‌گذارند و [به گمان خودشان] با ماندن در خانه‌ها خود را از مواجهه با خطر حفظ می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ﴾ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿۸۷﴾ لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيَّتِكُمْ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۸۸﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۸۹﴾ [التوبة: ۸۶-۸۹]. «و گویند: «بگذار ما با خانه‌نشینان (که معذورند) باشیم». آن‌ها راضی شدند که با (زنان و) باز ماندگان باشند، و بردل‌های شان مهر زده شده، پس آنان (چیزی) نمی‌فهمند. لیکن پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال خود و جان‌های خود (در راه الله) جهاد کردند، نیکی‌ها (همه) از آن آن‌هاست، و آنانند که رستگارند. الله برای آن‌ها باغ‌هایی (از بهشت) آماده کرده است، که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند، این کامیابی بزرگ است.»

با این وجود، منافقان برای مؤمنان سوگند یاد می‌کنند که از آنان هستند، به این دلیل که با آنان زندگی می‌کنند و در مساجدشان نماز می‌خوانند؛ اما الله، پیامبر و اصحاب مؤمن او را بری دانست از اینکه منافقان از آنان باشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ﴾ [التوبة: ۵۶].
«و آن‌ها (= منافقان) به الله سوگند یاد می‌کنند که از شما هستند، درحالی‌که از شما نیستند».

الله در مورد عبادت پیامبر و اصحابش می‌فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَآئِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ﴾ [المزمل: ۲۰]. «(ای پیامبر!) یقیناً پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از آن‌ها که با تو هستند نزدیک دو سوم شب و (یا) نصف (یا) ثلث آن را بپا می‌خیزید».

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾ [الفتح: ۲۹].
«محمد ﷺ رسول الله است، و کسانی که با او هستند، بر کافران سخت گیر (و شدید) و در میان خود مهربانند، آن‌ها را در حال رکوع و سجده می‌بینی که از الله فضل و خشنودی می‌طلبند، نشانه (درست‌کاری) آن‌ها در چهره‌هایشان از اثر سجده (نمایان) است».

در مورد جهاد آنان می‌فرماید:

﴿لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ﴾ [التوبة: ۸۸]. «لیکن پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال خود و جان‌های خود (در راه الله) جهاد کردند».

﴿وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸]. «و الله و پیامبرش را یاری می‌کنند، آن‌ها راستگویانند».

مساجد، خانه‌های الله هستند و الله به بهترین نحو آنها را در

کتاب خویش توصیف فرموده است

مساجد، خانه‌های الله هستند و الله در کتاب خویش به بهترین نحو آنها را توصیف فرموده است؛ زیرا در آنها اسم الله از روی محبت و تعظیم یاد می‌شود و کتاب الله که بزرگترین ذکر است تلاوت می‌گردد و روز و شب برای الله نماز گزارده می‌شود. چنانکه در مساجد، رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان و کسانی که آیات الله را تلات می‌کنند مشاهده

می‌شوند که تقوای الهی و ترس از روز دیدار با الله، آنان را گرد آورده است. از این رو، الله فرمان داد تا شأن و منزلت این خانه‌ها، بزرگ داشته شود و به صورت مرتفع ساخته شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ وَيُسَبِّحَ لَهُ فِيهَا بِالْعُدْوِ وَالْأَصَالِ ﴿٣٦﴾ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾﴾ [النور: ۳۶-۳۷]. «(این چراغ پر نور) در خانه‌های است که الله اجازه داده است که بلند شود، و نامش در آن‌ها برده شود، (و) صبح و شام در آن‌ها تسبیح او گویند. مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آن‌ها را از یاد الله و بر پاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند، (آن‌ها) از روزی می‌ترسند که در آن دل‌ها و چشم‌ها دگرگون (و بی‌تاب) می‌شود».

مسجد الحرام، اولین خانه‌ای است که الله آن را برای مردم برگزید تا در آن عبادت او را به جای آورند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾﴾ [آل عمران: ۹۶]. «براستی نخستین خانه‌ای که برای (عبادت) مردم قرار داده شده، همان است که در مکه است، که پر برکت و (مایه) هدایت جهانیان است».

الله برای احترام و بزرگداشت این خانه، آن را بیت الحرام و بیت العتیق نامید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْغُرَبَاءُ الْمَيْتَةِ الْحَرَامَ قِيَمًا لِّلنَّاسِ ﴿٩٧﴾﴾ [المائدة: ۹۷]. «الله کعبه - بیت الحرام - را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشیدن (به کار) مردم قرار داد».

﴿وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾﴾ [الحج: ۲۹]. «و (برگرد) خانه‌های کهن سال (کعبه) طواف کنند».

الله سبحانه، مسجد الحرام را محل ذبح کردن هدی [= قربانی در مناسک حج] و حرم احاطه کننده بیت العتیق قرار داد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٣٣﴾﴾ [الحج: ۳۳]. «در آن (چهارپایان قربانی) تا زمان معین برای شما منافع (و بهره‌ها) است، پس قربانگاه آن‌ها خانه کهن سال (کعبه) است».

﴿هُدًى بَلِّغِ الْكَعْبَةَ﴾ [المائدة: ۹۵]. «و (بصورت) قربانی به کعبه برساند».

ابوالانبیاء ابراهیم و پسرش اسماعیل عَلَيْهِمَا السَّلَام کعبه را بنا کردند و آن دو و پیامبران بعدی آنان و پیروان پیامبران و در ادامه، محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اصحابش و تابعان آنان تا امروزه پیرامون آن طواف کردند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۲۷﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۲۸﴾ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۲۹﴾﴾ [البقرة: ۱۲۷-۱۲۹]. «و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند، (و می‌گفتند): «پروردگارا! از ما بپذیر، همانا که تویی شنوای دانا. پروردگارا! ما را فرمانبردار خودت قرار ده، و از فرزندانمان امتی فرمانبردار خود (پدید آور) و طرز عبادت‌مان را به ما نشان ده، و توبه ما را بپذیر، بدرستی که تو توبه‌پذیر مهربانی. پروردگارا! در میان آن‌ها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آن‌ها را کتاب و حکمت بیاموزد، و آنان را پاکیزه کند، همانا که تو پیروزمند حکیمی».

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْعَدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ وَأَرْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿۳۷﴾﴾ [ابراهیم: ۳۷]. «پروردگارا! من (برخی) از فرزندانم را در وادی (خشک) و بی آب و بی گیاه، نزد خانه گرمی تو ساکن ساختم. پروردگارا! تا نماز را بر پا دارند، پس تو دل‌های (گروهی) از مردم را به آن‌ها مایل بگردان و از میوه‌ها به آن‌ها روزی ده، باشد که آنان سپاس گزارند».

این خانه کهن الله است که دل‌های پیامبران و پیروان‌شان تا امروزه، متوجه آن گشته و الله به پاکیزه‌ساختن آن دستور فرموده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ظَهَرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ [البقرة: ۱۲۵]. «خانه مرا برای طواف کنندگان و مقیمان و رکوع و سجود کنندگان (= نماز گزاران) پاک و پاکیزه کنید».

یکی از موارد پاکیزه‌ساختن کعبه این است که الله سبحانه فرمان داد تنها کسانی وارد آن شوند که فقط به خدا ایمان دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ ءَامِهِمْ هَذَا﴾ [التوبة: ۲۸]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بی‌گمان مشرکان پلید اند، پس نباید بعد از امسال، به مسجد الحرام نزدیک شوند».

زیرا کعبه از آنگاه که ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام آن را بنا کردند تا امروزه، مخصوص پیروان حق است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۶-۱۳۷]. «بگوئید: «ما به الله ایمان آوردیم، و به آنچه بر ما نازل شده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل، و اسحاق و یعقوب و نوادگان یعقوب نازل گردید، و به آنچه که به موسی و عیسی داده شده، و به آنچه که پیامبران (دیگر) از طرف پروردگارشان داده شده است، و در میان هیچ یک از آن‌ها جدایی نمی‌اندازیم و ما تسلیم الله هستیم».

پس اگر آن‌ها (نیز) به مانند آنچه شما ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورند، قطعاً هدایت یافته‌اند. و اگر پشت کنند، پس جز این نیست که آنان در ستیزند، پس بزودی الله تو را از (شر) آن‌ها کفایت کند، و او ست شنوای دانا».

الله به پیامبرش و مؤمنان همراه او فرمان داد تا هنگام نماز به سوی مسجد الحرام روی آورند و آنجا قبله‌شان باشد؛ چنانکه قبلاً قبله ابراهیم علیه السلام بود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ﴾ [البقرة: ۱۵۰]. «و از هر جا که بیرون شدی پس روی خود را بسوی مسجد الحرام کن، و (ای مؤمنان) هر جا که بودید روی خود را به سوی آن کنید، تا مردم؛ - جز کسانی از ایشان که ستم کردند - بر شما حجتی نداشته باشند».

زیرا مشرکان می‌گفتند قبله محمد که آیین ابراهیم را ادعا می‌کند، با قبله ابراهیم متفاوت است.

الله در ادامه نعمت خویش را برای اصحاب پیامبرش و همسایگان خانه کهن خویش بیان می‌کند که این خانه را قبله آنان قرار داد و رسولی از میان خودشان

فرستاد که آنان را هدایت می‌کند و تعلیم می‌دهد و پاکیزه می‌سازد؛ بنابراین، باید شکر نعمت الله را به جا آورند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۵۰﴾ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿۱۵۱﴾ فَادْكُرُونِي أذْكُرْكُمْ وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿۱۵۲﴾﴾ [البقرة: ۱۵۰-۱۵۲]. «و تا نعمت خود را بر شما تمام کنم، و باشد که هدایت شوید. چنانکه پیامبری از خودتان در میان شما فرستادیم، که آیات ما را بر شما می‌خواند، و شما را پاک می‌گرداند، و به شما کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد، و آنچه نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد. پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و سپاس مرا گوید و ناسپاسی من نکنید.»

مسجدالحرام، مقدس‌ترین مکان بر روی زمین است که بزرگ‌ترین خانه و آیات روشن در آن قرار دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿۳۷﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ ۖ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ﴿۳۸﴾﴾ [آل عمران: ۹۶-۹۷]. «براستی نخستین خانه‌ای که برای (عبادت) مردم قرار داده شده، همان است که در مکه است، که پر برکت و (مایه) هدایت جهانیان است. در آن نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است. و هر کس داخل آن (حرم) شود؛ در امان خواهد بود.»

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ ﴿۱۵۸﴾﴾ [البقرة: ۱۵۸]. «همانا (صفا) و (مروه) از شعائر (نشانه‌های) الله است.»

﴿ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعْظَمِ شَعِيرِ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿۳۲﴾﴾ [الحج: ۳۲]. «(حکم) این است، و کسی که شعائر الهی را بزرگ دارد، پس بی‌گمان این (کار) از پرهیزکاری دل‌هاست.»

ستمکارتر از آن کس وجود ندارد که علیه مساجد خدا می‌جنگد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۱۴﴾﴾ [البقرة: ۱۱۴]. «و کیست ستمکارتر از آن کس که مسجدهای الله را باز داشت که در آن نام الله برده شود، و در ویرانی آن‌ها کوشید؟! شایسته آنان نیست، جز به حال ترس وارد این مساجد شوند، بهره آنان در دنیا خواری و رسوائی، و در آخرت عذاب بزرگی است.»

برخی دشمنان دین، مردم را از مسجد الحرام باز می‌دارند؛ زیرا گردهم‌آیی مؤمنان و توجه دل‌هایشان به سوی الله به تنهایی، آنان را به خشم می‌آورد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ [الحج: ۲۵]. «بی‌گمان کسانی که کافر شدند، و (مردم را) از راه الله باز می‌دارند و (همچنین از) مسجد الحرام، که آن را برای (همه‌ی) مردم یکسان قرار دادیم، (چه) مقیم در آنجا و یا وارد بر آن، و کسی که از روی ستم در آنجا کج‌روی (و انحراف از حق را) بخواهد، از عذاب دردناک به او می‌چشانیم».

یکی از صفات منافقان این است که از طریق دوستی با کافران، در جستجوی عزت هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿بَشِيرِ الْمُنَافِقِينَ بَأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [۱۳۸] الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِيتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ [النساء: ۱۳۸-۱۳۹]. «به منافقان بشارت ده که برایشان عذابی دردناک است. آنان که کافران را به جای مؤمنان به دوستی بر می‌گزینند، آیا به نزد آنان عزت می‌جویند؟ پس (بدانند که) عزت همه از آن الله است».

عزت، مخصوص الله و رسولش و مؤمنان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [المنافقون: ۸]. «در حالی که عزت از آن الله، و فرستاده او و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند».

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۹]. «و سست نشوید و اندوهگین نگردید، و شما برتر هستید؛ اگر مؤمن باشید».

دوستان مومنان، الله و رسولش و مؤمنان هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ [المائدة: ۵۵-۵۶]. «یار و ولی شما تنها الله است، و پیامبراش و آن‌ها که ایمان آورده‌اند، (همان) کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و آنان با خشوع و فروتنی

زکات را می‌دهند. و هر کس الله و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند، دوست بدارد، (او از حزب الله است و) یقیناً حزب الله پیروز است».

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ [التوبة: ۷۱]. «و مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان (و یاور) یکدیگرند».

الله بندگان مؤمن خویش را از تکیه و اعتماد به کافران و دوستی با آنان نهی می‌فرماید: الله متعال می‌فرماید: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِينَ اَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [النساء: ۱۴۴]. «ای کسانی که ایمان آوردید! کافران را به جای مؤمنان دوستان (خود) نگیرید».

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصْرَىٰ اَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنْهُمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ﴾ [المائدة: ۵۱-۵۲]. «ای کسانی که ایمان آوردید! یهود و نصاری را به دوستی بر نگزینید، آنان دوستان یکدیگرند، و کسانی که از شما با آنها دوستی کنند، از آنها هستند، همانا الله گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند. پس کسانی را که در دل‌های شان بیماری (= نفاق) است می‌بینی که در (دوستی با) آنان می‌شتابند (و) می‌گویند: می‌ترسیم که آسیبی به ما برسد».

منافقان در دوستی با کافران پیش‌قدمی می‌کنند؛ زیرا می‌ترسند که کفار بر مسلمانان چیره شوند. منافقان این کار را انجام می‌دهند تا جایگاهی نزد کفار داشته باشند. الله سبحانه بیان فرمود دشمنانش که به او تعالی و رسولش کافر هستند، مردم را از دینش که آن را برای بندگانش پسندید، بازمی‌دارند و برای این کار، اموال و توان‌شان را هزینه می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوْا عَنِ سَبِيْلِ اللّٰهِ﴾ [الأنفال: ۳۶]. «به راستی کسانی که کافر شدند، اموال‌شان را برای بازداشتن (مردم) از راه الله خرج می‌کنند».

﴿قُلْ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا اِنْ يَنْتَهُوْا يُعْفَرْ لَهُمْ مَّا قَدْ سَلَفَ﴾ [الأنفال: ۳۸].

یعنی اگر از کفر و بازداشتن از دین الله و دشمنی با مؤمنان دست بکشند.

﴿وَ اِنْ يَعُوْذُوْا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْاَوْلِيْنَ﴾ [الأنفال: ۳۸]. «(ای پیامبر!) به کسانی که کافر شدند بگو: اگر (از کفر و دشمنی) دست بر دارند، گذشته‌هایشان آمرزیده می‌شود».

متجاوز، به عقوبت و عذاب گرفتار می‌آید.

﴿وَقَتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ لِلدِّينِ كَلِمَةٌ لِلَّهِ﴾ [الأنفال: ۳۹]. «و با آن‌ها پیکار کنید، تا فتنه (شُرک) ریشه کن شود، و (پرستش و) دین، همه از آن الله باشد».

تا بندگان الله را به فتنه نیندازند و آنان را از دین الله که آن را برای بندگانش پسندید، باز ندارند.

﴿فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [الأنفال: ۳۹-۴۰]. «پس اگر آن‌ها (از شرک و آزار و اذیت) دست بر آورند، الله به آنچه می‌کنند؛ بیناست. و اگر (سریچی و) روی گردانی کنند، پس بدانید که الله سرپرست (و مولای) شماست، چه نیکو سرپرست و چه نیکو یاور است».

الله سبحانه فرمود که کافران با وجود اختلاف مذاهبشان، ضد

پیروان ایمان و حقیقت، متحد هستند

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ﴾ [الأنفال: ۷۳]. «و کسانی که کافر شدند، دوستدار (و یاور) یکدیگرند، اگر (شما ای مؤمنان این کار را) نکنید، فتنه و فساد بزرگ در زمین بر پا خواهد شد».

پیامبران و بندگان صالح الله، از اینکه مبادا دین یا حاملان دین از بین بروند، دچار غم و اندوه و دلتنگی می‌شوند، اما الله به پیامبرانش امر می‌فرماید که اندوهگین نباشند و پیامبران به پیروان‌شان دستور می‌دهند که اندوهگین نباشند؛ زیرا الله دین خویش را یاری می‌رساند و همراه دوستانش است:

الله خطاب به پیامبرش ﷺ می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ﴾ [النحل: ۱۲۷]. «و بر آن‌ها اندوهگین مشو، و از آنچه مکر می‌ورزند؛ دلتنگ مباش».

الله خطاب به لوط عليه السلام می‌فرماید: ﴿لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُواكَ وَأَهْلَكَ﴾ [العنكبوت: ۳۳]. «نترس، و غمگین مباش، بی‌گمان ما تو و خانواده‌ات را نجات خواهیم داد».

محمد ﷺ خطاب به یار غارش فرمود: ﴿لَا تَحْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ [التوبة: ۴۰].
«اندوهگین مباش، یقیناً الله با ماست».

اسباب رفع بلا و تسلط دشمنان

تحقق ایمان و ترک گناهان:

الله متعال می فرماید: ﴿أَوْ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصْبَنَهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾ [تلك القرى نقص عليك من أنبأها ولقد جاءتهم رسلهم بالبينات فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا من قبل كذلك يطبع الله على قلوب الكافرين] [الأعراف: ۱۰۰-۱۰۱]. «آیا برای آنان که زمین را پس از (نابود کردن) اهلش به ارث می برند، روشن (و واضح) نشده است که اگر بخواهیم آن ها را (نیز) به (کیفر) گناهان شان هلاک می کنیم، و بر دل های شان مهر می نهیم، آنگاه آنان (صدای حق و پندی را) نمی شنوند. این ها، شهرها (و آبادی هایی) است که برخی از اخبار آن را بر تو حکایت می کنیم، و محققاً پیامبران شان دلایل (و معجزات) روشن برای آنان آورند، پس هرگز به آنچه از پیش تکذیب کرده بودند، ایمان نیاوردند، اینگونه الله بر دل های کافران مهر می نهد».

اظهار فروتنی و تواضع و پناه بردن به الله با دعا:

الله متعال می فرماید: ﴿فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ] [الأنعام: ۴۳-۴۴]. «پس چرا هنگامی که عذاب ما به آن ها رسید زاری نکردند؟ (و تسلیم نشدند؟! بلکه دل های آن ها سخت شد، و شیطان، هر کاری که می کردند، در نظرشان آراست. پس چون آنچه را به آن ها یاد آوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز را به روی آن ها گشودیم تا وقتی که به آنچه داده شدند شاد گشتند، ناگهان آن ها را گرفتیم، در این هنگام همه مأیوس شدند».

امر به معروف و نهی از منکر:

الله متعال می فرماید: ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَجْحَنَّا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ [الأعراف: ۱۶۵]. «پس چون آنچه را که به آن پند داده شدند، فراموش کردند، کسانی را که از بدی نهی می کردند، نجات دادیم، و کسانی را که ستم کردند، به (کیفر) آنکه نافرمان بودند، به عذابی سخت گرفتار ساختیم».

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ﴾ [هود: ۱۱۷]. «و (ای پیامبر!) پروردگارت چنین نبود که شهرها (و آبادی‌ها) را به ظلم نابود کند، در حالی که اهل آن (افرادی شایسته و) نیکوکار باشند».

اگر مؤمن بر اقامهٔ دین خویش توانا نباشد یا امنیت جانی و مالی و آبرویی نداشته باشد، باید دیار خویش را رها نموده و در راه الله مهاجرت کند؛ زیرا الله به او یاری می‌رساند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتَهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ [۹۷] ﴿إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا﴾ [۹۸] ﴿فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا غَفُورًا﴾ [۹۹] ﴿وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعًا كَثِيرًا وَسِعَةً وَمَنْ يُخْرَجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [النساء: ۹۷-۱۰۰]. «همانا کسانی که فرشتگان جان‌شان را گرفتند در حالی که به خویشان ستم کرده بودند (فرشتگان) به آنان گفتند: شما در چه حالی بودید؟ گفتند: «ما در زمین مستضعف بودیم» (فرشتگان) گفتند: «مگر سر زمین خدا، پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟» بنابراین جایگاه‌شان دوزخ است و بدجایی است. مگر آن مستضعفان از مردان و زنان و کودکانی که نه چاره‌ای دارند و نه راهی (برای نجات) می‌یابند. پس اینان را امید است که الله از ایشان در گذرد (و ببخشاید) و الله بخشاینده‌ی آمرزنده‌است. و کسی که در راه الله هجرت کند در زمین جاهای امن فراوان و گشایش (در رزق و روزی) می‌یابد. و کسی که به قصد هجرت به سوی الله و پیامبرش، از خانه خود بیرون رود، آنگاه مرگش فرا رسد، قطعاً پاداشش بر الله است. و الله آمرزنده‌ی مهربان است».

مؤمنان دوستان یکدیگر هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ [التوبة: ۷۱]. «و مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان (و یاور) یکدیگرند».

الله یکی از صفاتی را که از جانب بندگانش دوست دارد اینگونه بیان می‌فرماید که هر گاه ستمی به آنان روا داشته شود، آن را بدون تجاوز از حد دفع می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿۳۹﴾ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿۴۰﴾ وَلَمَنِ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ ﴿۴۱﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۴۲﴾﴾ [الشوری: ۳۹-۴۶]. «و کسانی که چون ستمی به آن‌ها برسد، انتقام می‌گیرند. و جزایی بدی، بدیی است همانند آن، پس هر کس که در گذرد، و اصلاح (و آشتی) کند، پاداشش بر الله است، بی‌گمان او ستمکاران را دوست ندارد. و کسی که پس از ستمی که بر او رفته است، انتقام بگیرد، پس اینانند که هیچ راه (ملامتی) بر آنان نیست. تنها راه (ملامت) بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند، و در زمین به ناحق سرکشی (و ستم) می‌کنند، اینانند که برای‌شان عذابی دردناک است.»

﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُم وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۱۹۰﴾﴾ [البقرة: ۱۹۰]. «و در راه الله با کسانی که با شما می‌جنگند، جنگ کنید و از حد تجاوز نکنید، که الله تجاوزگران را دوست نمی‌دارد.»

اگر در راه الله با کسانی که با آنان می‌جنگند، بجنگند و کشته شوند، ساکن بهشت می‌شوند؛ این وعده‌ای است از جانب الله ﷻ که هرگز در وعده خویش خلاف نمی‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۱۱﴾﴾ [التوبة: ۱۱۱]. «بی‌گمان الله از مؤمنان جان‌هایشان و اموال‌شان را خریده است، به (بهای) اینکه بهشت برای آن‌ها باشد. (بدین صورت که): در راه الله جنگ می‌کنند، پس می‌کشند، و کشته می‌شوند، (این) وعده‌ی حقی است بر او، (که) در تورات و انجیل و قرآن (آمده است) و چه کسی از الله به عهدش وفا دارتر است؟! پس شاد باشید، به داد و ستدی که شما با او کرده‌اید، و این همان کامیابی بزرگ است.»

به این دلیل، مؤمنان هنگام رویارویی با دشمن، هرگز فرار نمی‌کنند؛ بعلاوه، الله آنان را از این کار بازداشته است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ إِلَّا دُبَارًا ﴿۱۵﴾﴾ [الأنفال: ۱۵]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون با انبوه کافران (در میدان جنگ) روبرو شوید، پس به آن‌ها پشت نکنید.»

الله بر بندگان مؤمن خویش واجب کرده که اگر برادران شان از آنان درخواست یاری کردند، وظیفه یاری را به پا دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنْ أَسْتَنْصِرُكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ﴾ [الأنفال: ۷۲]. «و اگر در (کار) دین از شما یاری خواستند، پس بر شماست که (آن‌ها را) یاری کنید، مگر بر علیه گروهی که میان شما و آن‌ها پیمانی است.»

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴾ ﴿۷۵﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ ﴿۷۶﴾ [النساء: ۷۵-۷۶]. «و شما را چه شده است که در راه الله و (برای یاری) مردان و زنان و کودکان، مستضعف پیکار نمی‌کنید، آنان که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند، بیرون ببر، و از جانب خود، برای ما سر پرستی قرار بده، و از جانب خود یار و مددکاری برای ما مقرر کن.» کسانی که ایمان آورده‌اند در راه الله پیکار می‌کنند، و آنان که کافرند در راه طاغوت (= بت و شیطان) پیکار می‌کنند، پس شما با یاران شیطان پیکار کنید، قطعاً نیرنگ (و نقشه) شیطان ضعیف است.»

﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ﴾ ﴿۱۴﴾ وَيَذْهَبْ غِيْظَ قُلُوبِهِمْ﴾ [التوبة: ۱۴-۱۵]. «با آن‌ها بجنگید، تا الله با دستان شما عذاب‌شان کند، و آنان را رسوا سازد، و شما را بر آن‌ها پیروزی دهد، و سینه گروه مؤمنان را شفا می‌بخشد. و خشم دل‌های شان را از میان می‌برد.»

جهاد با مال، مقدم بر جهاد با جان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ ﴿۱۵﴾ [الحجرات: ۱۵]. «مؤمنان (حقیقی) تنها کسانی اند که به الله و پیامبرش ایمان آورده‌اند، سپس (در این باره) شک (و تردید) نکرده‌اند، و با اموال خود و جان‌های خود در راه الله جهاد کرده‌اند، اینانند که راستگویانند.»

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ [التوبة: ۲۰]. «(مقام) کسانی که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموالشان و جانهایشان در راه الله جهاد کردند، نزد الله برتر (و بلندمرتبه‌تر) است، و آنها همان رستگارانند».

این امر، حکمت و رحمت الله بر بندگان است که اگر هر کس به دلیل دوری یا ناتوانی، قادر بر یاری ستمدیدگان نباشد، از مزد جهاد با مال محروم نماند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ [البقرة: ۲۸۶]. «الله هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند».

الله مجاهدان در راه خویش و یاوران آنان را مؤمنان حقیقی معرفی می‌فرماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [الأنفال: ۷۴]. «و کسانی که ایمان آوردند، و هجرت نمودند، و در راه الله جهاد کردند، و کسانی که (ایشان را) پناه دادند و یاری نمودند، اینان مؤمنان حقیقی هستند، برای آنها آمرزش و روزی شایسته‌ای خواهد بود».

الله به مجاهدان در راه خویش برای اعتلای دینش، یاری و تأیید و در آخرت، زندگی خوش و خرم و مرفه وعده داده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا سَأَلْتِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ﴾ [الأنفال: ۱۲-۱۳]. «(و به یاد آور) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: «من با شما هستم، پس کسانی را که ایمان آورده‌اند؛ ثابت قدم دارید، به زودی در دل کسانی که کافر شدند؛ ترس و هراس می‌افکنم، پس بر فراز گردن‌ها بزنید، و همه انگشتان‌شان را بزنید (و قطع کنید). این بخاطر آن است که آنها با الله و رسولش مخالفت کردند، و هر کس با الله و رسولش مخالفت کند، پس (بداند که) الله سخت کیفر است».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تَجْرَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ [تؤمنون بالله ورسوله وجاهدون في سبيل الله بأموالكم وأنفسكم ذلكم خير لكم إن

كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٤﴾ يَعْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَلَكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٥﴾ وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَصَامَتِ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتِ طَائِفَةٌ ءَايَدَنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عُدُوِّهِمْ فَأَصَبْحُوا ظَاهِرِينَ ﴿١٧﴾ [الصف: ١٠-١٤]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتي راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک نجات می‌دهد؟ به الله و پیامبرش ایمان بیاورید، و با اموال و جان‌های‌تان در راه الله جهاد کنید، اگر بدانید این (کار) برای شما بهتر است. (اگر چنین کردید، الله) گناهان‌تان را می‌بخشد، و شما را در باغ‌هایی (از بهشت) وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، و در خانه‌های پاکیزه در بهشت جاویدان (جای می‌دهد)، این کامیابی بزرگی است. و (نعمت) دیگری که آن را دوست دارید (نیز به شما عنایت می‌فرماید) که آن یاری از سوی الله و پیروزی نزدیک است، و مؤمنان را (به این پیروزی) بشارت ده. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یاوران (دین) الله باشید، همان‌گونه که عیسی پسر مریم به حواریون گفت: «چه کسانی یاوران من (در دعوت) به سوی الله هستند؟!» حواریون گفتند: «ما یاوران (دین) الله هستیم» پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند، و گروهی کافر شدند، آنگاه ما کسانی را که ایمان آورده بودند بر دشمنان‌شان قوت (و توانایی) دادیم و سرانجام پیروز شدند».

برای اینکه یاری و تایید از جانب الله برای مجاهدان در راه او تعالی محقق شود، باید به ایمان جامه عمل بپوشانند و تقوا پیشه کنند و با انجام طاعات و توبه به سوی الله و ترک گناهان و یاری دین الله در حد توان خویش به الله روی بیاورند و الله را به تنهایی بپرسند بگونه‌ای که هیچ چیز را با او شریک نگردانند و شکیبایی پیشه کنند و با یکدیگر اختلاف نوزند و آنچه را نمی‌دانند از آگاهان بپرسند. بدین ترتیب، بزرگ‌ترین قدرت را به دست خواهند آورد، هر چند اندک باشند و بدین منظور، مال هزینه می‌کنند و بسیار ذکر الله و دعا می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ

بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾ [النور: ۵۵]. «الله به کسانی از شما که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند؛ وعده داده است که قطعاً آن‌ها را در زمین جانشین (و حکمران) خواهد کرد، همان گونه که کسانی را که پیش از آن‌ها بودند جانشین (و حکمران) ساخت، و دین‌شان را که برای آن‌ها پسندیده است برای آن‌ها استوار (و پا برجاسازد، و یقیناً خوف و ترس‌شان را به آرامش و امنیت مبدل می‌کند، تنها مرا پرستش می‌کنند و چیزی را با من شریک نمی‌سازند، و کسانی که بعد از این کافر شوند، اینانند که فاسقند».

﴿إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ [محمد: ۷]. «اگر (دین) الله را یاری کنید، (الله) شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را (ثابت و) استوار می‌دارد».

﴿وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾ [آل عمران: ۱۲۰]. «و اگر شما صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، مکر و نیرنگ‌شان هیچ‌زیانی به شما نمی‌رسد، بی‌شک الله به آنچه می‌کنند؛ احاطه دارد».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٤٥﴾ ... وَلَا تَنْزِعُوا أَعْيُنَكُمْ عَنْهُمْ وَقُلُوا سَلَامٌ عَلَيْهِمْ وَأَنتُمْ أَعْيُنُهُمْ كَأَن لَّمْ يَأْكُلُوا لَبَنًا عَلَى رُءُوسِهِمْ يَوْمَ يُنْفَخُ الْعَذَابُ ﴿٤٦﴾﴾ [الأنفال: ۴۵-۴۶]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با گروهی (از دشمن) روبرو شدید، پایدار (و ثابت قدم) باشید، و الله را بسیار یاد کنید، تا رستگار شوید. ... و با همدیگر نزاع نکنید، که سست شوید، و قوت (و مهابت) شما از میان برود، و صبر کنید، بی‌گمان الله با صابران است».

﴿وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿١٥١﴾ وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٥٢﴾﴾ [آل عمران: ۱۴۶-۱۴۷]. «و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، مردان خدایی نبرد کردند، آن‌ها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه الله بدیشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند، و زبونی نشان ندادند (و تسلیم دشمن نشدند) و الله شکیبایان را دوست دارد. و سخن آنان جز این نبود که گفتند: «پروردگارا! گناهان ما را ببامرز، و از زیاده روی ما، در کارمان (بر ما ببامرز) و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران، پیروز گردان».

پس از بکارگیری این اسباب که الله آنها را در کتاب گرامی‌اش توضیح داد، یاری الله برای بندگانش نازل می‌شود و دشمنان به صلح روی می‌آورند. زیرا الله بزرگ‌تر از آن است که تصور شود و عزت مخصوص اوست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَعَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٦١﴾﴾. «و آنچه از نیرو و در توان دارید؛ برای (مقابله با) آن‌ها آماده سازید، و (همچنین) از اسبان بسته (ی ورزیده، مهیا کنید) تا به وسیله آن دشمن الله و دشمن خود را بترسانید، و (همچنین) دشمنان دیگری غیر از آن‌ها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد (بترسانید) و هر چیزی را که در راه الله خرج می‌کنید، (پاداشش) به تمام و کمال به شما داده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد. و اگر به صلح مایل شدند، پس تو (نیز) از در صلح درآی، و بر الله توکل کن.»

الله جهاد را برای درهم‌شکستن دژهای ستمگران که با بازداشتن از دین الله و بدنام کردن آن، میان مردم و دین الله عزوجل مانع ایجاد می‌کنند، تشریح فرمود. اما اگر دین الله که رسولانش را با آن فرستاد برای مردم آشکار شود، بر پذیرش آن مجبور نمی‌شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهُوا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٣﴾﴾ [البقرة: ۱۹۳]. «و با آن‌ها جنگ کنید؛ تا فتنه (شُرک) باقی نماند، و دین (خالصانه) از آن الله گردد. پس اگر دست برداشتند؛ تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.»

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ﴾ [البقرة: ۲۵۶]. «در (قبول) دین هیچ اجباری نیست، به راستی که راه راست (و هدایت) از راه انحراف (و گمراهی) روشن شده است.»
مومنان به عهد و پیمان وفادارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ ﴿٢٠﴾﴾ [الرعد: ۲۰]. «(همان) کسانی که به پیمان الله وفا می‌کنند، و عهد (و پیمان) را نمی‌شکنند.»
﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: ۳۴]. «و به عهد (خویش) وفا کنید، بی‌گمان از عهد سؤال می‌شود.»

اما کسانی که به الله ایمان ندارند، هر بار نقض پیمان می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٥﴾﴾ [الأنفال: ۵۵-۵۶]. «کسانی هستند که يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾﴾

کافر شدند، پس آنان ایمان نمی‌آورند. کسانی که با آن‌ها پیمان بستنی، سپس هر بار پیمان خود را می‌شکنند، و آن‌ها (در خیانت و پیمان‌شکنی از الله) نمی‌ترسند».

﴿وَالَّذِينَ يَنْفُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾ [الرعد: ۲۵]. «و کسانی که پیمان الله را پس از استوار کردنش می‌شکنند، و آنچه را که الله به پیوستن آن فرمان داده؛ قطع می‌کنند، و در زمین فساد می‌نمایند، لعنت برای آن‌هاست، و برای آن‌ها سختی (و بدی) آن سرای (آخرت) است».

آنگاه که مؤمنان پیروز شدند و حق به مردم رسید، با اسلام که فضل و رحمت الله و نعمت اوست که آن را بر بندگانش کامل کرد، رستگار شدند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ [یونس: ۵۸]. «بگو: به فضل الله و به رحمت او، پس باید بدان خوشحال شوند، که آن از آنچه می‌اندوزند؛ بهتر است».

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳]. «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را (بعنوان) دین برای شما بر گزیدم».

اسلام، دین مهرورزی و صلح و عدالت و دعوت به نیکی است

کسانی که اسلام را به ظلم و تجاوز و ایجاد کینه متهم می‌کنند، در کتاب الله و سنت رسولش ﷺ هیچ مطلبی نیافته‌اند که به چنین مواردی فراخواند. بلکه در کتاب الله، موارد زیر وجود دارد:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ [الحجرات: ۱۳]. «ای مردم! بی‌شک ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست».

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾
[النحل: ۱۲۵]. «با حکمت و پند نیکو (مردم را) به راه پروردگارت دعوت نما، و با روشی که
نیکوتر است، با آن‌ها (بحث و) مناظره کن».

﴿وَإِنْ جَاحُوا لِلْسَلْمِ فَأَجْنَحْ لَهَا﴾ [الأنفال: ۶۱]. «و اگر به صلح مایل شدند، پس تو (نیز)
از در صلح در آی».

﴿وَلَمَنْ أَتَىٰ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ﴾ (۵۱) ﴿إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ
يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (۴۲) ﴿وَلَمَنْ صَبَرَ
وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (۴۳) [الشوری: ۴۱-۴۳]. «و کسی که پس از ستمی که بر او
رفته است، انتقام بگیرد، پس اینانند که هیچ راه (ملامتی) بر آنان نیست. تنها راه (ملامت) بر
کسانی است که به مردم ستم می‌کنند، و در زمین به ناحق سرکشی (و ستم) می‌کنند،
اینانند که برایشان عذابی دردناک است. و کسی که شکیبایی کند، و در گذرد، بی‌گمان این
از کارهای سترگ (پسندیده) است».

﴿لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتُلُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُواكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَنْ
تَبْرُوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (۸) ﴿إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ
قَتَلُواكُم فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُواكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ
يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (۹) [المتحنة: ۸-۹]. «الله شما را از نیکی کردن و رعایت
عدالت نسبت به کسانی که در (امر) دین با شما جنگیده‌اند و شما را از دیارتان بیرون
نکرده‌اند، نهی نمی‌کند، بی‌گمان الله عدالت پیشگان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی
با کسانی نهی می‌کند که در (امر) دین با شما جنگیده‌اند و شما را از دیارتان بیرون کرده‌اند،
و بر بیرون‌راندن شما (دیگران را) کمک (و پشتیبانی) کرده‌اند، و هرکس با آن‌ها (رابط)
دوستی بگیرد، پس آنان ستمکارانند».

در سنت رسول الله نیز، دعوت به مهرورزی و نیکی مشاهده می‌شود، زیرا الله در
مورد پیامبر خویش می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۷]. «و
(ای پیامبر!) تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

دین اسلام، حتی در برابر متجاوز، به عدالت فرامی‌خواند و هیچ‌کس را به گناه
دیگری مجازات نمی‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۰]. «و در راه الله با کسانی که با شما می‌جنگند، جنگ کنید، و از حد تجاوز نکنید، که الله تجاوزگران را دوست نمی‌دارد».

﴿فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۳]. «تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست».

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ [الأنعام: ۱۶۴]. «و هیچ گناه‌کاری بارگناه دیگری را به دوش نمی‌گیرد».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [المائدة: ۸]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای الله قیام کنید و به عدالت گواهی دهید، دشمنی با گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید؛ عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است و از الله بترسید، همانا الله به آنچه می‌کنید؛ آگاه است».

ظلم و تجاوز و فتنه‌انگیزی و آسان‌گیری در خونریزی، خصلت دورغگویان است که ادعای اسلام می‌کنند تا از این طریق، تصویر اسلام را مخدوش کنند و مردم را از آن بازدارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ﴾ [البقرة: ۲۰۴-۲۰۶]. «و از مردم کسی هست که گفتارش در (باره) زندگی دنیا تو را به شگفت می‌اندازد و الله را بر آنچه در دل خود دارد؛ گواه می‌گیرد، و حال آنکه او سرسخت‌ترین دشمنان است. او هنگامی که روی بر می‌گرداند و می‌رود (و یا به ریاستی می‌رسد) در راه فساد در زمین کوشش می‌کند و کشت و نسل را نابود می‌سازد، و الله فساد و (تباهاکاری) را دوست نمی‌دارد. و چون به او گفته شود: «از الله بترس» خود بزرگ‌بینی و (تکبر) او را به گناه می‌کشاند. پس (آتش) جهنم او را کافی است و چه بد آرامگاهی است».

این فریب کاران که قصد فاسدکردن و گمراه ساختن مردم را دارند، سه ویژگی بارز دارند: بستن دروغ بر الله، خوردن اموال مردم به باطل و پیروی از شهوات:

الله متعال می فرماید: ﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۴۴]. «پس چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر الله دروغ بندد، تا مردم را از روی نادانی گمراه سازد؟! مسلماً الله گروه ستمکاران را هدایت نمی کند».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ﴾ [التوبة: ۳۴]. «ای کسانی که ایمان آورده اید! بی گمان بسیاری از احبار و رهبان اموال مردم را به باطل می خورند، و (دیگران را) از راه الله باز می دارند».

﴿وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۲۷]. «و کسانی که از خواسته های نفسانی پیروی می کنند؛ می خواهند شما دستخوش انحراف بزرگی شوید».

در مقابل، اسلام حقیقی به صلح فرامی خواند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَدْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ و لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ [البقرة: ۲۰۸]. «ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی به اسلام (و اطاعت خدا) در آید و گام های شیطان را پیروی نکنید، بدرستی که او برای شما دشمن آشکار است».

﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ [الأنفال: ۶۱]. «و اگر به صلح مایل شدند، پس تو (نیز) از در صلح در آی، و بر الله توکل کن».

﴿كَلِمًا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ [المائدة: ۶۴]. «و هر زمان آتش جنگی افروختند، الله آن را خاموش کرد، و آنان برای فساد در زمین می کوشند، و الله مفسدان را دوست ندارد».

دین الله، شایسته ترین دین برای بندگان است؛ زیرا خالق، مصحلت مخلوق را بهتر از همه می داند:

الله متعال می فرماید: ﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [الملك: ۱۴]. «آیا کسی که (همه موجودات را) آفریده است، (از حال آنها) نمی داند؟ در حالی که او باریک بین و آگاه است».

احکام دین الله، سعادت دنیوی و رستگاری در آخرت را به همراه دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ ﴿١٢٣﴾ وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا ﴿١٢٤﴾ طه: ۱۲۳-۱۲۴. «هر کس از هدایت من پیروی کند، پس نه گمراه می‌شود و نه به رنج افتد (و بدبخت شود). و کسی که از یاد من روی گردان شود، پس بی‌گمان زندگانی (سخت و) تنگی خواهد داشت».

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً﴾ [النحل: ۹۷]. «هر کسی که کار شایسته‌ای انجام دهد، (خواه) مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم».

کسی که حق برایش آشکار شود، چه کاری باید انجام دهد؟

هر گاه حق برای کسی که الله و رسولش را دوست دارد، آشکار شود، گناهان را ترک می‌کند و در دین الله درمی‌آید و خالصانه به خدا روی می‌آورد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾﴾ [غافر: ۶۶]. «ای پیامبر! بگو: همانا من نهی شده‌ام از اینکه کسانی را پرستش کنم که شما بجای الله می‌خوانید، چون نشانه‌های روشن از جانب پروردگارم برای من آمده است، و مأمور شده‌ام که برای پروردگار جهانیان تسلیم باشم».

سپس بسیار قرآن می‌خواند و در آیاتش تدبر می‌کند و می‌کوشد که بر اساس فرامین و آموزه‌های قرآن عمل کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾﴾ [ص: ۲۹]. «کتابی است پر برکت، که آن را بر تو نازل کردیم، تا در آیاتش تدبر کنند، و خردمندان پند گیرند».

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ [الإسراء: ۹]. «بی‌شک این قرآن، به راهی که آن استوارترین راه‌هاست؛ هدایت می‌کند».

و اگر از وقوع فتنه در دینش می‌ترسد، هیچ‌کس را از ایمان خویش آگاه نمی‌کند: الله در مورد مؤمن آل فرعون می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّ لَبَنُؤُا۟ مِّنۡ مَّاءٍۭ ۖ وَبَقِيَ آلُ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُونَ ۗ اٰیْمٰنُهُمْۙ اَتَقْتُلُوۡنَ رَجُلًاۙ اَنۡ یَّقُوۡلَ رَبِّیۡ اَللّٰهُ﴾ [غافر: ۲۸]. «و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت، گفت: آیا مردی را می‌کشید (برای آن) که می‌گوید: پروردگار من الله است.»

همچنین در مورد گروه جوانانی که به خاطر دینشان به‌سوی غار گریختند، می‌فرماید که به یکی از خودشان گفتند: ﴿وَلِيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ۗ إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا﴾ [الکھف: ۱۹-۲۰]. «و باید دقت کند، و هیچ‌کس را از حال شما آگاه نسازد. بدرستی که اگر آن‌ها (از وضع شما آگاه شوند و)، بر شما دست یابند، سنگسارتان می‌کنند، یا شما را به آئین خویش باز می‌گردانند، و در آن صورت هرگز رستگار نخواهید شد.»

سپس نزدیکان خویش را که در رأس آنان پدر و مادر و همسر و فرزندان هستند، دعوت می‌دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱۴]. «و خویشاوندان نزدیکت را هشدار بده.»

و با نزدیکانش به نیکویی همنشینی می‌کند، حتی اگر به دعوت و اندرز او پاسخ مثبت ندهند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۗ وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾ [لقمان: ۱۵]. «و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند که تو چیزی را که به آن علم نداری شریک من قرار دهی، پس از آنان اطاعت نکن، و در دنیا با آنان به شایستگی رفتار کن.»

در ادامه، به‌سوی الله دعوت می‌دهد، نه به‌سوی یکی از بندگان الله و نه به‌سوی قبیله یا حزبی، در حالی که به آنچه الله آن را بدان نامیده است، شناخته می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [فصلت: ۳۳]. «و چه کسی خوش‌گفتارتر است از کسی که به سوی الله دعوت کند، و کار شایسته انجام دهد، و گوید: «بی‌شک من از مسلمانان هستم؟!»»

﴿هُوَ سَمَّكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا﴾ [الحج: ۷۸]. «او (=الله) پیش از این (در کتب سابقه) و در این (قرآن نیز) شما را مسلمان نامید».

و دعوتش بر اساس علم و بینش نسبت به کتاب الله و سیره رسولش ﷺ است که در آن منزه دانستن و بزرگداشت الله و اعلام بیزاری از شرک و پیروانش، همراه مهربانی و اندرز نیکوست:

الله متعال می فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [یوسف: ۱۰۸]. «ای پیامبر! بگو: این راه من است، من با بصیرت (کامل) به سوی الله دعوت می کنم، و کسانی که از من پیروی کردند (نیز چنین می کند) و الله پاک و منزه است، و من از مشرکان نیستم».

الله متعال می فرماید: ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ [النحل: ۱۲۵]. «با حکمت و پند نیکو (مردم را) به راه پروردگارت دعوت نما، و با روشی که نیکوتر است، با آنها (بحث و) مناظره کن».

الله هنگام فرستادن موسی و هارون به سوی فرعون بسیار ستمگر، خطاب به آن دو فرمود:

﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ [طه: ۴۴]. «پس به نرمی با او سخن بگوئید، شاید که او پند گیرد یا (از پروردگارش) بترسد».

مؤمنان در دعوت به سوی الله و امر به معروف و نهی از منکر به

یکدیگر یاری می رسانند و هنگام اختلاف، با یکدیگر

دشمنی نمی کنند؛ زیرا با هم دوست هستند

الله متعال می فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ [التوبة: ۷۱]. «و مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان (و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند».

الله، پیامبر محمد ﷺ را در تورات و انجیل اینگونه توصیف می‌فرماید که به معروف امر می‌کند و از منکر باز می‌دارد و پاکیزه‌ها را حلال و پلیدی‌ها را حرام می‌داند. خبث [پلیدی] هر چیزی است که به فرد یا اجتماع آسیب برساند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ﴾ [الأعراف: ۱۵۷]. «آنان که از (این) رسول (الله)، پیامبر (امی)» (= درس ناخوانده) پیروی می‌کنند، که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است، نوشته می‌یابند. آن‌ها را به (کارهای) خوب و پسندیده فرمان می‌دهد و از زشتی (و کارهای ناپسند) بازشان می‌دارد».

این امر، از اسباب برتری امت اسلام است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]. «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: امر به معروف می‌کنید و نهی از منکر می‌نمائید، و به الله ایمان دارید».

برپایی امر به معروف و نهی از منکر، سبب اتحاد و رستگاری و پراکنده‌نشدن مؤمنان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَتَكُنَّ مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۰۴﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۰۵﴾﴾ [آل عمران: ۱۰۴-۱۰۵]. «و باید از میان شما، گروهی باشند که (مردم را) به نیکی دعوت کنند، و به کار شایسته وا دارند و از زشتی باز دارند، و آنانند که رستگارند. و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از آنکه دلایل روشن برایشان آمد، و اینان برایشان عذاب بزرگی است».

الله مباح را که انجام آن جایز است و حرام را که انجام آن جایز نیست برای بندگانش مشخص کرده است.

اصل در عبادات، تحریم است؛ بنابراین، هر عبادتی که با آن قصد تقرب به الله مدنظر باشد، حرام است مگر اینکه از مواردی باشد که الله و رسولش بیان فرموده‌اند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾ [الأعراف: ۳]. «آنچه از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده، پیروی کنید، و از اولیاء (و معبودهای) دیگر جز او، پیروی نکنید، چه اندک پند می‌پذیرید».

﴿أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ وَأَتَّبِعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ [محمد: ۱۴]. «آیا کسی که از سوی پروردگارش بر شیوة روشنی باشد، همانند کسی است که کردار بد او در نظرش آراسته شده و از هواهای (نفسانی) خود پیروی می‌کنند؟!».

اصل در اشیاء اباحه است؛ بنابراین هر چیزی مباح است مگر آنکه الله و رسولش ﷺ آن را حرام قرار داده باشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ [الأعراف: ۳۲]. «بگو: چه کسی لباس (و زینت‌های) را که الله برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟!».

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَقِ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ [الأنعام: ۱۵۱]. «بگو: «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است، برای‌تان بخوانم: آنکه چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندان‌تان را از (بیم) فقر نکشید، ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم، و به (کارهای) زشت و ناشایست آنچه آشکار باشد یا پنهان نزدیک نشوید و کسی را که الله (کشتنش) را حرام کرده است، جز به حق؛ نکشید».

الله مردار را حرام کرد و انواع آن را مشخص نمود «حیواناتی که خفه شده‌اند، حیواناتی که با شکنجه و کتک مرده‌اند، حیواناتی که به سبب پرتاب از ارتفاع مرده‌اند، حیواناتی که بر اثر شاخ‌زدن حیوانات دیگر مرده‌اند، و حیواناتی که درندگان از بدن آنان چیزی خورده و به این سبب مرده‌اند» خون، گوشت خوک، آنچه که هنگام ذبح نام الله بر آنها برده نشده باشد، آنچه جهت عبادت برای بت‌ها ذبح شود. همچنین الله سبحانه حرام قرار داده است که چوبه‌های تیر برای دانستن آنچه الله قسمت و مقدر کرده است به کار گرفته شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَلْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْفُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَاللَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَمِ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ﴾ [المائدة: ۳]. «گوشت) مردار، و خون و گوشت خوک و آنچه (هنگام ذبح) نام غیر الله بر آن برده شود، و (حیوانات) خفه شده، و با ضربه مرده، و از بلندی افتاده، و به ضرب شاخ (حیوان دیگری) مرده، و آنچه درندگان خورده باشند، - مگر آنکه ذبح (شرعی) کرده باشید-، و آنچه برای بت‌ها ذبح شده، و آنکه با تیرهای فال؛ بخت و قسمت طلب کنید (همه) بر شما حرام شده، و (روی آوردن به تمام) این‌ها فسق و نافرمانی است».

﴿وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ﴾ [الأنعام: ۱۲۱]. «و از آنچه (هنگام ذبح) نام الله بر آن برده نشده، نخورید و همانا این (عمل) نافرمانی (و گناه) است».

الله خمر و قمار را حرام کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [البقرة: ۲۱۹]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها، و تیرهای قرعه، پلید و از عمل شیطان است. پس از آن‌ها دوری کنید، تا رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد الله و از نماز باز دارد؛ پس آیا شما خودداری خواهید کرد؟!».

الله ربا را حرام کرد:

﴿وَاحْلَ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [البقرة: ۲۷۵]. «و در حالی که الله داد و ستد را حلال کرده و ربا را حرام نموده است. پس همانا هر کس که از (جانب) پروردگارش پندی به او برسد، آنگاه (از ربا خواری) باز ایستاد، آنچه گذشته و (قبل از نزول حکم دریافت کرده است) از آن اوست. و کارش به الله و اگذار می‌شود، و کسی که (به) ربا خواری) باز گردد، آنان اهل آتشند و در آن جاویدان خواهند بود».

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ ﴿۷۸﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ [البقرة: ۲۷۸-۲۷۹]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از الله بترسید و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده است رها کنید؛ اگر مؤمن هستید. پس اگر (چنین) نکرديد، يقين داشته باشید که الله و رسولش با شما جنگ خواهند کرد».

سفارش الله به بندگان:

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ عَلَىٰ آلَا تَشْرِكُوا بِهِء شَيْءًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِّنْ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّيْتُكُمْ بِهِء لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ ﴿۱۵۱﴾ وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّيْتُكُمْ بِهِء لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ ﴿۱۵۲﴾ [الأنعام: ۱۵۱-۱۵۲].

«بگو: بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است، برای‌تان بخوانم: آنکه چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندان‌تان را از (بیم) فقر نکشید، ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم، و به (کارهای) زشت و ناشایست آنچه آشکار باشد یا پنهان نزدیک نشوید، و کسی را که الله (کشتنش) را حرام کرده است، جز به حق؛ نکشید، این چیزی است که الله شما را به آن سفارش نموده است؛ باشد که خرد ورزید. و به مال یتیم نزدیک نشوید، مگر به نیکوترین وجهی (که برای اصلاح باشد)، تا به سن رشد خود (و بلوغ) برسد، و (حق) پیمان‌ه و وزن را به عدالت ادا کنید، ما هیچ کس را جز به اندازه توانش، تکلیف نمی‌کنیم. و هرگاه سخن گوئید (یا داوری کنید و یا شهادت می‌دهید)، پس عدالت را رعایت کنید، حتی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد. و به عهد و پیمان الله وفا کنید، این چیزی است که الله شما را به آن سفارش نموده است، تا متذکر شوید».

یکی دیگر از انواع محرمات، شنیدن سخنان بیهوده و پوچ یا خریدن چنین سخنانی با مال است. سخنان پوچ، قلب را سخت می‌کند و آن را از آیات الله و پیروی از راه او دور می‌سازد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ ﴿۶﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءآيَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَانَ لَمْ يَسْمَعَهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ ﴿۷﴾ [لقمان: ۶-۷]. «و

از مردم کسی هست که سخنان بیهوده را می‌خرد؛ تا به نادانی (مردم را) از راه الله گمراه سازد، و آن (آیات) را به ریخشد می‌گیرد، اینان برایشان عذاب خوار کننده است. و هنگامی که آیات ما بر او خوانده شود، تکبرکنان روی می‌گرداند، گویا که آن را نشنیده است، گویا در گوش‌هایش سنگینی است، پس او را به عذابی دردناک بشارت ده.»

الله به بندگانش فرمان داد که آنچه را نمی‌دانند پیروی نکنند؛ زیرا الله در مورد آنچه گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌هایشان را در آن به کار می‌اندازند، از آنان سوال خواهد کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿۳۶﴾﴾ [الإسراء: ۳۶]. «و از آنچه به آن علم نداری، پیروی نکن، بدون شک گوش و چشم و دل، هر یک از این‌ها از آن باز خواست خواهند شد.»

حلال همان چیزی است که الله حلال فرموده و حرام همان چیزی است که الله حرام فرمود. هرکس در حلال کردن آنچه الله آن را حرام قرار داده یا حرام کردن آنچه الله آن را حلال قرار داده است از علما اطاعت کند، به تحقیق که آنان را اربابانی به جای الله برگزیده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۳۱﴾﴾ [التوبة: ۳۱]. «(آن‌ها) دانشمندان و رهبان خویش، و (همچنین) مسیح پسر مریم را معبودانی بجای الله گرفتند؛ در حالی که دستور نداشتند جز الله یکتایی را که هیچ معبودی (به حق) جز او نیست؛ بپرستند، او پاک و منزّه است از آنچه شریک او قرار می‌دهند.»

وقتی که این علمای دینی و پارسایان می‌بینند مردم در تحلیل آنچه الله حرام قرار داده و در تحریم آنچه الله حلال قرار داده، از آنان فرمانبرداری می‌کنند، احساس عظمت می‌کنند و بر دین الله عزوجل برتری می‌جویند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِّنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَن بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۲۱﴾﴾ [الشورى: ۲۱]. «آیا (مشرکان) معبودانی دارند که بدون اجازه الله آیینی برای آن‌ها مقرر داشته‌اند؟! و اگر و عده فیصله بخش (سابق، در تأخیر عذاب‌شان) نبود، یقیناً در میان آن‌ها داور می‌شد، و بی‌گمان برای ستمکاران عذابی دردناک است.»

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ ءَآلَهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾ وَمَا ظَنَّ الَّذِينَ يَفَكَّرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ [یونس: ۵۹-۶۰]. «بگو: به من خبر دهید؛ آنچه از رزق که الله برای شما نازل کرده است، پس بخشی از آن را حلال، و بخشی را حرام نموده‌اید؟!» بگو: «آیا الله به شما اجازه داده است یا بر الله دروغ می‌بندید؟ و کسانی که بر الله دروغ می‌بندند، (در باره‌ی) روز قیامت چه می‌پندارند؟!».

اسلام، همان دین الله است که هیچ دینی غیر از آن پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا اسلام، دین حق و رحمت بر بندگان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾﴾ [آل عمران: ۸۵]. «و هر کس که دینی غیر از اسلام بر گزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد، و او در آخرت از زیانکاران است».

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ [البقرة: ۱۸۵]. «الله برای شما آسانی می‌خواهد، و برای شما دشواری نمی‌خواهد».

﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا ﴿٢٨﴾﴾ [النساء: ۲۸]. «الله می‌خواهد کار را بر شما سبک و آسان کند، و انسان، ضعیف و ناتوان آفریده شده‌است».

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [النساء: ۲۹]. «و خودتان را نکشید، زیرا الله (نسبت) به شما مهربان است».

الله به محافظت از نفس فرمان داده و از قتل نهی فرموده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٧﴾ لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسٍ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ إِنَّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٨﴾ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿٩﴾ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٠﴾﴾

[المائدة: ۲۷-۳۰]. «و (ای پیامبر ما) داستان دو فرزندان آدم (هابیل و قابیل) به حق بر آن‌ها بخوان: هنگامی که (هر کدام) برای تقرب (الهی) قربانی تقدیم کردند؛ پس از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد (او) گفت: «قطعاً تو را خواهم کشت» (برادرش) گفت: «الله فقط از

پرهیزگاران می‌پذیرد (من تقصیری ندارم). اگر تو دستت برای کشتن من دراز کنی من هرگز دست خود را به سوی تو دراز نخواهم کرد تا تو را بکشم، زیرا من از الله پروردگار جهانیان می‌ترسم. من می‌خواهم که تو با گناه من و گناه خودت باز گردی (و بار هر دو را بر دوش کشی) و از اهل دوزخ باشی و این است سزای ستمکاران». پس نفس (سرکش) او؛ کشتن برادرش را برایش آراسته (و موجه و آسان) جلوه داد، و او را کشت و از زیانکاران شد.»

﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾ [المائدة: ۳۲]. «هر کس انسانی را بدون اینکه مرتکب قتل نفس یا فساد در زمین شده باشد؛ بکشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را کشته باشد و هر کس انسانی را از مرگ نجات دهد؛ چنان است که گویی همه‌ی مردم را زنده کرده است.»

الله خانواده‌ی کسی را که از روی ستم به قتل رسیده است از اسراف در قصاص نهی فرموده است؛ زیرا شریعت الله او را یاری می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾ [الإسراء: ۳۳]. «و کسی که مظلوم کشته شود، برای و لیش (برای حق قصاص) قدرتی قرار داده‌ایم، پس در کشتن (و خون‌خواهی) اسراف نکند، بی‌گمان او مورد حمایت است.»

قاتل خودش به تنهایی قصاص می‌شود و دیگران به سبب جنایت او، به قتل نمی‌رسند: الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرٰی﴾ [الأنعام: ۱۶۴]. «و هیچ گناه‌کاری بارگناه دیگری را به دوش نمی‌گیرد.»

﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ﴾ [المائدة: ۴۵]. «و در آن (= تورات) بر آن‌ها (= بنی اسرائیل) مقرر داشتیم که جان در برابر جان، و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی، و گوش در برابر گوش، و دندان در برابر دندان می‌باشد، و (نیز) زخم‌ها را قصاص است.»

قصاص، سبب زندگی اجتماعی است؛ زیرا کسی که قصد قتل دارد، اگر بداند که کشته خواهد شد، از قتل خودداری می‌کند و بدین ترتیب، جامعه محفوظ می‌ماند:

اللّٰهُ مَتَعَالٍ مِّمَّنْ يَلْمِزُكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَتَاوَلِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿١٧٩﴾ [البقرة: ۱۷۹]. «و ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص حیات و زندگی است، باشد که شما تقوا پیشه کنید».

بریده‌شدن دست دزد، سبب محافظت دستان کسانی می‌شود که قصد دزدی دارند و نیز اموال آنان و اموال مردم محفوظ می‌ماند:

اللّٰهُ مَتَعَالٍ مِّمَّنْ يَلْمِزُكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَتَاوَلِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿١٧٩﴾ [البقرة: ۱۷۹]. «دست مرد دزد و زن دزد را به سزای عملی که مرتکب شده‌اند؛ بعنوان یک عقوبتی از جانب الله؛ قطع کنید، و الله نیرومند حکیم است». کسانی که به خاطر ایمان مردم به الله و رسولش با آنان می‌جنگند و در زمین دست به فساد می‌زنند و امنیت مردم را به ترس تبدیل می‌کنند، مجازات شدیدی دارند:

اللّٰهُ مَتَعَالٍ مِّمَّنْ يَلْمِزُكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَتَاوَلِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿١٧٩﴾ [البقرة: ۱۷۹]. «سزای کسانی که با الله و پیامبرش می‌جنگند، و در زمین به فساد می‌کوشند، فقط این است که کشته شوند، یا به دار آویخته شوند، یا دست (راست) و پای (چپ) آن‌ها بعکس یکدیگر بریده شود، و یا از سر زمین خود تبعید گردند، این رسوایی آن‌ها در دنیاست، و در آخرت عذاب بزرگی خواهند داشت».

یکی از نمونه‌های رحمت گسترده‌ی الله بر بندگانش این است که باب توبه را حتی پس ارتکاب جرائم، بر روی آنان گشوده است:

اللّٰهُ مَتَعَالٍ مِّمَّنْ يَلْمِزُكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَتَاوَلِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿١٧٩﴾ [البقرة: ۱۷۹]. «مگر کسانی که پیش از آنکه بر آنان دست یابید، توبه کنند، پس بدانید که همانا الله آمرزنده‌ی مهربان است».

﴿فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَآءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَآءُ وَاللّٰهُ

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٠﴾ [المائدة: ۳۹-۴۰]. «پس هر کس که بعد از (گناه و) ستمش توبه کند و (اعمال خود را) اصلاح و جبران نماید، همانا الله توبه او را می‌پذیرد، بی‌گمان الله آمرزنده‌ی مهربان است. آیا نمی‌دانی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن الله است؟! هر کس را بخواهد عذاب می‌کند و هر کس را بخواهد می‌بخشد، و الله بر هر چیزی قادر است.»
اما الله سبحانه بر مجرمان واجب گردانیده است که داد ستم‌دیدگان را به آنان بازگرداند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ [النساء: ۵۸]. «بی‌گمان الله به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها باز گردانید.»

جامعه مؤمن، جامعه‌ای پاک است؛ زیرا مؤمنان زنا نمی‌کنند

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾﴾ [الفرقان: ۶۸]. «و کسانی که با الله معبود دیگر را نمی‌خوانند، و نفسی را که الله (کشتنش را) حرام کرده است، جز به حق نمی‌کشند، و زنا نمی‌کنند، و هر کس چنین کند، مجازات گناه (خود) را خواهد دید.»

زیرا انتشار زنا میان مردم، آنان را از تکریم ربانی فرزندان آدم پایین می‌آورد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَجْدِ وَالْبَحْرِ﴾ [الإسراء: ۷۰]. «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آن‌ها را در خشکی و دریا (بر مرکبها) حمل کردیم.»

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾ [محمد: ۱۲]. «و کسانی که کافر شدند (از متاع دنیوی) بهره می‌گیرند و می‌خورند همچنان که چارپایان می‌خورند، و آتش (جهنم) جایگاه آنان است.»

زنا، کاری ناشایست و راهی بد است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿٣٢﴾﴾ [الإسراء: ۳۲]. «و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است!».

الله به جای زنا، نکاح را که از آن بهتر است برای مؤمنان برگزید

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبْعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ [النساء: ۳]. «(و) با زنانی (دیگر) که مورد پسند شماست دو دو، و سه سه، چهار چهار، ازدواج کنید. پس اگر بیم دارید که نتوانید عدالت کنید، به یک (زن) یا به آنچه (از کنیزان) که مالک آن‌ها هستید (اکتفا نمایید)».

زنان محرمی که ازدواج مرد با آنان جایز نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿۲۳﴾ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبِّبَاتُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِمَّنْ نَسَأْتِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَاخْتِلَافُ الْأَخْتَيْنِ مِنَ الْأَخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۲۴﴾ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾ [النساء: ۲۲-۲۴]. «(و) با زنانی که پدران‌تان (با آن‌ها) ازدواج کرده‌اند، ازدواج نکنید، مگر آنچه (زمان جاهلیت بوده و) گذشته است، چرا که این کار، عملی زشت و منفور و راه و روش بسیار بدی است. حرام شده است بر شما: مادران‌تان، و دختران‌تان، و خواهران‌تان، و عمه‌هایتان، و خاله‌هایتان، و دختران برادر، و دختران خواهر، و مادران‌تان که به شما شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران زنان‌تان، و دختران همسران‌تان که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آن‌ها همبستری کرده‌اید، پس اگر با آن‌ها همبستری نکرده‌اید؛ بر شما گناهی نیست (که با دختران‌شان ازدواج کنید) و (همچنین) زنان پسران‌تان که از پشت و صلب خوتان هستند، و (نیز) جمع میان دو خواهر (بر شما حرام است) مگر آنچه که در گذشته رخ داده باشد که الله آمرزنده‌ی مهربان است. و زنان شوهردار (بر شما حرام است) مگر زنانی که مالک آنان شده‌اید. (این) فریضه‌ی الهی است که بر شما مقرر داشته است».

غیر از زنان مذکور، ازدواج با سایر زنان حلال است تا مردان با اموال‌شان به دنبال پاکدامنی باشند و از حرام دوری کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَحِلَّ لَكُمْ مَّا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْلِفِينَ﴾ [النساء: ۲۴]. «و غیر از این‌ها (که گفته شد) برای شما حلال است با اموال خود (زنان دیگر را) طلب کنید - در حالی که پاکدامن باشید و زناکار نباشد.»
مردان باید مهریه همسران‌شان را در برابر اینکه از حرام محافظت می‌شوند به عنوان یک فریضه بپردازند و پس از تعیین مهریه، گناهی بر آنان نیست که در صورت توافق، بر مهریه بیفزایند یا از آن کم کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَمَا أَسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرْضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۲۴]. «پس آن زنانی را که (به ازدواج در آوردید و) از آنان کام گرفتید، باید مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید، و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهریه با یکدیگر توافق کنید، بی‌گمان الله دانای حکیم است.»

مهریه، شرط واجبی است تا زن برای شوهرش حلال شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنْ أَحَلَّلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ﴾ [الأحزاب: ۵۰]. «ای پیامبر! ما همسرانت را که مهرشان را پرداخته‌ای برای تو حلال کردیم.»
اما کسی که به سبب تنگدستی، قادر بر پرداخت مهریه زنان آزاد نباشد، می‌تواند با کنیزان مؤمن ازدواج کند، البته پس از موافقت صاحبان آنان و پرداخت مهریه‌شان و به شرط اینکه آن کنیزان از حرام پاک باشند و زناکار نباشند و دوستان نامشروع نداشته باشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَن يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّن فِتْيَتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِّن بَعْضٍ فَاذْنِ أَهْلَهُنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسْلِفَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ﴾ [النساء: ۲۵]. «و هر کس از شما از لحاظ مالی توانایی ازدواج با زنان آزاده مؤمن؛ نداشته باشد، پس با کنیزان با ایمانی که ملک یمین شما هستند (ازدواج کند) و الله به ایمان شما داناتر است. برخی از برخی هستند، پس آنان را با اجازه صاحبان‌شان به ازدواج خود در آورید، و مهرشان به طور پسندیده به آنان بدهید. (به شرط آنکه) پاکدامن باشند، نه زناکار، و نه آنان که در پنهانی دوست گیرند.»

این امر برای کسی است که می‌ترسد به زنا گرفتار شود و شکیبایی بر او دشوار است و گرنه، بهتر است با کنیزان ازدواج نکند تا الله او را بی‌نیاز گرداند و با زن آزاد ازدواج کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [النساء: ۲۵]. «این (اجازه ازدواج با کنیزان) برای کسانی از شماست که از آرایش گناه بترسد، و صبر (و پاکدامنی) پیشه کردن؛ برایتان بهتر است. و الله آمرزنده‌ی مهربان است.»

﴿وَلَيْسَتَّعْفِيفُ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ [النور: ۳۳]. «و کسانی که (اسباب و امکانات) ازدواج را نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند؛ تا الله آنان را از فضل خود بی‌نیاز گرداند.»

مومنان، عورت‌هایشان را از حرام حفظ می‌کنند مگر در مورد همسران یا کنیزان‌شان که الله برایشان مباح قرار داده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿۵﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿۶﴾ فَمَنْ أَتَبَعِيَ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿۷﴾﴾ [المؤمنون: ۵-۷]. «و آن‌ها که شرمگاه‌شان را حفظ می‌کنند. جز بر همسران‌شان یا (بر) کنیزان‌شان، پس بی‌گمان اینان (در بهره‌گیری از آنان) ملامت نمی‌شوند. پس کسی که فراتر از این بخواهد، آنانند که تجاوز کردند.»

الله حدود را مقرر فرمود تا مؤمنان از انحراف مصون بمانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَذَابُهُمَا طَآئِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۲﴾﴾ [النور: ۲]. «هر یک از زن و مرد زنا کار را صد تازیانه بزنید، و اگر به الله و روز آخرت ایمان دارید نباید در (اجرای احکام) دین الله نسبت به آن دو (زن و مرد) رأفت (و رحمت کاذب) داشته باشید، و باید گروهی از مؤمنان بر مجازات‌شان (شاهد و) حاضر باشند.»

﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۴﴾﴾ [النور: ۴]. «و کسانی که زنان پاکدامن را

به زنا) متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد نمی‌آورند، پس آن‌ها را هشتاد تازیانه بزیند، و هرگز شهادت‌شان را نپذیرید، و اینانند که فاسق‌اند».

الله، حدود و نیز مجازات کسی که از حدود تجاوز کند را مقرر فرمود؛ بنابراین، هرکس پس از آگاهی، از حدود تجاوز کند، الله بر او ظلم نکرده است، بلکه خود بر خویشتن ستم روا داشته است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾ [الطلاق: ۱]. «و این حدود الله است، و هرکس از حدود الله تجاوز کند پس مسلماً به خود ستم کرده است».

مومن در برابر دستورات الله تسلیم است و می‌گوید: «سمعنا و اطعنا»:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۵۱]. «سخن مؤمنان هنگامی که به سوی الله و پیامبرش خوانده شوند تا میان آن‌ها داوری کند، فقط این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم» و اینان همان رستگارانند».

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾ [الأحزاب: ۳۶]. «و هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنی را نسزد؛ هنگامی که الله و پیامبرش کاری را حکم کند، آنکه آن‌ها در کارشان اختیاری باشد، و هرکس الله و پیامبرش را نافرمانی کند، به راستی که در گمراهی آشکاری گرفتار شده است».

مؤمن می‌داند که الله همان مالک حقیقی است که حکم قابل اجرا از آن اوست؛ بنابراین، هر آنچه را بخواهد انجام می‌دهد و هر حکمی را که بخواهد صادر می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۳]. «(الله) از آنچه می‌کند، باز خواست نمی‌شود، و آنان باز خواست می‌شوند».

﴿وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعْتَبَءَ لِحُكْمِهِ﴾ [الرعد: ۴۱]. «و الله حکم می‌کند، و هیچ کس نمی‌تواند حکم او را رد کند».

﴿إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ [الحج: ۱۴]. «مسلماً الله آنچه را می‌خواهد، انجام می‌دهد».

الله سبحانه، هیچ شریکی در حکم و داوری خویش ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا يُشْرِكْ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا﴾ [الکهف: ۲۶]. «و او تعالی هیچ کس را در حکم خود شریک نمی‌کند».

مؤمن می‌داند که حکم الله، بهترین حکم است

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [المائدة: ۵۰]. «آیا آن‌ها حکم جاهلیت را می‌خواهند؟! چه کسی بهتر از الله، برای گروهی که یقین دارند، حکم می‌کند؟!». هر کس از آنچه که الله نازل فرمود پیروی نکند؛ به تحقیق که از هوای نفس خویش پیروی می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ﴾ [المائدة: ۴۸]. «پس به آنچه الله نازل کرده است در میان آن‌ها حکم کن و از هوی و هوس‌های آنان به جای آنچه از حق که به تو رسیده است، پیروی نکن (و از احکام الهی روی مگردان)».

حکم بر اساس آنچه الله نازل فرمود، حقیقت و حکم به غیر آن، گمراهی است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ [ص: ۲۶]. «ای داوود! ما تو را در زمین خلیفه (= فرمانروا) قرار دادیم، پس به حق در میان مردم داوری کن، و از هوای (نفس) پیروی نکن که تو را از راه الله گمراه می‌کند».

اگر مؤمن پس از نافرمانی، احساس کوتاهی و گناه کند و پس از آن، توبه کند، الله توبه‌اش را می‌پذیرد؛ زیرا در برابر حکم الله تسلیم شده است و در شریعت الله با او منازعه نکرده است. اما اگر بر حکم الله اعتراض کند و آن را نپذیرد، از ایمان محروم است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵]. «نه، سوگند به پروردگارت که آن‌ها ایمان نمی‌آورند، مگر اینکه در اختلافات خویش تو را داور قرار دهند، و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند».

کافران به غیر آنچه الله نازل فرمود، حکم صادر می‌کنند و با این کار، به خودشان و مردمی که به غیر آنچه الله نازل فرمود آنان را به داوری می‌پذیرند، ستم می‌کنند و هر کس چنین کند، از اطاعت الله خارج شده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [المائدة: ۴۴]. «و هر کس به احکامی که الله نازل کرده است حکم نکند؛ کافر است».

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [المائدة: ۴۵]. «و هر کس به احکامی که الله نازل کرده است حکم نکند؛ ستمگر است».

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفٰلسِقُونَ﴾ [المائدة: ۴۷]. «و هر کس به آنچه الله نازل کرده حکم نکند؛ نافرماند».

با حکم بر اساس آنچه الله نازل فرمود، جامعه مؤمنان از پستی‌ها پاک می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [المائدة: ۶]. «الله نمی‌خواهد بر شما دشواری قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام کند، باشد که شکر گزارید».

الله برای محافظت بندگان از زنا، آنان را از اسباب نزدیک‌کننده به زنا نهی فرموده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ اِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۳۲]. «و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است!».

اما شیطان، دوستانش را از فقر می‌ترساند و فرمان می‌دهد که خود را کمتر بپوشانند تا آنان را در رذیلت بیندازد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الشَّيْطٰنُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۶۸]. «شیطان شما را (به هنگام انفاق می‌ترساند و) وعده تهی دستی می‌دهد، و شما را به زشتی‌ها امر می‌کند. و در حالی که الله از جانب خود به شما وعده آمرزش و فزونی (نعمت) می‌دهد، و الله گشایشگر داناست».

﴿يٰٓبَنِيٓ اٰدَمَ قَدْ اَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوٰى ذٰلِكَ خَيْرٌ ذٰلِكَ مِّنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ لَعَلَّكُمْ يَذَّكَّرُوْنَ﴾ [البقرة: ۱۸]. «یٰ بنی آدم! ما برای شما لباسی نازل کردیم که بر روی زشتی‌های شما را می‌پوشاند و ریش را می‌پوشاند. و لباس تقوا، آن است که بهتر است. این از آیات الله است تا شما را یادآور کند».

أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾

[الأعراف: ۲۶-۲۷]. «ای فرزندان آدم! به راستی برای شما لباسی که شرمگاهتان را می پوشاند و

(مایه)

حجابی که الله زنان مؤمن را بدان فرمان داده است، چیست؟

منظور از واژهٔ حجاب در قرآن کریم، حجاب کامل و پوشش و ستر است نه به معنای پوشاندن بخشی از بدن و آشکارساختن بخش دیگری از آن:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَبِّئُهُمَا حِجَابٌ﴾ [الأعراف: ۴۶]. «و در میان آن دو (گروه بهشتی و دوزخی) حجابی است».

طبری در تفسیر خویش می‌گوید: حجاب، مانع میان بهشت و جهنم است که همان سور است.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا﴾ [الإسراء: ۴۵]. «و (ای پیامبر!) هنگامی که قرآن بخوانی، میان تو و میان کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم».

طبری می‌گوید: بین تو و بین آنان حجابی قرار دادیم که مانع می‌شود از اینکه دل‌هایشان آنچه را بر آنان می‌خوانی بفهمند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا﴾ [مریم: ۱۷]. «پس میان خود و آن‌ها پرده‌ی کشید».

طبری می‌گوید: یعنی پوششی میان خود و اهل خویش افکند که او را از آنان و مردم در پوشش قرار می‌داد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ [الأحزاب: ۵۳]. «و هنگامی که چیزی (از وسایل زندگی به عاریت) خواستید، پس از آنان (= زنان پیامبر) از پشت پرده بخواهید، این (کار) برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است».

طبری می‌گوید: از پشت پرده‌ای میان شما و آنان.

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾ [ص: ۳۲]. «پس گفت: «من این اسبان را به خاطر (فرمان) پروردگارم دوست دارم» (و پیوسته به آن‌ها نگاه می‌کرد) تا از دیدگانش پنهان شدند».

طبری می‌گوید: تا اینکه خورشید در پرده پنهان شد؛ یعنی: در غروب خویش ناپدید گشت.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكْتَةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ﴾ [فصلت: ۵]. «و گفتند: «دل‌های ما از آنچه ما را به آن دعوت می‌کنی در پوشش‌های است، و در گوش‌هایمان سنگینی است، و میان ما و تو حجابی است». طبری می‌گوید: می‌گویند: ای محمد، میان ما و تو، حفاظی است که مانع از اجتماع ما و تو می‌شود تا یکدیگر را ببینیم. منظور از این حجاب، اختلاف آنان در دین است.

الله می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ﴾ [الشوری: ۵۱]. «و برای هیچ بشری (ممکن) نیست که الله با او سخن بگوید، مگر با وحی یا از پس پرده».

طبری می‌گوید: ﴿أَوْ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ﴾: یا از پس پرده‌ای با او سخن بگوید، به گونه‌ای که صدایش را می‌شنود اما خودش را نمی‌بیند. الله به زنان مؤمن فرمان می‌دهد که زیورهای خود را از چشم مردان بیگانه بپوشانند تا کسی که قلب بیماری دارد به طمع نیفتد؛ بنابراین نباید لباس تنگی که جزئیات بدنشان را آشکار می‌کند و نیز لباس نازک و شفاف بپوشند؛ بلکه زیورهای بدن خویش را با حجاب بپوشانند. خود حجاب نیز نباید به سبب رنگ یا زیبایی یا نوع دوخت، زیور باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ [النور: ۳۱]. «و زینت خود را آشکار نکنند؛ جز آنچه از آن که (طبعاً خودش) نمایان است». البته همین مقداری که به صورت طبیعی آشکار می‌گردد نیز باید بدون قصد باشد و مشتاق باشند که آن را مخفی نگه دارند، مانند آنچه که از لباسشان بدون قصد آشکار می‌شود.

﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾ [النور: ۳۱]. «و (زنان) نباید (هنگام راه رفتن) پاهای خود را (به زمین) بکوبند، تا آنچه از زینت‌شان را که پنهان کرده‌اند، دانسته شود».

بنابراین، زن مؤمن، زیورهای بدن خویش را می‌پوشاند و بسیار مشتاق است که اساساً مردان نسبت به وجود آن آگاه نشوند که این کار برای افراد پاکیزه‌تر است. یکی از همسران پیامبر رضی الله عنهن روسری بر سرش می‌پوشید تا موهایش آشکار نشود و بر روی آن، پوششی چادرمانند قرار می‌داد تا سر و سایر بدنش را

بپوشاند؛ الله سبحانه به آنان دستور داد تا روسری‌ها و چارقد‌های خود را بر سر و بدن خویش فروافکنند تا یقه‌هایشان را بپوشاند و سینه‌هایشان آشکار نشود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ [النور: ۳۱]. «و باید (اطراف) مقنعه‌های خود را بر گریبان‌های‌شان بیفکنند (تا چهره و گردن و سینه با آن پوشیده گردد) و زینت خود را آشکار نسازند».

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۹]. «ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «چادرهای خود را بر خویش فرو افکنند، (و با آن سر و صورت و سینه‌هایشان را بپوشانند) این مناسب‌تر است تا شناخته شوند؛ پس مورد آزار قرار نگیرند، و الله آمرزندهٔ مهربان است».

جلباب، پوشش کاملی در برابر تمام مردان بیگانه است؛ چنانکه با این پوشش شناخته می‌شوند و مورد آزار قرار نمی‌گیرند.

اما زنان مؤمن که زیورهای خویش را از چشم مردان بیگانه می‌پوشانند، در منازل‌شان آنها را در برابر نزدیکان و زنان خویش آشکار می‌کنند؛ زیرا منازل، محل آرامش و استقرار زنان مؤمن است و بیشتر زمان خویش را در منازل سپری می‌کنند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ﴾ [الأحزاب: ۳۳]. «و در خانه‌های خود بمانید، و به شیوهٔ جاهلیت نخستین زینت‌های خود را آشکار نکنید».

زینت و زیور کامل زن، برای شوهرش است و در برابر سایر نزدیکان و زنان محرم، همان زیوری را آشکار می‌کند که برای مردان بیگانه حرام است؛ زیرا الله، نزدیکان و زنان شخص را از اینکه زن زیور خود را در برابر آنان بپوشاند استثنا کرده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّبِيعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْزِقِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْوَالِدِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ

الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۳۱﴾ [النور: ۳۱]. «و زینت خود را آشکار نکنند؛ جز آنچه از آن که (طبعاً خودش) نمایان است، و باید (اطراف) مقنعه‌های خود را بر گریبان‌هایشان بیفکنند (تا چهره و گردن و سینه با آن پوشیده گردد) و زینت خود را آشکار نسازند؛ مگر برای شوهران‌شان، یا پدران‌شان، یا پدر شوهران‌شان، یا پسران‌شان یا پسران شوهران‌شان، یا برادران‌شان یا پسران برادران‌شان، یا پسران خواهران‌شان یا زنان (هم کیش) شان یا بردگان‌شان یا مردان (سفیه) خدمت‌کاری که رغبتی (به زنان) ندارند، یا کودکانی که بر شرمگاه زنان آگاهی نیافته‌اند، و (زنان) نباید (هنگام راه رفتن) پاهای خود را (به زمین) بکوبند، تا آنچه از زینت‌شان را که پنهان کرده‌اند، دانسته شود، و ای مؤمنان! همگی به سوی الله توبه کنید، تا رستگار شوید».

پس از این بیان، الله بخشنده و توبه‌پذیر، در توبه را به روی بندگانش گشوده است؛ زیرا نسبت به حصول تقصیر از جانب بندگانش آگاهی دارد؛ بنابراین، توبه و رجوع به سوی الله، سبب رستگاری است.

در کنار این پوشش و حجاب کامل و رسا، الله به زنان مؤمن فرمان می‌دهد که هنگام نیاز برای گفتگو با مردان، سخن نیکو بگویند و به ناز و به صورت نازک سخن گویند تا کسی که در قلبش بیماری‌ای است طمع نورزد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ [الأحزاب: ۳۲]. «پس در سخن گفتن نرمی نکنید که آنگاه کسی که در دلش بیماری است؛ طمع کند، و سخن شایسته بگویید».

اگر مرد فقط به زن خودش بنگرد و زن فقط به شوهرش بنگرد، نفس هر دو آرام می‌گیرد و میان آنها مودت و مهربانی ایجاد می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ [الروم: ۲۱]. «و از نشانه‌های او (این) است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید؛ تا به آنها آرام گیرید، و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد».

به این ترتیب، خانواده، خوشبخت و توانا و اساس امتی نیرومند، یعنی بهترین امتی که به سوی مردم آفریده شده‌اند، می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]. «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: امر به معروف می‌کنید و نهی از منکر می‌نمائید، و به الله ایمان دارید». اما دشمنان چنین چیزی را بر نمی‌تابند.

منافقان، گسترش فساد و انحراف و ضعف امت اسلامی را می‌خواهند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ﴾ [التوبة: ۶۷]. «مردان منافق و زنان منافق، همه (همانند هم و) از یک گروه اند، به کارهای زشت فرمان می‌دهند، و از نیکی‌ها باز می‌دارند». ﴿وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۲۷]. «و کسانی که از خواسته‌های نفسانی پیروی می‌کنند؛ می‌خواهند شما دستخوش انحراف بزرگی شوید».

برخی از منافقان برای گمراهی مسلمانان، به صراحت به زنا

فرامی‌خوانند و عنوان دیگری برایش قرار می‌دهند

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۲۷]. «و کسانی که از خواسته‌های نفسانی پیروی می‌کنند؛ می‌خواهند شما دستخوش انحراف بزرگی شوید».

آنان می‌خواهند که مرد بدون آگاهی و اذن زن با او ازدواج کند؛ در حالی که الله، علم و اذن ولی را شرط صحت ازدواج قرار داده است؛ زیرا برای گرامی‌داشت و حفاظت از زن، ولی و سرپرست، او را به ازدواج درمی‌آورد و زن به تنهایی چنین کاری نمی‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ تُؤْمِنَ﴾ [البقرة: ۲۲۱]. «و با زنان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند؛ ازدواج نکنید».

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ﴾ [النور: ۳۲]. «مردان و زنان مجرد (و بی‌همسر) خود را همسر دهید».

﴿وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَصُوا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [البقرة: ۲۳۲].

«و هنگامی که زنان را طلاق دادید، آنگاه (مدت) عده خود را به پایان رساندند، آنان را از ازدواج با شوهران (سابق) خود باز ندارید، وقتی که بطرز پسندیده‌ای در بین خویش تراضی کنند. این (دستوری است) که هر کس از شما که به الله و روز قیامت ایمان دارد؛ به آن پند داده می‌شود».

بنابراین، امر ازدواج به دست ولی است و الله سبحانه به او اندرز می‌دهد که زن تحت سرپرستی خود را از بازگشت به شوهرش که او را برای بار اول طلاق داده، به این دلیل که از او خشمگین است، منع نکند.

صفت پیمان محکمی که باعث حلال شدن زن برای

شوهرش می‌شود

الله، عقد ازدواج شرعی را میثاق محکمی می‌نامد که ولی [سرپرست زن] آن را مقدمه‌چینی می‌کند و مهریه در آن مشخص می‌شود و دو گواه بر آن گواهی می‌دهند و در آن، زن و شوهر نصیحت می‌شوند و برایشان دعا می‌شود؛ بنابراین، ازدواج، پیمان محکم و استواری است که باید مفاد آن اجرا شود، حتی اگر شوهر پس از عقد، خواهان طلاق باشد: **اللّٰهُ مَتَعَالٍ مِّمَّنْ يَمُوتُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَلْقٍ** ﴿۱۰۰﴾ **وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَعَآتَيْتُمْ إِحْدَهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَنًا وَإِنَّمَا مُبِينًا ﴿۱۰۱﴾** **وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿۱۰۲﴾** [النساء: ۲۰-۲۱]. «و اگر خواستید همسری (دیگر) به جای همسر (پیشین خود) برگزینید، و به یکی از آنان مال فراوانی (بعنوان مهریه) پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید، آیا آن (مال) را به بهتان و گناه آشکار بازپس می‌گیرید؟ و چگونه آن را بازپس می‌گیرید در حالی که شما با یکدیگر آمیزش نموده‌اید، و آنان (هنگام عقد ازدواج) از شما پیمانی محکم و استوار گرفته‌اند؟!».

﴿وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عِقْدُهُ يُنْكَاحُ﴾ [البقرة: ۲۳۷]. «اگر زنان را پیش از آنکه با آنان نزدیکی کنید، طلاق دادید در حالی که برای آن‌ها مهری تعیین کرده‌اید؛ پس نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آن‌ها بدهید) مگر اینکه آنان (حق خود را) ببخشند. یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست (شوهر) ببخشد (و تمام مهر را بدهد)».

ازدواج، عقدی است که زن و مرد را با پیوند زناشویی به یکدیگر پیوند می‌دهد و جز با طلاق قطع نمی‌شود و برای طلاق باید شاهد گرفته شود. طلاق دو مرتبه است که در این دو مرتبه، زن می‌تواند به شوهرش بازگردانده شود و اگر مرد برای بار سوم او را طلاق داد، زن از گردن او خارج می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَاِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِيحٌ بِاِحْسَنِ﴾ [البقرة: ۲۲۹]. «طلاق (رجعی) دوبار است پس (از آن یا باید همسر را) بطور شایسته نگاه داشتن، یا با نیکی رها کردن».

﴿فَاِذَا بَلَغَ اَجَلَهُنَّ فَاَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ اَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَاَشْهَدُوا ذَوٰى عَدَلٍ مِّنْكُمْ وَاَقِيْمُوا الشَّهَادَةَ لِلّٰهِ ذٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهٖۤ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَاَلْيَوْمِ الْاٰخِرِ﴾ [الطلاق: ۲]. «پس چون (آنها را طلاق دادید و) عده آنها به سر رسید، آنها را بطرز شایسته‌ای نگه دارید یا بطرز شایسته‌ای از آنها جدا شوید، و دو فرد عادل از خودتان را گواه بگیرید، و شهادت را برای الله برپا دارید، این (حکمی است) که کسی که به الله و روز قیامت ایمان دارد به آن پند و اندرز داده می‌شود».

﴿فَاِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهٗ مِنْ بَعْدِ حَتّٰى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهٗۗۤ اِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَیْهَا اَنْ يَّتَرَاجَعَا اِنْ ظَنَّا اَنْ يُقِيْمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ﴾ [البقرة: ۲۳۰]. «پس اگر (شوهر برای بار سوم) او را طلاق داد، پس از آن (زن) برای او حلال نیست تا اینکه شوهری غیر از او ازدواج کند (و با او آمیزش جنسی نماید) پس اگر (شوهر بعدی) او را طلاق داد، گناهی بر آن دو نیست که (با ازدواج مجدد) به یکدیگر بازگردند، اگر آن دو پندارند که حدود الله را بر پا می‌دارند».

﴿تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ فَلَا تَعْتَدُوْهَاۗ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُوْدَ اللّٰهِ فَاُوْلٰئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ﴾ [البقرة: ۲۲۹]. «این‌ها حدود الهی است، پس از آنها تجاوز نکنید و هر کس از حدود الله تجاوز کند، پس اینانند که ستمگرند».

زن پس از طلاق و قبل از ازدواج با مردی غیر از شوهرش، باید مدت زمانی را که الله برای هر زنی بر اساس حالش مشخص کرده است، انتظار بکشد تا از پاک بودن رحم خویش از حمل شوهر اولش اطمینان حاصل کند. این امر، بیانگر توجه الله به زنان مؤمن و فرزندان‌شان است:

اللہ متعال می‌فرماید: ﴿وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنْنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [البقرة: ۲۲۸]. «و زنان مطلقه باید مدت سه پاکی (یا دیدن سه بار عادت ماهانه) انتظار بکشند، و اگر به الله و روز قیامت ایمان دارند؛ برای آن‌ها روا نیست که آنچه را الله در رحم‌هایشان آفریده، کتمان کنند».

﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾ [البقرة: ۲۳۴]. «و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند؛ باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند (وعده نگه دارند)».

﴿وَالَّذِي يَسْتَأْذِنُ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ أُرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾ [الطلاق: ۴]. «و کسانی از زنان تان که از عادت ماهانه مایوس شده‌اند، - اگر شک کردید - عده آن‌ها سه ماه است و (نیز) آن‌ها که حیض نشده‌اند. و عده زنان بار دار این است که بار خود را بگذارند».

بنابراین، ازدواجی که الله آن را تشریح فرموده است، پیوند استوار و محکمی است که نفس با آن آرام می‌گیرد و مهربانی و مودت ایجاد می‌کند و خانواده‌ای مؤمن و قوی از آن تولید می‌شود:

اللہ متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ [الروم: ۲۱]. «و از نشانه‌های او (این) است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید؛ تا به آن‌ها آرام گیرید، و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد».

هر ازدواجی غیر از ازدواج شرعی که بیان شد، شهواترانی به سبک حیوانات است که افراد غیر مؤمن آن را مرتکب می‌شوند:

اللہ متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾ [محمد: ۱۲]. «و کسانی که کافر شدند (از متاع دنیوی) بهره می‌گیرند و می‌خورند همچنان که چارپایان می‌خورند، و آتش (جهنم) جایگاه آنان است».

جامعه مومنان، متحد و تحت رهبری واحدی است که آنان را حمایت می‌کند و به آنان پند می‌دهد و بر اساس هدایت الله و رسولش آنان را رهبری می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهٗ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ [النساء: ۵۹]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید الله را، و اطاعت کنید پیامبر، و صاحبان امر تان را، و اگر در چیزی اختلاف کردید، آن را به الله و پیامبر باز گردانید».

خانوادهٔ مسلمان نیز همانند جامعهٔ اسلامی است؛ زیرا الله، رهبری و حمایت آن را به دست مرد سپرده است، پس مرد به همسر و اولادش رسیدگی می‌کند و از آنان محافظت می‌کند و به آنان پند و اندرز می‌دهد و مالش را برای نیازهایشان هزینه می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ [النساء: ۳۴]. «مردان بر زنان سر پرست و نگهبانند، بخاطر آنکه الله برخی از ایشان را بر برخی برتری داده، و (نیز) بخاطر آنکه از اموالشان خرج می‌کنند».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ [التحریم: ۶]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان و خانواده‌تان را از آتشی که هیمة آن مردم و سنگ‌هاست».

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ [طه: ۱۳۲]. «و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده، و (خود) بر (انجام) آن شکیبا باش».

نماز، دومین رکن اسلام

الله به بندگانش فرمان می‌دهد که نماز را برای یاد او سبحانه، برپا دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ [طه: ۱۴]. «و نماز را برای یاد من برپا دار».

منظور از ذکر الله سبحانه، ستایش و به پاکی یادکردن و بزرگداشت و خواندن او تعالی است که با خضوع و فروتنی در برابر الله حاصل می‌شود؛ به گونه‌ای که دل، افتاده و فروتن می‌شود و بدن آرام می‌گیرد.

نخستین صفت افراد با ایمان که الله آن را در سورهٔ مؤمنان بیان می‌فرماید، خشوع و فروتنی در نماز است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَلِيعُونَ ﴿۲﴾﴾ [المؤمنون: ۱-۲]. «به راستی مؤمنان رستگار شدند. همان کسانی که در نمازشان خاشع (و فروتن) هستند».

آخرین صفت مؤمنان نیز، محافظت بر نماز است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۹﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿۱۰﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۱۱﴾﴾ [المؤمنون: ۹-۱۱]. «و کسانی که بر نمازهای شان مواظبت می‌نمایند. (آری) اینانند که وارثند. کسانی که (بهشت) فردوس را ارث می‌برند، و جاودانه در آن خواهند ماند».

الله در سورهٔ معراج نیز، محافظت بر نماز را به عنوان آخرین صفت مؤمنان معرفی می‌فرماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۳۴﴾ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ﴿۳۵﴾﴾ [المعارج: ۳۴-۳۵]. «و کسانی که بر نمازشان محافظت می‌کنند. اینان در باغ‌های (بهشت) گرامی داشته می‌شوند».

یکی از صفات مؤمنان که الله آن را دوست دارد، نماز زیاد و پایداری در آن است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿۲۲﴾ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿۲۳﴾﴾ [المعارج: ۲۲-۲۳]. «مگر نمازگزاران. همان کسانی که بر نمازهایشان همیشه مداومت می‌کنند».

﴿مِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ ءَانَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ﴾ [آل عمران: ۱۱۳]. «از اهل کتاب گروهی هستند که درست‌کردارند، در دل شب در حالی که به نماز ایستاده‌اند، آیات الله را می‌خوانند».

از اهل کتاب، گروه‌هایی هستند که در دل شب نماز می‌گزارند و کتاب پروردگارش را می‌خوانند. آنان این کار را زیاد و به صورت مداوم انجام می‌دهند.

﴿وَهُمْ يَسْجُدُونَ﴾: برای الله زیاد سجده می‌گزارند، یعنی برای الله زیاد نماز ادا می‌کنند.

سجود و رکوع، از ارکان نماز هستند و منظور از: ﴿وَالرُّكُوعِ السُّجُودِ﴾ نمازگزارانی هستند که زیاد نماز می‌گزارند:

الله متعال می فرماید: ﴿طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ [البقرة: ۱۲۵].
«خانه مرا برای طواف کنندگان و مقیمان و رکوع و سجود کنندگان (= نماز گزاران) پاک و پاکیزه کنید».

در جایی دیگر می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ [المائدة: ۵۵]. «و آن‌ها که ایمان آورده‌اند، (همان) کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و آنان با خشوع و فروتنی زکات را می‌دهند».

کسانی که ایمان آورده‌اند، همان کسانی هستند که نماز زیاد برپا می‌دارند و بر آن مواظبت می‌کنند و به صورتی که الله خواسته است آن را اقامه می‌کنند و زکات می‌پردازند: ﴿وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ برای الله زیاد رکوع می‌گزارند یعنی برای الله بسیار نماز ادا می‌کنند. در چنین نمازی، قیام و رکوع و سجود برای الله سبحانه وجود دارد:

الله متعال می فرماید: ﴿وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَنِينَ﴾ [البقرة: ۲۳۸]. «و فروتنانه برای الله به پا خیزید».

یعنی در حالی که در برابر او تسلیم و خاشع و فروتن هستید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الحج: ۷۷]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید، و سجده کنید، و پروردگارتان را بپرستید، و کار نیک انجام دهید؛ باشد که رستگار شوید».
انسان مؤمن، قبل از ایستادن در برابر الله سبحانه، خودش را پاکیزه می‌کند؛ زیرا الله پاکیزگان را دوست دارد:

الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ [البقرة: ۲۲۲]. «به راستی که الله توبه کنندگان را دوست می‌دارد و (نیز) پاکان را دوست می‌دارد».
بنابراین، صورت و دست‌هایش را تا آرنج‌ها و پاهایش را تا قوزک‌ها می‌شوید و سرش را مسح می‌کند:

الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ [المائدة: ۶]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون به نماز برخاستید؛ پس صورت خود و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و سرتان را مسح کنید، و پاهای‌تان را تا دو قوزک (بشوید)».

الله، مسح سر را در سیاق اعضایی که شسته می‌شود ذکر فرمود تا ترتیب فهمیده شود. یعنی صورتهایتان را بشوید و دست‌هایتان را تا آرنج بشوید و پاهای‌تان را تا قوزک‌ها بشوید.

واژه: ﴿أَرْجُلَكُمْ﴾ برای بیان ترتیب، در پایان ذکر شد، یعنی پاهای‌تان را پس از مسح سر بشوید.

اگر منظور این بود که پاها مانند سر مسح شود، باید به صورت مجرور: ﴿أَرْجُلَكُمْ﴾ می‌آمد چنانکه قبل از آن: ﴿بِرُءُوسِكُمْ﴾ به صورت مجرور آمده است.

اما ﴿أَرْجُلَكُمْ﴾ مانند الفاظ منصوب قبلی، به صورت منصوب بیان شد. اما شخص جنب و کسی که با زن نزدیکی کرده است، باید غسل کنند و وضو به تنهایی برای نماز کفایت نمی‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَأَطَّهَرُوا﴾ [المائدة: ۶]. «و اگر جنب بودید؛ پس خود را پاک سازید (و غسل کنید)».

﴿وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا﴾ [النساء: ۴۳]. «و (نیز) در حال جنابت، تا غسل کنید، مگر اینکه رهگذار باشید».

در صورت فقدان آب، تیمم، جایگزین وضو و غسل می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ﴾ [المائدة: ۶]. «آنگاه آب نیابید؛ پس با خاک پاکی تیمم کنید. و از آن بر صورت‌تان و دست‌هایتان بکشید».

مسح در اینجا، برای صورت و دست‌ها بیان شد؛ زیرا واژه: ﴿أَيْدِيكُمْ﴾ مجرور است و به صورت منصوب: ﴿أَيْدِيكُمْ﴾ نیامده است.

الله به مؤمنان فرمان داد که وضو و غسل بگیرند و اگر آب نیافتند، به آنان تخفیف داد که تیمم کنند. الله می‌خواهد که مؤمنان پاکیزه شوند؛ زیرا هنگام نماز، در مقام بزرگی، یعنی در برابر الله متعال، قرار می‌گیرند. این پاکیزگی مؤمنان قبل از نماز که با وضو یا تیمم بدن خویش را پاکیزه می‌کنند، افزون بر پاکیزگی‌ای است که با ایمان کسب می‌کنند. الله سخت‌گیری و مشقت را برای مؤمنان نمی‌خواهد، بلکه فقط نیکوگردانیدن و تزکیه آنان را می‌خواهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [المائدة: ۶]. «الله نمی‌خواهد بر شما دشواری قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام کند، باشد که شکر گزارید».

چنانکه الله برای نیکوگردانیدن زنان پیامبر خویش، برخی اوامر و نواهی را متوجه آنان ساخت؛ زیرا الله آنان را توسط پیامبرش عزت بخشید و اگر فرمان الله را اجرا کنند، مانند هیچ زن دیگری نیستند. آنان و شوهرشان رسول الله ﷺ، اهل بیت شریفی هستند که الله می‌خواهد هر آنچه را که شایسته جایگاهشان نیست از آنان بزدايد و آنان را پاکیزه گرداند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يٰۤاَيُّهَا النِّسَاءُ اَلَيْسَ لَكُنَّ كَاٰحِدٍ مِّنَ النِّسَاءِ اِنْ اَتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿۳۲﴾ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُولٰٓئِ وَاقْمِنَّ الصَّلٰوةَ وَعَاتِنَّ الزَّكٰوةَ وَاَطِعْنَ اِلٰهَ وَرَسُوْلَهُۥٓ اِنَّمَا يُرِيْدُ اِلٰهٌ لِّيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِرًا ﴿۳۳﴾ وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلٰٓى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ ءَايٰتِ اِلٰهِ وَالْحِكْمَةِ اِنَّ اِلٰهَ كَانَ لَطِيْفًا خَبِيْرًا ﴿۳۴﴾﴾ [الأحزاب: ۳۲-۳۴]. «ای زنان پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان (عادی دیگر) نیستید، اگر پرهیزگاری کنید؛ پس در سخن گفتن نرمی نکنید که آنگاه کسی که در دلش بیماری است؛ طمع کند، و سخن شایسته بگویند. و در خانه‌های خود بمانید، و به شیوه جاهلیت نخستین زینت‌های خود را آشکار نکنید، و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید، و الله و پیامبرش را اطاعت کنید، الله قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و چنانکه باید شما را پاک سازد. و آنچه را در خانه‌هایتان از آیات الله و حکمت (= سنت پیامبر) خوانده می‌شود یاد کنید؛ بی‌گمان الله باریک‌بین آگاه است».

چنانکه الله برای مجاهدان در راه او تعالی همراه رسول الله ﷺ در غزوه بدر کبری، آن جایگاه بزرگ و جداکننده میان مؤمنان و کافران، بارانی فرستاد تا مؤمنان را با آن پاکیزه گرداند و وسوسه شیطان را از آنان برطرف کند و دل‌هایشان را محکم و گام‌هایشان را استوار سازد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿اِذْ يُغَشِّيكُمُ اللُّغَاسُ اٰمَنَةً مِّنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ مَآءً لِّيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطٰنِ وَلِيَرْبِطَ عَلٰٓى قُلُوْبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهٖ

الْأَقْدَامِ ﴿۱۱﴾ [الأفقال: ۱۱]. «(و به یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که آرامشی از سوی او بود، شما را فرا گرفت، و از آسمان آبی بر شما فرو فرستاد، تا شما را با آن پاک کند، و پلیدی شیطان را از شما دور سازد، و دل‌های شما را محکم بدارد، و گام‌هایتان را با آن استوار کند».

مؤمنان با این طهارت و پوشش عورت‌ها به روشی نیکو، زینت خویش را هنگام ایستادن در برابر الله در هر نمازی برمی‌گیرند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَبْنِيْ عَادَمَ خُدُوْا زَيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾ [الأعراف: ۳۱]. «ای فرزندان آدم! به هنگام رفتن به مسجد (و در هر نمازی) زینت خود را بر گیرید (و لباس‌های شایسته بپوشید)».

مؤمنان این نمازها را بامداد و شامگاه در اوقات خودش در مساجد و همراه نمازگزاران برپا می‌دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَرْكَعُوا مَعَ الرَّكْعَيْنِ﴾ [البقرة: ۴۳]. «و با نماز گزاران نماز بخوانید».

﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ وَ يُسَبَّحُ لَهُ فِيهَا بِالْعُدُوِّ وَالْأَصْوَالِ﴾ [النور: ۳۶]. «(این چراغ پر نور) در خانه‌های است که الله اجازه داده است که بلند شود، و نامش در آن‌ها برده شود، (و صبح و شام در آن‌ها تسبیح او گویند)».

﴿بِالْعُدُوِّ وَالْأَصْوَالِ﴾: یعنی بامداد و شامگاه

﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾ [البقرة: ۳۷-۳۸]. «مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آن‌ها را از یاد الله و بر پاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند، (آن‌ها) از روزی می‌ترسند که در آن دل‌ها و چشم‌ها دگرگون (و بی‌تاب) می‌شود. تا الله بهتر از آنچه انجام داده‌اند به آن‌ها پاداش دهد، و از فضل خود بر پاداش آن‌ها بیفزاید، و الله هر کس را که بخواهد بی حساب روزی می‌دهد».

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾ [النساء: ۱۰۳]. «همانا نماز (فریضه‌ای است که) در اوقات معینی بر مؤمنان واجب (و نوشته) شده است».

الله سبحانه به محافظت تمام نمازهای پنجگانه، بخصوص نماز عصر فرمان داده است؛ زیرا نماز عصر، گاهی در هنگام استراحت پس از کار و خستگی اقامه می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾ [البقرة: ۲۳۸]. «بر (بجا آوردن) نمازها و (بخصوص) نماز میانه (نماز عصر) محافظت کنید».

﴿الصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾: نماز عصر

مسلمانان در امنیت و ترس، نمازها را همراه امام با جماعت برپا می‌دارند، همانگونه که الله به آنان آموخته است؛ اما اگر به صورت ترس زیاد قادر به برپایی نماز جماعت نباشند، نماز را به صورت فرادی ادا می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتُمْمْ طَائِفَةً مِنْهُمْ مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ﴾ [النساء: ۱۰۲]. «و چون (وقت خوف) در میان آن‌ها باشی، و برای آن‌ها نماز برپا کردی، باید دسته‌ای از آن‌ها با تو (به نماز) بایستند، و باید سلاح‌هایشان را با خود بگیرند. و چون سجده کردند (و نماز را تمام نمودند) باید (دسته دوم) پشت سرتان باشند، و باید آن دسته‌ای که نماز نخوانده‌اند؛ بیایند و با تو نماز بخوانند، و باید آن‌ها احتیاط کنند و سلاح‌هایشان را (در نماز) با خود بگیرند».

﴿فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۳۹]. «پس اگر (از دشمن و غیره) ترسیدید، در حال پیاده یا سواره (نماز را بجای آورید) پس هنگامی که ایمن شدید، الله را یاد کنید. (و نمازها را به تمام و کمال بجای آورید) همان‌گونه که چیزهای را که نمی‌دانستید به شما یاد داد».

مسلمانان در روز جمعه، برای برپایی نماز جمعه و شنیدن ذکر الله اجتماع می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الجمعة: ۹-۱۰]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در روز جمعه برای نماز اذان گفته شد به سوی (نماز و) ذکر الله بشتابید و خرید و فروش را رها کنید، اگر بدانید این برای شما بهتر است. پس هنگامی که نماز پایان یافت، (برای کسب رزق و روزی) در زمین پراکنده شوید، و از فضل الله طلب کنید، و الله را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید».

مؤمنان با یکدیگر برادرند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ [الحجرات: ۱۰]. «یقیناً مؤمنان برادرند». برادری دینی از تارک نماز نفی می‌شود و چون توبه کند، از حق برادری دینی برخوردار می‌گردد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفُصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [التوبة: ۱۱]. «پس اگر توبه کنند، و نماز را بر پا دارند، و زکات را بدهند، برادران دینی شما هستید، و ما آیات خود را برای گروهی که می‌دانند بیان می‌کنیم».

هر گاه مؤمن از دنیا وداع می‌کند، برادران مؤمن او، با نماز و دعا برایش با او وداع می‌کنند، اما بر کافر و منافق نماز گزارده نمی‌شود و برای‌شان دعا نیز نمی‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّتَّ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ ۗ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾ [التوبة: ۸۴]. «و هرگز بر هیچ یک از آن‌ها که مرده است، نماز نخوان، و بر (کنار) قبرش نیست، بی‌گمان آن‌ها به الله و رسولش کافر شدند، و در حالی که فاسق (و نافرمان) بودند؛ مردند».

بهترین نماز پس از نمازهای فرض، نماز شب است و برترین نماز شب، در آخرین لحظه شب قبل از فجر (سحر) است که نیکوکاران در آن زمان نمازی گزارند و آمرزش می‌طلبند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَمَّنْ هُوَ قَنِتٌ ۖ ءَأَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ ۗ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [الزمر: ۹]. «آیا (این مشرک بهتر است، یا) کسی که در ساعات شب در حال سجده و قیام به عبادت مشغول است، و از (عذاب) آخرت بیم ناک است، و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا کسانی که می‌دانند، و کسانی که نمی‌دانند یکسان هستند؟! تنها خردمندان پند می‌پذیرند».

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۗ ءَأَخِذِينَ مَا ءَأْتَاهُمْ رَبُّهُمْ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ﴾ [الذاریات: ۱۵-۱۸]. «در روز قیامت) مسلماً پرهیزگاران در باغ‌ها و چشمه سارها (ی بهشت) هستند. آنچه پروردگارشان به آن‌ها عطا فرموده، دریافت کرده‌اند، بی‌گمان آن‌ها پیش از این

در دنیا) نیکوکار بودند. آن‌ها بخش اندکی از شب را می‌خوابیدند (و به نماز و نیایش مشغول بودند). و در سحر گاهان آموزش طلب می‌کردند».

و با خشوع و تدبر، هر اندازه که مقدور شد قرآن تلاوت می‌کنند:

اللّٰهُ مُتَعَالٍ مِّمَّنْ أَلَذِينَ مَعَكَ وَاللّٰهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ
وَطَافِيَهُ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ ﴿۱﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ

فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ﴿۲۰﴾ [المزمل: ۲۰]. «(ای پیامبر!) یقیناً پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از آن‌ها که با تو هستند نزدیک دو سوم شب و (یا) نصف (یا) ثلث آن را بپا می‌خیزید، و الله شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند، می‌داند که شما نمی‌توانید حساب آن را (دقیق) محاسبه کنید، لذا شما را بخشید، پس اکنون آنچه (برای شما) میسر باشد از قرآن بخوانید».

﴿مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ ءَانَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ﴾ [ال عمران: ۱۱۳]. «از اهل کتاب گروهی هستند که درست‌کردارند، در دل شب در حالی که به نماز ایستاده‌اند، آیات الله را می‌خوانند».

اگر قرآن بر کوه نازل شود، به طور قطع خاشع و فروتن خواهد شد:

اللّٰهُ مُتَعَالٍ مِّمَّنْ أَلَذِينَ مَعَكَ ﴿۱﴾ لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا
مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ﴿۲۱﴾ [الحشر: ۲۱]. «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، یقیناً آن را از ترس الله خاکسار و از هم پاشیده می‌دید».

قرآن، تأثیر زیبا و لطیفی بر دل‌ها دارد:

اللّٰهُ مُتَعَالٍ مِّمَّنْ أَلَذِينَ مَعَكَ ﴿۱﴾ اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ
جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ﴿۲۳﴾ [الزمر: ۲۳]. «الله بهترین سخن را نازل کرده است، کتابی که (آیاتش) متشابه (= همانند یکدیگر، و) مکرر است که از (شنیدن) آن پوست‌های کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند، به لرزه می‌افتد، آنگاه پوست‌هایشان و دل‌های شان با یاد الله نرم می‌شود (و آرام می‌گیرد)».

دل‌های برخی مردم، از سنگ سخت‌تر است:

اللّٰهُ مُتَعَالٍ مِّمَّنْ أَلَذِينَ مَعَكَ ﴿۱﴾ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ
قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقُّوْنَ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ
وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۷۴﴾ [البقرة: ۷۴]. «سپس بعد از این دل‌های شما سخت شد، همچون سنگ، یا سخت‌تر! زیرا که پاره‌ای از سنگ‌ها

می شکافد، و از آن‌ها نهرها جاری می‌شود، و پاره از ترس الله فرو می‌افتد، و الله از آنچه می‌کنید؛ غافل نیست».

مؤمنان در پی نماز و در هر حالتی، خدا را یاد می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِذَا قُضِيَتْهُمُ الصَّلَاةُ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ﴾ [النساء: ۱۰۳]. «پس چون نماز را به پایان رسانید، الله را ایستاده، و نشسته و بر پهلوئ خویشتن (خوابیده) یاد کنید».

رکن سوم: زکات

زوج نماز در کتاب الله تعالی:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَاتُوا الزَّكَاةَ﴾ [البقرة: ۴۳]. «و نماز را بر پا دارید و زکات را بپردازید».

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ﴾ [المائدة: ۵۵]. «و آن‌ها که ایمان آورده‌اند، (همان) کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌دهند».

الله بر مال زکات‌دهنده و صدقه‌دهنده می‌افزاید و آن را زیاد می‌کند، اما ربا را نابود می‌سازد، به گونه‌ای که هیچ برکتی در آن نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ﴾ [البقرة: ۲۷۶]. «الله ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش و (برکت) می‌دهد».

﴿وَمَا ءَاتَيْتُمْ مِّن رَّبًّا لَّيْرَبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا ءَاتَيْتُمْ مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ﴾ [الروم: ۳۹]. «و آنچه (به قصد) ربا می‌دهید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد الله فزونی نخواهد یافت، و آنچه را (به عنوان) زکات می‌پردازید که تنها وجه الله را می‌طلبید (برکت و فزونی می‌یابد) پس (کسانی که چنین کنند) اینان فزونی یافتگانند».

زکات؛ مؤمنان و اموال‌شان را پاکیزه می‌سازد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿حُدِّ مِّنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ [التوبة: ۱۰۳]. «از اموال آن‌ها صدقه (و زکات) بگیر، تا بوسیله‌ی آن آن‌ها را پاک سازی و تزکیه شان کنی».

انسان مؤمن می‌داند که تمام اموال از آنِ الله است، فقط الله مال را می‌بخشاید و به انفاق از مال فرمان داده و پاداش بزرگی را بر این کار وعده فرموده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ﴾ [البقرة: ۲۵۴]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم؛ انفاق کنید».

﴿ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ءَانْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ ءَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَأَنفِقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ [الحديد: ۷]. «به الله و پیامبرش ایمان بیاورید و از آنچه شما را در آن جانشین قرار داده انفاق کنید، پس کسانی که از شما ایمان آوردند و (در راه الله) انفاق کردند برای آن‌ها پاداش بزرگی است».

زکات، حقی برای اهلش است، همان کسانی که الله آنان را بیان فرمود؛ بنابراین در پرداخت زکات، بر هیچ کس منتی نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فِي ءَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ﴿٤﴾ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿٥﴾﴾ [المعارج: ۲۴-۲۵]. «و کسانی که در اموال‌شان حق (معین و) معلومی است. برای گدا و محروم».

﴿وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ﴿٦﴾ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ﴾ [فصلت: ۶-۷]. «و وای بر مشرکان! (همان) کسانی که زکات نمی‌دهند».

نپرداختن زکات، یکی از صفات مشرکان است.

مؤمن این صدقه فرض را به مستحقش می‌پردازد و در قبال آن، فقط خشنودی الله را می‌جوید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا ءَاتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ ءَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾ أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَاقُونَ ﴿٦١﴾﴾ [المؤمنون: ۶۰-۶۱]. «و کسانی که (در راه الله) آنچه را باید بدهند، می‌دهند، و (با این حال) دل‌های‌شان بی‌مناک است، که بی‌گمان آنان به سوی پروردگارشان باز می‌گردند. (آری) اینانند که در نیکی‌ها شتاب می‌کنند، و در انجام آن (از دیگران) پیشی می‌گیرند».

﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾﴾ [الإنسان: ۸-۱۰]. «و غذا را با این که (نیاز و) دوست دارند به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌بخشند. (و می‌گویند:) «ما فقط به خاطر الله به شما غذا می‌دهیم، نه از شما پاداشی

می‌خواهیم و نه سیاسی. همانا ما از پروردگاران می‌ترسیم، روزی که عبوس و سخت و دشوار است».

انسان مؤمن زکات را به هشت صنف که الله زکات را در آنها منحصر فرمود، می‌پردازد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَىٰ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۶۰]. «صدقات (و زکات‌ها) مخصوص فقراء و مساکین و کار گزاران (جمع آوری) آن، و دلجوئی شدگان (نو مسلمانان) و برای (آزاد کردن) بردگان، و (ادای وام) بدهکاران، و در راه الله، و به راه ماندگان، (است، این) فریضه‌ای (مقرر شده) از جانب الله است، و الله دانای حکیم است».

اما صدقات مستحبی را به هر کس که بخواهد از روی احسان و نیکی، می‌پردازد و این امر، سبب برکت مال در دنیا و ثواب اخروی از جانب الله می‌گردد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَثْبَتَتْ سَعْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۶۱]. «مثل کسانی که اموال خود را در راه الله انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه یکصد دانه باشد، و الله برای هر کس که بخواهد چند برابر می‌کند و الله گشایشگر داناست».

﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ [سبا: ۳۹]. «و هر چیزی را (در راه الله) انفاق کنید، پس او عوض آن را می‌دهد، و او بهترین روزی دهندگان است».

اما صدقه واجب [=زکات] مخصوص هشت صنف مذکور است و اندازه آن اندک، یعنی یک چهلیم مال ذخیره‌شده‌ای است که به کار گرفته نمی‌شود و این امر، بیانگر لطف و آسان‌گیری الله است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ﴾ [الشوری: ۱۹]. «الله نسبت به بندگانش لطیف (و مهربان) است».

﴿وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [الحديد: ۹]. «و یقیناً الله نسبت به شما رؤوف و مهربان است».

اگر مردم همین مقدار اندک را که الله در اموال آنان برای فقرا واجب گردانیده است، بپردازند، فقیری بر روی زمین باقی نمی‌ماند.

الله مقدار صدقه واجب در غنیمت مجاهدان را نیز در آیات قتال بیان فرموده است: **اللَّهُ مَتَعَالَىٰ فَمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرَةٌ ﴿٣٩﴾ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٤٠﴾ وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْبَنِي السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ أَجْمَعِينَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾** [الأنفال: ۳۹-۴۱]. «و با آن‌ها پیکار کنید، تا فتنه (شُرک) ریشه کن شود، و (پرستش و) دین، همه از آن الله باشد، پس اگر آن‌ها (از شرک و آزار و اذیت) دست بر دارند، الله به آنچه می‌کنند؛ بیناست. و اگر (سریچی و) روی گردانی کنند، پس بدانید که الله سرپرست (و مولای) شماست، چه نیکو سرپرست و چه نیکو یاور است. و بدانید که هرگونه غنیمتی به دست آوردید، یک پنجمش برای خدا، و برای پیامبر، و برای خویشان، و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است، اگر به الله و آنچه بر بنده خود در روز فرقان (= جدایی حق از باطل)، روز بر خورد دو گروه (مؤمنین و مشرکین در بدر) نازل کردیم، ایمان آورده‌اید، و الله بر هرچیز تواناست.»

بنابراین، مجاهدان چهار پنجم غنیمت را می‌گیرند و یک پنجم باقی‌مانده، میان مصارف پنجگانه مذکور در آیه فوق توزیع می‌شود.

اما برخی فریبکاران که اموال مردم را به باطل می‌خورند، نسبت خویش به آل بیت رضوان الله علیهم را ادعا می‌کنند و به گرفتن خمس خمس [= یک بیست و پنجم] اکتفا نمی‌کنند، بلکه خمس کامل را می‌گیرند. بعلاوه، این مقدار را از غنیمت مجاهدان پس از پیروزی نمی‌گیرند، بلکه آن را از اموال شخصی مردم می‌ستانند:

الله متعال می‌فرماید: **﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَطْلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ﴾** [التوبة: ۳۴]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بی‌گمان بسیاری از احبار و رهبان اموال مردم را به باطل می‌خورند، و (دیگران را) از راه الله باز می‌دارند.»

این مکاران نزد مردم می‌روند و آنان را به مشقت می‌اندازند تا مقدار مذکور را از اموال‌شان بستانند، در حالی که زکات را که الله تشریح فرموده است، یک عبادت و سبب پاکی جان و مال است و باج‌گیری نیست.

و به همین دلیل، بهتر است زکات به صورت پنهانی به فقرا پرداخت شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنْ تُبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ﴾ [البقرة: ۲۷۱]. «اگر صدقه‌ها را آشکار کنید چه نیکوست، و اگر آن‌ها را پنهان دارید و به تهی‌دستان بدهید، پس این برای شما بهتر است».

پیروان راستین حق، هیچ مال یا پاداشی از مردم درخواست نمی‌کنند، بلکه مردم را به سوی الله هدایت می‌کنند و تمام پیامبران اینگونه بودند:

الله، سخن نوح، هود، صالح، لوط و شعیب علیهم السلام را اینگونه بازگو می‌فرماید: ﴿وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۱۰۹]. «و من بر (رساندن) این (دعوت) هیچ مزدی از شما نمی‌طلبم، مزد من تنها بر (عهده) پروردگار جهانیان است».

الله، خطاب به پیامبر اسلام، محمد ﷺ می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۹۰]. «بگو: من در برابر این (رسالت) پاداشی از شما نمی‌طلبم، این (رسالت و دعوت) چیزی جز (پند و) یاد آوری برای جهانیان نیست».

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ [الشوری: ۲۳]. «بگو: من بر (رساندن) آن هیچ پاداشی از شما در خواست نمی‌کنم، جز محبت خویشاوندی، (که بجای آورید)».

ای محمد به این مشرکان قریش بگو من در برابر رسانیدن پیام و دعوت، هیچ مال و مزدی درخواست نمی‌کنم، زیرا مزد من نزد الله است، از هیچ‌کس مزد نمی‌طلبم، و دعوت من، تذکری برای جهانیان است. تنها چیزی که از شما می‌خواهم این است که وفاداری خویشاوندی میان من و خودتان را رعایت کنید، یعنی به من آزار نرسانید و میان من و دعوت مردم به سوی الله مانع ایجاد نکنید.

چنانکه الله متعال در سوره دخان در مورد پیامبر اسلام و موسی ﷺ می‌فرماید:

﴿أَتَى لَهُمُ الدِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ﴿۱۳﴾ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مِثْلُنَا ﴿۱۴﴾﴾ [الدخان: ۱۳-۱۴]. «چگونه (و از کجا) پند می‌پذیرند در حالی که پیامبر روشن‌گر برای‌شان آمد! سپس از او روی گرداندند، و گفتند: (او) آموزش یافته دیوانه است».

﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ﴿۱۷﴾ أَنْ أَدْوَأْ إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿۱۸﴾ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي ءَاتِيكُمْ بِسُلْطَنِ مُبِينٍ ﴿۱۹﴾ وَإِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ ﴿۲۰﴾ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَأَعْتَزِلُنَّ ﴿۲۱﴾﴾ [الدخان: ۱۷-۲۱]. «و به راستی ما پیش از آن‌ها قوم فرعون را آزمودیم، و پیامبری بزرگوار به سوی‌شان آمد. (و به آن‌ها گفت:) که «بندگان الله (= بنی اسرائیل) را به من وا گذارید، بی‌گمان من برای شما فرستادهٔ امینی هستم. و (نیز) بر الله برتری مجوید، بی‌تردید من برای شما دلیل روشنی آورده‌ام. و همانا من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم، از اینکه مرا سنگسار کنید. و اگر به من ایمان نمی‌آورید، پس از من کناره بگیرید.»

بیشتر، موسی نیز از قومش خواست که اگر به او ایمان نمی‌آورند و از او پیروی نمی‌کنند، میان او و بندگان الله را خالی کنند و در مسیر دعوتش، آزاری به او نرسانند.

اما مومنان، پیامبر ﷺ و خویشاوندانش را دوست دارند و هرکس چنین نکند، ایمانی ندارد. زیرا در هر نماز فرض یا نافله و قبل از سلام، مؤمنان بر پیامبر گرامی و خاندان محترم او که پاکیزه‌ترین صلوات‌ها و کامل‌ترین سلام‌ها نصیب پیامبر و خاندانش باد، صلوات می‌فرستند.

هرکس خواهان نیکوکاری است، باید از آنچه دوست دارد و از آنچه به دست می‌آورد، انفاق کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ [آل عمران: ۹۲]. «هرگز به نیکوکاری نمی‌رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید.»

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ۖ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿۲۷﴾﴾ [البقرة: ۲۶۷]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما بیرون آورده‌ایم، انفاق کنید، و برای انفاق کردن قصد نا پاک آن را نکنید، در حالی که خود شما حاضر نیستید آن‌ها را بپذیرید، مگر آنکه در آن چشم پوشی کنید. و بدانید که الله بی‌نیاز ستوده است.»

رکن چهارم: روزه

روزه، باعث سلامتی بدن و قلب مؤمنان می‌شود و دل‌هایشان را به سوی الله نرم می‌گرداند تا اینکه اعمال نیکو انجام می‌دهند و به تقوا نزدیک‌تر می‌شوند؛ از این رو، الله روزه را بر بندگانش واجب گردانید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما فرض شده است همان گونه که بر کسی که پیش از شما بودند؛ فرض شده بود، تا پرهیزگار شوید».

روزه روزهای ماه مبارک رمضان و تلاش در عبادت و نماز در شب‌هایش منظور است: الله متعال می‌فرماید: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ [البقرة: ۱۸۵]. «آن چند روز محدود و اندک) ماه رمضان است (ماهی) که قرآن در آن نازل شده است، (کتابی) که راهنمای مردم است، و (در بردارنده) نشانه‌ها و دلایل آشکار و روشن از هدایت و جدا کننده حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را (در حضر) دریابد، باید که آن را روزه بدارد».

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى الْاَيْلِ﴾ [البقرة: ۱۸۷]. «و بخورید و بیاشامید، تا رشته‌ی سپید صبح از رشته‌ی سیاه (شب) برای شما آشکار شود، سپس روزه را تا شب به پایان رسانید».

شب، با غروب خورشید که مؤذن اذان نماز مغرب را می‌گوید، آغاز می‌شود. در این هنگام، روزه‌داران می‌توانند بخورند و بنوشند و هر آنچه به سبب روزه برایشان حرام شده بود، حلال می‌گردد تا طلوع فجر [= سحر] که مؤذن اذان نماز صبح را سر می‌دهد.

لیلة القدر، آن شب مبارک در ماه رمضان قرار دارد و برترین شب از شب‌های شریف ماه مبارک رمضان است. الله در همین شب، قرآن را نازل فرمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ [القدر: ۱]. «همانا ما آن (= قرآن) را در شب قدر نازل کردیم».

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَرَّكَةٍ﴾ [الدخان: ۳]. «بی‌گمان ما آن را در شب مبارک (و فرخنده قدر) نازل کردیم».

یکی از فضایل و برکات شب قدر این است که عمل صالح در این شب، بهتر است از عمل صالح هزار ماه که در آن شب قدر نباشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ [القدر: ۳]. «شب قدر، بهتر از هزار ماه است».

در شب قدر، الله از لوح محفوظ که تمام تقدیرهای بندگان در آن قرار دارد، تمام امور محکم مانند طول عمر و روزی بندگان در آن سال را به فرشتگان گرامی نویسنده‌اش به صورت آشکارا بیان می‌فرماید و این امور هیچ تغییری و تبدیلی نمی‌پذیرند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾ [الدخان: ۴-۵]. «در آن شب هر امر با حکمت (و استواری) فیصله (و تدبیر) می‌شود. فرمانی از جانب ما (بود)».

در شب قدر، فرشتگان که جبریل علیه السلام نیز در میان آنان قرار دارد، برای هر امری که الله در آن شب حکم فرموده است، به زمین می‌آیند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾ [القدر: ۴]. «فرشتگان و روح (= جبرئیل) در آن (شب) به فرمان پروردگارش برای (انجام) هر کاری نازل می‌شوند».

فرشتگان هر گاه که فرود آیند، رحمت و برکات الله تعالی را همراه خویش دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ﴾ [هود: ۶۹]. «به راستی فرستادگان ما با بشارت نزد ابراهیم آمدند».

﴿وَأَمْرَأَتُهُ قَابِئَةُ فَضَحِكْتُمْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ﴾ قَالَتْ يَوَيْلَيَّ أَيْدِيَّ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ [هود: ۷۱-۷۳]. «و همسرش (ساره) ایستاده بود، پس (از خوشحالی) خندید، آنگاه او را به اسحاق، و بعد از او به یعقوب بشارت دادیم. (ساره) گفت: «ای وای بر من! آیا من می‌زایم، در حالی که پیرزنم و این شوهرم (نیز) پیر است؟! به راستی این چیز عجیبی است!» (فرشتگان) گفتند: «آیا از

فرمان الله تعجب می‌کنی؟! رحمت الله و برکاتش بر شما اهل بیت باد، همانا او ستوده‌ی بزرگوار است».

نزول فرشتگان، برای ابراهیم عليه السلام و همسرش ساره، رحمت و برکاتی از جانب الله به همراه داشت؛ زیرا آن دو، افراد خانواده‌ای هستند که فرشتگان در آن نازل شدند و یکی از آن برکات این بود که اکثر پیامبران و رسولان از نسل آن دو بودند و از همسر دیگر ابراهیم که فرشتگان گرامی در خانه‌اش فرود نیامدند، نبودند.

ليلة القدر، شبی امن است که تا طلوع صبح، هیچ شری در آن نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿سَلَّمَ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾ [القدر: ۵]. «(آن شب) تا طلوع فجر سلامتی (و رحمت) باشد».

بنابراین، مؤمنان برای تقرب به الله و طلب برکات شب قدر، شب‌های ماه رمضان و ده شب پایانی آن را تا صبح شب‌زنده‌داری می‌کنند.

الله متعال، در میان آیات روزه و حج، یک آیه در مورد ماه‌های نو نازل فرمود تا نشانه‌های زمانی مردم باشد؛ چنانکه مؤمنان با رؤیت ماه نو، روزه بگیرند و با رؤیت آن عید کنند و از این طریق زمان وقوف در عرفات و پس از آن، زمان اجتماع برای عید را بدانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوْقِيتٌ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ﴾ [البقرة: ۱۸۹]. «درباره هلال‌های (ماه) از تو سؤال می‌کنند، بگو آن‌ها بیان اوقات برای مردم و (تعیین وقت) حج است».

رکن پنجم: حج

حج خانه‌ی گرامی الله، برای کسانی که توانایی رفتن به آنجا را داشته باشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۹۷]. «و برای خدا، حج خانه (کعبه) بر مردم واجب است، (البته) کسانی که توانایی رفتن به سوی آن دارند، و هر کس کفر ورزد، بی‌شک الله از جهانیان بی‌نیاز است».

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ [الحج: ۲۷]. «و در (میان) مردم به حج ندا بده، تا پیاده و (سوار) بر هر (مرکب و) شتر لاغری از هر راه دوری به سوی تو بیایند».

زمان ادای حج، ماه‌های مشخصی است که عبارت است از: شوال، ذوالقعدة و ده روز از ذوالحجة:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ [البقرة: ۱۹۷]. «حج در ماه‌های معلوم و معینی است، پس کسی که در این ماه‌ها حج را (بر خود) فرض گرداند. (باید بداند که) در حج آمیزش جنسی و گناه و جدال (روا) نیست».

بنابراین کسی که حج بیت الله را به جا می‌آورد باید به اخلاق حاجی که به سوی الله مسافرت کرده است، آراسته باشد؛ زیرا در مهمانی الله قرار دارد؛ از این رو، باید از جدال و گناهان و نزدیکی با زن و مقدمات آن دوری کند. و زمانش را در طاعت و ذکر و تقوای الهی سپری کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ [البقرة: ۱۹۷]. «و آنچه از کارهای نیک انجام دهید؛ الله آن را می‌داند، و توشه بر گیرید؛ که بهترین توشه پرهیزگاری است، و ای خردمندان، از من بپرهیزید (بترسید)».

حاجیان پس از روانه‌شدن از عرفات، در کنار مشعرالحرام که مزدلفه است، می‌ایستند و الله را یاد می‌کنند و می‌خوانند و این نعمت الله را به یاد می‌آورند که آنان را با بعثت محمد ﷺ هدایت کرد؛ بنابراین الله را به روش صحیحی که الله آنان را بدان رهنمون ساخت، یاد می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الصَّالِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۸]. «و هنگامی که از عرفات کوچ کردید؛ الله را نزد مشعر الحرام یاد کنید، و او را یاد کنید همچنان که شما را هدایت کرد، و اگر چه پیش از آن از گمراهان بودید».

پس از آن، الله فرمان می‌دهد که همراه مردم از عرفات روانه شوند و این کار، سنت ابراهیم است، بر خلاف کار قریش ساکن مکه که در جاهلیت، همراه مردم در عرفات نمی‌ایستادند و از آنجا روان نمی‌شدند، بلکه می‌گفتند: "ما ساکنان حرم الله هستیم و از حرمش خارج نمی‌شویم!"

الله متعال می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۹۹]. «پس از آنجا که مردم کوچ می‌کنند؛ کوچ کنید، و از الله آمرزش بخواهید همانا الله آمرزنده‌ی مهربان است».

بنابراین، در روز عرفه الله گناهان را می‌بخشاید و افراد پاک می‌شوند.

حج، منافع تجاری و غیر تجاری برای مردم و توحید و عبادت خالص برای الله دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ﴾ [البقرة: ۱۹۸]. «گناهی بر شما نیست که (در ایام حج با خرید و فروش) از فضل پروردگارتان (روزی) طلب کنید».

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَفِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَةٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾ [الحج: ۲۸]. «تا شاهد منافع (گوناگون) خویش باشند، و در روزهای معین (به هنگام قربانی) نام الله را بر چهارپایانی که به آنها روزی داده‌ایم؛ یاد کنند، پس از (گوشت) آن بخورید، و بی‌نوی فقیر را (نیز) اطعام کنید».

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ فَإِنَّهُمْ لِلَّهِ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا﴾ [الحج: ۳۴]. «و برای هر امتی (رسم) قربانی دادیم، تا نام الله را (به هنگام ذبح) بر چهارپایانی که روزی‌شان کرده است؛ ببرند، پس معبود شما، معبود یگانه است، (همه) برای او تسلیم شوید».

سپس مناسک باقی‌مانده را تکمیل می‌کنند و چرک‌های خود را برطرف می‌سازند و ناخن‌هایشان را کوتاه می‌کنند و موهای‌شان را می‌تراشند و به‌سوی خانه‌ی محترم الله روی می‌آورند تا پیرامون آن خانه‌ی کهن طواف کنند و سعی بین صفا و مروه را به جا آورند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَلِيَطَّوَفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ [الحج: ۲۹]. «سپس، باید آلودگی‌هایشان را بر طرف سازند، و به نذرهای خود وفا کنند، و (برگرد) خانه‌های کهن سال (کعبه) طواف کنند».

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۵۸]. «همانا «صفا» و «مروه» از شعائر (نشانه‌های) الله است، پس هر که حج خانه (خدا) کند و یا عمره انجام دهد، بر او گناهی نیست که میان آن دو طواف (سعی) کند، و کسی که به رغبت خود کار نیکی را انجام دهد پس بدرستی که الله سپاسگزار داناست».

بنابراین سعی بین صفا و مروه برای حاجی و عمره گزار واجب است و هر کس این طاعت را از روی اخلاص و فرمان برداری از الله انجام دهد، الله ﷻ نسبت به بندگانش آگاه است و در مقابل عمل اندک، پاداش زیادی عطا می فرماید.

عرب در جاهلیت وقتی که از حج فارغ می شدند، کارهای نیاکان شان را یاد می کردند و بدان فخر می ورزیدند، اما الله به مؤمنان فرمان داد که پس از ادای حج، الله را یاد کنند و حمد و شکر و بزرگی او را به جای آورند و بر انتساب به دین او افتخار کنند، همان اندازه که عرب جاهلیت پدران خویش را یاد می کردند یا بیشتر:

الله متعال می فرماید: ﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا﴾ [البقرة: ۲۰۰]. «پس چون مناسک (حج) خود را به جای آورید، الله را یاد کنید همانند یاد کردن پدرانتان بلکه بیشتر از آن».

«الله أكبر الله أكبر الله أكبر لا إله إلا الله والله أكبر الله أكبر والله الحمد»

﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٍ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (۶۷) ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ (۶۸) ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجَاءَ بِالتَّبِيعِينَ وَالشَّهَادَةَ وَفُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (۶۹) ﴿وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾ (۷۰) ﴿وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (۷۱) ﴿قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾ (۷۲) ﴿وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلِّمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾ (۷۳) ﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾ (۷۴) ﴿وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (۷۵) ﴿[الزمر: ۶۷-۷۵]. «و آن ها (= مشرکان) الله را چنانکه سزاوار بزرگی اوست نشناختند در حالی که روز قیامت تمام زمین در مشت اوست و

آسمان‌ها درهم پیچیده در دست راست اوست، او منزّه و برتر است از آنچه شریک او می‌پندارند. و در «صور» دمیده شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است) جز آن‌ها که الله بخواهد (بی‌هوش شده و) بمیرند. سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود، ناگهان آن‌ها به پا خیزند (و) می‌نگرند. و زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود، و نامه (اعمال) نهاده شود، و پیامبران و گواهان را بیاورند، و در میان آن‌ها به حق داوری شود، و به آن‌ها ستم نخواهند شد. و به هر کس (پاداش) آنچه کرده است به تمام داده شود، و او به آنچه انجام می‌دهند داناتر است. و کسانی که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند، تا وقتی به (کنار) آن (= دوزخ) رسند درهایش گشوده شود، و نگهبانانش به آنان گویند: «آیا پیامبرانی از میان خودتان به سوی شما نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند، و شما را از دیدار امروزتان هشدار دهند؟!» گویند: «آری، و لیکن فرمان عذاب (الهی) بر کافران محقق شده است». گفته شود: «از درهای جهنم وارد شوید، جاودانه در آن بمانید، پس چه بد است، جایگاه متکبران». و کسانی که از پروردگارش ترسیده‌اند، گروه گروه به بهشت برده می‌شوند، تا وقتی به (کنار) آن رسند، و درهایش گشوده شود، و نگهبانانش به آنان گویند: «سلام بر شما پاکیزه بوده‌اید (خوش باشید) پس جاودانه به آن (= بهشت) وارد شوید». و (بهشتی‌ها) گویند: «حمد و ستایش مخصوص الله است که وعده‌اش در حق ما راست بود، و سرزمین (بهشت) را به ارث به ما داد، که از بهشت هر جا که بخواهیم منزل می‌گیریم، پس چه نیکو است پاداش عمل‌کنندگان». و فرشتگان را می‌بینی که بر گرد عرش حلقه زده‌اند به ستایش پروردگارش تسبیح می‌گویند، و در میان مردم به حق داوری می‌شود، و گفته شود: حمد و ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است».

﴿وَحَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا﴾ ... وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ

﴿وَقَدْ حَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا﴾ [طه: ۱۰۸-۱۱۱]. «و همه‌ی صداها در برابر (الله) رحمان خاشع می‌شود، پس جز صدای آهسته (چیزی) نمی‌شنوی. آن روز شفاعت (هیچ کس) سود نمی‌بخشد، جز کسی که (الله) رحمان به او اجازه داده، و گفتار او را پسندیده است. آنچه را پیش‌رو دارند، و آنچه را پشت سرشان است می‌داند، و آن‌ها به علم او احاطه ندارند. و (همه‌ی) چهره‌ها در برابر (الله) زنده‌ی پاینده فروتن می‌شود، و آن که (بار) ستم بر دوش دارد، ناکام (و مأیوس) می‌گردد».

﴿وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَاقِقِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ

بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الزمر: ۷۵]. «و فرشتگان را می‌بینی که بر گرد

عرش حلقه زده‌اند به ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند، و در میان مردم به حق داوری می‌شود، و گفته شود: حمد و ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است.»

تمام جهان هستی به عظمت و یگانگی الله گواهی می‌دهد:

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ﴾ [الحج: ۱۸]. «آیا ندیدی که هر کس در آسمان‌ها و هر کس که در زمین است، و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای الله سجده می‌کنند، و بسیاری که (فرمان) عذاب بر آنان تحقق یافته است.»

زیرا ما آفریده شده‌ایم که فقط عبادت الله را به جا آوریم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶]. «و من جن و انس را نیافریده‌ام مگر برای اینکه مرا عبادت کنند.»

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ [البینه: ۵]. «و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را بپرستند در حالی که دین خود را برای او خالص گردانند.»

قلب و بدن برخی از انسان‌ها، برای الله سجده می‌گزارد و بر برخی دیگر، عذاب واجب شده است.

تمام قرآن، از آغاز تا پایان، بزرگداشت و ستایش الله و دعوت به عبادت او به تنهایی و برحذر داشتن از شریک‌قراردادن برای او و خواندن دیگران همراه او است.

در قرآن، نزدیکی الله به بندگانش بیان شده است؛ چنانکه از آنان دعوت می‌کند از او بخواهند و طلب آمرزش کنند و درهای توبه را به رویشان می‌گشاید و بدی‌ها را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند و آنان را از آتش جهنم برحذر می‌دارد و به بهشت‌های بسیار نیکو وعده می‌دهد به شرط آنکه به هدایتش هدایت یابند و از پیامبرش علیه الصلاة والسلام فرمانبرداری کنند.

«الله أكبر الله أكبر لا إله إلا الله والله أكبر الله أكبر والله الحمد.»

ذکر الله، دل را آرام و استوار می‌سازد، غم و اندوه را از سینه می‌زداید، و مؤمن چنان احساس امنیت می‌کند که دیگر نمی‌ترسد و الله او را از نیرنگ مردم محافظت می‌کند

«لا إله إلا الله»

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (الرعد: ۲۸). «همانا) کسانی که ایمان آوردند، و دل‌های شان به یاد الله آرام می‌گیرد، آگاه باشید! (تنها) با یاد الله دل‌ها آرام می‌گیرند».

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (الأنبياء: ۸۷). «هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی‌گمان من از ستمکاران بودم».

﴿فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (الأنبياء: ۸۷-۸۸). «پس وقتی که در شکم ماهی فرو رفت) در تاریکی‌ها ندا داد که: «پروردگارا! هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی‌گمان من از ستمکاران بودم». پس دعای او را اجابت کردیم، و از اندوه نجاتش دادیم، و این گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم».

«سبحان الله وبحمده - سبحان ربي وبحمده».

﴿وَلَقَدْ نَعَلْنَا أَنَّاكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ﴾ (۹۷) ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ﴾ (الحجر: ۹۷-۹۸). «و به راستی ما می‌دانیم که سینه تو (ای پیامبر) از آنچه آن‌ها می‌گویند تنگ می‌شود (و تو را آزرده و نا راحت می‌کند). پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش».

﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران: ۱۷۳).

الله متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (۷۲) ﴿فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّسْهُمْ سُوءٌ﴾ (آل عمران: ۱۷۳-۱۷۴). «کسانی که مردم به آنان گفتند: «مردم (= مشرکان مکه) برای (جنگ با) شما گرد آمده‌اند، پس از آن‌ها بترسید». (این سخن) بر ایمان‌شان

افزوده و گفتند: «الله ما را بس است، و بهترین حامی است». پس به نعمت و فضل الله (از میدان جنگ) بازگشتند، هیچ آسیبی به آنان نرسید».

﴿وَأَفْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾

﴿فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولَ لَكُمْ وَأَفْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ فوقه

اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكْرُوا﴾ [غافر: ۴۴-۴۵]. «پس به زودی آنچه را به شما می‌گویم به یاد خواهید آورد، من کار خودم را به الله و اگذار می‌کنم، بی‌گمان الله (نسبت) به بندگان بیناست». پس الله او را از آسیب آنچه که (برایش) مکر کرده بودند، حفظ کرد».

بعضی اذکار بیان شده در قرآن کریم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾﴾

[الأحزاب: ۴۱-۴۲]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! الله را بسیار یاد کنید. و صبح و شام او را تسبیح گوید».

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾.

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ [محمد: ۱۹]. «پس (ای پیامبر) بدان

که معبودی (به حق) جز «الله» نیست، و برای گناه خود آمرزش طلب کن».

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ ﴿٢٥﴾

[الأنبياء: ۲۵]. «و (ما) پیش از توهیج پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که: «معبودی جز من نیست، پس تنها مرا عبادت کنید».

﴿إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ﴾ ﴿٣٣﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾ [الصافات: ۳۴-۳۵]. «بی‌شک ما با مجرمان این گونه رفتار می‌کنیم! آن‌ها (در دنیا چنان) بودند که چون به آن‌ها گفته می‌شد: «معبودی (به حق) جز الله نیست» سرکشی (و تکبر) می‌کردند».

﴿أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ﴾.

﴿أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿١١﴾ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿١٢﴾

وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ﴿١٣﴾﴾ [نوح: ۱۰-۱۲].

«پس (به آن‌ها) گفتیم: «از پروردگار خویش آمرزش بخواهید، بی‌گمان او بسیار آمرزنده است. تا از آسمان (باران) پی در پی بر شما بفرستد. و شما را با اموال و فرزندان بسیار مدد کند، به شما باغ‌های (سرسبز) بدهد، و برای شما نهرهای (جاری) قرار دهد».

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

﴿أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ﴾ [هود: ۵۲]. «از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او باز گردید (و توبه کنید) تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد، و نیرویی بر نیروی تان بیفزاید».

«سبحان الله - الحمد لله سبحان الله والحمد لله».

﴿فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ﴾ [الرؤم: ۱۷-۱۸]. «پس الله را تسبیح گوید؛ هنگامی که شام می‌کنید و هنگامی که صبح می‌کنید. و حمد و ستایش مخصوص اوست، در آسمان‌ها و زمین، و عصرگاهان و هنگامی که ظهر می‌کنید».

«سبحان الله وبحمده - سبحان ربی وبحمده».

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَايِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى﴾ [طه: ۱۳۰]. «پس (ای پیامبر!) بر آنچه می‌گویند، صبر کن، و پیش از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن به ستایش پروردگارت تسبیح گوی، و (نیز) در ساعاتی از شب و اطراف روز تسبیح گوی، باشد که خشنود شوی».

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾ [النصر: ۳]. «پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او آمرزش بخواه، همانا او بسیار توبه‌پذیر است».

«الله أكبر».

﴿وَكَبِيرَةٌ كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ۱۱۱]. «و او را به شایستگی بزرگ بشمار».

«ما شاء الله لا قوة إلا بالله».

﴿وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّ تَرْنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا﴾ [الکهف: ۳۹-۴۰]. «چرا هنگامی که به باغ خویش وارد شدی، نگفتی: ما شاء الله، نیرو و قوتی جز از ناحیه الله نیست، اگر مرا از نظر مال و فرزند کمتر از خود بینی. پس امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد».

یاد الله، سبب کسب قدرت و رزق و روزی است.

برخی اذکار وارده در قرآن کریم

﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ﴾ [الزخرف: ۱۳]. «پاک و منزه است کسی که این را برای ما مسخر گرداند، و (گر نه) ما توانایی آن را نداشتیم». مسلمان این دعا را زمانی می‌گوید که بر روی کشتی یا روی صندلی هواپیما یا ماشین یا بر روی مرکب سواری خویش قرار می‌گیرد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿۱۲﴾ لِيَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ﴾ [الزخرف: ۱۲-۱۳]. «و برای شما از کشتی و چهار پایان مرکب‌هایی قرار داد که (بر آنها) سوار شوید. تا بر پشت‌شان (درست) قرار گیرید، آنگاه چون بر آنها قرار گرفتید (و سوار شدید) نعمت پروردگارتان را یاد کنید، و بگویید: پاک و منزه است کسی که این را برای ما مسخر گرداند، و (گر نه) ما توانایی آن را نداشتیم».

«اللهم صلِّ على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد وبارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم في العالمين إنك حميد مجيد».

خداوند! درود بفرست بر محمد و آل محمد، همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، براستی که تو ستوده و بلندمرتبه هستی و بر محمد و آل محمد برکت بفرست همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم در میان جهانیان برکت فرستادی، به تحقیق که تو ستوده و بزرگوار هستی.

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶]. «بی‌گمان الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر او درود فرستید، و سلام بگویید، سلامی نیکو».

در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الإسراء: ۸۲]. «و از قرآن آنچه را که شفا و رحمت برای مؤمنان است؛ نازل می‌کنیم». بنابراین، سزاوار است که قرآن بخوانیم، به آن عمل کنیم و آن را حاکم و شفای بیماری‌ها قرار دهیم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾ [الفرقان: ۳۰]. «و پیامبر (الله) گوید: «پروردگارا! بی‌گمان قوم من این قرآن را رها کردند».

در غسل، درمان وجود دارد، چنانکه الله جل فی علاه فرموده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ﴾ [النحل: ۶۹]. «آنگاه از (شیره‌ی) تمام میوه‌ها (و گل‌ها) بخور، سپس راه‌های هموار پروردگارت را پیما» از شکم آن‌ها، نوشیدنی با رنگ‌های گوناگون بیرون می‌آید که در آن شفا برای مردم است».

الله در کتاب خویش روغن زیتون را ذکر کرده و فرموده که از درختی مبارک است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مِن شَجَرَةٍ مَّبْرُكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ﴾ [النور: ۳۵]. «این چراغ با (روغن) درخت پر برکت زیتون افروخته می‌شود، که نه شرقی است و نه غربی، نزدیک است که روغنش بدون تماس با آتش شعله‌ور شود».

آب زمزم، آب مبارکی است که الله آن را برای پیامبرش اسماعیل بن ابراهیم عليه السلام در زمینی بدون گیاه جوشاند:

الله دعای پیامبرش ابراهیم عليه السلام را چنین بازگو می‌فرماید: ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْعِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾ [ابراهيم: ۳۷]. «پروردگارا! من (برخی) از فرزندانم را در وادی (خشک) و بی آب و بی گیاه، نزد خانه گرامی تو ساکن ساختم. پروردگارا! تا نماز را بر پا دارند، پس تو دل‌های (گروهی) از مردم را به آن‌ها مایل بگردان و از میوه‌ها به آن‌ها روزی ده، باشد که آنان سپاس گزارند».

بعضی دعا‌های قرآنی

درخواست هدایت از الله:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾﴾ [الفاتحة: ۲-۷]. «ستایش مخصوص الله است که پروردگار جهانیان است. بخشنده مهربان است. مالک روز جزاء است. تنها تو را می‌پرستیم؛ و تنها از تو یاری می‌جوییم. ما را به راه راست هدایت کن. راه کسانی که بر آنان نعمت دادی؛ نه خشم گرفتگان بر آن‌ها؛ و نه گمراهان».

«اللهم اهدني و اشرح صدري للإسلام»؛ خداوندا! مرا هدایت فرما و سینه‌ام را برای پذیرش اسلام بگشای.

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ وَ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ﴾ [الأنعام: ۱۲۵]. «پس هر کس را که الله بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (قبول) اسلام می‌گشاید».

«اللهم اهدني لما اختلف فيه من الحق بإذنك إنك تهدي من تشاء إلى صراط مستقيم»؛ خداوندا به اجازه خویش مرا به حقیقت آنچه در آن اختلاف است هدایت فرما؛ زیرا تو هر کس را که بخواهی به راه راست هدایت می‌کنی.

﴿فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اختلفوا فيه من الحق بإذنه و الله يهدي من يشاء إلى صراطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [البقرة: ۲۱۳]. «پس الله به فرمان خویش کسانی را که ایمان آورده بودند؛ به آن حق و (حقیقتی) که در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد. و الله هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند».

درخواست حکمت از الله:

«اللهم إنني أسألك الحكمة التي من أوتيتها فقد أوتى خيرا كثيرا»؛ خداوندا از تو حکمت تقاضا دارم که به هر کس داده شود، به طور قطع خیر زیادی به او داده شده است.

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ [البقرة: ۲۶۹]. «(الله) به هر کس که بخواهد حکمت و (دانش) می‌دهد، و به هر کس حکمت داده شود، بی‌شک خیر فراوانی داده شده است».

پناه بردن به الله از شر شیاطین:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾﴾ [المؤمنون: ۹۷-۹۸]. «و بگو: پروردگارا! من از وسوسه‌های شیطان به تو پناه می‌برم، و پروردگارا! از اینکه آنان نزد من حاضر شوند، به تو پناه می‌برم».

فزونی خواستن علمی که از طریق وحی آمده است از الله:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ [طه: ۱۱۴]. «به (تلاوت) قرآن شتاب مکن؛ پیش از آن که وحی آن بر تو تمام شود، و بگو: پروردگارا! به علم من بیفز».

درخواست مغفرت و رحمت از الله:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١١٨﴾﴾ [المؤمنون: ۱۱۸]. «و (ای پیامبر) بگو: پروردگارا! ببخش و رحم کن! و تو بهترین رحم‌کنندگانی».

درخواست پایداری در دین از الله:

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٨﴾﴾ [آل عمران: ۸]. «پروردگارا! دل‌های ما را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی (از راه حق) منحرف مگردان، و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش برآستی که تو بخشنده‌ای».

خداوند مرا ثابت گردان به: ﴿الْقَوْلُ الثَّابِتُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ [ابراهیم: ۲۷]. «با گفتار ثابت (کلمه توحید) در زندگی دنیا و (هم) آخرت».

پروردگارا پس از اینکه مرا هدایت فرمودی، گمراه مساز

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ﴾ [التوبة: ۱۱۵]. «و هرگز الله قومی را، بعد از آنکه آن‌ها را هدایت کرد گمراه نمی‌کند، تا آنکه چیزهای را که باید از آن بپرهیزند، برای آن‌ها بیان کند».

پناه‌جستن به الله:

مسلمان هنگام تلاوت قرآن می‌گوید: (أعوذ بالله من الشيطان الرجيم)

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٩٨﴾﴾ [النحل: ۹۸]. «پس هنگامی که قرآن می‌خوانی، از (شر) شیطان رانده شده، به الله پناه ببر».

مسلمان، هنگام ورود وسوسه‌های شیطانی می‌گوید: (أعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم؛ از شر شیطان رانده‌شده به الله بسیار شنوا و بسیار دانا پناه می‌برم).
 ﴿وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [فصلت: ۳۶].
 «و هرگاه وسوسه (باز دارنده) از سوی شیطان تو را باز گرداند، پس به الله پناه ببر، یقیناً اوست که شنوای داناست».

«اللهم اني أعوذ بك من شر نفسي وشر الشيطان»؛ خداوندا از شر نفس خویش و از شر شیطان به تو پناه می‌برم.
 ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾ [یوسف: ۵۳]. «بی‌شک نفس (آماره، انسان) پیوسته به بدی فرمان می‌دهد».

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾ [فاطر: ۶]. «مسلم شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن گیرید».

درخواست از الله برای رهایی از گروه ستمگر:

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [۸۵-۸۶]. «پروردگارا! ما را دستخوش فتنه‌ی گروه ستمگر قرار نده، و به رحمت ما را از (شر) گروه کافران نجات بده».

﴿رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [القصص: ۲۱]. «پروردگارا! مرا از قوم ستمکار نجات بده».

﴿قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ﴾ [العنكبوت: ۳۰]. «(لوط) گفت: پروردگارا! مرا بر قوم مفسدان باری فرما».

رب اینی مغلوب فانتصر؛ پروردگارا من شکست خوردم، پس به دادم برس.

این دعا را نوح عليه السلام گفت و الله او را نجات داد.

﴿فَدَعَا رَبَّهُ أَتَى مَغْلُوبٌ فَانْتَصَرَ﴾ [ففتحنا أبواب السماء بماء منهمر وفجرنا الأرض عيوناً فالتقى الماء على أمرٍ قد قدير] و حملنهُ على ذاتِ ألواحٍ ودُسرٍ﴾ [القمر: ۱۰-۱۳]. «پس او پروردگارش را خواند (و عرض کرد): «من مغلوب شده‌ام، پس یاریم فرما (و از آنها انتقام بگیر)». آنگاه درهای آسمان را با آبی (فراوان و) فروریزنده گشودیم. و از زمین چشمه‌های جوشانندیم (و جاری نمودیم). پس این (دو) آب (آسمان و زمین) برای

امری که مقدر شده بود باهم درآمیختند. و او (= نوح) را بر (مرکبی) ساخته شده از تخته و میخ سوار کردیم».

توسل به الله متعال با ایمان به او و پیروی از سنت پیامبرش تا رسیدن به مرتبه شهادت:

﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ [آل عمران: ۵۳].
«پروردگارا! به آنچه نازل کرده‌ای، ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم؛ پس ما را از زمره گواهان بنویس».

درخواست آمرزش گناهان از الله:

﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الأعراف: ۲۳].
«پروردگارا! ما به خود ستم کردیم، و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم نکنی، مسلماً از زیان کاران خواهیم بود».

این کلمات را آدم عليه السلام از پروردگارش دریافت نمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ۳۷]. «آنگاه آدم از پروردگارش کلماتی فرا گرفت و الله توبه او را پذیرفت، چرا که الله توبه‌پذیر مهربان است».

﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾ [القصص: ۱۶]. «پروردگارا! من به خود ستم کردم، پس مرا ببخش».

این دعا را موسی عليه السلام پس از آن گفت که به یک نفر مشتکی زد و بدون قصد او را کشت و الله نیز او را بخشید.

درخواست بهشت از الله و پناه‌بردن به الله از جهنم:

﴿رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ۗ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا﴾ [الفرقان: ۶۵-۶۶]. «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف کن، بی‌تردید عذابش سخت و پایدار است. بی‌گمان آن (جهنم) بد قرارگاه و (بد) اقامت‌گاهی است».

﴿وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ﴾ [الشعراء: ۸۵]. «و مرا از وارثان بهشت پر نعمت بگردان».

و مرا از وارثان قرار بده: ﴿الَّذِينَ يَرْتُوبُونَ أَلْفَرْدٍ ۗ وَسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۱].
«کسانی که (بهشت) فردوس را ارث می‌برند، و جاودانه در آن خواهند ماند».

دعای اندوه و سختی:

﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَلَيْسَ لِي بِرَبٍّ رَحِيمٍ﴾ [الأنبياء: ۸۳]. «(به یاد آور) ایوب را هنگامی که پروردگارش را ندا داد: رنج و بیماری به من رسیده است، و تو مهربان‌ترین مهربانانی.»

ایوب عليه السلام این دعا را کرد و الله آسیبش را برطرف ساخت و خانواده‌اش با مثل آنان را به او بخشید.

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾ [النمل: ۶۲]. «(آیا این بت‌ها بهتر اند) یا کسی که (دعای) مضطر (= در مانده) را اجابت می‌کند؛ چون او را بخواند، و گرفتاری را بر طرف می‌سازد.»

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۷]. «(پروردگارا!) هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی‌گمان من از ستمکاران بودم.»
این دعا را یونس زمانی کرد که در تاریکی‌های شکم ماهی بود و الله او را از غم و اندوه نجات داد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۸]. «پس دعای او را اجابت کردیم، و از اندوه نجاتش دادیم، و این گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم.»

کلمه توحید «لا إله إلا أنت» و منزّه دانستن الله از هر عیب و نقص (سبحانک) و فروتنی در برابر الله و اعتراف به کوتاهی و گناه «إني كنت من الظالمين»؛ مددخواهی بسیار نیکویی است.

تقاضای خیر دنیا و آخرت از الله:

خداوند! ﴿أَنْتَ وَلِيْنَا فَأَعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْعَافِرِينَ﴾ [الاعراف: ۱۵۵-۱۵۶]. «تو یاور (و کارساز) مایی، پس ما را بیامرز، و بر ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگان. و برای ما در این دنیا، و در سرای آخرت، نیکی مقرر فرما.»

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱]. «پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت (نیز) نیکی (عطا فرما) و ما را از عذاب آتش نگه دار.»

﴿رَبَّنَا وَعَايِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ [آل عمران: ۱۹۴]. «پروردگارا! آنچه را که بر (زبان) فرستادگانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن، و ما را در روز قیامت رسوا مگردان، بدرستی که تو خلاف وعده نمی‌کنی».

درخواست خیری که نزد الله است از او تعالی:

﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ [الفصص: ۲۴]. «پروردگارا! من هر چیزی که بر من بفرستی نیازمند هستم».

درخواست فرزندان پاک از الله:

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ [آل عمران: ۳۸]. «پروردگارا! از طرف خود فرزند پاکیزه‌ای به من عطا کن، به درستی تو شنونده دعایی».

﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۹]. «پروردگارا! مرا تنها مگذار، و تو بهترین وارثانی».

زکریا علیه السلام این دعا را کرد و الله یحیی علیه السلام را به او بخشید و همسرش را برای او صالح گردانید.

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [الصفات: ۱۰۰]. «پروردگارا! به من (فرزندی) از صالحان عطا فرما».

ابراهیم علیه السلام این دعا را کرد و الله اسماعیل علیه السلام را به او بخشید.

تقاضای اصلاح زن و فرزندان و جایگاه والا از الله:

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [الفرقان: ۷۴]. «پروردگارا! از همسران مان، و فرزندان مان مایه روشنی چشم به ما عطا فرما، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا قرار بده».

دعای آمرزش برای خویش و پدر و مادر:

«رب اغفر لی ولوالدی وللمؤمنین یوم یقوم الحساب»

﴿رَبِّ أَرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ [الإسراء: ۲۴]. «پروردگارا! به آنان رحمت آور، همان‌گونه که مرا در کودکی پرورش دادند».

خداوندا مرا از بخل و خست نفسم مصون بدار و از رستگاران قرار بده.

﴿وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الحشر: ۹]. «و کسانی که از بخل (و حرص) نفس خویش باز داشته شده‌اند، پس آن‌ها راستگارانند».

سپاس‌گزاری از الله به خاطر نعمت‌هایش و توفیق عمل صالح که او را خشنود می‌سازد:

﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۖ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [الأحقاف: ۱۵].

«پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمت را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به جای آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که تو از آن خشنود شوی، و فرزندانم را صالح گردان، بی‌گمان من به سوی تو بازگشتم (و توبه نمودم)، و بی‌شک من از مسلمانانم».

﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ [النمل: ۱۹]. «پروردگارا! به من توفیق ده تا شکر نعمت‌هایی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته‌ی بجای آورم، و (توفیق عطا فرما تا) کار (های) شایسته‌ی که تو خشنود شوی، انجام دهم، و مرا به رحمت خود در (زمره) بندگان صالحت در آور».

خداوند! مرا در زندگی دنیا و آخرت با سخن استوار ثابت بگردان.

﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ [ابراهيم: ۲۷].

«الله کسانی را که ایمان آوردند، با گفتار ثابت (کلمه توحید) در زندگی دنیا و (هم) آخرت پایدار (و ثابت قدم) می‌دارد».

تقاضای پاکی قلب از الله:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰]. «پروردگارا! ما را و برادران مان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند ببامرز، و در دل‌های مان کینه‌ای نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا! بی‌گمان تو رؤوف و مهربانی».

﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ [نوح: ۲۸].

«پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و هر آن کس که با ایمان وارد خانه من شود، و (تمام) مردان مؤمن و زنان مؤمن را ببامرز».

﴿وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴿٨٧﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ

سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾ [الشعراء: ۸۷-۸۹]. «و در روزی که (همهٔ مردم) برانگیخته می‌شوند، مرا رسوا (و شرم‌منده) مکن. روزی که مال و فرزندان سودی نبخشند. مگر کسی که با قلب سلیم (خالی از شرک و کفر و نفاق) به پیشگاه الله بیاید».

درخواست نور و مغفرت از الله:

﴿رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾﴾ [التحریم: ۸]. «پروردگارا! نور

ما را به تمام (و کمال) برسان، و ما را بیمارز بی‌گمان تو بر هر چیز توانایی».

خداوندا! ایمان را نزد ما دوست‌داشتنی بگردان و آن را در دل‌هایمان زینت بخش و کفر و گناهکاری و نافرمانی از فرمان خودت را نزد ما ناپسند بگردان و ما را از هدایت‌یافتگان قرار بده.

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ

اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ

وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ ﴿٧﴾﴾ [الحجرات: ۷]. «و بدانید که همانا رسول الله در میان

شماست، اگر در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، یقیناً به مشقت خواهید افتاد، و لیکن الله ایمان را محبوب شما ساخت و آن را در دل‌های تان زینت بخشید، و کفر و فسق و نافرمانی را برایتان (منفور و) ناپسند گرداند، اینانند که هدایت یافتگانند».

تقاضای قبول از جانب الله:

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٢٧﴾ وَتُبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ

الرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾﴾ [البقرة: ۱۲۷-۱۲۸]. «پروردگارا! از ما بپذیر، همانا که تویی شنوای دانا. و توبه ما را

بپذیر، بدرستی که تو توبه‌پذیر مهربانی».

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾﴾ [ابراهيم: ۴۰].

«پروردگارا! مرا بر پا دارنده‌ی نماز قرار بده، و از فرزندانم (چنین فرما)، پروردگارا! و دعای مرا بپذیر!».

موارد فوق، برخی دعا‌های قرآن و بهترین دعاهاست که الله در کتاب گرانبهایش بیان فرموده است.

رسول الله دعا‌های دیگری دارد که پس از دعا‌های قرآنی، بهترین دعاها هستند؛

زیرا کلام ایشان ﷺ، وحی الهی است.

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۗ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۲-۴]. «یار شما (= محمد ﷺ) گمراه نشده و راه را گم نکرده است، و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. این نیست جز آنچه به او وحی می‌شود (و بجز وحی چیزی نمی‌گوید)».

تمام این دعاها و سنت نبوی که چگونگی اطاعت از الله و رسولش را توضیح می‌دهند، محفوظ هستند؛ چون الله آنها را برای کتاب خودش و وعده اظهار دینش اختصاص داد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُو لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹]. «همانا ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما نگهبان آن هستیم».

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِثَبِّينَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴]. «و (ما این) قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی، آنچه را که به سوی آنها نازل شده است، و باشد که آنها بیندیشند».

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ [التوبة: ۳۳]. «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین‌ها غالب گرداند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند».

احادیث پیامبر که دین الله را توضیح می‌دهند، تا زمانی که دین

باقی است، باقی هستند

زیرا الله به اطاعت از پیامبر حتی پس از مرگ وی ﷺ فرمان داده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾ [الزمر: ۳۰]. «(ای پیامبر) قطعاً تو خواهی مرد، و آنها (نیز) خواهند مرد».

﴿أَفَأَيْنَ مَتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ﴾ [الانبیاء: ۳۴]. «آیا اگر تو بمیری، پس آنها جاوید خواهند بود؟!».

این سخن ناصحیح است. آنان هرگز جاودان نخواهند شد.

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإَيْنَ مَاتَ أَوْ قُتِلَ أُنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ﴾ [آل عمران: ۱۴۴]. «و محمد جز فرستاده‌ای نیست، که به راستی پیش از او (نیز)

فرستادگانی (بوده‌اند و) گذشتند. آیا اگر بمیرد یا کشته شود، شما به عقب می‌گردید (و عقیده و دین خود را رها می‌کنید؟)».

سزاوار نیست که از عقیده خود بازگردید.

الله به مؤمنان فرمان داد که بر راه پیامبر ﷺ حرکت کنند و پس از مرگ او، راهش را رها نکنند یا از دینش بازنگردند؛ زیرا رسالت باقی است هر چند رسول الله که پدر و مادرم فدایش باد، مرده است.

اما هر کس از عقیده‌اش بازگردد و هدایت پیامبر و حقی را که آورد رها کند، ذره‌ای به الله ضرر نخواهد رساند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنِ يَصُرَّ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ

الشَّاكِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۴]. «و هر کس به عقب بازگردد (و عقیده و دین راستین را رها کند) هرگز به الله زیانی نمی‌رساند، و به زودی الله سپاسگزاران را پاداش می‌دهد».

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ

تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۱۷۰].

«ای مردم، بی‌گمان پیامبر (موعود محمد ﷺ) با (آیین) حق از جانب پروردگارتان برای شما آمد، پس به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است، و اگر کافر شوید؛ پس یقیناً (بدانید که) آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن الله است، (و کفر شما به او زیانی نمی‌رساند) و الله دانای حکیم است».

الله به مؤمنان فرمان داد که در هر عصری از او سبحانه با پیروی از کتابش و از

رسولش با پیروی از سنت او ﷺ و از اولوالأمر در اطاعت الله و رسولش، اطاعت کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ [النساء: ۵۹].

«اطاعت کنید الله را، و اطاعت کنید پیامبر، و صاحبان امر تان را».

احادیث صحیح رسول الله را که تبیین کننده دین الله هستند چگونه

بشناسیم؟

هرکس نسبت به احادیث صحیح رسول الله که دین الله را توضیح می دهند آشنایی ندارد، باید از علمای آگاه به حدیث بپرسد:

الله متعال می فرماید: ﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۴۳]. «پس (ای مردم) اگر نمی دانید از (آگاهان) اهل کتاب بپرسید».

یکی از رحمت های الله نسبت به بندگانش این است که صفات علمای راستین را برایشان مشخص فرموده است تا فریب علمای گمراه را نخورند. برخی صفات علمای راستین:

علمای پُرمايه، همان مؤمنان به وحی هستند که الله آن را بر محمد و پیامبران پیش از او علیهم الصلاة والسلام نازل فرمود:

الله متعال می فرماید: ﴿لَكِنَّ الرِّسْحُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ﴾ [النساء: ۱۶۲]. «ولی (دانشمندان و) راسخان در علم از آنان و مؤمنان، به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل گردیده؛ ایمان می آورند».

علمای حقیقی، داناترین افراد به الله و اینکه او تعالی، بزرگوار و حکیمی است که غیر او شایسته عبادت نیست، هستند: الله متعال می فرماید: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [آل عمران: ۱۸]. «الله گواهی داده است که معبودی (بحق) جز او نیست، و فرشتگان و صاحبان دانش، (نیز) بر این مطلب گواهی می دهند. در حالی که (الله در جهان هستی) قیام به عدالت دارد، معبودی (بحق) جز او نیست، که توانمند حکیم است».

علمای راستین، بیش از دیگران از الله می ترسند و کسی که از خدا نترسد مورد اعتماد نیست:

الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ [فاطر: ۲۸]. «جز این نیست که از میان بندگان الله دانایان از او می ترسند».

علمای مورد اعتماد، همان خداشناسانی هستند که آنچه را پروردگارشان در کتاب خویش بر آنان نازل فرموده، به مردم می آموزانند و آن را مورد بحث و بررسی قرار می دهند و درک می کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّيْنَ عِنَّمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ﴾ [آل عمران: ۷۹]. «بلکه (سزاوار پیامبران این است که به مردم بگویند: به سبب آنکه کتاب (آسمانی) آموزش می‌دادید و از آن رو که درس می‌خواندید (مردمانی) ربانی و الهی باشید».

مؤمنان، از علما در مورد روایات و نظرات‌شان نمی‌پرسند، بلکه فقط در مورد آنچه رسولان از جانب پروردگارشان آوردند از آنان می‌پرسند تا وقتی که الله از آنان می‌پرسد، پاسخگو باشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾﴾ [القصر: ۶۵]. «و روزی که (الله) آنان را ندا دهد، آنگاه فرماید: «پیامبران را چه پاسخی دادید؟!».

﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ﴾ [الزمر: ۷۱]. «آیا پیامبرانی از میان خودتان به سوی شما نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند». علمای گمراه، مردم را با علمی که برگرفته از وحی الهی نیست، گمراه می‌سازند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَتُوبِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّن عِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [الأحقاف: ۴]. «اگر راست می‌گویید کتابی (آسمانی) پیش از این (قرآن)، یا اثری از علم (گذشتگان، بر صدق ادعای خود) برای من بیاورید».

﴿أَمْ آتَيْنَهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْهُ بَلْ إِن يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُم بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا﴾ [فاطر: ۴۰]. «یا به آن‌ها کتابی داده‌ایم که آن‌ها دلیلی از آن (برای شرک خود) دارند؟» (نه هیچ‌یک از این‌ها نیست) بلکه ستمکاران جز فریب به یکدیگر وعده نمی‌دهند». علمای گمراه، از باطل و پیروانش بیزاری نمی‌جویند؛ چنانکه به کسانی که سخنان باطل می‌گویند و مردم را از حق بازمی‌دارند، گوش فرا می‌دهند و با این وجود، با آنان مخالفت نمی‌کنند و مردم را از آنان باز نمی‌دارند و مطلبی در پاسخ به آنان نمی‌نویسند؛ زیرا در واقع، همانند آنان هستند، هر چند به این امر تصریح نمی‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۵۶]. «به راستی که راه راست (و هدایت) از راه انحراف (و گمراهی) روشن شده است. پس هر کس به طاغوت (شیطان و بت و انسان‌های گمراه و طغیانگر) کفر ورزد و به الله ایمان آورد، پس به راستی که به دستگیره محکمی چنگ زده است، که آن را گسستن نیست، و الله شنوای داناست».

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبُسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۷۱]. «ای اهل کتاب! چرا حق را به باطل می‌آمیزید. و حق را کتمان می‌کنید در حالی که خودتان می‌دانید».

﴿وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ﴾ [النساء: ۴۴]. «و می‌خواهند شما (نیز) گمراه شوید؟».

پیروان حق و هدایت، هیچ‌گونه مزد و مالی از مردم درخواست نمی‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ يَاقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ﴾ [آل عمران: ۲۰-۲۱]. «گفت: ای قوم من! پیامبران (الله) را پیروی کنید. کسانی را پیروی کنید که از شما مزدی طلب نمی‌کنند، و خودشان هدایت یافته‌اند».

اهل ذکر - علمای آشنا به حدیث رسول الله ﷺ که مسلمانان آنان را به علم و تقوا می‌شناسند - بسیارند؛ از جمله:

علمای صحابه مانند ابوهریره، ابن عمر، عائشه و ابن عباس رضی الله عنهم أجمعین.

علمای تابعین مانند سعید بن مسیب و عطاء بن ابی رباح.

ائمه چهارگانه مذاهب فقهی: ابوحنیفه، مالک بن انس، شافعی و احمد بن حنبل رحمهم الله.

ائمه‌ای که احادیث رسول الله را به صورت مدون گردآوری کردند: بخاری و مسلم. دو کتاب این دو امام، صحیحین نامیده می‌شود؛ زیرا صحیح‌ترین و قوی‌ترین اسانید به رسول الله ﷺ را در کتاب‌های خویش فراهم آورده‌اند. علمای اسلام بر صحت تمام احادیث مسند به رسول الله ﷺ که در این دو کتاب آمده است، اتفاق نظر دارند و با استقبال مسلمانان روبرو شده است.

سایر مؤلفان کتاب‌های ششگانه که احادیث رسول الله ﷺ را جمع‌آوری کرده‌اند: نسائی، ابوداؤد، ترمذی و ابن ماجه. تمام احادیث این کتاب‌ها مسند هستند. برخی احادیث این چهار کتاب، ضعیف هستند که اگر کسی اسانید آنها را مورد بررسی قرار دهد، به ضعف آنها پی می‌برد. مؤلفان این کتاب‌ها ضعف برخی از این احادیث ضعیف را مشخص کرده‌اند و ضعف سایر احادیث ضعیف را علمای دیگر بیان کرده‌اند.

برخی علمای اسلام که به تفسیر قرآن کریم مشهور هستند: امام مفسرین ابن جریر طبری، ابن کثیر، قرطبی و بغوی رحمهم الله أجمعین. تفسیر تمام این مفسران رحمهم الله،

بر اساس احادیث صحیح پیامبر ﷺ و اقوال اهل ذکر از صحابه و تابعان مورد اعتماد است.

علم اسانید از جمله علوم اسلامی است که مایه افتخار مسلمانان است؛ زیرا علمی است که بر تحقیق احوال راویان و کاوش و بررسی دقیق قبول اخبار منقول از رسول الله ﷺ استوار است. بعلاوه، هر مسلمانی می‌تواند این علم را بیاموزد و تلاش‌های مداوم و دشواری را که علمای اسلام برای تبلیغ دین الله به صورت ناب و خالص، آنگونه که رسول الله ﷺ به اصحابش بیان فرمود، متحمل شدند، دریابد. بدرستی که الله این علم را برای دینش که خاتم ادیان است، اختصاص داد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹].
«همانا ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما نگهبان آن هستیم».

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ [التوبة: ۳۳]. «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین‌ها غالب گرداند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند».
به توفیق و فضل الله، جزء اول کتاب نور من الوحی پایان یافت.
از الله تقاضا دارم که آن را برای خودش و از خودش بپذیرد.